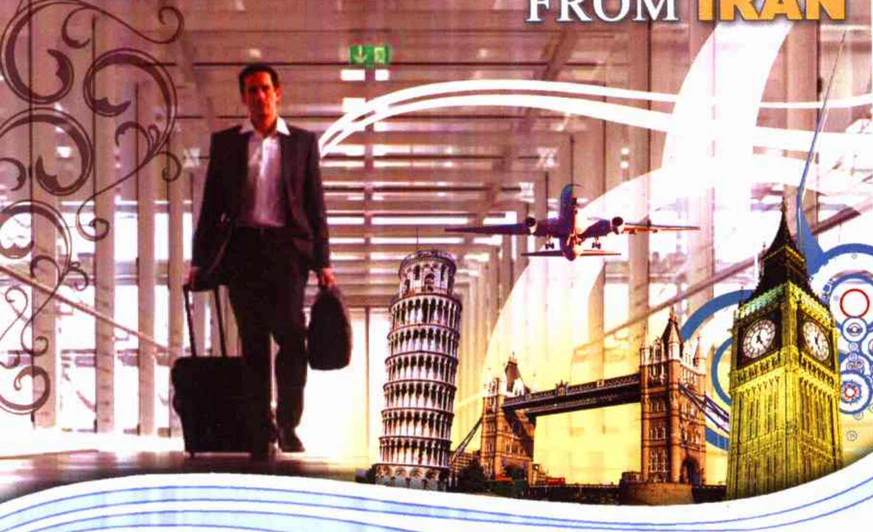
MP3 CD

خودآموز مکالمه انگلیسی

انگلیسی برای مسافری از ایران

ا. طلوع

ENGLISH FOR A PASSENGER FROM IRAN



ENGLISH FOR A PASSENGER FROM IRAN

انگلیسی

برای

مسافری از ایران

خودآموز مکالمه انگلیسی

مولف: ابوالقاسم طلوع

طراحی جلد و صفحات داخلی: سونا طلوع

پخش: انتشارات جنگل ۰۲۱-۶۶۴۹۰۳۸۲-۴

۶۶۴۹۰۳۷۰

سرشناسه	:طلوع، ابوالقاسم، ۱۳۴۰-
عنوان و نام پدیدآور	:انگلیسی برای مسافری از ایران: خودآموز مکالمه انگلیسی/ مولف: ابوالقاسم طلوع
مشخصات نشر	: تهران: جنگل، جاودانه ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	:۳۵۲ص.
شابک	: ۱-۱۵۸-۹۸۱-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
عنوان دیگر	: خودآموز مکالمه انگلیسی.
موضوع	: زبان انگلیسی- - مکالمه و جمله سازی- - فارسی.
موضوع	: زبان انگلیسی- - کتاب‌های درسی برای خارجیان- - فارسی.
موضوع	: زبان انگلیسی- - خودآموز.
رده‌بندی کنگره	: PE۱۱۳۱/ط۸الف۸ ۱۳۸۶
رده‌بندی دیویی	: ۴۲۸/۲۴فا
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۱۶۰۴۵۲

عنوان کتاب: انگلیسی برای مسافری از ایران

مؤلف: ابوالقاسم طلوع

ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه

ناظرفنی: امین لشکری

صفحه‌آرایی: سونا طلوع

نوبت و سال چاپ: بیست و دوم، ۱۳۹۰

قطع و تیراژ: رقعی، ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۵۰۰۰ ریال با CD رایگان

شابک: ۱-۱۵۸-۹۸۱-۹۶۴-۹۷۸

تلفن: ۶۶۴۹۰۴۸۷- ۶۶۴۹۰۳۸۳- ۰۲۱ ***Emil://Info@junglepub.org***

۹-۳۲۰۳۸۰۰- ۳۲۰۵۰۶۷- ۰۳۱۱ ***http:// www.junglepub.org***

بسم الله الرحمن الرحیم

یادگیری مهارت مکالمه انگلیسی همواره بـرای فراگیران زبـان نوعی چالش محسوب می شده. حتی کسـانی که بـه امر خواندن، نوشـتن و گرامر زبـان تسـلط کامل دارند، در هنگام سـخن گفتن بـــه نوعی دچار ســـردرگمی و دستپاچگی می شوند. در واقع باید بپذیریم که سخن گفتن، پیچیده ترین شکل ارائه زبان است. اما نکته امیدوارکننده این اســت که واژگان اســتفاده شده در یک مکالمه معمولی نسبت به کل واژگان زبان بسیار اندک و گرامر به کار برده شده در آن بسیار ساده می باشد.

با در نظر گرفتن این واقعیت که زبان نوشتاری پایدارتر از زبان گفتاری ست، پس سرعت عمل داشتن در امر گفتن و شنیدن، تمرین و ممارست بیشتری را می طلبد.

با این مقدمه کوتاه به معرفی کلی کتاب **انگلیسی برای مسافری از ایران** می پردازیم.

۱. در تدوین این کتاب برای انجام مکالمه های درست و روان از ساختارهای پایه‌ای زبان استفاده شده است.
۲. مکالمه های بسیار ضروری در بخش‌های آغازین آمده است.
۳. در دایلوگ‌ها از شکل های مکالمه‌ای جدید و واژگان مدرن استفاده شده است.
۴. در قسمت تلفظ، سعی شده کلمات آن طور که در مکالمات روزمره به کار می روند، تلفظ شوند. مثلا به جای (هی ایز)، (هی اِز) و (ذِی آر)، (ذِی آ، و . . .) نوشته شده است.
۵. در بخش‌های مختلف کتاب جهت مقاصد بازرگانی و توریستی افراد مطالب کاربردی متنوع در نظر گرفته شده است.
۶. در قسمت مکالمات مرجع، جملات متعددی برای بیان احساسات، عواطف، افکار، و هیجانات آورده شده است.

امید است که کتاب حاضر راهنمای خوبی برای مقاصد آموزشی شما و همچنین همراه خوبی در سفر تان باشد.

ا. طلوع

فهرست مطالب

The table of the Contents

مکالمات مرجع

Reference Conversations

1 Everyday Activities (1) (278)

2 Everyday Activities (2) (287)

الفباء انگلیسی و صدای آنها

The Alphabet حروف الفباء

الفباء انگلیسی دارای ۲۶ حرف می باشد. در متن های چاپی حروف انگلیسی به شکل های حروف بزرگ و حروف کوچک کتابی استفاده می شوند. حروف بزرگ در اولین حرف شروع یک جمله و اسامی خاص استفاده می شوند.

حروف بزرگ کتابی

A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K	L	M
اِی	بی	سی	دی	ئی	اِف	جی	اِیچ	آی	جِی	کِی	اِل	اِم
N	O	P	Q	R	S	T	U	V	W	X	Y	Z
اِن	اُو	پی	کیو	آر	اِس	تی	یو	وی	دابلیو	اِکس	وای	زی

حروف کوچک کتابی

a	b	c	d	e	f	g	h	i	j	k	l	m
n	o	p	q	r	s	t	u	v	w	x	y	z

صداها در زبان انگلیسی

هر حرف دارای نام و صدای خاصی است. مثلا اولین حرف الفباء انگلیسی ای نام دارد. اما دارای چندین صدا است. با خواندن و تمرین کردن مثال های متعدد می توانید به خوبی بر صداها تسلط یابید و تا حد امکان کلمات را صحیح ادا کنید.

الفباء انگلیسی و صدای آنها

چند نکته بسیار مهم!

۱ تلفظ صدای w

برای حرف (و) دو صدا داریم. یکی صدای v (و) که مانند (و) فارسی خودمان تلفظ می شود. اما یک نوع (و) دیگرهم داریم که به صورت w نشان داده می شود. و مانند (و) عربی ادا می شود. یعنی اینکه برای گفتن آن لب ها گرد می شوند.

۲ تلفظ صدای (ذ) th

در قسمت تلفظ هرگاه th (ذ) را ملاحظه کردید آن را مانند (ذ) عربی تلفظ کنید. یعنی اینکه برای ادای آن نوک زبان را بین دو دندان قرار دهید به طوری که تارهای صوتی تان به لرزش درآیند. دقت کنید این (ذ) را با (ز) فارسی اشتباه نگیرید.

۳ تلفظ صدای (ث) th

همینطور تلفظ حرف th (ث) مانند (ث) عربی صورت می گیرد. یعنی اینکه برای ادای آن نوک زبان را بین دو دندان قرار دهید. طبیعی است که این صدا را هم نباید با (س) فارسی اشتباه بگیرید. مثل: (ثَنک یو) thank you

۴ تلفظ صدای (ر) r

حرف (r) معمولا در وسط و آخر کلمه ضعیف تلفظ شده و یا اصلا تلفظ نمی شود. مثلا در کلمه car (اتومبیل) تلفظ آن به صورت کا(ر) نوشته شده است. که در اینجا حرف (ر) ضعیف تلفظ می شود. معمولا در مکالمه با توجه به سرعت سخن گفتن حرف (ر) خیلی ضعیف تلفظ می گردد.

۵ تلفظ دو بی صدا

هر گاه دو حرف بی صدا با هم بیایند (به ویژه در اول کلمه) بین آن دو بی صدا صدای دیگری قرار نمی دهیم. مثلا در کلمه blue تلفظ آن به صورت (بْلو) نوشته می شود. در نتیجه تلفظ آن به شکل (بِلو) غلط می باشد.

۶ تلفظ s قبل از بی صدا

اگر حرف s در اول کلمه و قبل از یک حرف بی صدا بیاید، تلفظ آن (س) یا (ز) می باشد. مثلا درکلمه snow تلفظ درست آن (سْنُو) است. یعنی اینکه حرف (س) در اول کلمه ساکن بوده و بیان آن به شکل (اسنُو) غلط می باشد.

۷ تلفظ i به صورت (ئی) کوتاه

یکی از صداهای حرف i (ئی) کوتاه می باشد. از آنجا که مشابه این صدا را در زبان فارسی نداریم، در این کتاب به جای (ئی) از (اِ) استفاده شده است. مثلا کلمات sick (بیمار) با تلفظ فارسی (سِکْ) و ship (کشتی) با تلفظ فارسی (شِپ) آمده است. بنابراین باید توجه داشت که کلمات فوق با seek (جستجو کردن) که (سیک) و یا sheep (گوسفند) که (شیپ) تلفظ می شوند، فرق دارند.

الفباء انگلیسی و صدای آنها

تصویر	معنی	تلفظ	مثال	صدا	اسم	حرف
	گربه	کَت	**cat**	اَ	اِی	A a
	خورد	اِیت	**ate**	اِی	اِی	A a
	بازو	آ(ر)م	**arm**	آ	اِی	A a
	خوابیده	اِسلیپ	**asleep**	اِ کوتاه	اِی	A a
	جعبه	باکس	**box**	ب	بی	B b
	مسابقه	رِیس	**race**	س	سی	C c
	ماشین	کا(ر)	**car**	ک	سی	C c
	پدر	دَد	**dad**	د	دی	D d
	مرغ	هِن	**hen**	اِ	ئی	E e

الفباء انگلیسی و صدای آنها

تصویر	معنی	تلفظ	مثال	صدا	اسم	حرف
	شب غروب	ایونینگ	evening	ئی	ئی	E e
	پنکه	فَن	fan	ف	اِف	F f
	خوشحال	گلَد	glad	گ	جی	G g
	پرتقال	آرینج	orange	ج	جی	G g
	کلاه	هَت	hat	ه	اِیچ	H h
	شش	سِکس	six	ئی کوتاه	آی	I i
	پنج	فایو	five	آی	آی	I i
	مربا	جَم	jam	ج	جِی	J j
	کمر	بَک	back	ک	کِی	K k

الفباء انگلیسی و صدای آنها

تصویر	معنی	تلفظ	مثال	صدا	اسم	حرف
	لب	لِپ	lip	ل	اِل	L l
	مرد	مَن	man	م	اِم	M m
	تفنگ	گان	gun	ن	اِن	N n
	سگ	داگ	dog	آ	اُو	O o
	بی پول	بْرُوک	broke	اُو	اُو	O o
	حرکت دادن	موو	move	او	اُو	O o
	پسر	بُی	boy	اُ	اُو	O o
	خانه	هَوْس	house	اَو	اُو	O o
	دکتر	داکتِ(ر)	doctor	اِ کوتاه	اُو	O o

الفباء انگلیسی و صدای آنها

تصویر	معنی	تلفظ	مثال	صدا	اسم	حرف
	تاوه	پَن	pan	پ	پی	P p
	ملکه	کوئین	queen	ک	کیو	Q q
	باران	رِین	rain	ر	آر	R r
	نشست	سَت	sat	س	اِس	S s
	سگها	داگز	dogs	ز	اِس	S s
	چاق	فَت	fat	ت	تی	T t
	موسیقی	میوزِک	music	یو	یو	U u
	بریدن	کات	cut	آ	یو	U u
	خط کش	رول(ِر)	ruler	او	یو	U u

الفباء انگلیسی و صدای آنها

تصویر	معنی	تلفظ	مثال	صدا	اسم	حرف
	سیر	فُل	full	اُ	یو	U u
	پرستار	نِ(ر)س	nurse	اِ	یو	U u
	مشغول	بِزی	busy	ئی کوتاه	یو	U u
	وَن	وَن	van	و	وی	V v
	دیوار	وال	wall	و (لبها گرد می شوند)	دابلیو	W w
	تبر	اَکس	ax	کْس	اِکس	X x
	گریه کردن	کْرای	cry	آی	وای	Y y
	جوان	یانگ	young	ی	وای	Y y
	جاز	جَز	jazz	ز	زی	Z z

صداهای ترکیبی

تصویر	معنی	تلفظ	مثال	صدا	حرف
	سایه	شِید	**sh**ade	ش	s+h
	بچه	چایْلْد	**ch**ild	چ	c+h
	پدر	فاذِ(ر)	fa**th**er	ذ (نوک زبان بین دو دندان مانند ذ عربی)	t+h
	سه	ثْری	**th**ree	ث (نوک زبان بین دو دندان مانند ث عربی)	t+h

2 Essential Grammar
گرامر ضروری

به منظور درک بهتر مطالب این کتاب پیشنهاد می شود قبل از هر کاری مروری کوتاه بر گرامر زبان انگلیسی داشته باشیم.

۱ فعل to be (بودن)

شکل مثبت

شکل کامل		شکل کوتاه شده		
I am	آی اَم	I'm	آیم	من هستم
you are	یو آ(ر)	you're	یو(ر)	تو هستی
he is	هی اِز	he's	هیز	او هست (مذکر)
she is	شی اِز	she's	شیز	او هست (مونث)
it is	اِت اِز	it's	اِتس	این/ آن هست (غیر شخص)
we are	وی آ(ر)	we're	وی اِ(ر)	ما هستیم
you are	یو آ(ر)	you're	یو(ر)	شما هستید
they are	ذِی آ(ر)	they're	ذِ(ر)	آنها هستند

شکل منفی

شکل کامل		شکل کوتاه شده		
I am not	آی اَم نات	I'm not	آیم نات	من نیستم
you are not	یو آ(ر) نات	you aren't	یو آنت	تو نیستی
he is not	هی اِز نات	he isn't	هی اِزنت	او نیست (مذکر)
she is not	شی اِز نات	she isn't	شی اِزنت	او نیست (مونث)
it is not	اِت اِز نات	it isn't	اِت اِزنت	این/ آن نیست
we are not	وی آ(ر) نات	we aren't	وی آنت	ما نیستیم
you are not	یو آ(ر) نات	you aren't	یو آنت	شما نیستید
they are not	ذِی آ(ر) نات	they aren't	ذِی آنت	آنها نیستند

شکل سؤالی

Am I?	اَم آی؟	آیا من هستم؟
Are you?	آ(ر) یو؟	آیا تو هستی؟
Is he?	اِز هی؟	آیا او هست؟
Is she?	اِز شی؟	آیا او هست؟
Is it?	اِز اِت؟	آیا این (آن) هست؟
Are we?	آ (ر) وی؟	آیا ما هستیم؟
Are you?	آ(ر) یو؟	آیا شما هستید؟
Are they?	آ(ر) ذِی؟	آیا آنها هستند؟

2 گرامر ضروری

۲ حروف تعریف

a : حرف تعریف نامعین می باشد و قبل از حروف بی صدا استفاده می شود:

a man	اِ مَن	یک مرد (مردی)
a table	اِ تیبُل	یک میز (میزی)

an : حرف تعریف نامعین می باشد و قبل از حروف صدا دار (a, e, o, i, u) استفاده می شود: (زمانیکه حروف فوق یکی از صداهای آ، اَ، اِ، اُ و او داشته باشند):

an egg	اَن اِگ	یک تخم مرغ (تخم مرغی)
an umbrella	اَن آمبرِلَ	یک چتر (چتری)

توجه: حروف تعریف نامعین a و an قبل از اسامی مفرد قابل شمارش استفاده می شوند.

a banana	اِ بِنَنَ	یک موز (موزی)
a chair	اِ چِ(ر)	یک صندلی (صندلی)
an eye	اَن آی	یک چشم (چشمی)
an apple	اَن اَپِل	یک سیب (سیبی)

the : حرف تعریف معین می باشد که قبل از اسامی (مفرد یا جمع) که می شناسیم یا درباره آنها صحبت کرده ایم استفاده می شود.

the man	ذِ مَن	مرد (مردی که می شناسیم)
the woman	ذِ وُمِن	زن (زنی که می شناسیم)

۳ جمع اسامی

الف: جمع با قاعده بیشتر اسم ها با اضافه کردن s یا es به آخر آنها جمع بسته می شوند.

a girl	اِ گِ(ر)ل	یک دختر	girls	گِ(ر)لز	دختران
a boy	اِ بُوی	یک پسر	boys	بُویز	پسران

برای جمع بستن اسم هایی که به z، sh، ch، s، x و o ختم شوند از es استفاده می شود.

a box	اِ باکس	یک جعبه	boxes	باکسِیز	جعبه ها
a wish	اِ وِش	یک آرزو	wishes	وِشیز	آرزوها
a kiss	اِ کِس	یک بوسه	kisses	کِسیز	بوسه ها
a church	اِ چِ(ر)چ	یک کلیسا	churches	چِ(ر)چیز	کلیساها

بعضی از اسم هائی که به y ختم می شوند در صورتی که حرف قبل از y بی صدا باشد، در جمع y حذف شده و ies اضافه می شود.

a lady	اِ لِیدی	یک بانو	ladies	لِیدیز	بانوان
a country	اِ کانتری	یک کشور	countries	کانتریز	کشورها

اسمهایی که به f یا fe ختم شوند در جمع f حذف شده و ves اضافه می شود.

life	لایف	زندگی	lives	لایوز	زندگی ها
wife	وایف	زن(همسر)	wives	وایوز	همسران

2 گرامر ضروری

leaf	لیف	برگ	leaves	لیوز	برگ ها
thief	ثیف	دزد	thieves	ثیوز	دزدان

ب: جمع بی قاعده بعضی از اسم ها شکل جمع بی قاعده دارند.

man	مَن	مرد- انسان	men	مِن	مردان- انسانها
woman	وُمِن	زن	women	وِمِن	زنان
mouse	مَوس	موش	mice	مایس	موشها
foot	فُت	پا	feet	فیت	پاها
child	چایلد	بچه	children	چِلدرِن	بچه ها
tooth	توث	دندان	teeth	تیث	دندان ها

٤ صفات

در زبان انگلیسی صفت قبل از اسم به کار برده می شود و اطلاعات بیشتری درباره اشیاء یا اشخاص می دهد.

a **blue** car — اِ بلو کا(ر) — یک ماشین آبی

صفت تفضیلی (برتر): برای تفضیلی کردن صفات کمتر از دو بخش **er** بعد از صفات اضافه می شود.

big	بیگ	بزرگ	bi**gger** (than)	بیگِ (ذَن)	بزرگتر (از)
old	اُولد	پیر- قدیمی	old**er** (than)	اُولدِ (ذَن)	پیرتر (از)
easy	ایزی	آسان	easi**er** (than)	ایزی یِ (ذَن)	آسانتر (از)

صفت عالی(برترین): برای ساختن شکل عالی صفات کمتر از دو بخش **est** بعد از صفات اضافه می شود.

big	بیگ	بزرگ	the bi**ggest**	ذِ بیگِست	بزرگترین
old	اُولد	پیر- قدیمی	the old**est**	ذی اُولدِست	پیرترین
easy	ایزی	آسان	the easi**est**	ذی ایزِیست	آسانترین

تفضیلی و عالی صفات بیشتر از دو بخش: برای شکل تفضیلی از **more** و برای شکل عالی از **the most** قبل از صفت استفاده می کنیم.

beautiful	بی یو تِفُل	زیبا
more beautiful	مُ(ر) بی یو تِفُل	زیباتر
the most beautiful	ذِ مُوست بی یو تِفُل	زیباترین

شکل بی قاعده تفضیلی و عالی بعضی از صفات

صفت ساده			صفت تفضیلی			صفت عالی		
good	گُد	خوب	better	بِتِ	بهتر	best	بِست	بهترین
bad	بَد	بد	worse	وِ(ر)س	بدتر	worst	وِ(ر)ست	بدترین
much	ماچ	زیاد(غیر قابل شمارش)	more	مُ(ر)	بیشتر	most	مُوست	بیشترین
many	مِنی	زیاد (قابل شمارش)	more	مُ(ر)	بیشتر	most	مُوست	بیشترین
far	فا(ر)	دور	further	فِ(ر)ذِ	دورتر	furthest	فِ(ر)ذِست	دورترین
little	لِتِل	کم- کوچک	less	لِس	کمتر	least	لیست	کمترین

گرامر ضروری

۵ صفات ملکی / ضمائر ملکی

صفات ملکی

my	مای	ـم	→	my coat	مای کُوت	کتم
your	یُ(ر)	ـت		your problem	یُ(ر) پرابلَم	مسئله ات
his	هیز	ـش(مذکر)		his mother	هیز ماذِ(ر)	مادرش
her	هِ(ر)	ـش(مونث)		her brothers	هِ(ر) براذِ(ر)ز	برادرانش
its	اِتس	ـش(غیر شخص)		its head	اِتس هِد	سرش
our	آوِ(ر)	ـمان		our friends	آوِ(ر) فرِندز	دوستانمان
your	یُ(ر)	ـتان		your teachers	یُ(ر) تیچِ(ر)ز	معلم هایتان
their	ذِ(ر)	ـشان		their money	ذِ(ر) مانی	پولشان

ضمائر ملکی

my coat	→	mine	ماین	مال من
your problem		yours	یُ(ر)ز	مال تو
his mother		his	هیز	مال او(مذکر)
her brothers		hers	هِ(ر)ز	مال او(مونث)
its head		its	اِتس	مال این/ آن
our friends		ours	آوِ(ر)ز	مال ما
your teachers		yours	یُ(ر)ز	مال شما
their money		theirs	ذِ(ر)ز	مال آنها

صفات ملکی به تنهائی به کار نمی روند، به تنهائی معنی ندارند و قبل از اسم به کار برده می شوند. ضمائر ملکی به تنهایی به کار برده می شوند ، و به تنهایی معنی دارند.

۶ کاربرد 's و of

's برای مالکیت اشخاص استفاده می شود.

the boss**'s** office	ذِ باسیز آفِس	دفتر کار رئیس
the boy**'s** ball	ذِ بُویز بال	توپ پسر

of برای مالکیت غیر شخص استفاده می شود.

the leg **of** the table	ذِ لِگ آو ذِ تِیبِل	پایه میز
the tail **of** the dog	ذِ تِیل آو ذِ داگ	دم سگ

۷ صفات اشاره / ضمائر اشاره

this is	دِس اِز	این است	these are	دیز آ(ر)	اینها هستند
that is	ذَت اِز	آن است	those are	ذُوز آ(ر)	آنها هستند

These men are young.	ذیز مِن آ(ر) یانگ.	این مردان جوان هستند.
Those women are old.	ذُوز وِمِن آ(ر) اُولد.	آن زنان پیر هستند.

2 گرامر ضروری

۸ فعل to have (داشتن)

شکل مثبت

شکل کامل		شکل کوتاه شده		
I **have**= I have got	آی هَو=آی هَو گات	I've	آیو	من دارم
you **have** = you have got	یو هَو=یو هَوگات	you've	یوو	تو داری
he **has** = he **has** got	هی هَز=هی هَز گات	he's	هیز	او دارد
she **has** = she **has** got	شی هَز=شی هَز گات	she's	شیز	او دارد
it **has** = it **has** got	اِت هَز=اِت هَز گات	it's	اِتس	این/آن دارد
we **have** = we **have** got	وی هَو=وی هَو گات	we've	ویو	ما داریم
you **have** = you **have** got	یو هَو=یو هَو گات	you've	یوو	شما دارید
they **have** = they **have** got	ذِی هَو=ذِی هَوگات	they've	ذِیو	آنها دارند

شکل منفی

شکل کامل	شکل کوتاه شده		
I **do not** have	I **don't** have	آی دُونت هَو	من ندارم
you **do not** have	you **don't** have	یودُونت هَو	تو نداری
he **does not** have	he **doesn't** have	هی دازِنت هَو	او ندارد
she **does not** have	she **doesn't** have	شی دازِنت هَو	او ندارد
it **does not** have	it **doesn't** have	اِت دازِنت هَو	آن/ این ندارد
we **do not** have	we **don't** have	وی دُونت هَو	ما نداریم
you **do not** have	you **don't** have	یو دُونت هَو	شما ندارید
they **do not** have	they **don't** have	ذِی دُونت هَو	آنها ندارند

شکل سؤالی

Do I have?	آیا من دارم؟	**Do** we have?	آیا ما داریم؟
Do you have?	آیا تو داری؟	**Do** you have?	آیا شما دارید؟
Does he have?	آیا او دارد؟	**Do** they have?	آیا آنها دارند؟

چند اصطلاح با have:

have breakfast/lunch/a cup of coffee
هَو برِکفِست/ لانچ/ اِ کاپ آو کافی
خوردن صبحانه/ ناهار/ نوشیدن یک فنجان قهوه

have a shower/a shave/a swim
هَو اِ شاوِ/ اِ شِیو/ اِ سُویم
دوش گرفتن/ ریش زدن/ شنا کردن

have a holiday/a party/a good time
هَو اِ هالِدِی/ اِ پا(ر)تی/ اِ گُد تایم
رفتن به تعطیلات/ مهمانی دادن/ خوش گذراندن

have a conversation/ a fight
هَو اِ کانوِسیشِن/ اِ فایت
صحبت کردن/ جنگیدن

گرامر ضروری

۹ فعل to be
(گذشته، آینده و ماضی نقلی)

زمان گذشته

شکل مثبت

I was	آی واز	من بودم
you were	یو وِ(ر)	تو بودی
she was	شی واز	او بود
we were	وی وِ(ر)	ما بودیم
you were	یو وِ(ر)	شما بودید
they were	ذِی وِ(ر)	آنها بودند

شکل منفی

I wasn't	آی وازنت	من نبودم
you weren't	یو وِنت	تو نبودی
she wasn't	شی وازنت	او نبود
we weren't	وی وِنت	ما نبودیم
you weren't	یو وِنت	شما نبودید
they weren't	ذِی وِنت	آنها نبودند

شکل سؤالی

Was I?	واز آی؟	آیا من بودم؟
Were you?	وِ یو؟	آیا تو بودی؟
Was she?	واز شی؟	آیا او بود؟
Were we?	وِ وی؟	آیا ما بودیم؟
Were you?	وِ یو؟	آیا شما بودید؟
Were they?	وِ ذِی؟	آیا آنها بودند؟

زمان آینده

شکل مثبت

شکل کامل

I will be	آی ویل بی	من خواهم بود
you will be	یو ویل بی	تو خواهی بود
he will be	هی ویل بی	او خواهد بود
we will be	وی ویل بی	ما خواهیم بود
you will be	یو ویل بی	شما خواهید بود
they will be	ذِی ویل بی	آنها خواهند بود

شکل کوتاه شده

I'll be	آیل بی
you'll be	یول بی
he'll be	هیل بی
we'll be	ویل بی
you'll be	یول بی
they'll be	ذِیل بی

شکل منفی

شکل کامل

I will not be	آی ویل نات بی	من نخواهم بود
you will not be	یو ویل نات بی	تو نخواهی بود
he will not be	هی ویل نات بی	او نخواهد بود
we will not be	وی ویل نات بی	ما نخواهیم بود
you will not be	یو ویل نات بی	شما نخواهید بود
they will not be	ذِی ویل نات بی	آنها نخواهند بود

شکل کوتاه شده

I won't be	آی وُنت بی
you won't be	یو وُنت بی
he won't be	هی وُنت بی
we won't be	وی وُنت بی
you won't be	یو وُنت بی
they won't be	ذِی وُنت بی

گرامر ضروری

زمان ماضی نقلی

شکل مثبت

شکل کامل

I **have been**	آی هَو بین	من بوده ام
you **have been**	یو هَو بین	تو بوده ای
he **has been**	هی هَز بین	او بوده است
we **have been**	وی هَو بین	ما بوده ایم
you **have been**	یو هَو بین	شما بوده اید
they **have been**	ذِی هَو بین	آنها بوده اند

شکل کوتاه شده

I**'ve been**	آیوْ بین
you**'ve been**	یوْ بین
he**'s been**	هیز بین
we**'ve been**	ویوْ بین
you**'ve been**	یوْ بین
they**'ve been**	ذِیوْ بین

شکل منفی

شکل کامل

I **have not been**	من نبوده ام
you **have not been**	تو نبوده ای
he **has not been**	او نبوده است
we **have not been**	ما نبوده ایم
you **have not been**	شما نبوده اید
they **have not been**	آنها نبوده اند

شکل کوتاه شده

I **haven't been**	من نبوده ام
you **haven't been**	تو نبوده ای
he **hasn't been**	او نبوده است
we **haven't been**	ما نبوده ایم
you **haven't been**	شما نبوده اید
they **haven't been**	آنها نبوده اند

شکل سؤالی

سؤالی

Have I been?	آیا من بوده ام؟
Have you been?	آیا تو بوده ای؟
Has he been?	آیا او بوده است؟
Have we been?	آیا ما بوده ایم؟
Have you been?	آیا شما بوده اید؟
Have they been?	آیا آنها بوده اند؟

سؤالی منفی

Haven't I been?	آیا من نبوده ام؟
Haven't you been?	آیا تو نبوده ای؟
Hasn't he been?	آیا او نبوده است؟
Haven't we been?	آیا ما نبوده ایم؟
Haven't you been?	آیا شما نبوده اید؟
Haven't they been?	آیا آنها نبوده اند؟

۱۰ ساختار there +be

شکل مثبت		شکل منفی
there is	وجود دارد (مفرد)	there isn't
there are	وجود دارد (جمع)	there aren't
there was	وجود داشت(مفرد)	there wasn't
there were	وجود داشت(جمع)	there weren't
there will be	وجود خواهد داشت	there won't be
there has been	وجود داشته است (مفرد)	there hasn't been
there have been	وجود داشته است(جمع)	there haven't been

2 گرامر ضروری

۱۱ زمان حال ساده

طریقه ساختن زمان حال ساده: با استفاده از شکل ساده فعل ساخته می شود.
در سوم شخص مفرد به آخر فعل s یا es اضافه می شود.

کاربرد: زمان حال ساده مواقعی که انجام کار به طور عادت و تکرارصورت می گیرد به کار برده می شود.
من هر شب شام درست می کنم. آی کُک دِنِ اِوری نایت.
I **cook** dinner every night

شکل مثبت

I **cook** dinner at home.	من در خانه شام درست می کنم.
You **cook** dinner at home.	تو در خانه شام درست می کنی.
She **cooks** dinner at home	او در خانه شام درست می کند.
He **cooks** dinner at home.	او در خانه شام درست می کند.
We **cook** dinner at home.	ما در خانه شام درست می کنیم.
They **cook** dinner at home.	آنها در خانه شام درست می کنند.

برای منفی کردن زمان حال ساده don't (دُونت) یا doesn't (دازنت) را قبل از فعل اضافه می کنیم. doesn't برای سوم شخص مفرد است. با به کار گرفتن doesn't s یا es از آخر فعل حذف می گردد.

شکل منفی

I **don't** cook dinner at home.	من در خانه شام درست نمی کنم.
You **don't** cook dinner at home.	تو در خانه شام درست نمی کنی.
She **doesn't** cook dinner at home	او در خانه شام درست نمی کند.
He **doesn't** cook dinner at home.	او در خانه شام درست نمی کند.
We **don't** cook dinner at home.	ما در خانه شام درست نمی کنیم.
They **don't** cook dinner at home.	آنها در خانه شام درست نمی کنند.

برای سوالی کردن زمان حال ساده do (دو) یا does (داز) را قبل از فاعل اضافه می کنیم. does برای سوم شخص مفرد است. با به کار گرفتن does، s یا es از آخر فعل حذف می گردد.

شکل سؤالی

Do I cook dinner at home?	آیا من در خانه شام درست می کنم؟
Do you cook dinner at home?	آیا تو در خانه شام درست می کنی؟
Does he cook dinner at home?	آیا او در خانه شام درست می کند؟
Do we cook dinner at home?	آیا ما در خانه شام درست می کنیم؟
Do they cook dinner at home?	آیا آنها در خانه شام درست می کنند؟

2 گرامر ضروری

۱۲ زمان حال استمراری

طریقه ساختن: **ing + شکل ساده فعل + am, is, are + فاعل**

کاربرد: زمان حال استمراری برای عملی که هم اکنون در حال انجام شدن است به کار برده می شود.

I **am cooking** dinner now.
آی اَم کُکینگ دِنِ نو. — من درحال پختن شام هستم.

You **are putting** on a nice shirt.
یو آ(ر) پُتینگ آن اِ نایس شِ(ر)ت. — تو در حال پوشیدن یک پیراهن قشنگ هستی.

The dog **is barking**.
دِ داگ اِز باکینگ. — سگ درحال پارس کردن است.

Jimmy **is watching** TV.
جِمی اِز واچینگ تی وی. — جیمی درحال تماشا کردن تلویزیون است.

We **are leaving** home.
وی آ(ر) لیوینگ هُوم. — ما در حال ترک کردن خانه هستیم.

They **are taking** care of the children.
دِی آ(ر) تِیکینگ کِ(ر) آو دِ چِلدرِن. — آنها در حال مواظبت کردن از بچه ها هستند.

۱۳ ضمائر مفعولی

ضمائر مفعولی کلماتی هستند که به جای مفعول قرار می گیرند.
مفعول یا ضمیر مفعولی بعد از فعل قرار می گیرد.

We can help **Tom**. We can help **him**.
وی کَن هِلپ تام. وی کَن هِلپ هیم. — ما می توانیم به تام کمک کنیم. ما می توانیم به او کمک کنیم.

Tell **Mary** about it. Tell **her** about it.
تِل مِری اِبوت اِت. تِل هِ(ر) اِبوت اِت. — به مری در این باره بگو. به او در این باره بگو.

ضمائر فاعلی	ضمائر مفعولی		
I	me	می	مرا- به من
you	you	یو	تو را- به تو
he	him	هیم	او را- به او (مذکر)
she	her	هِ(ر)	او را- به او (مونث)
it	it	اِت	این را- به آن
we	us	آس	ما را- به ما
you	you	یو	شما را- به شما
they	them	دِم	آنها را- به آنها

2 گرامر ضروری

۱۴ اسم های غیر قابل شمارش

بعضی از اسم ها در زبان انگلیسی غیر قابل شمارش هستند؛ یعنی اینکه شکل جمع ندارند و همیشه به صورت مفرد به کار برده می شوند. مثل water (آب). به عبارتی کلمه (آب) یا کلماتی مانند این جمع نمی شوند. و قبل از آنها a یا an استفاده نمی شود. این کلمات به صورت مقدار یا با ظرف آنها می آیند.

I need **some** water. آی نید سام واتِ . — من مقداری آب لازم دارم.

I want **a glass of** milk. آی وانت اِ گلَس آو مِلک. — من یک لیوان شیر می خواهم.

We drink **two cups of** tea every day. وی درِنک تو کاپس آو تی اِوری دِی. — ما هر روز دو فنجان چای می نوشیم.

لیست تعدادی از اسامی غیر قابل شمارش

milk	مِلک	شیر	**juice**	جوس	آب میوه
water	واتِ	آب	**jam**	جَم	مربا
tea	تی	چای	**money**	مانی	پول
coffee	کافی	قهوه	**fat**	فَت	چربی
bread	برِد	نان	**cholesterol**	کِلِسترال	کلسترول
butter	باتِ	کره	**pollution**	پِلوشِن	آلودگی

۱۵ How many, How much چقدر، چند تا

how many برای سوالی کردن اسم های قابل شمارش استفاده می شود.
how much برای سوالی کردن اسم های غیر قابل شمارش استفاده می شود.
برای پرسش درباره قیمت هم از **how much** استفاده می شود.

How many **eggs** do you want? هاو مِنی اِگز دو یو وانت؟ — چند تا تخم مرغ می خواهی؟

How many **tickets** do you want? هاو مِنی تِکِتس دو یو وانت؟ — چند تا بلیط می خواهی؟

How many **glasses** of milk do you drink? هاو مِنی گلَسیز آو مِلک دو یو درِنک؟ — چند لیوان شیر می نوشی؟

How much **milk** do you drink? هاو ماچ مِلک دو یو درِنک؟ — چقدر شیر می نوشی؟

How much does it cost? هاو ماچ داز اِت کاست؟ — این چقدر می ارزد؟
How much is it? هاو ماچ اِز اِت؟ — این چند است؟
How much is the ticket? هاو ماچ اِز ذِ تِکِت؟ — بلیط چند است؟

گرامر ضروری

۱۶ زمان گذشته ساده

طریقه ساختن : برای ساختن زمان گذشته،به دو صورت عمل می کنیم:
۱. افعال با قاعده: با اضافه کردن ed یا d به آخر افعال، آنها را به گذشته تبدیل می کنیم.
۲. افعال بی قاعده: با استفاده از شکل گذشته افعال بی قاعده زمان گذشته را می سازیم.

Mrs. Ditto enjoy**ed** her class. (فعل با قاعده) خانم دیتو از کلاسش لذت برد.
میسیز دیتو اینجُید هِ(ر) کلَس.

I **went** by bus. (فعل بی قاعده) من با اتوبوس رفتم.
آی وِنت بای باس.

کاربرد : گذشته ساده برای عملی استفاده می شود که در زمان گذشته انجام شد و به پایان رسید.

We **helped** them. وی هِلپت ذِم. ما کمکشان کردیم.

شکل منفی —

برای منفی کردن افعال در زمان گذشته ساده (با قاعده یا بی قاعده) از **did not** قبل از فعل استفاده می کنیم. در این صورت از شکل ساده فعل استفاده می شود.

Mrs. Ditto **enjoyed** her class. خانم دیتو از کلاسش لذت برد.
Mrs. Ditto **did not (didn't)** enjoy her class. خانم دیتو از کلاسش لذت نبرد.
I **went** by bus. من با اتوبوس رفتم.
I **did not (didn't)** go by bus. من با اتوبوس نرفتم.

شکل سؤالی ؟

برای سوالی کردن افعال در گذشته ساده قبل از فاعل **did** اضافه می کنیم.
در این صورت فعل به شکل ساده خود تبدیل می شود.

Mrs. Ditto enjoy**ed** her class. خانم دیتو از کلاسش لذت برد.
Did Mrs. Ditto **enjoy** her class? آیا خانم دیتو از کلاسش لذت برد؟
Did you **have** a good summer? آیا تابستان خوبی داشتی؟
Yes, I **did.** I **had** a great summer. بله، داشتم. تابستان خیلی خوبی داشتم.
Did you **play** volleyball? آیا والیبال بازی کردی؟
No, I **didn't**. I **played** tennis. نه، بازی نکردم. تنیس بازی کردم.
Did Erica **like** her vacation? آیا اریکا از تعطیلی اش راضی بود؟
Yes, she **did**. She **liked** it a lot. بله، راضی بود. او از آن خیلی راضی بود.
Did Erica and her sister **go** to Colorado? آیا اریکا و خواهرش به کالرادو رفتند؟
No, they **didn't**. They **went** to Arizona. نه، نرفتند. آنها به اریزونا رفتند.

۱۷ زمان آینده ساده

طریقه ساختن: برای ساختن زمان آینده ساده از **will** بعلاوه شکل ساده فعل استفاده می شود.

من به تگزاس سفر خواهم کرد. آی ویل تروِل تو تِکسِس. I **will travel** to Texas.

کاربرد: زمان آینده ساده برای عملی به کار برده می شود که قرار است در آینده انجام شود.

شکل مثبت

من خواهم دوید.	آی ویل (آیل) ران.	I **will** (I'**ll**) run.
تو خواهی دوید.	یو ویل (یول) ران.	You **will** (You'**ll**) run.
او خواهد دوید.	هی ویل (هیل) ران.	He **will** (He'**ll**) run.
او خواهد دوید.	شی ویل (شیل) ران.	She **will** (She'**ll**) run.
آن (این) خواهد دوید.	اِت ویل (اِتل) ران.	It **will** (It'**ll**) run.
ما خواهیم دوید.	وی ویل (ویل) ران.	We **will** (We'**ll** run).
شما خواهید دوید.	یو ویل (یول) ران.	You **will** (You'**ll**) run.
آنها خواهند دوید.	ذِی ویل (ذِیل) ران.	They **will** (They'**ll**) run.

شکل منفی

برای ساختن شکل منفی آینده ساده از **not** بعد از **will** استفاده می کنیم.

شکل کوتاه شده **won't** به جای **will not** استفاده می شود.

من نخواهم دوید. آی ویل نات (وُنت) ران. I **will not (won't)** run.

شکل سؤالی

آیا هفته آینده خواهی رسید؟ ویل یو اِرایو نِکست ویک؟ **Will** you arrive next week?

بله، خواهم رسید. یِس، آی ویل. Yes, I **will**.

نه، نخواهم رسید. نُو، آی وُنت. No, I **won't**.

۱۸ آینده با be going to

اگر بخواهیم قصد، تصمیم قبلی و یا برنامه ریزی را برای انجام کاری درآینده نشان دهیم از ساختار **be going to** استفاده می کنیم.

I **will study** chemistry tomorrow.

من فردا شیمی خواهم خواند. آی ویل ستادی کِمِستری تِمارُو.

I'**m going to study** chemistry tomorrow.

من قصد دارم فردا شیمی بخوانم. آیم گُوئینگ تو ستادی کِمِستری تِمارُو.

2 گرامر ضروری

۱۹ ساختن قید از صفت

صفت کلمه ای است که به توصیف اسم می پردازد اما **قید** برای توصیف فعل استفاده می شود.

He is a **happy** child.	هی اِز اِ هَپی چایلد.	او بچه شادی است..
He plays **happily**.	هی پلیز هَپیلی.	او با خوشحالی بازی می کند.

در مثال های بالا happy اسم جمله (child) را توصیف می کند، اما happily فعل جمله (play) را توصیف می کند.

برای تبدیل برخی از **صفات** به **قید** (حالت) از **ly** در آخرصفات استفاده می شود.

صفت		قید		
clever	زیرک	cleverly	کْ لِ وِ(ر)لی	با زیرکی
careful	دقیق	carefully	کِ(ر)فُلی	با دقت
beautiful	زیبا	beautifully	بی یو تِفُلی	با زیبایی
easy	آسان	easily	ایزِلی	به آسانی
wise	عاقل	wisely	وایزلی	عاقلانه
quick	سریع	quickly	کواِکلی	به سرعت
heavy	سنگین	heavily	هِوِلی	به سنگینی
soft	نرم	softly	سافتلی	به نرمی

موارد استثناء:

صفت		قید		
fast	سریع	fast	فَست	به سرعت
early	زود هنگام	early	اِ(ر)لی	زود
late	دیر وقت	late	لِیت	دیر
hard	سخت	hard	ها(ر)د	به سختی
good	خوب	well	وِل	به خوبی-سالم

۲۰ زمان گذشته استمراری

طریقه ساختن: زمان گذشته استمراری با استفاده از **was** یا **were** بعد از فاعل بعلاوه شکل ساده فعل و **ing** ساخته می شود.

I **was** reading.	آی واز ریدینگ.	من داشتم می خواندم.
You **were** reading.	یو وِ(ر) ریدینگ.	تو داشتی می خواندی.
He **was** reading.	هی واز ریدینگ.	او داشت می خواند.
We **were** reading.	وی وِ(ر) ریدینگ.	ما داشتیم می خواندیم.
You **were** reading.	یو وِ(ر) ریدینگ.	شما داشتید می خواندید.
They **were** reading.	ذِی وِ(ر) ریدینگ.	آنها داشتند می خواندند.

کاربرد: زمان گذشته استمراری برای توصیف عملی به کار می رود که همزمان با عمل دیگری در گذشته در حال انجام شدن بود.

گرامر ضروری

۲۱ کاربرد افعال کمکی مُدال

CAN, COULD, MAY, SHOULD, MUST

افعال مدال، افعالی کمکی هستند که قبل از شکل ساده فعل به کار می روند و حالت های مختلفی را به فعل اصلی می دهند.

شکل مثبت

I **can** type well.	آی کَن تایپ وِل.	من می توانم به خوبی تایپ کنم.
He **could** hire a car.	هی کُد هایِ(ر) اِ کا(ر).	او می توانست یک ماشین کرایه کند.
She **may** come here.	شی مِی کام هی یِ(ر).	او ممکن است اینجا بیاید.
We **should** get up early.	وی شُد گِت آپ اِ(ر)لی.	ما باید (بهتراست که) زود بیدار شویم.
You **must** stay here.	یو ماست ستِی هی یِ(ر).	شما باید در اینجا بمانید.

شکل منفی

I **can not (can't)** type well.
من نمی توانم خوب تایپ کنم.

He **could not (couldn't)** hire a car.
او نمی توانست یک ماشین کرایه کند.

She **may not** come here.
او ممکن نیست (اجازه ندارد) اینجا بیاید.

We **should not (shouldn't)** get up late.
ما نباید (صحیح نیست که) دیر بیدار شویم.

You **must not** stay here.
شما نباید در اینجا بمانید.

شکل سوال و پاسخ کوتاه

Can you type well?
آیا شما می توانید خوب تایپ کنید؟

Yes, I **can**. No, I **can't**.
بله، می توانم. نه، نمی توانم.

Could you hire a car?
شما می توانستید یک ماشین کرایه کنید؟

Yes, I **could**. No, I **couldn't.**
بله، می توانستم. نه نمی توانستم.

May she come here?
آیا او ممکن است (اجازه دارد) اینجا بیاید؟

Yes, she **may**. No, she **may not**.
بله، اجازه دارد. نه، اجازه ندارد.

Should you get up early?
آیا شما باید زود بیدار شوید؟

Yes, we **should**. No, we **shouldn't**.
بله، باید (زود بیدار شویم). نه نباید (زود بیدار شویم).

Must I stay here?
آیا من باید در اینجا بمانم؟

Yes, you **must**. No, you **mustn't**.
بله، باید بمانید. نه، نباید بمانید.

۲۲ حال کامل (ماضی نقلی)

طریقه ساختن: قسمت سوم فعل + have/has + فاعل

شکل مثبت

She **has gone** to New York. شی هَز گان تو نیو یُ(ر)ک. — او به نیو یورک رفته است.

I **have seen** the movie. آی هَو سین ذِ مووی. — من فیلم را دیده ام.

She **has filled** the form. شی هَز فیلد ذِ فُ(ر)م. — او فرم را پر کرده است.

They **have received** an SMS. ذِی هَو ریسیود اَن اِس اِم اِس. — آنها یک اس-ام-اس دریافت کرده اند.

کاربرد: زمان حال کامل برای توصیف عملی استفاده می شود که از گذشته شروع و تا حال ادامه داشته است و یا اثر آن کار باقی مانده است.

I **have eaten** lunch. آی هَو ایتِن لانچ. — من ناهار خورده ام. (سیر هستم)

I **have written** a letter. آی هَو رِتِن اِ لِت(ر). — من یک نامه نوشته ام.

You **have received** a message. یو هَو ریسیود ا مِسِج. — تو یک پیغام دریافت کرده ای.

She **has bought** a car. شی هَز بات ا کا(ر). — او یک ماشین خریده است.

We **have done** our homework. وی هَو دان آوِ هُومو(ر)ک. — ما تکلیف مان را انجام داده ایم.

You **have given** the money. یو هَو گِوِن ذ مانی. — شما پول را داده اید.

They **have found** the book. ذِی هَو فوند ذِ بُک. — آنها کتاب را پیدا کرده اند.

شکل منفی

She **has not (hasn't) gone** to New York.

I **have not (haven't) seen** the movie.

شی هَز نات (هَزِنت) گان تو نیو یُ(ر)ک. — او به نیو یورک نرفته است.

آی هَو نات (هَوِنت) سین ذِ مووی. — من فیلم را ندیده ام.

شکل سؤالی وپاسخ کوتاه

Has she **gone** to New York? — آیا او به نیو یورک رفته است؟

Yes, she **has**. — بله، رفته است.

No, she **hasn't**. — نه، نرفته است.

Have you **seen** the movie? — آیا تو فیلم را دیده ای؟

Yes, I **have**. — بله، دیده ام.

No, I **haven't**. — نه، ندیده ام.

گرامر ضروری

۲۳ کاربرد since و for

کاربرد since :

since برای نشان دادن مبدا زمان استفاده می شود.

She has been sick since Wednesday.
It has snowed since last night.

او از چهارشنبه مریض بوده است.	شی هَز بین سِک سینس وِنزدِی.
از دیشب برف باریده است.	اِت هَز سنُود سینس لَست نایت.

کاربرد for :

for برای نشان دادن طول مدت زمان استفاده می شود.

She has been sick for three days.
It has snowed for two days.

او به مدت سه روز مریض بوده است.	شی هَز بین سِک فُ(ر) ثری دِیز.
به مدت دو روز برف باریده است.	اِت هَز سنُود فُ(ر) تو دِیز.

۲۴ کاربرد صفت no به جای not any در جملات منفی

طریقه ساختن : اسم + any + فعل + not + فعل کمکی + فاعل

I don't have any money. — آی دُونت هَو اِنی مانی. — من پولی ندارم.

I didn't have any money. — من پولی نداشتم.

I don't have any time to study. — من هیچ وقتی برای مطالعه ندارم.

طریقه ساختن : اسم + no + فعل + فاعل

I have no money. — آی هَو نُو مانی. — من پولی ندارم.

I had no money. — من پولی نداشتم.

I have no time to study. — من هیچ وقتی برای مطالعه ندارم.

۲۵ مرور زمان ها

شکل مثبت

او می رود.	She goes.	حال ساده
او درحال رفتن است.	She is going.	حال استمراری
او در حال رفتن بود.	She was going.	گذشته استمراری
او رفت.	She went.	گذشته ساده
او خواهد رفت.	She will go.	آینده ساده
او رفته است.	She has gone.	حال کامل
او رفته بود.	She had gone.	گذشته کامل

شکل منفی

او نمی رود.	She doesn't go.	حال ساده
او درحال رفتن نیست.	She isn't going.	حال استمراری
او در حال رفتن نبود.	She wasn't going.	گذشته استمراری
او نرفت.	She didn't go.	گذشته ساده
او نخواهد رفت.	She won't go.	آینده ساده
او نرفته است.	She hasn't gone.	حال کامل
او نرفته بود.	She hadn't gone.	گذشته کامل

شکل سؤالی

آیا او می رود؟	Does she go?	حال ساده
آیا او درحال رفتن است؟	Is she going?	حال استمراری
آیا او در حال رفتن بود؟	Was she going?	گذشته استمراری
آیا او رفت؟	Did she go?	گذشته ساده
آیا او خواهد رفت؟	Will she go?	آینده ساده
آیا او رفته است؟	Has she gone?	حال کامل
آیا او رفته بود؟	Had she gone?	گذشته کامل

۲۶ کلمات ربط

۱ کاربرد who به عنوان کلمه ربطی

طریقه ساختن : ...+ فعل + who + شخص

The men **who** were invited came by bus.
مردانی که دعوت شده بودند با اتوبوس آمدند.

۲ کاربرد which به عنوان کلمه ربطی

طریقه ساختن : ...+ فاعل یا فعل + which + غیر شخص

The birds **which fly** south come here in summer.
پرندگانی که به جنوب پرواز می کنند در تابستان به اینجا می آیند.

The birds **which I** saw come here in summer.
پرندگانی که من دیدم در تابستان به اینجا می آیند.

۳ کاربرد whom به عنوان کلمه ربطی

طریقه ساختن : ...+ فعل + فاعل + whom + شخص

The mechanic **whom I** saw was Ali's friend.
مکانیکی که من دیدم دوست علی بود.

The man **whom you** invited for dinner is not from Iran.
مردی را که به شام دعوت کردی اهل ایران نیست.

۴ کاربرد that به عنوان کلمه ربطی

در هر سه مورد فوق می توانیم از that استفاده کنیم.

The magazine which **(that)** I like is not here.
مجله ای که من دوست دارم اینجا نیست.

The man who **(that)** fixed the car is my friend.
مردی که ماشین را تعمیر کرد دوست من است.

۲۷ ضمائر تاکیدی (انعکاسی)

I	myself	مایسِلف	خودم
you	yourself	یُ(ر)سِلف	خودت
he	himself	هیمسِلف	خودش (مذکر)
she	herself	هِ(ر)سِلف	خودش (مونث)
it	itself	اِتسِلف	خودش (غیر شخص)
we	ourselves	آ(ر)سِلوز	خودمان
you	yourselves	یُ(ر)سِلوز	خودتان
they	themselves	ذِمسِلوز	خودشان

نکته (۱) هنگامی که ضمائر فوق در مقام انعکاسی به کار برده شوند، فاعل و مفعول جمله یکی می باشد. یعنی اینکه نتیجه کار به فاعل بر می گردد.

I hurt **myself.** — آی هِ(ر)ت مایسِلف. — من خودم را زخمی کردم.

نکته (۲) دقت کنید که فاعل جمله حتما با ضمیر انعکاسی (تاکیدی) مطابقت داشته باشد. مانند جدول بالا.

My mother hurt **herself.** — مای ماذِ(ر) هِ(ر)ت هِ(ر)سِلف. — مادرم خودش را زخمی کرد.

در جمله بالا از آنجا که my mother مونث است، از ضمیر herself استفاده می کنیم.

نکته (۳) ضمائر فوق در مقام تاکید بعد از فاعل یا بعد از مفعول استفاده می شوند.

I **myself** repaired it. — آی مایسِلف ریپِ(ر)د اِت. — من خودم این را تعمیر کردم.
I repaired it **myself.** — آی ریپِ(ر)د اِت مایسِلف.

نکته (۴) در مثال زیر اگر ضمیر انعکاسی بعد از فعل استفاده شود، for حذف می گردد.

I'll *buy* **myself** a shirt.
من برای خودم پیراهنی خواهم خرید.

I'll *buy* a shirt for **myself.**
آیل بای اِ شِ(ر)ت فُ(ر) مایسِلف.

نکته (۵) by بعلاوه ضمائر انعکاسی به مفهوم (alone) (به تنهایی) است.

I did it **by myself.** — آی دید اِت بای مایسِلف. — من به تنهایی این کار را انجام دادم.

Essential Conversations
مکالمه های ضروری

خیلی ضروری

Yes.	یس.	بله.
No.	نُو.	خیر.
Please.	پلیز.	لطفا.
Thank you.	ثَنک یو.	متشکرم.

سوال و درخواست

Where is/are... ?	وِ(ر) ایز/ آ(ر)...؟	کجاست/ کجا هستند...؟
When?	وِن؟	کی؟ چه وقت؟
How far?	هاوْ فا(ر)؟	چه فاصله؟
What's this?	واتس دِس؟	این چیه؟
What do you want?	وات دو یو وانت؟	چه می خواهید؟
What must I do?	وات ماست آی دو؟	من باید چه کار کنم؟
Have you?	هَو یو؟	آیا شمادارید؟
Have you seen?	هَو یو سین؟	آیا دیده اید؟
I want.	آی وانت.	من می خواهم.
I 'd like.	آید لایک.	من میل دارم.
I don't want.	آی دُونت وانت.	من نمی خواهم.

عبارات مفید

Here is/ are...	هی یِ(ر) اِز/ آ(ر)...	اینجا هست/ هستند...
I like it.	آی لایک ایت.	من از این خوشم می آید.
I don't like it/ them.	آی دُونت لایک ایت/ ذِم.	من از این (اینها) خوشم نمی آید.
I know.	آی نُو.	من می دانم.
I don't know.	آی دُونت نُو.	من نمی دانم.
I didn't know.	آی دیدنت نُو.	من نمی دانستم.
I think so.	آی ثینک سُو.	من موافقم.
I'm hungry.	آیم هانگری.	من گرسنه ام.
I'm thirsty.	آیم ثِ(ر)ستی.	من تشنه ام.
I'm tired.	آیم تایِد.	من خسته ام.
I'm in a hurry.	آیم این اِ هاری.	من عجله دارم.
I'm ready.	آیم رِدی.	من آماده ام.
Leave me alone.	لیو می اِلُون.	تنهایم بگذارید.
Just a moment.	جاست اِ مُومِنت.	یک لحظه.

3 مکالمه های ضروری

This way, please.	ذیس وِی، پْلیز.	این طرف، لطفا.
Take a seat.	تیک اِ سیت.	بفرمائید بنشینید.
Come in!	کام این!	بفرمائید تو!
It's cheap.	ایتس چیپ.	این ارزونه.
It's too expensive.	ایتس تو ایکسپِنسیو.	این خیلی گرونه.
That's all.	ذَتس آل.	همش همینه.
You're right.	یُ(ر) رایت.	حق با شماست.
You're wrong.	یُ(ر) رانگ.	شما اشتباه می کنید.

مشکلات ندانستن زبان

I'm Iranian.	آیم ایرینیِن.	من ایرانی هستم.
Do you speak English?	دو یو سْپیک اِنگلیش؟	آیا شما انگلیسی صحبت می کنید؟
I don't speak French.	آی دُونت سْپیک فْرِنچ.	من فرانسوی صحبت نمی کنم.
I don't understand.	آی دُونت آندِستَند.	من نمی فهمم.
Would you say that again, please?	وُد یو سِی ذَت اگِن، پْلیز؟	میشه اونو دوباره بگین؟
Please speak slowly.	پْلیز سْپیک سْلُولی.	لطفا آرام صحبت کنید.
What is it called in English?	وات ایز ایت کالد این اِنگلیش؟	این به انگلیسی چی میشه؟

عبارات مودبانه

Sorry.	ساری.	متاسفم.
Excuse me.	اکسکیوز می.	ببخشید.
That's all right.	ذَتس آل رایت.	اشکالی نداره.
Not at all.	نات اَت آل.	خواهش می کنم. (مهم نیست.)
Don't mention it.	دُونت مِنشِن ایت.	حرفشو نزنید. (اشکالی نداره.)
Don't worry.	دُونت واری.	نگران نباشید. (مهم نیست.)
It doesn't matter.	ات دازِنت مَتِ(ر).	مهم نیست.
I beg your pardon.	آی بِگ یُ(ر) پادِن.	ببخشید.
Am I disturbing you?	اَم آی دیستِربینگ یو؟	من مزاحم شما هستم؟
I'm sorry to have troubled you.	آیم ساری تو هَو ترابْلد یو.	از اینکه زحمتتان می دم معذرت می خواهم.
Good/ That's fine.	گُد/ ذَتس فاین.	خوبه.
That is very kind of you.	ذَت ایز وِری کایند آو یو.	این نهایت لطف شماست.

3 مکالمه های ضروری

سلام و علیک و مهمان نوازی

Good morning.	گد مُونینگ.	صبح بخیر.
Good day.	گد دِی.	روز بخیر.
Good afternoon.	گد اَفتِنون.	عصر بخیر.
Good evening.	گد ایونینگ.	شب بخیر. (غروب)
Good night.	گد نایت.	شب بخیر.
Hello.	هِلوُ.	سلام.
How are you?	هاو آ(ر) یو؟	حال شما چطور است؟
Very well, thank you.	وِری وِل، ثَنک یو.	خیلی خوب، متشکرم.
Goodbye.	گد بای.	خداحافظ.
See you soon.	سی یو سون.	به زودی می بینمت.
Have you met my wife?	هَو یو مِت مای وایف؟	همسرم را ملاقات کرده ای؟
May I introduce you to my husband?	مِی آی اینترُدیوس یو تو مای هازبِند؟	می تونم شما را به شوهرم معرفی کنم؟
Glad to know you.	گلَد تو نُو یو.	از آشنائی با شما خوشحالم.
What's your name?	واتس یُ(ر) نِیم؟	اسم شما چیه؟
What's your address?	واتس یُ(ر) اِدرِس؟	آدرس شما چیه؟
What's your phone number?	واتس یُ(ر) فُون نامبِ(ر)؟	شماره تلفن شما چیه؟
Where are you staying?	وِ(ر) آ یو سْتِ ئینگ؟	شما کجا اقامت دارید؟
Where are you from?	وِ(ر) آ یو فرام؟	اهل کجا هستید؟
Make yourself comfortable.	مِیک یُسِلف کامْفْ تِبْل.	راحت باشید.
Make yourself at home.	مِیک یُسِلف اَت هُوم.	راحت باشید.
Help yourself.	هِلپ یُسِلف.	نوش جان کنید.
Good appetite.	گد اَپِتایت.	گوارای وجود.
Would you like a drink?	وُد یو لایک اِ درینک؟	نوشیدنی میل دارید؟
Thanks for a pleasant day.	ثَنکس فَ اِ پِلِزنت دِی.	تشکر برای یک روز دلچسب.
Thanks for the invitation.	ثَنکس فَ ذی اینویتِیشِن.	از دعوت تان متشکرم.
Are you doing anything this evening?	آ(ر) یو دوئینگ اِنیثینگ ذِس ایونینگ؟	امشب برنامه ای دارید؟
Could we have coffee/ dinner together?	کُد وی هَو کافی/ دِنِ(ر) تِگِذِ(ر)؟	میشه باهم قهوه/ شام بخوریم؟
Would you like to go to the museum/ for a walk with me?	وُد یو لایک تو گُو تو ذِ میوزییِم؟ فَ اِ واک ویذ می؟	مایل هستید باهم به موزه/ پیاده روی برویم؟
Bon voyage.	بُن وُآیاژ.	سفر بخیر.
Good luck/ All the best to you	گد لاک/ آل ذِ بِستتو یو.	موفق باشید.



4 Personal Information & Family

اطلاعات شخصی و خانواده

Personal Information اطلاعات شخصی

A: What's your name? -واتس یُ(ر) نِیم؟ -اسمت چیه؟

B: Gloria P. Sanchez. -گلاریا پی. سانچز. -گلوریا پی. سانچز.

A: What's your first name? -واتس یُ(ر) فِ(ر)ست نِیم؟ -اسم کوچیک شما چیه؟

B: My first name is Gloria. -مای فِ(ر)ست نِیم اِز گلاریا. -اسم کوچیک من گلوریاست.

A: What's your middle name? -واتس یُ(ر) مِدُل نِیم؟ -اسم وسط شما چیه؟

B: P. -پی. -پی.

A: What's your last name? -واتس یُ(ر) لَست نِیم؟ -اسم خانوادگی (بزرگ) شما چیه؟

What's your family name? -واتس یُ(ر) فَمِلی نِیم؟

What's your surname? -واتس یُ(ر) س(ر) نِیم؟

B: Sanchez. -سانچز. -سانچز.

A: Did you say Sanchez? -دید یو سِی سانچز؟ -گفتید سانچز؟

B: Yes, that's right. -یِس، ذَتس رایت. -بله، درسته.

A: How do you spell your first name?

-هاو دو یو سْپِل یُ(ر) فِ(ر)ست نِیم؟ -اسم کوچکت را چطوری هجی می کنی؟

B: G.l.o.r.i.a. -جی. ال. اُ. آر. آی. اِی.

A: How do you spell your last name?

-هاو دو یو سْپِل یُ(ر) لَست نِیم؟ اسم خانوادگی ات راچطور هجی میکنی؟

B: S.a.n.c.h.e.z. -اِس. اِی. اِن. سی. اِیچ. ئی. زی.

A: What's your address? -واتس یُ(ر) اِدرِس؟ -آدرست چیه؟

B: Gloria P. Sanchez. 95 Garden St. Apt. 3G.
Los Angeles, CA 90036.

-گلاریا پی. سانچز. ناینتی فا یو. گا(ر)دِن سْتریت. آپا(ر)تمِنت ثْری جی. لاس اَنجِلِس، کَلِفُنیَ
ناین اُ اُ ثْری سِکس.

-گلوریا پی. سانچز. شماره ۹۵. خیابان گاردن. آپارتمان سه جی. لس آنجلس،کالیفرنیا. کد پستی ۹۰۰۳۶.

A: What's your building number?

-شماره ساختمان تان چیست؟ -واتس یُ(ر) بِلدینگ نامب(ر)؟

B: 95. -ناین تی فایو. -۹۵.

A: What's your street name? -واتس یُ(ر) سْتریت نِیم؟ -اسم خیابان تان چیست؟

B: Garden Street. -گا(ر)دِن سْتریت. -گاردن استریت.

اطلاعات شخصی

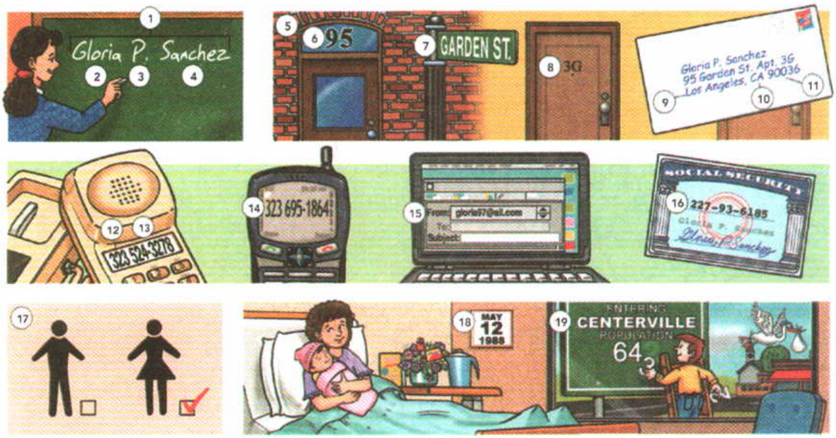
A: What's your apartment number?
واتس یُ(ر) اِپا(ر)تمِنت نامبِ(ر)؟ -شماره آپارتمان شما چیه؟
B: 3G. -ثری جی. -۳جی.
A: What's your city? -واتس یُ(ر) سیتی؟ -اسم شهرتون چیه؟
B: Los Angeles. -لاس اَنجِلِس. -لس آنجلس
A: What's your state? -واتس یُ(ر) سْتِیت؟ -ایالت شما چیه؟
B: California. -کَلِفُنیَ. -کالیفرنیا.
A: What's your zip code? -واتس یُ(ر) زیپ کُود؟ -کد پستی شما چند است؟
B: 90036. -ناین. زیرو. زیرو. ثری. سِکس. -نه. صفر. صفر. سه. شش.
A: What's your area code? -واتس یُ(ر) اِریا کُود؟ -کد منطقه شما چند است؟
B: 323. -ثری. تو. ثری. -سیصد و بیست و سه.
A: What's your telephone (phone) number?
-واتس یُ(ر) تِلِفُون نامبِ(ر)؟ -شماره تلفن شما چند است؟
B: 524-3276.
-فایوْ. تو.فُ(ر)- ثری. تو. سِوِن. سِکس. -۵۲۴-۳۲۷۶.
A: What's your cell phone number?
-واتس یُ(ر) سِل فُون نامبِ(ر)؟ -شماره موبایل شما چند است؟
B: 323-695-1864.
-ثری.تو. ثری- سِکس. ناین. فایو- وان. اِیت.سِکس. فُ(ر). -۳۲۳-۶۹۵-۱۸۶۴.
A: What's your e-mail address?
-واتس یُ(ر) ئی مِیل اِدرِس؟ -آدرس پست الکترونیکی شما چیست؟
B: Gloria97@ail.com.
-گلاریا ناینتی سِوِن اَت اِی آی اِل دات کام. -گلوریا نود و هفت اَت اِی آی اِل دات کام.
A: What's your social security number?
-واتس یُ(ر) سُوشِل سیکیُرِتی نامبِ(ر)؟ -شماره تامین اجتماعی شما چند است؟
B: 227-93-6185. -تو. تو. سِوِن- ناین. ثری- سِکس. وان. اِیت. فایو. -۲۲۷-۹۳-۶۱۸۵.
A: What's your sex? male (M) or female (F)?
-واتس یُ(ر) سِکس؟ مِیل اُ(ر) فی مِیل؟ -جنسیت شما چیست؟ مذکر یا مونث؟
B: Female (F). -فی مِیل. -مونث.
A: What's your date of birth? -واتس یُ(ر) دِیت اِو بِ(ر)ث؟ -تاریخ تولد شما چیست؟
B: 5/12/1988. -فایو/ تُوالو/ ناین تین اِیتی اِیت. -دوازدهم ماه مِی هزار و نهصد و هشتاد و هشت.
A: What's your place of birth?
-واتس یُ(ر) پْلِیس اِو بِ(ر)ث؟ -محل تولد شما کجاست؟
B: Centerville Texas. -سِنتِرویل تِکسِس -سِنتر ویل تگزاس.

نکته مهم! طریقهٔ آدرس دادن در زبان انگلیسی، بر عکس زبان فارسی است. یعنی ابتداء از اسم شخص شروع می شود و به ترتیب شماره منزل یا آپارتمان، نام کوچه، خیابان، میدان، شهر، ایالت، کشور و کد پستی آورده می شود.

4 اطلاعات شخصی

واژگان

	English	تلفظ	فارسی	
	Registration Form	رِجیستریشن فُ(ر)م	فرم ثبت نام	
1	name	نِیم	نام- اسم	۱
2	first name	فِ(ر)ست نِیم	اسم کوچک	۲
3	middle name	مِدْل نِیم	اسم وسط	۳
4	last name/ family name/ surname	لَست نِیم/ فَمِلی نِیم/ سِ(ر) نِیم	نام خانوادگی	۴
5	address	اِدرِس	آدرس	۵
6	street number	سْتریت نامبِ(ر)	شماره خیابان	۶
7	street	سْتریت	خیابان	۷
8	apartment number	اِپاتمِنت نامبِ	شماره آپارتمان	۸
9	city	سیتی	شهر	۹
10	state	سْتیت	ایالت	۱۰
11	zip code	زیپ کُود	کد پستی	۱۱
12	area code	اِریِ کُود	کد منطقه	۱۲
13	telephone number/ phone number	تِلفُون نامبِ/ فُون نامبِ	شماره تلفن	۱۳
14	cell phone number	سِل فُون نامبِ	شماره تلفن همراه	۱۴
15	e-mail address	ئی-مِیل اِدرِس	آدرس ئی مِیل	۱۵
16	social security number	سُوشَل سیکیوریتی نامبِ	شماره تامین اجتماعی	۱۶
17	sex	سِکس	جنسیت	۱۷
18	date of birth	دِیت اِو بِ(ر)ث	تاریخ تولد	۱۸
19	place of birth	پْلِیس اِو بِ(ر)ث	محل تولد	۱۹



Family Members اعضاء خانواده



A: Who's he? –هوز هی؟ –اون کیه؟
B: He's my husband. –هیز مای هازبند. –اون شوهرمه.
A: What's his name? –واتس هیز نِیم؟ –اسمش چیه؟
B: His name is Jack. –هیز نیم ایزجک. –اسمش جکه.



A: Who's she? –هوز شی؟ –اون کیه؟
B: She's my wife. –شیز مای وایف. –اون زنمه.
A: What's her name? –واتس هِ نیم؟ –اسمش چیه؟
B: Her name is Nancy. –هِ(ر) نیم اِز نَنسی. –اسمش نانسیه.

A: I'd like to introduce my husband.
–آید لایک تو اینترِدوس مای هازبند. –من مایلم شوهرم را معرفی کنم
B: Nice to meet you.
–نایس تِ میت یو. –از ملاقات با شما خوشوقتم.
C: Nice to meet you, too.
–نایس تِ میت یو، تو. –من هم از ملاقات با شما خوشوقتم.

A: What's your husband's name?
–واتس یُ(ر) هازبندز نِیم؟ –اسم شوهرتان چیست؟
B: His name is Jack. –هیز نِیم ایز جک. –اسمش جکه.
A: What's your sister's name? –واتس یُ(ر) سیستِرز نیم؟ –اسم خواهرت چیه؟
B: Her name is Nancy. –هِ(ر) نِیم ایز نَنسی. –اسم او نانسی است.
A: Who's she? – هوز شی؟ –اون کیه؟
B: She's my grandmother. –شیز مای گرَند ماذِ(ر). –اون مادر بزرگمه.
A: What's her name? –واتس هِ(ر) نِیم؟ –اسمش چیه؟
B: Her name is Helen. –هِ(ر) نِیم ازهلن. –اسمش هلنه.

A: Let me introduce my husband to you.
–لِت می اینترِدوس مای هازِبند تو یو. –بگذار شوهرم را بهت معرفی کنم.
B: I'm glad to meet you. –آیم گلَد تو میت یو. –از ملاقات با شما خوشوقتم.
C: Nice meeting you, too. –نایس میتینگ یو، تو. –من هم از ملاقات با شما خوشوقتم.

4 اعضاء خانواده

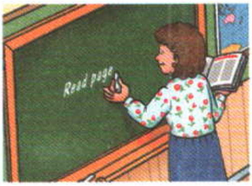
واژگان

1	husband	هازبِند	۱ شوهر
2	wife	وایف	۲ زن- همسر
3	parents	پِرِنتس	۳ والدین
4	father	فاذ(ر)	۴ پدر
5	mother	ماذ(ر)	۵ مادر
6	child	چایلد	۶ بچه
7	children	چِلدرِن	۷ بچه ها
8	daughter	دات(ر)	۸ دختر
9	son	سان	۹ پسر
10	baby	بیبی	۱۰ نوزاد
11	sibling	سِبلینگ	۱۱ برادر یا خواهر
12	sister	سِیست(ر)	۱۲ خواهر
13	brother	بُراذ(ر)	۱۳ برادر
14	grandparents	گرَند پِرِنتس	۱۴ پدر و مادر بزرگ
15	grandfather	گرَند فاذ(ر)	۱۵ پدر بزرگ
16	grandmother	گرَند ماذ(ر)	۱۶ مادر بزرگ
17	grandchild	گرَند چایلد	۱۷ نوه
18	granddaughter	گرَند دات(ر)	۱۸ نوه (دختر)
19	grandson	گرَند سان	۱۹ نوه (پسر)
20	uncle	آنکُل	۲۰ عمو- دائی- شوهر خاله
21	aunt	آنت- اَنت	۲۱ عمه- خاله
22	niece	نیس	۲۲ دختر برادر یا خواهر
23	nephew	نِفیو	۲۳ پسر برادر یا خواهر
24	cousin	کازِن	۲۴ فرزند خاله، عمه، دائی یا عمو
25	mother-in-law	ماذ(ر)-این-لا	۲۵ مادر شوهر- مادر زن
26	father-in-law	فاذ(ر)-این-لا	۲۶ پدر شوهر- پدر زن
27	son-in-law	سان-این-لا	۲۷ داماد
28	daughter-in-law	دات(ر)-این-لا	۲۸ عروس
29	brother-in-law	بُراذ(ر)-این-لا	۲۹ برادر زن یا برادر شوهر
30	sister-in-law	سِیست-این-لا	۳۰ خواهر زن یا خواهر شوهر

Common Everyday Activities 5

فعالیت های روزمره عادی

The Classroom — کلاس درس



A: Where's the teacher?
-ورز ذِ تیچِ؟ — -معلم کجاست؟

B: The teacher is next to the board.
-ذِ تیچِ اِز نِکست تو ذِ بُ(ر)د. — -معلم در کنار تخته است.

A: Where's the globe?
-وِرز ذِ گلُوب؟ — -کره جغرافیا کجاست؟

B: The globe is on the bookcase.
-ذِ گلُوب ایزآن ذِ بُککِیس. — -کره جغرافیا در قفسه کتاب است.

A: Is there a clock in your classroom?
-ایز ذِ(ر) اِ کُلاک این یُر کُلَس روم؟ — -آیا یک ساعت در کلاستان هست؟

B: Yes. There's a clock on the wall.
-یس. ذِ(ر)ز اِ کُلاک آن ذِ وال. — -بله. یک ساعت روی دیوار است.

A: Is there a map in your classroom?
-ایز ذِ(ر) اِ مَپ این یُ کلَس روم؟ — -آیا یک نقشه در کلاستان هست؟

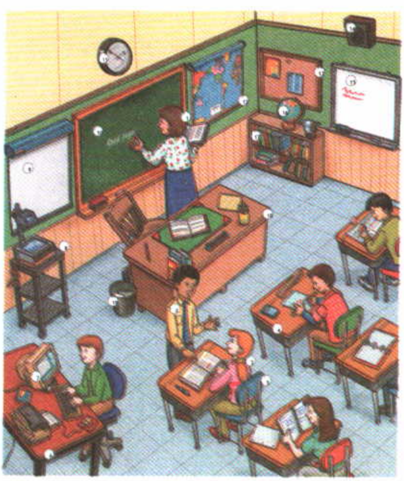
B: No, there isn't.
-نُو، ذِ(ر) اِزنت. — -نه، نیست.

واژگان

1	teacher	تیچِ	۱	معلم
	teacher's aide	تیچِز اِید		معلم یار
2	student	ستودِنت	۲	شاگرد
3	desk	دِسک	۳	میز تحریر
4	seat/ chair	سیت/ چ(ر)ِ	۴	صندلی
5	table	تِیبُل	۵	میز
6	computer	کِم پیو تِ	۶	کامپیوتر
7	overhead projector	اُوِ هِد پرجِکتِ	۷	پروژکتور اورهد
8	screen	سکرین	۸	پرده نمایش
9	chalkboard/ board	چاک بُد/ بُد	۹	تخته
10	clock	کُلاک	۱۰	ساعت
11	map	مَپ	۱۱	نقشه
12	bulletin board	بُلِتِن بُد	۱۲	تابلوی اعلانات
13	loudspeaker	لَود سپیکِ	۱۳	بلندگو
14	whiteboard	وایت بُد	۱۴	وایت برد
15	globe	گلُوب	۱۵	کره جغرافیا

5 کلاس درس

16	bookcase	بُک کِیس	۱۶ جا کتابی
17	bookshelf	بُک شِلف	۱۷ قفسه کتاب
18	teacher's desk	تی چز دِسک	۱۸ میز تحریر معلم
19	wastebasket	وِیست بَسکیت	۱۹ سبد آشغال
20	pen	پِن	۲۰ خودکار
21	pencil	پِنسُل	۲۱ مداد
22	eraser	ایرِی سِ	۲۲ پاک کن
23	pencil sharpener	پِنسُل شاپِنِ	۲۳ مداد تراش
24	book/ textbook	بُک/ تِکست بُک	۲۴ کتاب
25	workbook	وِ(ر)ک بُک	۲۵ کتاب تمرین
26	spiral notebook	سپایرِل نُوتبُک	۲۶ دفتر سیمی
27	binder/ notebook	بایندِ/ نُوت بُک	۲۷ کلاسور/ دفتر
28	notebook paper	نُوتبُک پِیپِ	۲۸ کاغذ کلاسور
29	graph paper	گرَف پِیپِ	۲۹ کاغذ شطرنجی
30	ruler	رولِ	۳۰ خط کش
31	calculator	کَلکیو لِیتِ	۳۱ ماشین حساب
32	chalk	چاک	۳۲ گچ
33	eraser	ایرِی سِ	۳۳ تخته پاک کن
34	marker	ما(ر)کِ	۳۴ ماژیک مارکر
35	thumbtack	ثامتَک	۳۵ پونز
36	keyboard	کیبُد	۳۶ صفحه کلید
37	monitor	مانِتِ	۳۷ مانیتور
38	mouse	مَوْس	۳۸ ماوس
39	printer	پرِنتِ	۳۹ چاپگر





5

Classroom Actions کارهای کلاسی







1	Say your name.	سِی یُ نیم.	۱	اسمت را بگو.
2	Repeat your name.	ریپیت یُ نیم.	۲	اسمت را تکرار کن.
3	Spell your name.	سپِل یُ نیم.	۳	اسمت را هجی کن.
4	Print your name.	پرینت یُ نیم.	۴	اسمت را بنویس.
5	Sign your name.	ساین یُ نیم.	۵	اسمت را امضاء کن.
6	Stand up.	ستَند آپ.	۶	بایست.
7	Go to the board.	گو تو ذ بُد.	۷	به طرف تخته برو.
8	Write on the board.	رایت آن ذ بُد.	۸	روی تخته بنویس.
9	Erase the board.	ایریس ذ بُد.	۹	تخته را پاک کن.
10	Sit down.	سِت دَون.	۱۰	بنشین.
11	Take your seat.	تِیک یُ سیت.	۱۱	بنشینید.
12	Open your book.	اُپن یُ بُک.	۱۲	کتابت را باز کن.
13	Read page ten.	رید پیج تِن.	۱۳	صفحه ده را بخوانید.
14	Study page ten.	ستادی پیج تِن.	۱۴	صفحه ده را مطالعه کنید.
15	Close your book.	کلُوز یُ بُک.	۱۵	کتابتان را ببندید.
16	Put away your book.	پُت اِ وِی یُ بُک.	۱۶	کتابت را کنار بگذار.
17	Raise your hand.	رِایز یُ هَند.	۱۷	دستت را بالا ببر.
18	Ask a question.	آسک اِ کُواسچِن.	۱۸	سوال کن.
19	Listen to the question.	لِسِن تو ذ کُواسچِن.	۱۹	به سوال گوش بده.
20	Answer the question.	اَنسِ ذ کُواسچِن.	۲۰	به سوال پاسخ بده.
21	Listen to the teacher.	لِسِن تو ذ تیچ.	۲۱	به معلم گوش بده.
22	Do your homework.	دو یُ هُوم وِک.	۲۲	تکلیفت را انجام بده.
23	Go over the answers.	گو اُو ذی آنسِز.	۲۳	به پاسخ ها بپردازید.
24	Correct your mistakes.	کِرِکت یُ میستِیکس.	۲۴	اشتباهاتت را اصلاح کن.
25	Hand in your homework.	هَند این یُ هُوم وِک.	۲۵	تکلیفت را تحویل بده.
26	Discuss the question.	دیسکاس ذ کُواسچِن.	۲۶	سوال را مورد بحث قرار دهید.
27	Help each other.	هِلپ ایچ آذِ.	۲۷	به همدیگر کمک کنید.
28	Work together.	وِک تِگِذِ.	۲۸	باهم کار کنید.

5 کارهای کلاسی







29 Look in the dictionary.	لُک این ذِ دِکشِنری.	۲۹ به دیکشنری نگاه کنید.
30 Look up a word.	لُک آپ اِ وِد.	۳۰ معنی یک کلمه را پیدا کنید.
31 Pronounce the word.	پرِنَونس ذ وِد.	۳۱ کلمه را تلفظ کنید.
32 Read the definition.	رید ذ دِفِنِیشِن.	۳۲ تعریف را بخوانید.
33 Copy the word.	کاپی ذ وِد.	۳۳ کلمه را رونویسی کنید.
34 Work alone.	وِک اِلُون.	۳۴ تنها کار کنید.
35 Do your own work.	دو یُ اُون وِک.	۳۵ کار خودتان را انجام دهید.
36 Work with a partner.	وِک وِیذ اِ پاتنِ.	۳۶ با یک همکلاسی کار کنید.
37 Break up into small groups.	بریک آپ اینتو سمال گروپس.	۳۷ به گروه های کوچک تقسیم شوید.
38 Work in a group.	وِک این اِ گروپ.	۳۸ گروهی کار کنید.
39 Turn off the lights.	تِ(ر)ن آف ذ لایتس.	۳۹ چراغ ها را خاموش کنید.
40 Look at the screen.	لُک اَت ذِ سکرین.	۴۰ به پرده نمایش نگاه کنید.
41 Take notes.	تِیک نُوتس.	۴۱ یادداشت بردارید.
42 Turn on the lights.	تِ(ر)ن آن ذ لایتس.	۴۲ چراغ ها را روشن کنید.
43 Take out a piece of paper.	تِیک اَوت اِ پیس آو پیپِ.	۴۳ یک تکه کاغذ بیرون بیاورید.
44 Pass out the tests.	پَس اَوت ذ تِستس.	۴۴ برگه های امتحانی را دست به دست کنید.
45 Answer the questions.	آنسِ ذ کُواِسچنز.	۴۵ به سوالات پاسخ دهید.
46 Check your answers.	چِک یُ آنسِز.	۴۶ پاسخ هایتان را چک کنید.
47 Collect the tests.	کِلِکت ذ تِستز.	۴۷ برگه های امتحانی را جمع کنید.
48 Choose the correct answer.	چوز ذ کرِکت آنسِ.	۴۸ پاسخ درست را انتخاب کنید.
49 Circle the correct answer.	سِکًل ذ کرِکت آنسِ.	۴۹ دور پاسخ درست خط بکشید.
50 Fill in the blank.	فِل این ذ بلَنک.	۵۰ جای خالی را پر کنید.
51 Mark the answer sheet.	ما(ر)ک ذی آنسِ شیت.	۵۱ در پاسخنامه علامت بزنید.
52 Match the words.	مَچ ذ وِدز.	۵۲ کلمات راجور کنید.
53 Underline the word.	آندِلاین ذ وِد.	۵۳ زیر کلمه خط بکشید.
54 Cross out the word.	کراس اَوت ذ وِد.	۵۴ کلمه را با ضربدر معین کنید.
55 Unscramble the word.	آنسکرَمبًل ذ وِد.	۵۵ حروف کلمه را مرتب کنید.
56 Put the words in order.	پُت ذ وِدز این اُدِ.	۵۶ کلمات را مرتب کنید.
57 Write on a separate sheet of paper.	رایت آن اِ سِپرِت شیت آو پیپِ.	۵۷ روی یک برگه جداگانه بنویسید.

5

Prepositions حروف اضافه



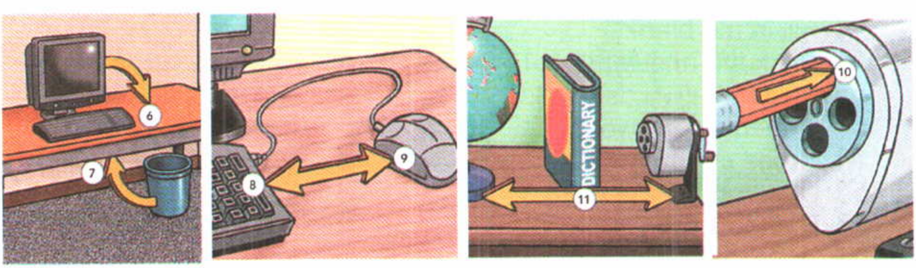
A: Where's the clock?
-وِ(ر)ز ذِ کُلاک؟
-ساعت کجاست؟

B: The clock is **above** the bulletin board.
-ذِ کُلاک ایز اِباو ذ بولِتِن بُ(ر)د.
-ساعت بالای تابلو اعلانات است.

A: Where's the bulletin board?
-وِ(ر)ز ذِ بولِتِن بُ(ر)د؟
-تابلوی اعلانات کجاست؟

B: The bulletin board is **below** the clock.
-ذِ بولِتِن بُ(ر)د ایز بیلُو ذِ کُلاک.
-تابلوی اعلانات زیر ساعت است.

	Prepositions	**پریپزِشِنز**	**حروف اضافه**	
1	above	اِباو	بالایِ	۱
2	below	بیلُو	پائینِ	۲
3	in front of	این فرانت آو	جلویِ	۳
4	behind	بیهایند	پشتِ	۴
5	next to	نِکست تو	کنارِ	۵
6	on	آن	رویِ	۶
7	under	آندِ	زیرِ	۷
8	to the left of	تو ذِ لِفت آو	به طرف چپِ	۸
9	to the right of	تو ذِ رایت آو	به طرف راستِ	۹
10	in	این	داخلِ	۱۰
11	between	بیتوین	بینِ	۱۱



5 Everyday Activities (1)

فعالیت های روزمره (۱)








A: What do you do every day? -تو هر روز چه کار می کنی؟

-وات دو یو دو اِوری دِی؟

B: I get up, I take a shower, and I brush my teeth.

-آی گِت آپ، آی تِیک اِ شَ وِ، اَند آی براش مای تیث.

-من از خواب بر می خیزم، دوش می گیرم، و دندان هایم را مسواک می زنم.

A: What does he do every day? -او هر روز چه کار می کند؟

-وات داز هی دو اِوری دِی؟

B: He shaves, gets dressed, and eats breakfast.

-هی شیوز، گِتس درِسد، اَند ایتس بْرِکفِست.

-او اصلاح میکند، لباس می پوشد، و صبحانه می خورد.

1	I brush my teeth.	آی براش مای تیث.	من دندان هایم را مسواک می زنم.	۱
2	I shave.	آی شِیو.	من صورتم را اصلاح می کنم.	۲
3	I get dressed.	آی گِت درِسد.	من لباس می پوشم.	۳
4	I wash my face.	آی واش مای فِیس.	من صورتم را می شویم.	۴
5	I put on make-up.	آی پُت آن مِیک-آپ.	من آرایش می کنم.	۵
6	I brush my hair.	آی براش مای هِ.	من مویم را برس می زنم.	۶
7	I comb my hair.	آی کُوم مای هِ.	من مویم را شانه می کنم.	۷
8	He makes the bed.	هی مِیکس ذِ بِد.	اوتختخواب را مرتب می کند.	۸
9	He gets undressed.	هی گِتس آن درِسد.	او لباسش را در می آورد.	۹
10	He takes a bath.	هی تِیکس اِ بَث.	او حمام می کند.	۱۰
11	He goes to bed.	هی گُوز تو بِد.	او به رختخواب می رود.	۱۱
12	He sleeps.	هی سلیپس.	او میخوابد.	۱۲
13	She makes breakfast.	شی مِیکس برِک فِست.	او صبحانه درست می کند.	۱۳
14	She makes lunch.	شی مِیکس لانچ.	او ناهار درست می کند.	۱۴
15	She cooks/makes dinner.	شی کُکس/ مِیکس دِنِ.	او شام می پزد.	۱۵
16	She eats/has breakfast.	شی ایتس/ هَز برِکفِست.	او صبحانه می خورد.	۱۶
17	I eat/have lunch.	آی ایت/ هَو لانچ.	من ناهار می خورم.	۱۷
18	She eats/ has dinner.	شی ایتس/ هَز دِنِ.	او شام می خورد.	۱۸

Everyday Activities (2)

فعالیت های روزمره (۲)

5






A: Hello. This is Tom. What are you doing?

- هِلُو. دِس اِز تام. وات آر یو دوینگ؟ —الو. من تام هستم. تو داری چه کار می کنی؟

B: I'm cleaning the house. How about you?

-آیم کلینینگ دِ هَوس. هاو اِبوت یو؟ —من دارم خونه را تمیز می کنم. تو چطور؟

A: I'm washing the dishes.

-آیم واشینگ دِ دِشِز. —دارم ظرفارو می شورم.

Are you going to do the laundry soon?

-آر یو گوئینگ تو دو دِ لُندری سون؟ —آیا قصد داری به زودی لباسارو بشوری؟

B: Yes, I'm going to do the laundry in a little while.

-یِس، آیم گوئینگ تو دو دِ لُندری این اِ لِتّل وایل. —آره، قصد دارم کمی بعد لباسارو بشورم.

1 I'm cleaning the apartment.	آیم کلینینگ ذی آپاتمنت.	۱ من دارم آپارتمان را تمیز می کنم.
2 I'm washing the dishes.	آیم واشینگ ذِ دشِز.	۲ من دارم ظرفهارو می شورم.
3 I'm doing the laundry.	آیم دوئینگ ذِ لَندری.	۳ من دارم لباسهارو می شورم.
4 I'm ironing.	آیم آیِ نینگ.	۴ من دارم اطو می کنم.
5 I'm feeding the baby.	آیم فیدینگ ذِ بِی بی.	۵ من دارم به بچه غذا می دم.
6 I'm cleaning the house.	آیم کلینینگ ذِ هَوس.	۶ من دارم خونه رو تمیز می کنم.
7 He's going to work.	هیزگوئینگ تو وِک.	۷ او داره سر کار میره.
8 He's working.	هیز وِکینگ.	۸ اون داره کار می کنه.
9 He's going to school.	هیز گوئینگ تو سکول.	۹ اون داره به مدرسه می ره.
10 He's driving to work.	هیز درای وینگ تو وِک.	۱۰ اون داره با ماشین سر کار می ره.
11 They're leaving work.	ذِ(ر) لی وینگ وِک.	۱۱ اونا دارن کارشونو ترک می کنند.
12 We're going to the store.	وی گوئینگ تو ذِ ستُ(ر).	۱۲ ما داریم به فروشگاه می ریم.
13 You 're studying.	یُ(ر) ستادینگ.	۱۳ شما دارین درس می خونین.
14 She's taking the bus to school.	شیز تِیکینگ ذِ باس تو سکول.	۱۴ اون داره با اتوبوس به مدرسه میره.
15 We're coming home.	وی کامینگ هُوم.	۱۵ ما داریم به خونه می آئیم.
16 We're getting home.	وی گِتینگ هُوم.	۱۶ ما داریم به خونه می رسیم.

5 Leisure Activities
فعالیت های اوقات فراغت



A: Hi. What are you doing?
-های. وات آر یو دوئینگ؟
-سلام. داری چه کار می کنی؟

B: I'm watching TV.
-آیم واچینگ تی وی.
-دارم تلویزیون تماشا می کنم.

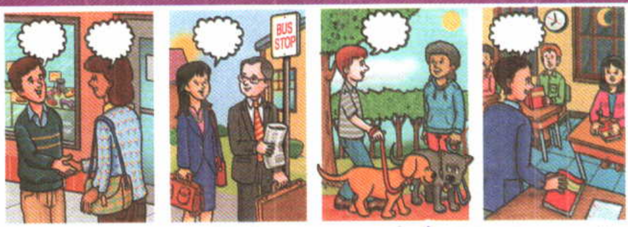
A: What's your husband doing?
-واتس یُ(ر) هازبند دوئینگ؟
-شوهرت داره چی کار می کنه؟

B: He's listening to music.
-هیز لِسنینگ تو میوزِک.
-داره به موسیقی گوش می ده.

He's reading a book.	-هیز ریدینگ اِ بُک.	-او داره کتاب می خونه.
He's reading the newspaper.	-هیز ریدینگ ذِ نوز پیپِ.	-او داره روزنامه می خونه.
They're playing basketball.	-ذِر پلِئینگ بَسکِتبال.	-اونا دارن بسکتبال بازی می کنند.
He's playing the guitar.	-هیز پلِئینگ ذِ گیتار.	-او داره گیتار می زنه.
He's practicing the piano.	-هیز پرَکتیسینگ ذِ پییَنُ.	-او داره پیانو تمرین می کنه.
She's exercising.	-شیز اِکسِسایزینگ.	-او داره ورزش می کنه.
She's swimming.	-شیز سویمینگ.	-او داره شنا می کنه.
You're planting flowers.	-یُ(ر) پلَنتینگ فلَ وِز.	-تو داری گل می کاری.
We're using the computer.	-وی یوزینگ ذِ کِم پیوتِ.	-ما داریم از کامپیوتر استفاده می کنیم.
You're writing a letter.	-یُ(ر) رایتینگ اِ لِتِ.	-تو داری نامه می نویسی.
She's relaxing.	-شیز ریلَکسینگ.	-اون داره استراحت می کنه.

Everyday Conversations 5
مکالمه های روزمره

سلام و احوالپرسی



A: Hello.	-هِلُو.	-سلام. (رسمی)
B: Hi.	-های.	-سلام. (خودمونی)
A: Good morning.	-گُد مُنینگ.	-صبح بخیر.
B: Good morning.	-گُد مُنینگ.	-صبح بخیر.
A: Good afternoon.	-گُد اَفتِ نون.	-عصر بخیر.
B: Good afternoon.	-گُد اَفتِ نون.	-عصر بخیر.
A: Good evening.	-گُد ایونینگ.	-شب بخیر. (سلام)
B: Good evening.	-گُد ایونینگ.	-شب بخیر. (سلام)
A: How are you?	-هاواَ یو؟	-چطوری؟
How are you doing?	هاو آ یو دوئینگ؟	-اوضاعت چطوریه؟
B: Fine.	-فاین.	-خوبه.
Fine, thanks.	فاین، ثَنکس.	خوبم، متشکرم.
0kay.	اُ کِی.	خوبه.
A: What's new?	-واتس نو (نیو)؟	-تازه چه خبر؟
What's new with you?	واتس نو ویذ یو؟	-چه خبرا از خودت؟
B: Not much.	-نات ماچ.	-خبری نیست.
Not too much.	نات تو ماچ.	همچین خبری نیست.

خداحافظی کردن



A: Good-bye.	-گُد-بای.	-خداحافظ. (رسمی)
B: Bye.	-بای.	-خداحافظ. (خودمونی)
A: Good night.	-گُد نایت.	-شب بخیر. (خداحافظ)
B: Good night.	-گُد نایت.	-شب بخیر. (خداحافظ)
A: See you later.	-سی یو لِیتِ.	-بعداً می بینمت.
B: See you soon.	-سی یو سون.	-به زودی می بینمت.

مکالمه های روزمره



معرفی کردن خودتان و دیگران

A: Hello. My name is Robert Watson.
-هِلُو. مای نِیم از رابِت واتسِن. -سلام. اسم من رابرت واتسون است.
B: Hi. I'm Jack Brown. -های. آیم جَک براون. -سلام. من جک براون هستم.
A: Nice to meet you. -نایس تِ میت یو. -از دیدنت خوشحالم.
B: Nice to meet you, too. -نایس تِ میت یو، تو. -من هم از دیدنت خوشحالم.
A: I'd like to introduce Helen.
-آید لایک تِ اینترودوس هلن. -من مایلم هلن را معرفی کنم.
This is Helen. دِس از هلن. این هلن هست.
B: Nice to meet you, Helen. -نایس تِ میت یو، هلن. -از دیدنت خوشحالم، هلن.

جلب توجه کردن

A: Excuse me. - اِکس کیوز می. -ببخشید.
B: Yes. -یِس. -بله.
A: May I ask a question? -مِی آی اَسک اِ کُواسچِن؟ -میشه یه سوال بپرسم؟
B: Sure. -شُ(ر). -حتما.

تشکر کردن

A: Thank you. Thanks. -ثَنک یو. ثَنکس. -متشکرم. تشکر.
B: You're welcome. -یُ(ر) وِلکِم. -خواهش می کنم.

بیان نفهمیدن چیزی

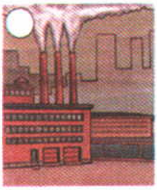
I don't understand. آی دُونت آندستَند. من نمی فهمم.
Sorry. I don't understand. ساری. آی دُونت آندستَند. ببخشید. من نمی فهمم.
Can you please repeat that? کَن یو پلیز رِپیت دَت؟ میشه لطفا اونو دوباره تکرار کنین؟
Can you please say that again? میشه لطفا دوباره اونو بگین؟
کَن یو پلیز سِی دَت اگِن؟

زنگ زدن به کسی

A: Hello. This is John. May I please speak to Kate?
-هِلُو. دِس از جان. مِی آی پلیز سْپیک تو کِیت؟
-آلو. من جان هستم. میشه لطفا با کِیت صحبت کنم؟
B: Yes. Hold on a moment. -یِس. هُولد آن اِمُومِنت. -بله. یه لحظه گوشی خدمتتون.
I'm sorry. Kate isn't here right now.
-آیم ساری. کِیت اِزِنت هیِ رایت نَو. -متاسفم. کِیت الان اینجا نیست.

The Weather
آب و هوا

5


smoggy


windy


muggy


raining


drizzling

A: What's the weather like? -واتز ذِ وِذِ لایک؟ -هوا چطوره؟

B: It's sunny. -اِتس سانی. -هوا آفتابیه.

A: What's the weather forecast? -واتس ذِ وِذِ فُکَست؟ -پیش بینی وضع هوا چیه؟

B: There's going to be a dust storm. - ذِز گواینگ تو بی اِ داست سْتُم. -طوفان شن در پیش است.

A: How's the weather? -هاوز ذِ وِذِ؟ -هوا چطوریه؟

B: It's hot. -اِتس هات. -هوا گرمه.

A: What's the temperature? -واتس ذِ تِمپرِچِ؟ -درجه حرارت چنده؟

B: It's 45 degrees Centigrade. -چهل و پنج درجه سانتی گراد. -اِتس فُ تی فایو دیگریز سِنتی گرِید.

Fahrenheit and Celsius فارنهایت و سلسیس (سانتی گراد)

با توجه به اینکه در آمریکا برای درجه حرارت هوا از واحد فارنهایت استفاده می شود، تبدیل فارنهایت به سانتیگراد اهمیت پیدا می کند. برای این کار درجه فارنهایت را از ۳۲ کم کرده نتیجه را ضربدر ۵ کرده و بر ۹ تقسیم می کنیم.
برای تبدیل سانتی گراد به فارنهایت آن را ضربدر ۹ کرده، نتیجه را تقسیم بر ۵ می کنیم و به ۳۲ اضافه می نمائیم. به این مثال توجه کنید:

A: "What is the average temperature in Seoul during June?"
-وات اِز ذی اَورج تِمپرِچِ این سُول دیورینگ جون؟
-متوسط درجه حرارت در ماه جون در سئول چند است؟

B: "It is usually about 26 degrees Celsius during June."
-اِت اِز یوژلی اِبوت توانتی سِکس دیگریز سِلسیس دیورینگ جون.
-درجه حرارت معمولا حدود ۲۶ درجه سانتی گراد در ماه جون است.

A: "What is that in Fahrenheit?"
-وات اِز ذَت این فارنهایت؟ -این درجه به واحد فارنهایت چند می شود؟

B: "That would be about 80 degrees Fahrenheit."
-ذَت وُد بی اِبوت اِیتی دیگریز فارنهایت. -اون حدود ۸۰ درجه فارنهایت می شود.

5

آب و هوا

جدول تغییرات فارنهایت به سانتی گراد

Fahrenheit	Celsius	Fahrenheit	Celsius	Fahrenheit	Celsius
100	37.8	70	21.1	32	0
90	32.2	65	18.3	20	-6.7
85	28.4	60	15.6	10	-12.2
80	26.7	50	10	0	-17.8
75	23.9	40	4.4		








واژگان

	Weather	**وِذِ**	**آب و هوا**	
1	sunny	سانی	آفتابی	۱
2	cloudy	کْلَودی	ابری	۲
3	clear	کْلیِ(ر)	صاف	۳
4	hazy	هِیزی	غبارآلود	۴
5	foggy	فاگی	مه آلود	۵
6	smoggy	سْماگی	مه دودی	۶
7	windy	ویندی	طوفانی	۷
8	humid/muggy	هیومِد/ ماگی	مرطوب/ گرم و مرطوب	۸
9	rain	رِین	باران	۹
10	drizzle	دْرِزْل	نم نم باران	۱۰
11	snow	سْنو	برف	۱۱
12	hail	هِیل	تگرگ	۱۲
13	sleet	سْلیت	یخ باران	۱۳
14	lightning	لایتنینگ	برق	۱۴
15	thunderstorm	ثَند سْتُوم	رعد	۱۵
16	snowstorm	سْنُو سْتُوم	کولاک- بوران	۱۶
17	dust storm	داست سْتُوم	طوفان شن	۱۷
18	heat wave	هیت وِیو	موج گرما	۱۸
	Temperature	**تِمپرِ چِ**	**درجه حرارت**	
19	thermometer	ثِما میت	دما سنج	۱۹
20	Fahrenheit	فارنهایت	فارنهایت	۲۰
21	Centigrade/Celsius	سِنتی گرِید/سِلسیِس	سانتی گراد	۲۱
22	hot	هات	گرم- داغ	۲۲
23	warm	وا(ر)م	گرم	۲۳
24	cool	کُل	خنک	۲۴
25	cold	کُولد	سرد	۲۵
26	freezing	فریزینگ	خیلی سرد	۲۶

Numbers, Time, Money, Calendar
اعداد، ساعت، پول، تقویم

6

Numbers



اعداد

A: How old are you? ‎-هاو اُولد آر یو؟ — ‏-شما چند ساله هستید؟

B: I'm thirteen years old. ‎-آیم ثِتین یِز اُولد. — ‏-من سیزده ساله هستم.

A: How many people are there in your family?

‏-هاو مِنی پیپُل آ ذِ این یُ فَمِلی؟ — ‏-در خانواده شما چند نفر هستند؟

B: There are four people in my family.

‏-ذِ آ فُ پیپُل این مای فَمِلی. — ‏-در خانواده من چهار نفر هستند.

A: How many students are there in your class?

‏-هاو مِنی سْتودِنتس آ ذِ این یُ کْلَس؟ — ‏-در کلاس شما چند دانش آموز هستند؟

B: There are twenty students in our class.

‏-ذِ آ توانتی سْتودِنتس این آوِ کْلَس. — ‏-در کلاس ما ۲۰ دانش آموز هستند.

Cardinal Numbers — کادِنُل نامبِز — اعداد اصلی



0	zero	زیرو
1	one	وان
2	two	تو
3	three	ثْری
4	four	فُ
5	five	فایو
6	six	سِکس
7	seven	سِوِن
8	eight	اِیت
9	nine	ناین
10	ten	تِن
11	eleven	ایلِوِن
12	twelve	توالو
13	thirteen	ثِتین
14	fourteen	فُتین
15	fifteen	فِفتین

16	sixteen	سِکستین
17	seventeen	سِوِنتین
18	eighteen	اِیتین
19	nineteen	ناینتین
20	twenty	توانتی
21	twenty-one	توانتی-وان
22	twenty-two	توانتی-تو
30	thirty	ثِتی
40	forty	فُتی
50	fifty	فِفتی
60	sixty	سِکستی
70	seventy	سِوِنتی
80	eighty	اِیتی
90	ninety	ناینتی
100	one hundred	وان هاندرِد

101	one hundred one	وان هاندرِد وان
102	one hundred two	وان هاندرِد تو
1,000	one thousand	وان ثَوْزِند
10,000	ten thousand	تِن ثَوْزِند
100,000	one hundred thousand	وان هاندرِد ثَوْزِند
1,000,000	one million	وان مِلیِن
1,000,000,000	one billion	وان بِلیِن



A: What floor do you live on?
-وات فل(ر) دو یو لِوْ آن؟ -در طبقه چندم زندگی می کنید؟

B: I live on the second floor.
-آی لِوآن ذِ سِکِند فل(ر). -من در طبقه دوم زندگی می کنم.



A: Is this your first trip to our country?
-آیا این اولین سفر شما به کشور ما است؟ -از ذِس یَ فِست ترِپ تو آوِ کانتری؟

B: No. It's my third trip
-نُو. اِتس مای ثِد ترِپ. -نه. این سومین سفر من است.

Ordinal Numbers اُدِنَل نامبِز اعداد ترتیبی



1st	first	فِست
2nd	second	سِکِند
3rd	third	ثِد
4th	fourth	فَ ث
5th	fifth	فِفث
6th	sixth	سِکسث
7th	seventh	سِونث
8th	eighth	اِیث
9th	ninth	نایِنث
10th	tenth	تِنث
11th	eleventh	اِیلِونث
12th	twelfth	توِالْفث
13th	thirteenth	ثِ تینث
14th	fourteenth	فَ تینث
15th	fifteenth	فِف تینث
16th	sixteenth	سِکس تینث

17th	seventeenth	سِوِن تینث
18th	eighteenth	اِی تینث
19th	nineteenth	ناین تینث
20th	twentieth	تُوانتیِ ث
21st	twenty-first	تُوانتی-فِست
22nd	twenty-second	تُوانتی-سِکِند
30th	thirtieth	ث تیِ ث
40th	fortieth	فَ تیِ ث
50th	fiftieth	فِف تیِ ث
60th	sixtieth	سِکس تیِ ث
70th	seventieth	سِوِن تیِ ث
80th	eightieth	اِی تیِ ث
90th	ninetieth	ناین تیِ ث
100th	one hundredth	وان هاندرِدث
101st	one hundred first	وان هاندرِد فِست

Time
ساعت



A: What time is it? -وات تایم اِز اِت؟ -ساعت چنده؟
B: It's two o'clock. -اِتس تو اِکلاک. -ساعت دو است.



A: What time does the movie begin?
-فیلم ساعت چند شروع میشه؟ -وات تایم داز دِ مووی بی گِن؟
B: At two thirty. -اَت تو ثِ تی. -در ساعت دوو سی دقیقه.



A: When does the train leave?
-قطار کی حرکت می کند؟ -وِن داز دِ تْرین لیو؟
B: At three A.M. -اَت ثْری اِی اِم. -در ساعت سه صبح.



A: What time will we arrive?
-ساعت چند می رسیم؟ -وات تایم ویل وی اِرایو؟
B: At two P.M. -اَت تو پی اِم. -در ساعت دو بعد از ظهر.



two o'clock
تو اِکلاک



two fifteen/
a quarter after two
تو فِفتین/
اِ کوآتِ اَفتِ تو



two thirty/
half past two
تو ثِ تی/
هَف پَست تو



two forty-five/
a quarter to three
تو فُ تی فایو/
اِ کوآتِ تو ثْری



two oh five
تو اُ فایو



two twenty/
twenty after two
تو توانتی/
توانتی اَفتِ تو



two forty/
forty after two
تو فُتی/
فُتی اَفتِ تو



two fifty five/
five to three
تو فِفتی فایو/
فایو تو ثْری

two A.M.	تو اِی اِم	دو صبح
two P.M.	تو پی اِم	دو بعد از ظهر
noon/ twelve noon	نون/ توالو نون	ظهر/ ۱۲ ظهر
midnight/ twelve midnight	مید نایت/ توالو میدنایت	نیمه شب/ ۱۲ نیمه شب

6 Money
پول

درخواست پول خرد



A: How much is a penny worth?
-هاو ماچ اِز اِ پِنی وِث؟
-یک پنی چقدر می ارزه؟

B: A penny is worth one cent.
-اِ پِنی اِز وِث وان سِنت.
-یک پنی یک سنت می ارزه.



A: Excuse me, could you give me some change?
-اِکس کیوز می، کُد یو گِو می سام چِینج؟
-ببخشید، میشه یه مقدار پول خرد به من بدین؟

B: Let me see. Are dimes and quarters OK?
-لِت می سی. آ دایمز اِن کوآتِز اُوکِی؟
-بگذارید ببینم. ۱۰ سنتی و ۲۵ سنتی مشکل تونو حل می کنه؟

A: I want to make a long-distance phone call.
-آی وانت تو میک اِ لانگ-دِستِنس فُون کال.
-من می خوام یک تماس تلفنی راه دور انجام بدم.

B: I think dimes and quarters will do.
-آی ثِنک دایمز اِن کوآتِز وِل دو.
-من فکر می کنم سکه های ۱۰ و ۲۵ سنتی کارتونو راه بیندازه.

Coins سکه ها



نام	تلفظ	ارزش	شکل نوشتاری	
1 penny	پِنی	یک سنت	1 ¢	$.01
2 nickel	نِکِل	پنج سنت	5 ¢	$.05
3 dime	دایم	ده سنت	10¢	$.10
4 quarter	کوآت	بیست و پنج سنت	25¢	$.25
5 half dollar	هَف دالَ	پنجاه سنت	50¢	$.50
6 silver dollar	سِل وِ دالِ	یک دلار		$1.00

پول

A: I'm going to the supermarket. Do you have any cash?
-من دارم به سوپرمارکت می رم. پول نقد داری؟ -آیم گوئینگ تو دِ سوپِ ماکیت. دو یو هَو اِنی کَش؟
B: I have a twenty-dollar bill.
-من یک اسکناس ۲۰ دلاری دارم. -آی هَو اِ توانتی-دالِ بِل.
A: Twenty dollars is enough. Thanks.
-بیست دلار کافیه. متشکرم. -توانتی دالِز اِز اِیناف. ثَنکس.

A: Can you change a five-dollar bill/a five?
-میشه یک اسکناس پنج دلاری را خرد کنید؟ -کِن یو چینج اِ فایو-دالِ بِل/ اِ فایو؟
B: Yes. I have five one-dollar bills/ five ones.
-بله. من پنج اسکناس یک دلاری دارم. -یِس. آی هَو فایو وان-دالِ بِلز/ فایو وانز.



نام	نام دیگر	ارزش	شکل نوشتاری
7 (one-) dollar bill	a one	۱ دلار	$1.00
8 five-dollar bill	a five	۵ دلار	$5.00
9 ten-dollar bill	a ten	۱۰ دلار	$10.00
10 twenty-dollar bill	a twenty	۲۰ دلار	$20.00
11 fifty-dollar bill	a fifty	۵۰ دلار	$50.00
12 (one-) hundred dollar bill	a hundred	۱۰۰ دلار	$100.00

شکل نوشتاری	شکل گفتن	تلفظ	معنی
$ 1.30	a dollar and thirty cents/ a dollar thirty	اِ دالِ اِن ثِتی سِنتس/ اِ دالِ ثِتی	یک دلار و سی سنت
$ 2.50	two dollars and fifty cents/ two fifty	تو دالِز اِن فِفتی سِنتس/ تو فِفتی	دو دلار و جاه سنت
$ 56.49	fifty-six dollars and forty-nine cents/ fifty-six forty-nine	فِفتی-سِکس دالِز اِن فُتی-ناین سِنتس/ فِفتی-سِکس فُتی-ناین	پنجاه و شش دلار و چهل و نه سنت

6 The Calendar تقویم



A: What year is it? —وات یِ از اِت؟ —امسال چه سالی است؟
B: It's 2007. —اِتس تو ثُوزِند سِوِن. —امسال سال ۲۰۰۷ است.

A: What month is it? —وات مانث از اِت؟ - چه ماهی است؟
B: It's January. —اِتس جَنیواِری. —ژانویه است.

A: What day is it? —وات دِی از اِت؟ —امروز چه روزی است؟
B: It's Sunday. —اِتس ساندِی. —امروز یکشنبه است.

A: When is his birthday?
—وِن از هیزبِ(ر)ثدِی؟ —تولد او در چه تاریخی است؟
B: It's on January third, two thousand two.
—تولدش در سوم ژانویه، سال ۲۰۰۲ است. —اِتس آن جَنیواِری ثِ(ر)د، تو ثُوزِند تو.

A: When's your birthday?
—وِنزیُ بِ(ر)ثدِی؟ —تولد تو کی است؟
B: It's on March thirteenth, 1982.
—تولدم در سیزدهم مارچ، سال ۱۹۸۲ است. —اِتس آن مارچ ثِتینث، ناینتین اِیتی تو.

واژگان

	Calendar	**کَلِند**	**تقویم**
1	year	یِ(ر)	۱ سال
2	month	مانث	۲ ماه
3	week	ویک	۳ هفته
4	day	دِی	۴ روز
5	weekend	ویکند	۵ تعطیلی آخر هفته
	Days of the Week	**دیز آو ذِ ویک**	**روزهای هفته**
6	Sunday	ساندِی	۶ یکشنبه
7	Monday	ماندِی	۷ دوشنبه
8	Tuesday	توزدِی	۸ سه شنبه
9	Wednesday	ونزدِی	۹ چهارشنبه
10	Thursday	ثِزدِی	۱۰ پنجشنبه
11	Friday	فُرایدِی	۱۱ جمعه
12	Saturday	سَتِدِی	۱۲ شنبه
	Months of the Year	**مانثس آو ذِ یِ(ر)**	**ماه های سال**
13	January	جَنیواِری	۱۳ ژانویه
14	February	فِبرواِری	۱۴ فوریه
15	March	ما(ر)چ	۱۵ مارچ
16	April	اِیپرِل	۱۶ آوریل

تقویم

English	تلفظ	فارسی
17 May	مِی	۱۷ مِی
18 June	جون	۱۸ جون
19 July	جولای	۱۹ جولای
20 August	اُگِست	۲۰ آگوست
21 September	سِپ تِمبِ(ر)	۲۱ سپتامبر
22 October	آکتُبِ	۲۲ اکتبر
23 November	نُومِبِ	۲۳ نوامبر
24 December	دیسِمبِ	۲۴ دسامبر
25 1/3/2012 January third, two thousand twelve	جَنیوِاری ثِد، تو ثُوزِند توالوْ	۲۵ سوم ژانویه، سال ۲۰۱۲
26 birthday	بِ(ر)ثدِی	۲۶ تولد
27 anniversary	اَنوِسِری	۲۷ سالگرد
28 appointment	اِپُینتمِنت	۲۸ انتصاب- قرار ملاقات

نکته ۱: برای گفتن تاریخ تولد، اول ماه، بعد روز به صورت اعداد ترتیبی، و سپس سال گفته می شود.
نکته ۲: سالهائی را که در آن صفرنباشد، دوتا دوتا خوانده می شوند.
مانند ۱۹۸۲ که خوانده می شود: ناین تین اِیتی تو = نوزده، هشتاد و دو.



6 Time Expressions and Seasons

عبارات زمانی و فصل ها

A: What did you do yesterday morning?
-واتْ دید یو دو یِستِدِی مُنینگ؟
-دیروز صبح چه کار کردی؟

B: I went to the university.
-آی وِنت تو ذِ یو نیوِستی.
-به دانشگاه رفتم.

A: What did you do last night?
-واتْ دید یو دو لَست نایت؟
-دیشب چه کار کردید؟

B: We stayed at home. -وی سْتِید اِت هُوم.
-در خانه ماندیم.

A: What are you going to do tomorrow afternoon?
-واتْ آر یو گُوئینگ تو دو تِمارُو اَفتِنون؟
-فردا بعد از ظهر قصد داری چه کار کنی؟

B: I'm going to study at home.
-آیم گُوئینگ تو سْتادی اِت هُوم.
-قصد دارم در خانه درس بخوانم.

A: What did you do last weekend?
-واتْ دید یو دو لَست ویکِند؟
-تعطیلی آخر هفته گذشته چه کار کردی؟

B: I went on a trip. -آی وِنت آن اِ تْرِپ.
-به مسافرت رفتم.

A: What are your plans for the next week?
-واتْ آ یُ پْلَنز فُ ذِ نِکست ویک؟
-برای هفته آینده چه برنامه هائی داری؟

B: I'm going to study for the test.
-آیم گُوئینگ تو سْتادی فُ ذِ تِست.
-قصد دارم برای امتحان درس بخوانم.

A: How many times a week do you exercise?
-هاو مِنی تایمز اِ ویک دو یو اِکسِسایز؟
-هفته ای چند بار ورزش می کنی؟

B: Three times a week. -ثْری تایمز اِ ویک.
-هفته ای سه بار.

A: What's your favorite season?
-واتس یُ فِیوِ رِت سیزِن؟
-فصل مورد علاقه ات چیه؟

B: It's fall. -اِتس فال.
-پائیزه.

A: Why? -وای؟
-چرا؟

B: Because it's very beautiful.
-بیکاز اِتس وِری بیوتِفُل.
-برای اینکه اون خیلی قشنگه.

واژگان

1	yesterday	یِستِدِی	دیروز	۱
2	today	تِدِی	امروز	۲
3	tomorrow	تِمارُو	فردا	۳
4	morning	مُنینگ	صبح	۴
5	afternoon	اَفتِنون	بعد از ظهر	۵
6	evening	ایونینگ	غروب- شب	۶
7	night	نایت	شب	۷

6

عبارات زمانی و فصل ها



8	yesterday morning	یِستِدِی مُنینگ	دیروز صبح	۸
9	yesterday afternoon	یِستِدِی آفتِنون	دیروز بعد از ظهر	۹
10	yesterday evening	یِستِدِی ایونینگ	دیروز غروب	۱۰
11	last night	لَست نایت	دیشب	۱۱
12	this morning	دِس مُنینگ	امروز صبح	۱۲
13	this afternoon	دِس آفتِنون	امروز بعد از ظهر	۱۳
14	this evening	دِس ایونینگ	امروز غروب	۱۴
15	tonight	تِنایت	امشب	۱۵
16	tomorrow morning	تِمارُو مُنینگ	فردا صبح	۱۶
17	tomorrow afternoon	تِمارُو آفتِنون	فردا بعد از ظهر	۱۷
18	tomorrow evening	تِمارُو ایونینگ	فردا غروب	۱۸
19	tomorrow night	تِمارُو نایت	فردا شب	۱۹
20	last week	لَست ویک	هفته قبل	۲۰
21	this week	دِس ویک	این هفته	۲۱
22	next week	نِکست ویک	هفته آینده	۲۲
23	once a week	وانس اِ ویک	هفته ای یکبار	۲۳
24	twice a week	توآیس اِ ویک	هفته ای دو بار	۲۴
25	three times a week	ثری تایمز اِ ویک	هفته ای سه بار	۲۵
26	every day	اِوری دِی	هر روز	۲۶
	Seasons	**سی زِنز**	**فصل ها**	
27	spring	سْپرینگ	بهار	۲۷
28	summer	سامِ	تابستان	۲۸
29	fall/ autumn	فال/ آتِم	پائیز	۲۹
30	winter	وینتِ	زمستان	۳۰



7 Transportation and Travel
حمل و نقل و سفر

At the Airport — در فرودگاه

1. Making Airline Reservation — ۱. رزرو کردن بلیط هواپیما

A: I want to fly to Chicago on Thursday, the first.
-آی وانت تو فلای تو چیکاگو آن ثِزدِی، دِ فِست.
-من می خوام برای پنجشنبه اول برج به شیکاگو پرواز کنم.

B: Just a second, please. I'll check the schedule.
-جاست اِ سِکِند، پلیز. آیل چک دِ سکِ جوال.
-یک لحظه، لطفا. من برنامه را چک می کنم.

A: I want to go coach, and I'd prefer a morning flight.
-آی وانت تو گُو کُوچ، اِن آید پْریف اِ مُنینگ فلایت.
-من می خوام با سرویس اقتصادی برم، و پرواز صبح را ترجیح می دم.

B: United's Flight 102 leaves at 9:20.
-یونایتِدز فلایت وان اُو تو لیوز اِت ناین توانتی.
-پرواز شماره ۱۰۲ یونایتدز فلایت ساعت ۹:۲۰ دقیقه حرکت می کنه.

A: That's fine. What time do I have to be at the airport?
-ذَتس فاین. وات تایم دو آی هَو تو بی اِت ذی اِپُت؟
-خوبه. چه ساعتی باید در فرودگاه باشم؟

B: Check-in time is 8:45.
-چِک-این تایم اِز اِیت فُ تی فایو.
-ساعت چک کردن مدارک ۸:۴۵ دقیقه است.

واژگان

1	airline	اِ لاین	خط هوائی	۱
2	arrival	اِرای وِل	ورود	۲
3	available	اِویلِ بُل	موجود	۳
4	coach/ economy-class	کُچ/ ایکانِمی-کلَس	سرویس اقتصادی (ارزان)	۴
5	departure	دیپاچِ	حرکت	۵
6	first-class	فِست-کلَس	درجه یک	۶
7	night coach	نایت کُوچ	سرویس اقتصادی شبانه	۷
8	night flight	نایت فلایت	پرواز شبانه	۸
9	nonstop	نان ستاپ	بدون توقف	۹
10	open return	اُوپِن ری تِن	تاریخ برگشت (اُپِن)	۱۰
11	round ticket	رَوند تِکِت	بلیط رفت و برگشت	۱۱
12	round-trip	رَوند-ترِپ	سفر رفت و برگشت	۱۲
13	schedule	سک جوال	برنامه- برنامه ریزی کردن	۱۳
14	second-class	سِکند-کلَس	درجه دو	۱۴
15	single ticket	سِنگَل تِکِت	بلیط رفت	۱۵

2. Confirming your Flight ۲. تائید پروازتان

A: "I would like to confirm my flight."
-آی وُد لایک تو کِن فِم مای ف لایت.
-من مایلم پروازم را تائید کنم.

B: "Can I get your ticket number?"
-کِن آی گِت یُ تِکت نامبِ؟
-می تونم شماره بلیط تون را داشته باشم؟

A: "The number is 45-6-43."
-ذِ نامبِ از فُتی فایو- سِکس- فُ تی ثری.
-شماره ۴۳-۶-۴۵ است.

B: "You are scheduled to depart on June 15th at 1:00 P.M.
Is this correct?"
-یو آ سِکِ جوالد تو دیپات آن جون فِفتینث اِت وان پی ام. اِز ذِس کِ رِکت؟
-شما قرار است در پانزدهم جون در ساعت یک بعد از ظهر حرکت کنید. درسته؟

A: "Yes, it is." -یِس، اِت اِز.
-بله، درسته.

B: "Is anybody else traveling with you?"
-اِز اِنی بادی اِلس تراولینگ ویذ یو؟
-آیا شخص دیگری با شما سفر می کنه؟

A: "Yes, my wife." -یِس، مای وایف.
-بله، همسرم.

B: "Can I have the other ticket number?"
-کِن آی هَو ذی آذِ تِکت نامبِ؟
-میتونم شماره اون بلیط دیگه رو داشته باشم؟

A: "It is 45-6-44." -اِت اِز فُتی فایو- سِکس- فُتی فُ.
-شماره اش ۴۴-۶-۴۵ است.

B: "Your tickets have been confirmed.
-یُ تِکِتس هَو بین کِنفمد.
-بلیط هاتون تائید شدن.

Please arrive at the airport 3 hours before your flight departs.
پْلیز اِرایو اِت ذی اِیْت ثری آوِز بیفُ یُ فلایت دیپاتس.
لطفا سه ساعت قبل از پروازتون بیائین.

Thank you for calling." ثَنک یو فُ کالینگ.
از تماستون متشکرم.

سوالات دیگر در این رابطه:

"Would you like to book your seats now?"
وُد یو لایک تو بُک یُ سیتس نَو؟
آیا حالا مایل هستید صندلی هایتان را رزرو کنید؟

"Would you like a window seat or an aisle seat?"
وُد یو لایک اِ ویندُو سیت اُ اِن آیْل سیت؟
صندلی کنار پنجره می خواهید یا کنار راهرو؟

"What is your ticket number?"
وات اِز یُ تِکت نامبِ؟
شماره بلیط تان چند است؟

"What is your last name?"
وات اِز یُ لَست نیم؟
اسم فامیلی تان چیه؟

"What is your first name?"
وات اِز یُ فِست نیم؟
اسم کوچیک تون چیه؟

3. Departing Date ۳. تاریخ پرواز (عزیمت)

رزرو تاریخ عزیمت یا تغییر تاریخ پرواز

در چنین مواردی می توانید جملات زیر را بگوئید:

"I have an open ended ticket and I would like to schedule a departure date."

آی هَو اِن اُپِن اندید تِکت اِن آی وُد لایک تو سکِجوال اِ دیپاچِ دیت.

من یک بلیط اپن دارم و مایلم تاریخ پروازم را معین کنم.

"I have a ticket and I need to schedule a departure date."

آی هَو اِ تِکت اِن آی نید تو سکِجوال اِ دیپاچِ دیت.

من یک بلیط دارم و لازم است تاریخ پرواز را معین کنم.

"I am scheduled to depart on June 15th. Can I change this to a later date?"

آی اَم سکِجوالد تو دیپات آن جون فِفتینث. کَن آی چینج دِس تو اِ لیتِ دیت؟

من قرار است روز پانزدهم جون حرکت کنم. می تونم این تاریخ را به تعویق بیندازم؟

"I have a ticket to depart on June 15th.

آی هو اِ تکت تو دیپات آن جون فِفتینث.

من بلیطی برای حرکت در روز پانزدهم جون دارم.

I would like to see if there is an earlier flight available."

آی وُد لایک تو سی ایف ذِ اِز اِن اِلیِ فلایت اِویلبُل.

مایلم ببینم آیا پرواز زودتری دارید.

مسئول مربوطه ممکن است این سوالات را از شما بپرسد:

"What date would you like to depart?"

وات دیت وُد یو لایک تو دیپات؟

در چه تاریخی مایلید عزیمت کنید؟

"What date would you like to change it to?"

وات دیت وُد یو لایک تو چِینج اِت تو؟

میل دارید آن را به چه تاریخی تغییر دهید؟

"When do you want to depart?"

وِن دو یو وانت تو دیپات؟

چه موقع می خواهید عزیمت کنید؟

و شما می توانید پاسخ های زیر را بدهید:

"I would like to leave on June 22nd."

آی وُد لایک تو لیو آن جون توانتی سِکند.

من مایلم بیست و دوم جون حرکت کنم.

"Is June 22nd available?"

اِز جون توانتی سِکند اِویلبُل؟

برای بیست و دوم جون جا دارید؟

"Can you check if June 22nd is possible?"

کِن یو چِک ایف جون توانتی سِکند اِز پاسِبُل؟

میشه چک کنید آیا بیست و دوم جون امکان پذیره؟

3. Departing Date ۳. تاریخ پرواز (عزیمت)

پس از اینکه شما تاریخ مورد نظر پروازتان را انتخاب کردید، مسئول مربوطه آن را اُکی خواهد کرد و یا اینکه نزدیک ترین تاریخ موجود را به شما خواهد گفت:

"Yes. We have seats available for the 22nd.
Would you like me to reserve them?"

یِس. وی هَوسیتس اویلیَبل فَ دِ توانتی سکِند. وُد یو لایک می تو ری زِرو دِم؟

بله. برای بیست و دوم جا داریم. مایل هستید آنها را برایتان رزرو کنم؟

"On the 22nd, the departure time is 1:00pm.
Should I reserve them?"

آن دِ توانتی سکِند، دِ دیپاچِ تایم اِز وان پی اِم. شُد آی ری زِرو دِم؟

برای بیست و دوم، زمان حرکت ۱ بعد از ظهر است. رزرو کنم؟

"We have two flights departing on that date.
Would you like to depart at 10am or 7pm?"

وی هَو تو فلایتس دیپاتینگ آن دَت دیت. وُد یو لایک تو دیپات اَت تِن اِی اِم اُ سِوِن پی اِم؟

ما در آن تاریخ دو پرواز داریم. می خواهید در ساعت ۱۰ صبح حرکت کنید یا ۷ بعد از ظهر؟

"I'm sorry, but we don't have any available seats on the 22nd.
Should I put you on the waiting list?"

آیم ساری، بات وی دُونت هَو اِنی اویلیَبل سیتس آن دِ توانتی سکِند. شُد آی پُت یو آن دِ ویتینگ لِست؟

متاسفم، اما برای بیست و دوم جا نداریم. می خواهید شما را در لیست انتظار بگذارم؟

"I'm sorry, there are no departures for the 22nd.
We have a flight leaving on the 21st and the 24th.

آیم ساری، دِ آ نُ دیپاچِز فَ دِ توانتی سکِند. وی هَو اِ فلایت لیوینگ آن دِ توانتی فِست اند دِ توانتی فُث.

متاسفم، برای بیست و دوم پروازی وجود نداره. برای بیست و یکم و بیست و چهارم پرواز داریم.

"The 22nd is full. The next available flight is on the 23rd.
Would you like me to reserve a seat on that date?"

دِ توانتی سکِند اِز فُل. دِ نِکست اویلیَبل فلایت اِز آن دِ توانتی ثِد. وُدیو لایک می تو ریزِرو اِ سیت آن دَت دیت؟

بیست و دوم پره. پرواز بعدی برای بیست و سوم است. میخواهید برای اون تاریخ رزرو کنم؟

4. At the Check-in Counter ٤. در قسمت بررسی بلیط و پاسپورت

زمانی که به این قسمت می رسید، بلیط و پاسپورت خود را تحویل می دهید. اولین سوالی که ممکن است پرسیده شود در رابطه با تعداد افرادی است که با شما سفر می کنند.

"Is anybody traveling with you today?"
اِز اِنی بادی ترَ وِلینگ ویذ یو تِدِی؟ — آیا امروز کسی با شما سفر می کند؟

"Is anybody else traveling with you?"
اِز اِنی بادی اِلس ترَ ولینگ ویذ یو؟ — آیا شخص دیگری با شما سفر می کند؟

"Are just you two traveling today?"
آ جاست یو تو ترَ ولینگ تِدِی؟ — آیا امروز فقط شما دو نفر سفر می کنید؟

بگذارید به سوالات احتمالی دیگر که در این بخش ممکن است پرسیده شود نگاهی بیندازیم.

"Did someone you do not know ask you to take something on the plane with you?"
دید سام وان یو دو نات نُو اَسک یو تو تِیک سام ثِنگ آن ذِ پلین ویذ یو؟
آیا کسی که با او آشنائی ندارید از شما خواست چیزی را با خودتان به هواپیما ببرید؟

"Are you carrying any weapons or firearms?"
آ(ر) یو کَرینگ اِنی وِپنز اُ فایِ آ(ر)مز؟ — آیا هیچ نوع اسلحه یا سلاح گرم با خودتان حمل می کنید؟

"Are you carrying any flammable material?"
آ(ر) یو کَرینگ اِنی فلَم اِبِل مِتیریال؟ — آیا هیچ نوع مواد قابل اشتعال حمل می کنید؟

"Do you have any perishable food items?"
دو یو هَو اِنی پریشِبُل فود آیتِمز؟ — آیا هیچ نوع مواد غذائی فاسد شدنی دارید؟

"How many luggages are you checking in?"
هاو مِنی لاگیجِز آر یو چِکینگ این؟ — چند تا چمدان برای بازرسی دارید؟

"Do you have a carry on?"
دو یو هَو اِ کَری آن؟ — آیا ساک دستی دارید؟

"How many carry on bags are you taking with you?"
هاو مِنی کَری آن بَگز آر یو تِیکینگ ویذ یو؟ — چند تا ساک دستی را با خود می برید؟

"Do you prefer window or aisle?"
دو یو پریفِ ویندُو اُ آیل؟ — صندلی کنار پنجره را ترجیح می دهید یا کنار راهرو را؟

زمانی که شما به دلائلی دوست دارید کنار درب اضطراری بنشینید، در این صورت می توانید بپرسید:

"Do you have a seat next to the emergency exit?"
دو یو هَو اِ سیت نِکست تو ذی ایمِجنسی اِکسِت؟ — آیا یک صندلی کنار درب خروج اضطراری دارید؟

"Can I have a seat closest to the emergency exit?
کِن آی هَو اِ سیت کلُوسِست تو ذی ایمِجِنسی اِکسِت؟
آیا می تونم نزدیک ترین صندلی به خروج اضطراری را داشته باشم؟

4. At the Check-in Counter ۴. در قسمت بررسی بلیط و پاسپورت

در صورتی که صندلی خالی داشته باشند به شما می دهند. در غیر این صورت نزدیکترین صندلی به خروج اضطراری را پیشنهاد می کنند.

"All the seats next to the exit have been taken.
آل ذ سیتس نکست تو ذی اکسِت هَو بین تیکِن. همه صندلی های کنار خروجی گرفته شده اند.
I have a seat directly in front of it. Would you like that one?"
آی هَو اِ سیت دِرِکتلی این فرانت آو اِت. وُد یو لایک ذَت وان؟
من یک صندلی مستقیما روبروی اون دارم. اون یکی را می خواهین؟

Here are your tickets. بفرمائید بلیط های شما.
هیی آ یُ تِکِتس.

The gate number is on the bottom of the ticket.
ذ گیت نامبِ اِز آن ذِ باتِم آو ذِ تِکِت. شماره درب ورودی در پائین بلیط است.

They will start boarding 20 minutes before the departure time.
ذِی وِل ستات بُدینگ توانتی مِنِتس بیفُ ذِ دیپاچِ تایم.
آنها ۲۰ دقیقه قبل از پرواز شروع به سوار شدن می کنند.

You should report to gate C2 by then. C2 is around the corner and down the hall. Thank you."
یو شُد ریپُت تو گیت سی تو بای ذِن. سی تو اِز اِرَوند ذِ کُنِ اَند دَون ذِ هال. ثَنک یو.
شما باید تا آن موقع به ورودی سی ۲ گزارش دهید. سی ۲ همین نزدیکی پائین راهرو است. متشکرم.

5. Finding the Gate ۵. پیدا کردن ورودی

ممکن است برای پیدا کردن ورودی منتهی به ترمینالی که قرار است داخل هواپیما شوید، دچار سرگردانی شوید. در رابطه با این موضوع سوالاتی را که ممکن است بپرسید آمده است:

"Which gate did you say it was?"
وِچ گیت دِد یو سِی اِت واز؟ گفتید کدام ورودی بود؟

"What was the gate number again?"
وات واز ذِ گیت نامبِ اگِن؟ میشه شماره ورودی را دوباره بگین؟

"How do I get to gate C2?"
هاو دو آی گِت تو گیت سی تو؟ چطوری می تونم به ورودی سی ۲ برم؟

"Where is gate C2?"
وِ اِز گیت سی تو؟ ورودی سی ۲ کجاست؟

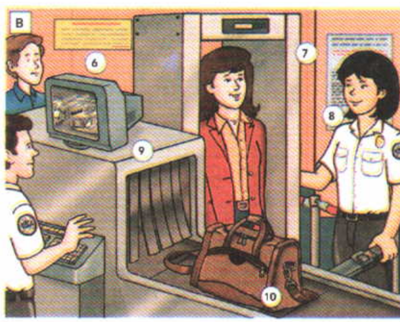
7

در فرودگاه

واژگان

A	**Check-In**	**چک-این**	**بخش کنترل ورود**
1	ticket	تِکت	۱ بلیط
2	ticket counter	تِکِت کَ وِنتِ	۲ پیشخوان بلیط
3	ticket agent	تِکِت ایجِنت	۳ مسئول کنترل بلیط
4	suitcase	سوت کِیس	۴ چمدان
5	arrival and departure monitor	اِرایوَل اِن دیپاچِ مانِتِ	۵ مانیتور نشان دهنده ورود و حرکت
B	**Security**	**سیکیُرِتی**	**امنیت**
6	security checkpoint	سیکیُرِتی چک پُینت	۶ باجه بازرسی امنیتی
7	metal detector	مِتال دیتِکت	۷ دستگاه فلزیاب
8	security officer	سیکیُرِتی آفِس	۸ افسر امنیتی
9	X-ray machine	اکس-رِی مِشین	۹ دستگاه اشعه ایکس
10	carry-on bag	کَری-آن بَگ	۱۰ کیف دستی





C	**The Gate**	**دِ گیت**	**ورودی**
11	check-in counter	چِک-این کَ وِنتِ	۱۱ پیشخوان بررسی
12	boarding pass	بُ دینگ پَس	۱۲ مجوز سوار شدن
13	gate	گِیت	۱۳ ورودی
14	boarding area	بُ دینگ اِریِ	۱۴ بخش سوار شدن
D	**Baggage Claim**	**بَگیج کلیم**	**مطالبه اسباب سفر**
15	baggage claim (area)	بَگیج کلِیم (اِریِ)	۱۵ بخش مطالبه اسباب سفر
16	baggage carousel	بَگیج کَروسِل	۱۶ گردان چمدان (ها)
17	baggage	بَگیج	۱۷ اثاثیه سفر
18	baggage cart/ luggage cart	بَگیج کا(ر)ت/ لاگِج کا(ر)ت	۱۸ چرخ دستی حمل اثاثیه سفر
19	luggage carrier	لاگِج کَرِی	۱۹ چرخ حمل چمدان
20	garment bag	گامِنت بَگ	۲۰ کاور لباس
21	baggage claim check	بَگِج کلِیم چک	۲۱ رسید مطالبه اثاثیه سفر

در فرودگاه

E Customs and Immigration	کاستِمز اِن اِمگریشِن	**گمرک و مهاجرت**
22 customs	کاستِمز	۲۲ گمرک
23 customs officer	کاستِمز آفِسِ	۲۳ مامور گمرک
24 customs declaration form	کاستِمز دیکلِرِشِن فُ م	۲۴ فرم اظهارنامه گمرکی
25 immigration	اِمگریشِن	۲۵ مهاجرت
26 immigration officer	اِمگریشِن آفِسِ	۲۶ مامور اداره مهاجرت
27 passport	پَس پُت	۲۷ گذرنامه
28 visa	ویزِ	۲۸ روادید (ویزا)







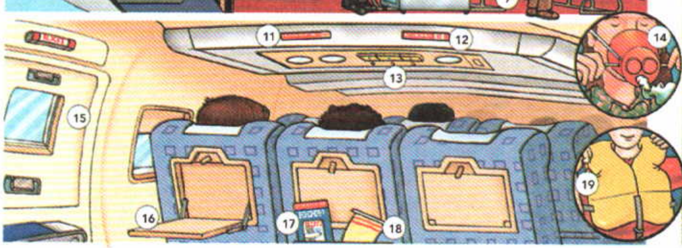
7

در فرودگاه

واژگان

1	cockpit	کاک پِت	۱ کابین خلبان هواپیما
2	pilot/captain	پایلِت/ کَپتِن	۲ خلبان/ کاپیتان
3	co-pilot	کُو-پایلِت	۳ کمک خلبان
4	lavatory/ bathroom	لَوِتری/ بَث روم	۴ توالت
5	flight attendant	فلایت اِتِندِنت	۵ خدمه پرواز
6	overhead compartment	اُوِهِد کِمپاتمِنت	۶ جای وسیله بالای سر
7	aisle	آیل	۷ راهرو هواپیما
8	window seat	ویندُو سیت	۸ صندلی کنار پنجره
9	middle seat	مِدُل سیت	۹ صندلی وسط
10	aisle seat	آیل سیت	۱۰ صندلی کنار راهرو
11	Fasten Seat Belt sign	فَ سِن سیت بِلت ساین	۱۱ علامت کمربندهایتان را ببندید
12	No Smoking sign	نُو سْمُوکینگ ساین	۱۲ علامت سیگار کشیدن ممنوع
13	call button	کال باتِن	۱۳ دکمه احضار خدمه
14	oxygen mask	آکسیجِن مَسک	۱۴ ماسک اکسیژن
15	emergency exit	ایمِجِنسی اِکسِت	۱۵ خروج اضطراری
16	tray (table)	تِرِی (تِیبِل)	۱۶ سینی (میز)
17	emergency instruction card	ایمِجِنسی اینستراکشِن کاد	۱۷ کارت دستورالعمل اضطراری
18	airsickness bag	اِ(ر) سیکنِس بَگ	۱۸ کیسه برای تهوع
19	life vest/ life jacket	لایف وِست/ لایف جَکیت	۱۹ جلیقه نجات
20	runway	ران وِی	۲۰ باند فرودگاه
21	terminal building	تِ(ر)مِنَل بِلدینگ	۲۱ ساختمان پایانه
22	control tower	کِنتْرُول تَ وِ	۲۲ برج کنترل
23	airplane/ plane/jet	اِپلِین/ پْلِین/ جِت	۲۳ هواپیما







7 در فرودگاه

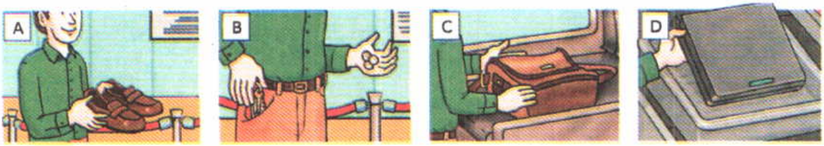
ممکن است در فرودگاه یا هواپیما با دستورالعمل های زیر مواجه شوید.

A Take off your shoes. تِیک آف یُ شوز. کفش هاتونو دربیارید.

B Empty your pockets. اِمتی یُ پاکیتس. جیب هاتونو خالی کنید.

C Put your bag on the conveyor belt. پُت یُ بَگ آن ذِ کِن وِیِ بِلت. کیف تونو روی نوار نقاله بگذارید.

D Put your computer in a tray. پُت یُ کِمپیوتِ این اِ ترِی. کامپیوترتان را درصفحه قرار دهید.



E Walk through the metal detector. واک ثرو ذِ مِتال دیتِکتِ. از میان درب فلز یاب عبور کنید.

F Check in at the gate. چِک این اَت ذِ گِیت. در قسمت ورودی مدارک خود را برای چک کردن تحویل دهید.

G Get your boarding pass. گِت یُ بُدینگ پَس. مجوز سوار شدن خود را بگیرید.

H Board the plane. بُد ذِ پلین. سوار هواپیما شوید.



I Stow your carry-on bag. ستُو یُ کَری-آن بَگ. کیف دستی خود را جا سازی کنید.

J Find your seat. فایند یُ سیت. صندلی خود را پیدا کنید.

K Fasten your seat belt. فَسِن یُ سیت بِلت. کمربند ایمنی خود را ببندید.



7

Car Rental

کرایه اتومبیل

1. Car Availability

۱. در دسترس بودن اتومبیل

بعد از اینکه از هواپیما پیاده شدید، برای تهیه وسیله نقلیه جهت رفتن به هتل از کارمند فرودگاه سوال می کنید:

"Where's the rental car booth?"
ورز دِ رِنتال کا(ر) بوث؟
غرفه کرایه اتومبیل کجاست؟

"Where can I rent a car?"
وِ کِن آی رِنت اِ کا(ر)؟
کجا می تونم یک ماشین کرایه کنم؟

بعد از پیدا کردن محل کرایه اتومبیل سوال می کنید:

"Hi. I would like to rent a car."
های. آی وُد لایک تو رِنت اِ کا(ر).
سلام. من می خواهم یک ماشین کرایه کنم.

"Do you have any cars available?"
دو یو هَو انی کا(ر)ز اِوِیلِبِل؟
آیا ماشین آماده دارید؟

مسئول آژانس سوال خواهد کرد:

"Did you make a reservation?"
دید یو مِیک اِ ریزِویشِن؟
آیا شما رزرو کرده اید؟

اگر اتومبیلی برای کرایه دادن داشته باشند سوالات زیر را خواهند پرسید:

"What size car would you like?"
وات سایز کار وُد یو لایک؟
چه سایز ماشینی می خواهید؟

"What type of car would you like?"
وات تایپ آو کار وُد یو لایک؟
چه نوع ماشینی می خواهید؟

"What type of car do you need?"
وات تایپ آو کار دو یو نید؟
چه نوع ماشینی لازم دارید؟

و در ادامه شما هم می پرسید:

"What sizes do you have?"
وات سایزیز دو یو هَو؟
شما چه اندازه هایی دارید؟

"What are my options?"
وات آ مای آپشِنز؟
انتخاب من چیست؟

پاسخ می شنوید:

"We have compact, midsize, full size, luxury, SUV, and a minivan."
وی هَو کامپَکت، میدسایز، فُل سایز، لاکشِری، اس یو وی، اَند اِ مینی وَن.
ما کامپَکت، سایز متوسط، بزرگ، لوکس، شاسی بلند، و مینی وَن داریم.

"How much is the full size car?"
هاو ماچ ایز دِ فُل سایز کا(ر)؟
ماشین فول سایز چه نرخی دارد؟

"How many seats does it have?"
هاو مِنی سیتس داز ایت هَو؟
چند تا صندلی دارد؟

"I'll take a midsize car."
آیل تِیک اِ میدسایز کار.
من یک ماشین متوسط را برمی دارم.

2. Duration and General Questions ۲. طول مدت و سوالات کلی

مسئول آژانس درباره طول مدتی که مایل هستید اتومبیل در اختیار شما باشد سوال می کند:

"How long will you be needing the car?"
هاو لانگ ویل یو بی نیدینگ دِ کار؟
ماشین را برای چه مدتی نیاز خواهید داشت؟

"How long will you be renting the car?"
هاو لانگ ویل یو بی رِنتینگ دِ کار؟
ماشین را برای چه مدتی کرایه خواهید کرد؟

"When do you need the car till?"
وِن دو یو نید دِ کار تیل؟
تا چه تاریخی ماشین را نیاز دارید؟

و شما چنین پاسخ هائی را خواهید داد:

"I'll need the car for two weeks."
آیل نید دِ کار فُ تو ویکس.
من ماشین را برای دو هفته لازم خواهم داشت.

"I want to rent it for one week."
آی وانت تو رِنت اِت فُ وان ویک.
من می خواهم آن را برای یک هفته کرایه کنم.

"I need it for 4 days."
آی نید اِت فُ فُ دِیز.
من آن را برای ۴ روز لازم دارم.

"I need it for just a day."
آی نید اِت فُ جاست اِ دِی.
من آن را فقط برای یک روز لازم دارم.

ممکن است از شما خواسته شود فرمی را پر کنید و یا به چنین سوالاتی پاسخ دهید:

"What is your last name?"
وات اِز یُ لَست نِیم؟
اسم خانوادگی تون چیه؟

"What is your first name?"
وات اِز یُ فِست نِیم؟
اسم کوچیکتون چیه؟

"Are you a United States resident?"
آر یو اِ یونایتد سْتِیتس رِزیدِنت؟
آیا شما مقیم ایالات متحده هستید؟

"What country are you from?"
وات کانتری آر یو فرام؟
اهل چه کشوری هستید؟

"What is your address?"
وات اِز یُ اِدرِس؟
آدرس شما چیست؟

3. Insurance and Driver License ۳. بیمه و گواهینامه رانندگی

قبل از اینکه ماشین به شما تحویل داده شود، در باره بیمه ماشین و گواهی نامه رانندگی تان سوالاتی مطرح می گردد:

"Would you like insurance on the car?"
وِد یو لایک اینشُرِنس آن ذ کار؟
آیا می خواهید ماشین بیمه شود؟

طبیعی است که شما قیمت بیمه را سوال کنید:

"How much is insurance?"
هاو ماچ از اینشُرِنس؟
بیمه چنده؟

باز هم چنین سوالاتی از شما پرسیده خواهد شد:

"Who is going to be the driver?"
هو از گوئینگ تو بی ذ درایوِ؟
چه کسی قرار است راننده باشد؟

"How many people are going to drive?"
هاو مِنی پیپِل آ گوئینگ تو درایو؟
چند نفر قرار است رانندگی کنند؟

"Are all the drivers at least 25 years old?
آر آل ذ درایوِز اَت لیست توانتی فایو یِز اُولد؟
آیا حداقل سن راننده ها ۲۵ سال است؟

"Can I see your driver's license?"
کَن آی سی یُ درایوِز لایسِنس؟
می تونم گواهینامه رانندگی تونو ببینم؟

"I will need to see your driver's license."
آی ویل نید تو سی یُ درایوِز لایسِنس.
لازمه من گواهی نامه رانندگی تونو ببینم.

4. Prices and Rules ٤. قیمت ها و مقررات

در این مرحله قیمت را محاسبه کرده و از شما کارت اعتباری می خواهند:

"The total will be $184.19."
ذ تُتَل ویل بی وان هاندرِد اِیتی فُ دالِز نایِنتین سِنتس.
جمعش میشه ۱۸۴ دلار و نوزده سنت.

پس از تسویه حساب مقررات استفاده از اتومبیل به شما گوشزد خواهد شد.

"The gas tank is full.
ذ گَس تَنک اِز فُل.
باک بنزین پره.

You should fill it up before you return the car.
یو شُد فِل اِت آپ بیفُ یو ریتِن ذ کا.
قبل از برگردوندن ماشین باید اونو پر کنید.

If you do'nt, then we charge $3 a gallon."
ایف یو دُونت، ذِن وی چاج ثری دالِز ا گَلِن.
اگر این کار را نکنید، در این صورت بابت هر گالن ۳دلار می گیریم.

Public Transportation
وسائل حمل و نقل عمومی



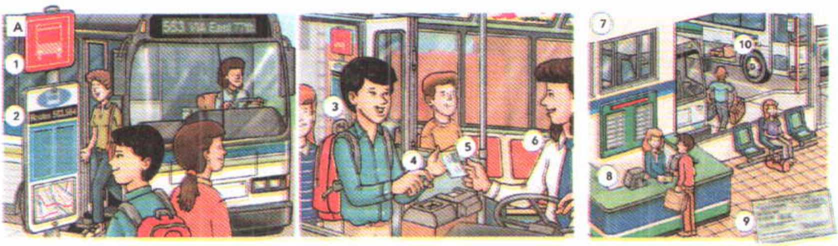
A: How are you going to get there?
هاو آر یو گُو ئینگ تو گِت ذ؟ — چگونه می خواهید به آنجا بروید؟
B: I'm going to take the bus.
آیم گوئینگ تو تِیک ذ باس. — من قصد دارم با اتوبوس بروم.



A: Excuse me. Where's the bus stop?
اِکسکیوز می. وِ ز ذ باس ستاپ؟ — ببخشید. ایستگاه اتوبوس کجاست؟
B: Over there.
اُوِ ذِ — اونجا.

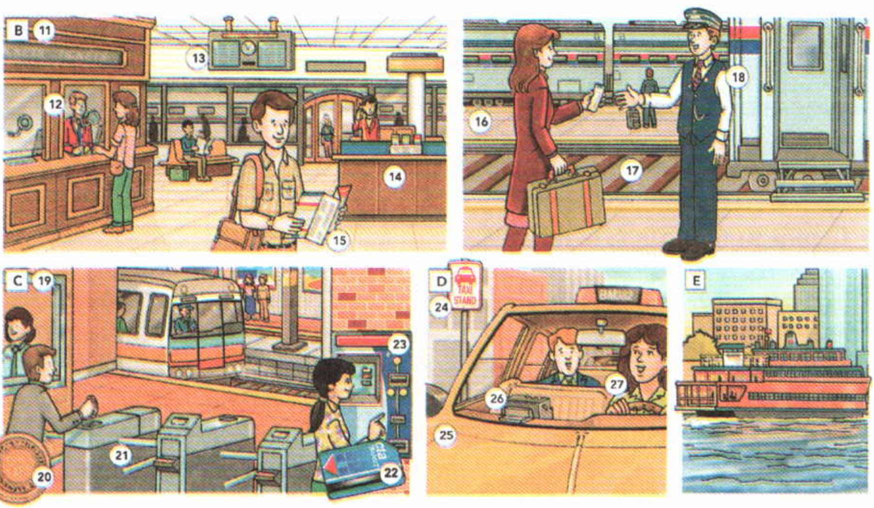
واژگان

A bus	باس	اتوبوس
1 bus stop	باس ستاپ	۱ ایستگاه اتوبوس
2 bus route	باس روت	۲ مسیر اتوبوس
3 passenger/rider	پَسِنجِ/ رایدِ	۳ مسافر/ سواره
4 (bus) fare	(باس) فِ	۴ کرایه (اتوبوس)
5 transfer	ترَنسف	۵ انتقال- مسافر
6 bus driver	باس درایوِ	۶ راننده اتوبوس
7 bus station	باس سْتِی شِن	۷ ایستگاه اتوبوس
8 ticket counter	تِکِت کَونتِ	۸ باجه فروش بلیط
9 ticket	تِکِت	۹ بلیط
10 baggage compartment/ luggage compartment	بَگِج کِمپاتمِنت/ لاگِج کِمپاتمِنت	۱۰ صندوق بار اتوبوس



7 وسائل حمل و نقل عمومی

B train	**ترین**	**قطار**
11 train station	ترین ستی شن	۱۱ ایستگاه قطار
12 ticket window	تکت ویندو	۱۲ گیشه فروش بلیط
13 arrival and departure board	ارایول ان دیپاچ بُد	۱۳ تابلوی اعلام ورود و عزیمت
14 information booth	اینفمیشن بوث	۱۴ باجه اطلاعات
15 schedule/timetable	سکجوال/ تایمتیبل	۱۵ برنامه (ورود و حرکت قطار)
16 platform	پلتفم	۱۶ سکو (سوار قطار شدن)
17 track	ترک	۱۷ ریل
18 conductor	کنداکت	۱۸ راهنما
C subway	**ساب وی**	**مترو**
19 subway station	ساب وی ستی شن	۱۹ ایستگاه مترو
20 (subway) token	(ساب وی) توکن	۲۰ ژتون (مترو)
21 turnstile	تن ستایل	۲۱ درب چرخان
22 fare card	ف کاد	۲۲ کارت کرایه
23 fare card machine	ف(ر) کاد مشین	۲۳ دستگاه کارتخوان
D taxi	**تکسی**	**تاکسی**
24 taxi stand	تکسی ستند	۲۴ ایستگاه تاکسی
25 taxi/cab/taxicab	تکسی/ کب/ تکسی کب	۲۵ تاکسی
26 meter	میت	۲۶ کیلومتر شمار
27 cab driver/taxi driver	کب درایو/ تکسی درایو	۲۷ راننده تاکسی
E ferry	**فری**	**قایق**



Travel with... مسافرت با...

Buying a ticket خرید بلیط

Where's the nearest travel agency?
وِز ذ نی یِرِست ترَول اِیجِنسی؟
نزدیک ترین آژانس مسافرتی کجاست؟

Have you a timetable, please?
هَو یو اِ تایم تِیبُل، پلیز؟
شما جدول ورود و حرکت قطار را دارید؟

What's the tourist return fare to ...?
واتس ذ توریست ریتِن فِ تو ...؟
تعرفه بلیط رفت و برگشت توریستی به ... چند است؟

How much is it first class to ...?
هاو ماچ ایز ایت فِست کلَس تو... ؟
بلیط درجه یک به ... چند است؟

A second-class single to ...
اِ سِکِند کلَس سِنگُل تو...
یک بلیط درجه دو رفت به ...

Three singles to...
ثری سِنگلز تو...
سه بلیط رفت به ...

A day return to...
ایز ذِ اِ ساپلیمِنتِری چاج؟
یک بلیط یک روزه رفت و برگشت به...

How long is this ticket valid?
هاو لانگ ایز ذِس تِکِت وَلِد؟
این بلیط چه مدتی اعتبار دارد؟

Is there a supplementary charge?
یز ذِ اِ ساپلیمِنتِری چاج؟
آیا هزینه اضافی هم تعلق می گیرد؟

By train سفر با قطار

Reservations and Inquiries ریزِرویشِنز اَند اینکوآیریز **رزرو کردن و سوالات**

Where's the railway station?
وِز ذ رِیلوِی سْتِیشِن؟
ایستگاه قطار کجاست؟

Two seats on the 11.15 tomorrow to ....
تو سیتس آن ذی ایلِوِن فِفتین تِمارُو تو...
دو صندلی برای ساعت یازده و ربع فردا به مقصد...

I want to reserve a sleeper.
آی وانت تو ریزِرو ا سْلیپ.
من می خواهم یک کوپه خواب رزرو کنم.

Is it an express or a local train?
از ات اَن ایکسپرِس اَ اِ لُوکَل ترِین؟
این قطار اکسپرس است یا محلی؟

Is there an earlier/ later train?
از ذِ اَن اِلی یِ/ لیتِ ترِین؟
آیا زمان زودتر/ دیرتر برای حرکت قطار موجود هست؟

Is there a restaurant car on the train?
اِز ذِ اِ رِستُرانت کا(ر) آن ذِ ترِین؟
آیا واگن مخصوص رستوران در قطار موجود هست؟

7 مسافرت با...

Changing — چینجینگ — عوض کردن قطار

Is there a through train/ carriage to ...?
اِز ذِ اِ ثرو ترین/ کَریج تو... ؟
آیا قطار/ واگن مستقیم به ... هست؟

Do I have to change?
دو آی هَو تو چینج؟
آیا من باید قطارم را عوض کنم؟

Where do I have to change?
وِ دو آی هَو تو چِینج؟
کجا باید عوضش کنم؟

What time is there a connection to ...?
وات تایم اِز ذِ اِ کِنکشِن تو ... ؟
برای چه ساعتی ارتباط با ... است؟

Departure — دیپاچ — عزیمت

When does the train leave?
وِن داز ذ ترِین لیو؟
قطار کی حرکت می کند؟

Which platform does the train to ... leave from?
وِچ پلَتفُم داز ذ ترِین تو ... لیو فرام؟
قطار به مقصد ... از چه سکوئی حرکت می کند؟

Is this train for ...?
اِز ذِس ترین فُ؟
آیا این قطار به ... می رود؟

Arrival — اِرایوُل — ورود

When does it get to ...?
وِن داز اِت گِت تو ...؟
قطار کی به ... می رسد؟

Does the train stop at ...?
داز ذ ترین ستاپ اَت...؟
آیا قطار در ... توقف می کند؟

How long do we stop here?
هاو لانگ دو وی ستاپ هی یِ؟
ما چه مدتی در اینجا توقف می کنیم؟

Is this train late?
اِز ذِس ترین لِیت؟
آیا این قطار تاخیر دارد؟

When does the train from ...get in?
وِن داز ذ ترین فرام ... گِت این؟
قطار از مقصد ... کی وارد می شود؟

At which platform?
اَت وِچ پلَتفُم؟
در کدام سکو؟

On the train — آن ذ ترِین — در قطار

We have reserved seats. — وی هَو ریزِود سیتس. — ما صندلی رزرو کرده ایم.
Is this seat free? — اِز ذِس سیت فری؟ — آیا این صندلی خالی است؟
This seat is taken. — ذِس سیت اِز تیکِن. — این صندلی گرفته شده است.

7 مسافرت با...

By air — سفر هوائی

I'd like to book two seats on Monday's plane to ...
آید لایک تو بُک تو سیتس آن ماندِیز پلین تو...
من مایلم دو صندلی برای پرواز روز دوشنبه به مقصد ... رزرو کنم.

Is there a flight to ... next Thursday?
اِز دِ اِ فلایت تو ... نِکست ثِزدِی؟
آیا برای پنجشنبه آینده به مقصد ... پروازی هست؟

When does it leave/ arrive?
وِن داز اِت لیو/ ارایو؟
چه موقع حرکت می کند/ وارد می شود؟

When does the next plane leave?
وِن داز ذ نِکست پلین لیو؟
هواپیمای بعدی کی حرکت می کند؟

Is there a coach to the airport?
اِز دِ اِ کُوچ تو ذی اِیُت؟
آیا برای فرودگاه اتوبوس هست؟

When must I check in?
وِن ماست آی چک این؟
چه موقع باید بارم را تحویل دهم؟

Please cancel my reservation to ...
پلیز کَنسِل مای ریزِویشن تو...
لطفا رزروم را به مقصد ... کَنسل کنید.

I'd like to change my reservation to ...
آید لایک تو چِینج مای ریزِویشِن تو ...
من میل دارم رزروم به مقصد ... را تغییر دهم.

By ship — سفر با کشتی یا قایق

Is there a boat from here to ...?
اِز دِ اِ بُوت فرام هی یِ تو ... ؟
آیا از اینجا به ... قایق هست؟

How long does it take to get to ...?
هاو لانگ داز اِت تِیک تو گِت تو... ؟
رسیدن به ... چقدر طول می کشد؟

How often do the boats leave?
هاو آفِن دو ذِ بُوتس لیو؟
قایق ها هر چند وقت حرکت می کنند؟

When does the next boat leave?
وِن داز ذِ نِکست بُوت لیو؟
قایق بعدی کی حرکت می کند؟

How many berths are there in this cabin?
هاو مِنی بِ(ر)ثز آ ذِ این ذِس کَبِن؟
در این کابین چند تخت هست؟

When must we go on board?
وِن ماست وی گُو آن بُد؟
چه موقع باید سوار شویم؟

When do we dock?
وِن دو وی داک؟
کی پهلو می گیریم؟

How long do we stay in port?
هاو لانگ دو وی ستِی این پ(ر)ت؟
چه مدتی در بندر می مانیم؟

7 مسافرت با...

By bus or coach — با اتوبوس شهری یا بین شهری

کاربرد coach :

در انگلیسی بریتانیائی **coach** به معنی اتوبوس راحت و مجهز بین شهری است.
اما در آمریکا همین کلمه به مفهوم صندلی ارزان و اقتصادی در هواپیما و قطار است.
در این قسمت **coach** با مفهوم بریتانیائی مورد استفاده قرار گرفته است.

Where's the bus station? وِز ذ باس ستِیشِن؟ ایستگاه اتوبوس کجاست؟

Where's the coach station? وِز ذ کُوچ ستِیشِن؟ ایستگاه اتوبوس بین شهری کجاست؟

When does the coach leave? اتوبوس کی حرکت می کند؟
وِن داز ذِ کُوچ لیو؟

What time do we get to...? چه ساعتی به ... می رسیم؟
وات تایم دو وی گِت تو... ؟

What stops does it make? آن در چه ایستگاه هایی توقف می کند؟
وات ستاپس داز اِت مِیک؟

Is it a long journey? اِز اِت اِ لانگ جِ(ر)نی؟ آیا این یک سفر طولانی است؟

We want to take a sight-seeing tour round the city.
وی وانت تو تِیک اِ سایت-سی ئینگ توِا رَوند ذ سِتی.
ما می خواهیم گردشی برای دیدن مناظر اطراف شهر داشته باشیم.

Is there an excursion to ...tomorrow?
اِز ذِ اَن ایکسکِرژِن تو ... تِمارُو؟ آیا فردا سفر تفریحی به ... هست؟

What time is the next bus?
وات تایم اِز ذ نِکست باس؟ حرکت اتوبوس بعدی چه ساعتی هست؟

How often does the 25 run? اتوبوس شماره ۲۵ هر چند وقت حرکت می کند؟
هاو آفِن داز ذ توانتی فایو ران؟

Does this bus go to the center? آیا این اتوبوس به مرکز شهر می رود؟
داز ذِس باس گُو تو ذ سِنتِ؟

Does this bus go to the beach? آیا این اتوبوس به ساحل می رود؟
داز ذِس باس گُو تو ذ بیچ؟

Does it go near ... ? آیا این اتوبوس به نزدیکی ... می رود؟
داز اِت گُو نی یِ... ؟

Where can I get a bus to ... ? من کجا می توانم اتوبوسی به مقصدِ ... بگیرم؟
وِ کَن آی گِت اِ باس تو ... ؟

I want to go to ... . آی وانت تو گُو تو ... . من می خواهم به .... بروم.

Where do I get off? وِ دو آی گِت آف؟ کجا پیاده شوم؟

The bus to ... stops over there. اتوبوس به مقصدِ ... آنجا توقف می کند.
ذ باس تو ... ستاپس اُوِ ذِ.

You must take a number 24. شما باید سوار اتوبوس شماره ۲۴ شوید.
یو ماست تِیک اِ نامبِ توانتی فُ.

مسافرت با...

By bus or coach — با اتوبوس شهری یا بین شهری

You get off at the next stop.
یو گِت آف اَت ذ نِکست ستاپ.
شما در ایستگاه بعدی پیاده شوید.

The buses run every ten minutes/ every hour.
ذ باسیز ران اِوری تِن مِنِتس/ اِوری اَو.
اتوبوس ها هر ده دقیقه/ هر ساعت حرکت می کنند.

By taxi — با تاکسی

Are you free? — آر یو فری؟ — بی کارید؟ (شما آزاد هستید؟)

Please take me to Hotel Central/ the station/ this address.
پلیز تِیک می تو هُتِل سِنترال/ ذ ستِیشِن/ ذِس اِدرِس.
لطفا مرا به هتل سانترال/ ایستگاه/ این آدرس ببرید.

Can you hurry? I'm late. — کَن یو هاری؟ آیم لِیت. — میشه عجله کنید؟ من دیرم شده.

Please wait a minute. — پلیز وِیت اِ مِنِت. — لطفا یک دقیقه صبر کنید.

Stop here. — ستاپ هی یِ. — اینجا توقف کنید.

Is it far? — اِز اِت فا(ر)؟ — اون دوره؟

How much do you charge by the hour/ for the day?
هاو ماچ دو یو چا(ر)ج بای ذی اَو/ فُ ذِ دِی؟
ساعتی/ روزی چقدر می گیرین؟

I'd like to go to ... . How much would you charge?
آید لایک تو گُو تو... . هاو ماچ وُد یو چا(ر)ج؟
من می خواهم به ... بروم. چقدر می گیرید؟

A: How much is it? — ‑هاو ماچ اِز اِت؟ — ‑چقدر می شه؟

B: That'll be $12.00. — ‑ذَتِل بی توالو دالِز. — ‑دوازده دلار می شه.

A: That's too much. — ‑ذَتس تو ماچ. — ‑خیلی زیاده.

I am not prepared to spend that much.

(Or) It's a lot, but all right.

‑آی اَم نات پریپِد تو سپِند ذَت ماچ.
من آمادگی ندارم اونقدر هزینه کنم.

(اُر) اِتس اِ لات، بات آل رایت.
(یا) خیلی زیاده، اما مهم نیست.

A: Kennedy Airport, please. I have to be there by 7:00.
‑کِنِدی اِیُوت، پلیز. آی هَف تو بی ذِ بای سِوِن.
‑ فرودگاه کندی، لطفا. من باید تا ساعت ۷ آنجا باشم.

B: I can't promise anything, but I'll do my best.
‑آی کَنت پرامِس اِنیثینگ، بات آیل دو مای بِست.
‑من نمی توانم هیچ قولی بدهم، اما منتهای سعی خودم را می کنم.

7 مسافرت با...

By subway — با مترو

How do I get to Rockefeller Center?
هاو دو آی گِت تو راکِفلِ سِنتِ؟ — چطوری می تونم به راکفلر سنتر برم؟

Which train do I take to Columbus Circle, please?
وِچ ترین دو آی تِیک تو کالمِبس سِکِل، پلیز؟
با پوزش،برای رفتن به کالمبِس سرکل چه قطاری را سوار بشم؟

Which line do I take for... ?
وِچ لاین دو آی تِیک فُ ... ؟ — برای رفتن به ... چه خطی را سوار بشم؟

Can you tell me the best way to get to ... ?
کَن یو تِل می ذ بِست وِی تو گِت تو ... ؟ — میشه بهترین مسیر برای رفتن به ... را به من بگین؟

How can I get to the Museum of Modern Art?
هاو کَن آی گِت تو ذ می یوزیِم آو مادِن آ(ر)ت؟ — چطوری می تونم به موزه هنر معاصر برم؟

Excuse me, is this the right train for ... ?
اِکسکیوز می، اِز ذِس ذِ رایت ترین فُ ... ؟ — ببخشید، این قطار برای ... مناسب هست؟

Excuse me, is this the right direction to...?
اِکسکیوزمی اِز ذِس ذِ رایت دِرِکشِن تو ... ؟ — ببخشید، این مسیر برای ... درست هست؟

Is this the right subway to ...?
اِز ذِس ذِ رایت ساب وِی تو ... ؟ — این مترو برای ... مناسب هست؟

How can I get to ...?
هاو کِن آی گِت تو ... ؟ — من چطوری می تونم به ... برسم؟

How can I go to ... ?
هاو کِن آی گُو تو ... ؟ — من چطوری می تونم به ... برم؟

Which platform is it on?
وِچ پلَتفُم اِز اِت آن؟ — اون در چه سکوئی یه؟

How do I get down to the trains?
هاو دو آی گِت دَون تو ذ تِرِینز؟ — من چطوری می تونم به قطار ها برسم؟

Which way should I go? وِچ وِی شُد آی گُو؟ — من باید از کدام طرف برم؟

Take the A train and get off at the next station.
سوار قطار A بشو و در ایستگاه بعدی پیاده شو. تیک ذی اِی ترین اَند گِت آف اَت ذ نِکست سْتِیشِن.

You want the 7th Avenue Express.
یو وانت ذ سِوِنث اِونو اِکسپِرِس. — شما قطار سریع السیر خیابان هفتم را می خواهید.

Just go down those steps.
جاست گُو دَون ذُوز ستِپس. — فقط از همان پله ها پائین بروید.

Take the escalator and then go to the right.
تیک ذی اِسکلِیتِ اَن ذِن گُو تو ذ رایت. — سوار پله برقی شوید و سپس به طرف راست بروید.

Go straight down those stairs and follow the signs.
گُو ستریت دَون ذُوز ستِز اَند فالُو ذ ساینز. — از آن پله ها پائین بروید و علائم را دنبال کنید.

It's only three stops from here.
اِتس اُونلی ثْری سْتاپس فْرام هی یِ. — آن فقط سه ایستگاه از اینجا فاصله داره.

مسافرت با ...

Motoring — ماشین سواری

Where can I hire a car?
وِ کَن آی هایِ اِ کا(ر)؟
کجا می تونم یک ماشین کرایه کنم؟

I want to hire a car and a driver.
آی وانت تو هایِ اِ کا(ر) آند اِ درایوِ.
من می خواهم یک ماشین و یک راننده کرایه کنم.

How much is it by the hour?
هاو ماچ اِز اِت بای ذی آوِ؟
کرایه اش ساعتی چقدر میشه؟

Have you a road map, please?
هَو یو اِ رُود مَپ، پلیز؟
با پوزش، آیا شما نقشه جاده را دارید؟

Where is a car park?
و اِز اِ کا(ر) پا(ر)ک؟
پارکینگ ماشین کجاست؟

Can I park here?
کَن آی پا(ر)ک هی یِ؟
می تونم اینجا پارک کنم؟

How long can I park here?
هاو لانگ کَن آی پا(ر)ک هی یِ؟
چه مدتی می تونم اینجا پارک کنم؟

May I see your licence, please?
مِی آی سی یُ(ر) لایسِنس، پلیز؟
میشه لطفا گواهینامه تونو ببینم؟

Road signs — علائم جاده ای

Speed limit 40 kilometers	سپید لِمِت فُ(ر)تی کِلامیتز	محدودیت سرعت ۴۰ کیلومتر
Narrow road	نَرُو رُود	جاده باریک
Level crossing	لِوِل کراسینگ	تقاطع همسطح
Steep hill	سْتیپ هیل	تپه شیبدار
Attention	اِتِنشِن	توجه- دقت
Drive with care	درایو ویذ کِ(ر)	رانندگی با احتیاط
Stop	سْتاپ	ایست
No overtaking	نُو اُوِتیکینگ	سبقت ممنوع
No entry	نُو اِنتری	ورود ممنوع
No parking	نُو پا(ر)کینگ	پارکینگ ممنوع
Keep right	کیپ رایت	از سمت راست حرکت کنید
One way street	وان وِی ستریت	خیابان یک طرفه
Winding road	وایندینگ رُود	جاده پر پیچ و خم
Slow	سْلُو	آهسته
Diversion	دِوِژِن	جاده انحرافی
Road closed	رُود کْلُوزد	جاده مسدود
Road works	رُود وِ(ر)کس	کارگران مشغول کارند
Parking place/ parking allowed	پا(ر)کینگ پْلِیس/ پا(ر)کینگ اِلَود	محل پارکینگ

7

Asking for Directions آدرس پرسیدن

Where is ... ? وِ اِز ...؟ ... کجاست؟

Is this the way to ... ? اِز دِس ذ وِی تو... ؟ آیا این مسیر ... است؟

Which is the road for ... ? وِچ اِز ذ رُود فُ ... ؟ جاده به طرف ... کدام است؟

How far is it to ... ? هاو فا(ر) اِز اِت تو ... ؟ تا ... چقدر فاصله است؟

How many kilometers? هاو مِنی کِلامیتِز؟ چند کیلومتر؟

Which is the best road to ... ? وِچ اِز ذ بِست رُود تو...؟ بهترین جاده به ... کدام است؟

Is it a good road? اِز اِت اِ گُد رُود؟ آیا این راه خوبی است؟

Will we get to ...by evening? ویل وی گِت تو... بای ایونینگ؟ آیا تا شب به ... خواهیم رسید؟

Where are we now? وِ آ وی نَو؟ حالا کجا هستیم؟

Please show me on the map. پلیز شُو می آن ذ مَپ. لطفا آن را در نقشه به من نشان دهید.

It isn't that way. اِت اِزنت ذَت وِی. این اون راه نیست.

It isn't far. اِت اِزنت فا(ر). این دور نیست.

Follow this road for 5 kilometers. فالُو دِس رُود فُ فایو کِلامیتِز. این جاده را تا پنج کیلومتر دنبال کنید.

Keep straight on. کیپ سْترِیت آن. مستقیم ادامه بدهید.

Turn right at the crossroads. تِ(ر)ن رایت اَت ذ کْراس رُودز. در تقاطع به سمت راست بپیچید.

Take the second road on the left. تِیک ذ سِکِند رُود آن ذ لِفت. از جاده دوم به سمت چپ بروید.

Turn right at the traffic lights. تِ(ر)ن رایت اَت ذ ترَفِک لایتز. در چراغ قرمز به سمت راست بپیچید.

Turn left after the bridge. تِ(ر)ن لِفت اَفتِ ذِ بریج. بعد از پل به سمت چپ بپیچید.

The best road is the ... ذِ بِست رُود اِز ذِ... بهترین جاده ... است.

A: Excuse me. Can you tell me where Main Street is?

-اکسکیوزمی. کَن یو تِل می وِ مِین ستریت اِز؟

-ببخشید. میشه به من بگین مِین استریت کجاست؟

B: Turn left at the second light and then go straight for two blocks.

-تِ(ر)ن لِفت اَت ذ سِکِند لایت اَند ذِن گُو سترِیت فُ تو بلاکس.

-در چراغ قرمز دوم به سمت چپ بپیچید و سپس مستقیم تا دو بلوک بروید.

A: Is it far? -اِز اِت فا(ر)؟ -اون دوره؟

B: No, it's only a five-minute walk.

نُو، اِتس اُونلی اِ فایو-مِنِت واک. -نه، اون فقط یک پیاده روی پنج دقیقه ایه.

A: Thanks a lot. -ثَنکس اِ لات. -خیلی ممنون.

B: You're welcome. -یُ(ر) وِلکام. -خواهش می کنم.

Types of Vehicles انواع وسائل نقلیه

A: What kind of vehicle are you looking for?
-وات کایند آو وی اِکُل آ یو لُکینگ فُ؟ -دنبال چه نوع وسیله نقلیه ای می گردید؟
B: I'm looking for a sedan.
-آیم لُکینگ فُ اِ سیدَن. -من دارم دنبال یک ماشین چهار درب صندوقدار می گردم.
A: Do you drive a hatchback?
-دو یو درایو اِ هاچبَک؟ -آیا تو با یک هاچ بک رانندگی می کنی؟
B: No. I drive a sedan.
-نُو. آی درایو اِ سیدَن. -نه، با یک ماشین سدان رانندگی می کنم.

A: I just saw an accident between a truck and a van.
-آی جاست سا آن آکسیدِنت بیتوین اِ تراک آند اِ وَن.
-به تازگی شاهد یک تصادف بین یک کامیون و وَن بودم.
B: Was anybody hurt? -کسی صدمه دید؟
-واز اِنی بادی هِ(ر)ت؟
A: No. Fortunately, nobody was hurt.
-نُو. فُچِنتلی،نُوبادی واز هِ(ر)ت. -نه. خوشبختانه، کسی آسیبی ندید.

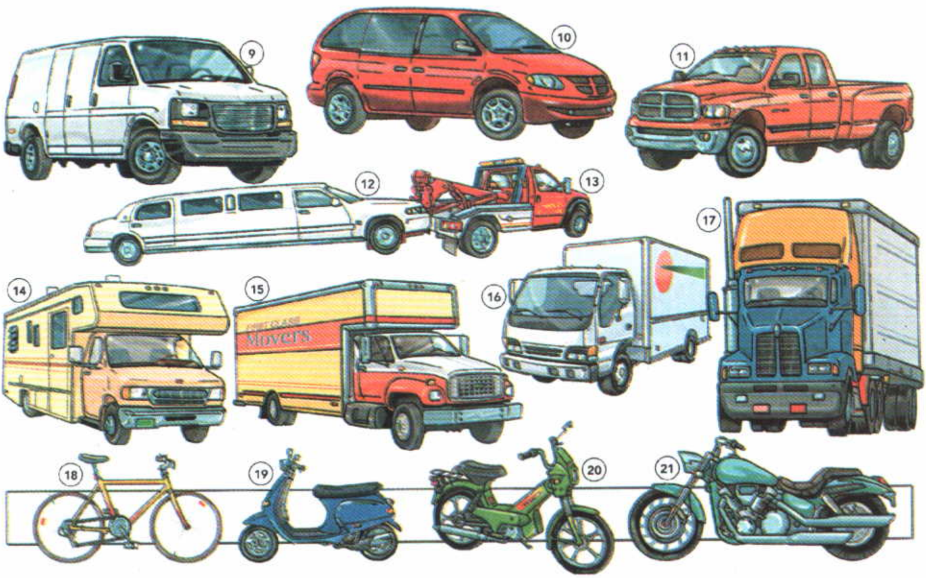
واژگان

1 sedan	سیدَن	چهار درب صندوقدار (سدان)	۱
2 hatchback	هاچبَک	پنج در (هاچ بک)	۲
3 convertible	کِنوِتِبُل	کروکی	۳
4 sports car	سپُتس کار	ماشین اسپورت	۴
5 hybrid	هایبرِد	ترکیبی	۵
6 station wagon	ستِیشِن وَگِن	ماشین استیشن	۶
7 S.U.V. (sport utility vehicle)	اس.یو.وی. (سپُت یوتِلِتی وی اِکُل)	شاسی بلند	۷
8 jeep	جیپ	جیپ	۸



انواع وسائل نقلیه

9 van	وَن	۹ ون
10 minivan	مینی وَن	۱۰ مینی ون
11 pickup truck	پکآپ تراک	۱۱ وانت دو کابینه
12 limousine	لمُزین	۱۲ لیموزین
13 tow truck	تُو تراک	۱۳ وانت جرثقیل دار
14 R.V. (Recreation vehicle)/camper	آر.وی. (رِکری اِیشِن وی اِکُل)/ کَمپِ	۱۴ کاراوان
15 moving van	مووینگ وَن	۱۵ کاراوان
16 truck	تراک	۱۶ ون سردخانه دار
17 tractor trailer/semi	ترَکت تریلِ/سِمای	۱۷ کامیونت
18 bicycle/bike	بایسکُل/ بایک	۱۸ دوچرخه
19 motor scooter	مُوتُو سْکوتِ	۱۹ سکوتر (موتور ویژه بانوان)
20 moped	مُوپِد	۲۰ موتور گازی
21 motorcycle	مُوتُو سایکُل	۲۱ موتور سیکلت



7

Car Parts and Maintenance

قسمت های مختلف اتومبیل و نگهداری



A: What's the matter with your car?

-ماشین تون چه مشکلی داره؟ -واتس ذ مَتِ ویذ یُ کا؟

B: The bumper is broken.

-سپرجلوش شکسته. -ذ بامپِ اِز برُوکِن.



A: Can I help you?

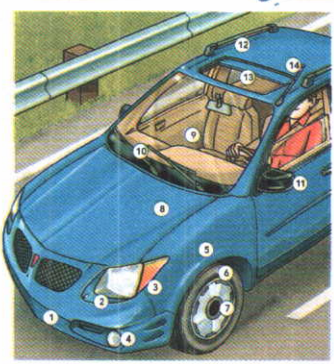
-می تونم کمکتون کنم؟ -کَن آی هِلپ یو؟

B: Yes. My car needs gas.

-بله. ماشینم بنزین لازم داره. -یِس. مای کا نیدز گَس.

واژگان

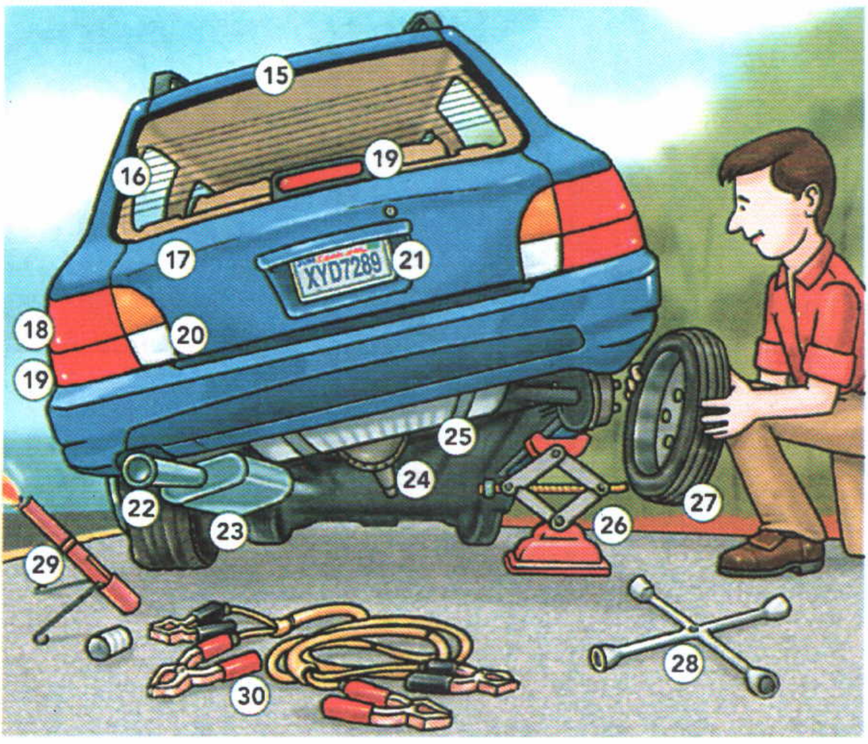
1	bumper	بامپِ	۱ سپر جلو
2	headlight	هِدلایت	۲ چراغ جلو
3	turn signal	تِن سیگنال	۳ چراغ راهنما
4	parking light	پاکینگ لایت	۴ چراغ مه شکن (پارکینگ)
5	fender	فِندِ	۵ گلگیر
6	tire	تایِ	۶ لاستیک
7	hubcap	هاب کَپ	۷ قالپاق
8	hood	هُد	۸ کاپوت
9	windshield	ویندشیلد	۹ شیشه جلو
10	windshield wipers	ویندشیلد وایپِز	۱۰ برف پاک کن
11	side mirror	ساید مِرِ(ر)	۱۱ آینه بغل
12	roof rack	روف رَک	۱۲ باربند
13	sunroof	سانروف	۱۳ سقف متحرک
14	antenna	اَنتِنَ	۱۴ آنتن



7

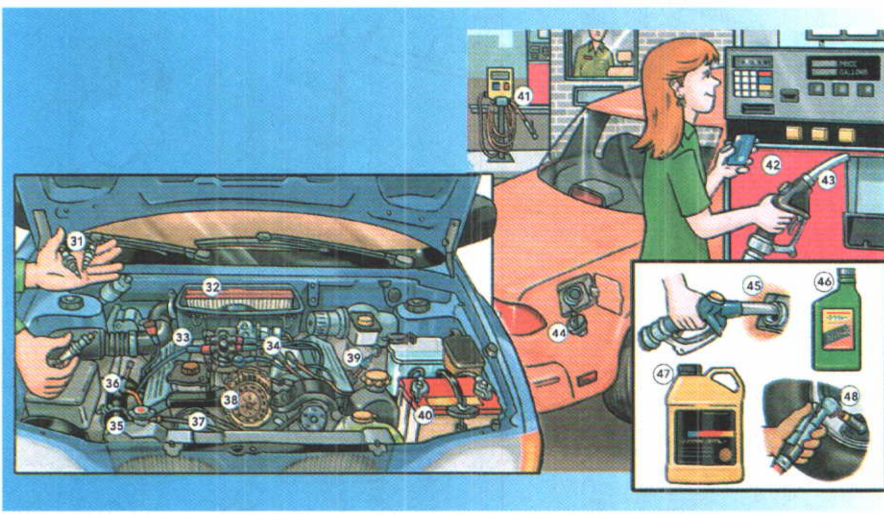
قسمت های مختلف اتومبیل و نگهداری

15 rear window	رِر ویندُو	۱۵ شیشه عقب
16 rear defroster	رِر دیفراستِ	۱۶ شیشه گرم کن (عقب)
17 trunk	ترانک	۱۷ صندوق عقب
18 taillight	تِیل لایت	۱۸ چراغ عقب
19 brake light	برِیک لایت	۱۹ چراغ ترمز
20 backup light	بَک آپ لایت	۲۰ چراغ دنده عقب
21 license plate	لایسِنس پلِیت	۲۱ پلاک
22 tailpipe/exhaust pipe	تِیل پایپ/ ایگزاست پایپ	۲۲ لوله اگزوز
23 muffler	مافلِ(ر)	۲۳ صداگیر
24 transmission	ترَنسمِشن	۲۴ میل گاردان
25 gas tank	گَس تَنک	۲۵ باک بنزین
26 jack	جَک	۲۶ جک
27 spare tire	سپِ(ر) تایِ	۲۷ تایر زاپاس
28 lug wrench	لاگ رِنچ	۲۸ آچار چار چرخ
29 flare	فلِ(ر)	۲۹ مشعل
30 jumper cable	جامپِ کِیبُل	۳۰ کابل انتقال برق



7 قسمت های مختلف اتومبیل و نگهداری

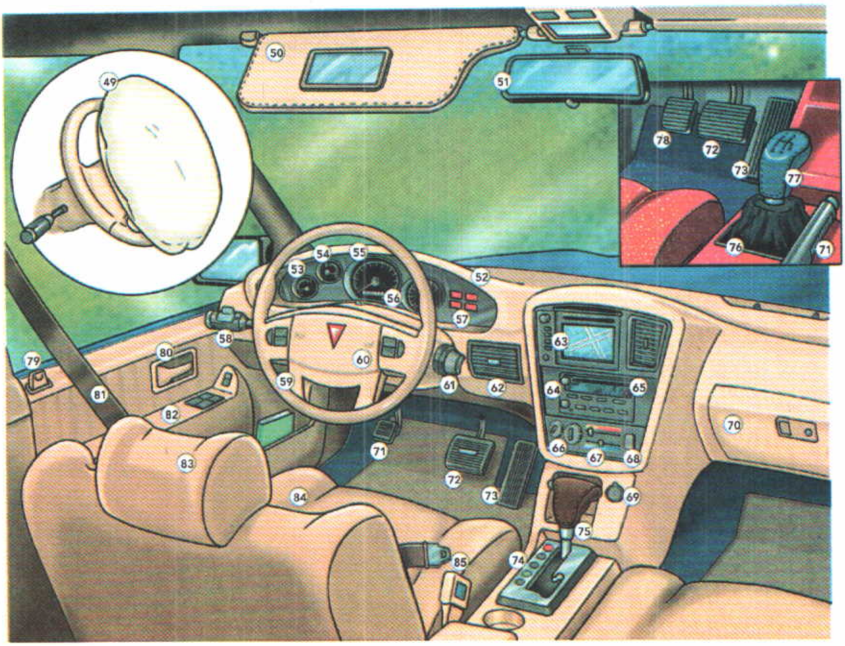
31 spark plugs	سپاک پلاگز	۳۱ شمع
32 air filter	اِ(ر) فیلتِ	۳۲ فیلتر هوا
33 engine	اِنجِن	۳۳ موتور
34 fuel injection system	فیوال اینجِکشِن سیستِم	۳۴ کاربوراتور
35 radiator	رِیدی اِتِ	۳۵ رادیاتور
36 radiator hose	رِیدی اِتِ هُوز	۳۶ شیلنگ رادیاتور
37 fan belt	فَن بِلت	۳۷ تسمه پروانه
38 alternator	آلتِ نیتِ	۳۸ دینام
39 dipstick	دِپ سِتِک	۳۹ میله اندازه گیر میزان روغن
40 buttery	باتِری	۴۰ باتری
41 air pump	اِ(ر) پامپ	۴۱ پمپ هوا
42 gas pump	گَس پامپ	۴۲ پمپ بنزین
43 nozzle	ناژل	۴۳ سر شیلنگ
44 gas cap	گَس کَپ	۴۴ درپوش باک بنزین
45 gas	گَس	۴۵ بنزین
46 oil	اَیل	۴۶ روغن
47 coolant	کولنت	۴۷ ضد جوش
48 air	اِ(ر)	۴۸ هوا



7 قسمت های مختلف اتومبیل و نگهداری

49	air bag	اِ(ر) بَگ	۴۹ کیسه هوا
50	visor	وایزِ(ر)	۵۰ سایه بان
51	rearview mirror	ررویو مِرِ(ر)	۵۱ آینه عقب
52	dashboard/ instrument panel	دَشبُد/ اینسترومِنت پَنِل	۵۲ داشبرد
53	temperature gauge	تمپرِچ گیج	۵۳ درجه حرارت
54	gas gauge/ fuel gauge	گَس گیج/ فیو اِل گیج	۵۴ درجه بنزین
55	speedometer	سپیدُ میتِ	۵۵ سرعت سنج
56	odometer	اُدامیتِ	۵۶ کیلومتر شمار
57	warning lights	وارنینگ لایتس	۵۷ چراغ خطر
58	turn signal	تِ(ر)ن سیگنال	۵۸ راهنما
59	steering wheel	ستی یرینگ ویل	۵۹ فرمان
60	horn	هُ(ر)ن	۶۰ بوق
61	ignition	ایگنیشِن	۶۱ استارتر
62	vent	وِنت	۶۲ دریچه تهویه
63	navigation system	نَ ویگیشِن سیستِم	۶۳ سیستم راهبری
64	radio	ریدیُو	۶۴ رادیو
65	CD player	سی دی پلیِ	۶۵ پخش سی دی
66	heater	هیتِ	۶۶ بخاری
67	air conditioning	اِ(ر) کِندشنینگ	۶۷ تهویه
68	defroster	دیفراستِ	۶۸ گرم کن شیشه
69	power outlet	پاوِ آوتلت	۶۹ خروجی برق (فندک)
70	glove compartment	گلاو کمپاتمنت	۷۰ صندوق داش بورد
71	emergency brake	ایمِجِنسی بریک	۷۱ ترمز اضطراری
72	brake(pedal)	بریک (پِدِل)	۷۲ (پدال) ترمز
73	accelerator/gas pedal	أکسِ لِریتِ/ گس پِدِل	۷۳ پدال گاز
74	automatic transmission	اُتمَتِک ترَنسمِشِن	۷۴ دنده اتوماتیک
75	gearshift	گی یِ شفت	۷۵ پایه دسته دنده
76	manual transmission	مَنیوال ترَنسمِشِن	۷۶ دنده دستی
77	stickshift	ستک شفت	۷۷ دسته دنده
78	clutch	کلَچ	۷۸ کلاچ
79	door lock	دُ(ر) لاک	۷۹ قفل در
80	door handle	دُ(ر) هَندِل	۸۰ دستگیره در
81	shoulder harness	شُلد هانیس	۸۱ تسمه شانه
82	armrest	آ(ر)م رِست	۸۲ زیر آرنجی
83	headrest	هِدرِست	۸۳ پشت سری
84	seat	سیت	۸۴ صندلی
85	seat belt	سیت بِلت	۸۵ کمربند ایمنی

قسمت های مختلف اتومبیل و نگهداری



7 At the Gas station

در پمپ بنزین



Where's the nearest gas (petrol) station?
وِز ذ نیِرِست گَس (پِترِل) ستِیشن؟
نزدیک ترین پمپ بنزین کجاست؟

How far is the next petrol station?
هاو فا(ر) اِز ذِ نِکست پِترِل ستِیشن؟
تا پمپ بنزین بعدی چقدر فاصله است؟

30 liters of petrol, and please check the oil and water.
ث(ر)تی لیتِز آو پِترِل، اَند پلیز چک ذی اُیل اَند واتِ.
۳۰ لیتر بنزین، و لطفا روغن و آب را چک کنید.

How much is gas a liter? هاو ماچ اِز گَس اِ لیتِ؟ بنزین لیتری چنده؟

The oil needs changing. ذی اُیل نیدز چِینجینگ. لازمه روغن عوض بشه.

Check the tire pressure. چک ذ تایِ پرِشِ. فشار باد تایر را چک کنید.

Please change the tire. پلیز چینج ذ تایِ. لطفا تایر را عوض کنید.

This tire is flat. ذِس تایِ از فلَت. این تایر پنچر است.

The radiator is leaking. ذ رِیدی اِتِ از لیکینگ. رادیاتور نشتی داره.

I need some gas. آی نید سام گَس. من مقداری بنزین لازم دارم.

I should check the engine and tires, too.
آیِ شُد چک ذی اِنجِن اند تایِز، تو.
من باید موتور و لاستیک ها را هم چک کنم.

Oh, I'm low on gas. اُو، آیم لُو آن گَس. اوه، بنزین من داره تموم میشه.

Don't forget to put the gas cap back on.
دُونت فُگِت تو پُت ذ گَس کَپ بَک آن.
فراموش نکن درپوش باک بنزین را بگذاری.

What is the price of gas today?
وات از ذ پرایس آو گَس تدِی؟
امروز قیمت بنزین چنده؟

First check the tire pressure.
فِست چک ذ تایِ پرِشِ.
اول فشار باد لاستیک را چک کنید.

A: Fill it up with unleaded and check the oil, please.
فِل اِت آپ ویذ آن لِدِد اِن چِک ذی اُیل، پلیز.
-لطفا بنزین بدون سرب بزن و روغن را چک کن.

B: Do you want me to check the tires?
-دو یو وانت می تو چک ذِ تایِ ز؟
-میخواهید تایرها را چک کنم؟

A: No, that's all for now. What does it come to?
-نُو، ذَتس آل فُ نَو. وات داز ات کام تو؟
- نه، فعلا همین کافیه. چند میشه؟

B: $10.00. -تِن دالِز.
- ده دلار.

7

Repairs
تعمیرات



Have you a breakdown service?

سرویس خرابی ماشین دارید؟ هَو یو ا بریکدَون سِروِس؟

Is there a mechanic?

آیا مکانیک هست؟ از ذِ ا مِکَنِک؟

My car's broken down, can you send someone to tow it?

مای کا(ر)ز برُوکِن دَون، کَن یو سِند سام وان تو تُو اِت؟

ماشینم خراب شده، میشه یک نفر را بفرستید اونو بکسل کنه؟

The battery is dead, it needs charging.

ذ بَتری اِز دِد ، اِت نیدز چاجینگ.

باتری دشارژ شده، اون نیاز به شارژ داره.

My car won't start.

ماشین من استارت نمی زنه. مای کا(ر) وُنت سْتات.

The engine is overheating.

موتور داغ کرده. ذی اِنجِن از اُوِ(ر)هیتینگ.

There's a smell of rubber.

بوی لاستیک می آد. ذِز اِ سمِل آو رابِ.

The radiator is blocked/ leaking.

رادیاتور گرفته/ نشتی داره. ذ رِیدی اِتِ از بلاکت/ لیکینگ.

Something is wrong with my car/ the engine/ the lights/ the clutch/ the gearbox/ the brakes/ the steering.

سامثینگ از رانگ ویذ مای کار/ذی انجِن/ ذ لایتس/ ذ کلاچ/ ذ گیرباکس/ ذ بریکس/ ذ ستی یرینگ.

یه چیزائی در موتور/ چراغ های/ کلاچِ/ جعبه دندهٔ/ ترمزهای/ فرمانِ ماشینم اشکال داره.

The carburetor needs adjusting.

ذ کا(ر)بیورِتِ نیدز اِجاستینگ.

کاربوراتور نیاز به تنظیم داره.

Can you repair it? کَن یو ریپِ اِت؟

میشه اینو تعمیر کنید؟

How long will it take to repair?

هاو لانگ ویل اِت تِیک تو ریپِ؟

تعمیرش چقدر طول می کشه؟

What will it cost? وات ویل اِت کاست؟

چقدر خرج داره؟

I need it as soon as possible.

آی نید اِت اَز سون اَز پاسِبِل.

تا اونجا که امکان داره من اونو زود لازم دارم.

It will take two days. اِت ویل تِیک تو دِیز.

دو روز طول می کشه.

We haven't the right spares.

وی هَوِنت ذ رایت سپِز.

ما لوازم یدکی مناسب را نداریم.

You will need a new... یو ویل نید اِ نیو...

شما به یک ... نو نیاز دارید.

7 Highways and Streets
بزرگراه ها و خیابان ها

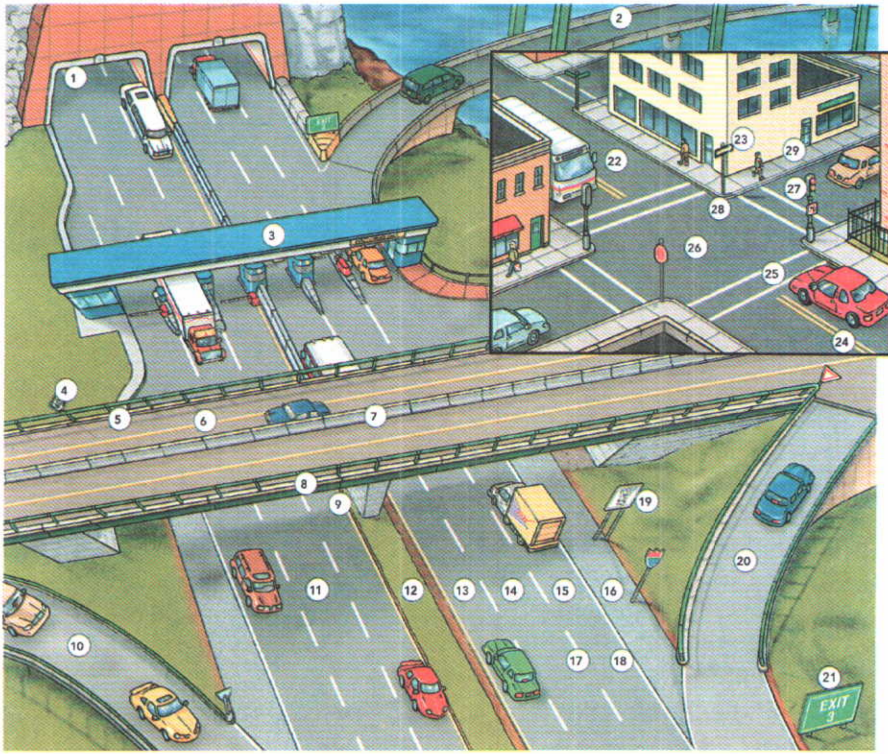


A: Where's the accident? -وز ذی اکسیدِنت؟ -تصادف کجا اتفاق افتاده؟
B: It's near the highway. -اِتس نی ذِ های وِی. - نزدیک بزرگراهه.

واژگان

1	tunnel	تانل	تونل	۱
2	bridge	برِج	پل	۲
3	tollbooth	تالبوث	کیوسک عوارضی	۳
4	route sign	روت ساین	علامت مسیر	۴
5	highway	هایوِی	بزرگراه	۵
6	road	رُود	جاده	۶
7	divider/ barrier	دیوایدِ/ بَریِ	جدا کننده/ مانع	۷
8	overpass	اُوِ(ر)پَس	روگذر	۸
9	underpass	آندِ(ر)پَس	زیر گذر	۹
10	entrance ramp/on ramp	انترِنس رَمپ/ آن رَمپ	شیب راهه ورودی	۱۰
11	interstate (highway)	اینتِ(ر)ستِیت (های وِی)	(بزرگراه) بین ایالتی	۱۱
12	median	می دیِن	میانگر	۱۲
13	left lane	لِفت لِین	مسیر سمت چپ	۱۳
14	middle lane/center lane	مِدّل لِین/ سِنتِ لِین	مسیر میانی	۱۴
15	right lane	رایت لِین	مسیر سمت راست	۱۵
16	shoulder	شُولدِ	شانه جاده	۱۶
17	broken line	برُوکِن لاین	خط متقاطع	۱۷
18	solid line	سالِد لاین	خط ممتد	۱۸
19	speed limit sign	سپید لِمِت ساین	علامت محدودیت سرعت	۱۹
20	exit ramp	اگسِت رَمپ	شیب راهه خروجی	۲۰
21	exit sign	اگسِت ساین	علامت خروجی	۲۱
22	street	ستریت	خیابان	۲۲
23	one-way street	وان-وِی ستریت	خیابان یکطرفه	۲۳
24	double yellow line	دابَل یِلُو لاین	خط زرد دوبله	۲۴
25	crosswalk	کراس واک	خط عابر پیاده	۲۵
26	intersection	اینتِ(ر)سِکشِن	تقاطع	۲۶

27 traffic light/ traffic signal — تَرَفیک لایت/ تَرَفیک سیگنال — ۲۷ چراغ راهنمائی
28 corner — کُرنِر — ۲۸ نبش
29 block — بلاک — ۲۹ ساختمان- بلوک



7 Prepositions of Motion

حروف اضافه حرکت



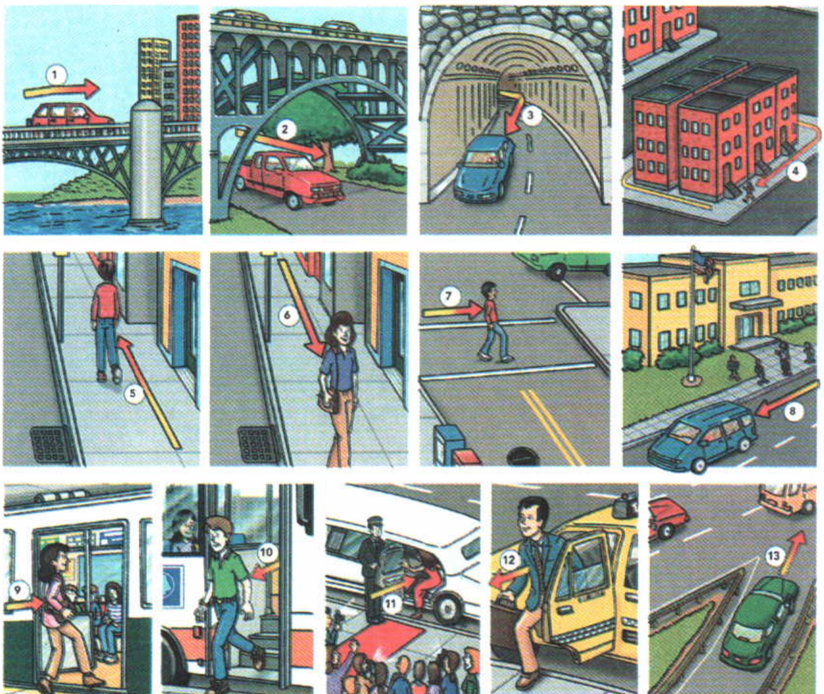
A: Go over the bridge.
-گو اُو ذ برِج.
-برو روی پل.

B: Over the bridge?
-اُو ذ برِج؟
-روی پل؟

A: Yes.
-یِس.
-بله.

واژگان

1 over	اُوِ	۱	بالای- روی
2 under	آندِ	۲	زیر
3 through	ثرو	۳	از میان
4 around	اِرَوند	۴	دور- اطراف
5 up	آپ	۵	بالا
6 down	دَون	۶	پائین
7 across	اِکراس	۷	در عرض
8 past	پَست	۸	بعد از
9 get on	گِت آن	۹	سوار شدن
10 get off	گِت آف	۱۰	پیاده شدن
11 into	این تو	۱۱	به داخل
12 out of	اَوت آو	۱۲	بیرون از
13 onto	آن تو	۱۳	به طرف



Traffic Signs and Directions 7
علائم ترافیکی و مسیرها



A: Careful! That sign says "Stop"!
-کِفُل! ذَت ساین سِز "ستاپ"!
-مواظب باش! اون علامت میگه "ایست"!
B: Oh. Thanks.
-اُو. ثَنکس.
-اُو. متشکرم.



A: Which way should I go?
-وِچ وِی شُد آی گُو؟
-کدام مسیر باید برم؟
B: Go north.
-گُو نا(ر)ث.
-برو به سمت شمال.



A: Turn right.
-تِ(ر)ن رایت.
-بپیچ سمت راست.
B: Turn right?
-تِ(ر) رایت؟
-سمت راست بپیچم؟
A: Yes. -یِس.
-بله.

واژگان

	Traffic Signs	**ترَفک ساینز**	**علائم ترافیکی**	
1	stop	ستاپ	ایست	۱
2	no left turn	نُو لفت تِ(ر)ن	گردش به چپ ممنوع	۲
3	no right turn	نُو رایت تِ(ر)ن	گردش به راست ممنوع	۳
4	no U-turn	نُو یو-تِ(ر)ن	دور زدن ممنوع	۴
5	right turn only	رایت تِ(ر)ن اُونلی	فقط گردش به راست	۵
6	do not enter	دو نات اِینتِ	ورود ممنوع	۶
7	one way	وان وِی	یکطرفه	۷
8	dead end/ no outlet	دِد اِند/ نُو آوت لِت	بن بست/ بدون خروجی	۸
9	pedestrian crossing	پِدِسترِیَن کراسینگ	محل عبور عابر	۹
10	railroad crossing	رِیل رُود کراسینگ	تقاطع راه آهن	۱۰
11	school crossing	سْکول کراسینگ	محل عبور دانش آموزان مدرسه	۱۱
12	merging traffic	مِ(ر)جینگ ترَفِک	فرعی به اصلی	۱۲
13	yield	ییلد	حق تقدم	۱۳
14	detour	دی تُ(ر)	راه انحرافی	۱۴
15	slippery when wet	سْلِپِری وِن وِت	جاده لغزنده هنگام بارندگی	۱۵
16	handicapped parking only	هَندیکَپت پا(ر)کینگ اُونلی	پارکینگ ویژه معلولین	۱۶

علائم ترافیکی و مسیرها

Compass Directions کامپَس دِرِکشِنز جهات قطب نمائی

17 north نو(ر)ث ۱۷ شمال
18 south سَوث ۱۸ جنوب
19 west وِست ۱۹ غرب
20 east ایست ۲۰ شرق

Road Test Instructions رُود تِست اینستراکشِنز دستورالعمل های تست جاده ای

21 Turn left. تِ(ر)ن لِفت. ۲۱ سمت چپ بپیچید.
22 Turn right. تِ(ر)ن رایت. ۲۲ سمت راست بپیچید.
23 Go straight. گُو ستریِت. ۲۳ مستقیم بروید.
24 Parallel park. پَ رِلِل پا(ر)ک. ۲۴ دوبله پارک کنید.
25 Make a 3-point turn. مِیک اِ ثری-پُینت تِ(ر)ن. ۲۵ دور سه فرمانه بزنید.
26 Use hand signals. یوز هَند سیگنالز. ۲۶ با حرکات دست علائم را نشان دهید.

1


2


3


4


5


6


7


8


9


10


11

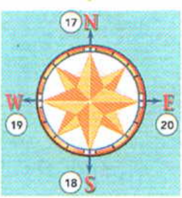

12

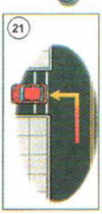

13

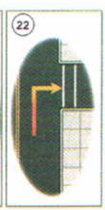

14

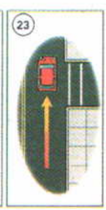

15

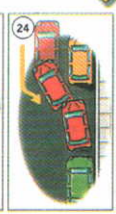

16

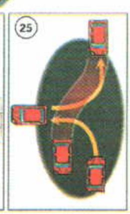



21


22


23


24


25


26


7

Hotel
هتل

1. Making a Reservation
۱. رزرو کردن

بهتر است قبل از هر کاری در هنگام مسافرت اطاقی را از طریق تلفن رزرو کنید:

"Hi, I would like to reserve a room."
های، آی وُد لایک تو ریزو اِ روم.
سلام، من مایلم یک اطاق رزرو کنم.

"Hello, can I reserve a couple of rooms?""
هِلُو، کَن آی ریزو اِ کاپِل آو رومز؟
سلام، میتونم چند تا اطاق رزرو کنم؟

یا اینکه قیمت اطاقِ هتل را سوال می کنید:

"Hi, how much are your rooms?"
های، هاو ماچ آ(ر) یُ(ر) رومز؟
سلام، اطاق هاتون چندند؟

"Hi, what are your rates?"
های، وات آ(ر) یُ(ر) ریِتس؟
سلام، نرخ هاتون چی اند؟

"Hello, how much is a room?"
هِلُو، هاو ماچ ایز اِ روم؟
سلام، نرخ یک اطاق چنده؟

پاسخ می شنوید:

"Our rooms start at $79 for a basic room."
آوِ(ر) رومز ستات اَت سِونتی ناین دالِ(ر)ز فُ(ر) اِ بیسِک روم.
نرخ پایهٔ اطاق های ما برای یک اطاق از ۷۹ دلار شروع می شند.

"Our rooms start at $79 for a standard room and go up to $300 for a suite."
آوِ(ر) رومز ستات اَت سِونتی ناین دالِز فُ اِ ستَندِد روم اَند گُو آپ تو ثری هاندرِد دالِز فُ اِ سوئیت.
اطاق های ما با قیمت ۷۹ دلار برای یک اطاق استاندارد شروع می شند و تا ۳۰۰ دلار برای یک سوئیت می رسند.

پاسخ می دهید:

"Ok. Can I reserve a room?"
اُکِی. کَن آی ری زِو اِ روم؟
بسیار خوب، می تونم یک اطاق رزرو کنم؟

بعد از اعلام موافقت از جانب شما اولین چیزی که پرسیده می شود تاریخ و طول مدت اقامت تان می باشد:

"What day do you want to check in?"
وات دِی دو یو وانت تو چِک این؟
چه روزی می خواهید تشریف بیاورید؟

"Which date do you want to reserve?"
وِچ دِیت دو یو وانت تو ری زِو؟
برای چه تاریخی می خواهید اونو رزرو کنید؟

"What date are you looking for?"
وات دِیت آ(ر) یو لُکینگ فُ(ر)؟
چه تاریخی مورد نظر شماست؟

2. Getting a room ۲. گرفتن اطاق

Have you a room for the night?
هَو یو اِ روم فُ(ر) ذِ نایت؟
برای شب اطاق دارید؟

Can you suggest another hotel?
کَن یو سِجِست اِناذِ(ر) هُوتِل؟
می تونید هتل دیگری پیشنهاد کنید؟

I've reserved a room; my name is ...
آیو ریزِود اِ روم؛ مای نِیم ایز...
من یک اطاق رزرو کرده ام؛ اسم من ... است.

I want a single room with a shower.
آی وانت اِ سینگل روم ویذ اِ شَوِ(ر).
من یک اطاق یک تخته با حمام می خواهم.

We want a single room with a double bed and a bathroom.
وی وانت اِ سینگل روم ویذ اِ دابِل بِد آند اِ بَث روم.
ما یک اطاق یک نفره با دو تخت خواب و حمام می خواهیم.

Have you a room with twin beds?
هَو یو اِ روم ویذ توان بدز؟
شما یک اطاق با تخت خواب دونفره دارید؟

I want a room for two or three days/ a week/ until Friday.
آی وانت اِ روم فُ(ر) تو اُ(ر) ثری دِیز/ اِ ویک/ آنتیل فرایدِی.
من یک اطاق می خوام برای دو یا سه روز/ یک هفته/ تا جمعه.

What floor is the room on?
وات فلُ(ر) ایز ذِ روم آن؟
اطاق در چه طبقه ای است؟

Is there a lift/ elevator?
ایز ذِ(ر) اِ لیفت/ اِلِویتِ(ر)؟
آیا آسانسور هست؟

Have you a room on the first floor?
هَو یو اِ روم آن ذِ فِ(ر)ست فلُ(ر)؟
آیا اطاقی در طبقه اول دارید؟

May I see the room?
می آی سی ذِ روم؟
می تونم اطاق را ببینم؟

I like this room, I'll take it.
آی لایک ذِس روم، آیل تِیک اِت.
من ازاین اطاق خوشم اومد، اینو می گیرم.

I don't like this room.
آی دُونت لایک ذِس روم.
من از این اطاق خوشم نیومد.

Have you another one?
هَو یو اِناذِ(ر) وان؟
اطاق دیگری دارید؟

I want a quiet room.
آی وانت اِ کوآیِت روم.
من یک اطاق بی سرو صدا می خواهم.

2. Getting a room — ۲. گرفتن اطاق

There's too much noise.
ذِ(ر)ز تو ماچ نُیز.
اینجا خیلی پر سروصداست.

I'd like a room with a balcony.
آید لایک اِ روم ویذ اِ بَلکِنی.
من یک اطاق با بالکن می خواهم.

We've only a double room.
ویو اُنلی اِ دابْل روم.
ما فقط یک اطاق دو نفره داریم.

This is the only room vacant.
ذِس اِز ذی اُنلی روم ویکِنت.
این تنها اطاق خالی ماست.

How much is the room per night?
هاو ماچ اِز ذِ روم پِ(ر) نایت؟
اطاق شبی چند است؟

Are service and tax included?
آ(ر) سِوِس آند تَکس اینکلودد؟
آیا سرویس و مالیات اضافه شده است؟

Is breakfast included in the price?
اِز برِکفِست اینکلودِد این ذِ پرایس؟
آیا قیمت صبحانه اضافه شده است؟

3. At the reception desk — ۳. در قسمت پذیرش

My keys, please.
مای کیز، پلیز.
کلید هایم، لطفا.

Are there any letters/messages for me?
آ(ر) ذِ(ر) اِنی لِتِ(ر)ز/ مِ سِ جِز فُ(ر) می؟
آیا برای من نامه/ پیغامی هست؟

If anyone phones, tell them I'll be back at 4:30.
ایف اِنی وان فُونز، تِل ذِم آیل بی بَک اَت فُ(ر) ثِ(ر)تی.
اگه کسی تلفن بزنه، بگو ساعت چهار و نیم بر می گردم.

No one telephoned.
نُو وان تِلِفُوند.
هیچکس تلفن نزد.

There's a lady/gentleman to see you.
ذِ(ر)ز اِ لِیدی/ جِنتِلمِن تو سی یو.
یک خانم/ آقائی می خواهد شما را ببیند.

Please ask her/him to come up.
پلیز آسک هِ(ر)/ هیم تو کام آپ.
لطفا از او بخواهید بیاد بالا.

I'm coming down.
آیم کامینگ دَون.
من دارم میام پائین.

Have you any writing paper/ envelopes /stamps ?
هَو یو اِنی رایتینگ پیپِ(ر)/ اِن وِلُوپس/ ستَمپس؟
آیا کاغذ تحریر/ پاکت/ تمبر دارید؟

3. At the reception desk ۳. در قسمت پذیرش

Please send the chambermaid/the waiter.
پلیز سِند ذِ چیمب(ر)مِید/ ذِ ویتِ(ر).
لطفا خدمتکار/ گارسون را بفرستید.

I need a guide/an interpreter.
آی نید اِ گاید/ اَن اینتِ(ر)پریتِ(ر).
من به یک راهنما/ مترجم نیاز دارم.

Where is the dining room?
وِ(ر) اِز ذِ داینینگ روم؟
غذاخوری کجاست؟

What time is breakfast/ lunch/ dinner ?
وات تایم اِز برِکفِست/ لانچ/ دِنِ(ر)؟
صبحانه/ ناهار/ شام کی سرو میشه؟

Is there a garage?
اِز ذِ(ر) اِ گِراژ؟
آیا گاراژ هست؟

Is the hotel open all night?
اِز ذِ هُوتِل اُوپِن آل نایت؟
آیا هتل تمام شب بازه؟

What time does it close?
وات تایم داز اِت کلُوز؟
کی تعطیل میشه؟

4. Departure ٤. عزیمت

I have to leave tomorrow.
آی هَف تو لیو تِمارُو.
من فردا باید بروم.

Can you have my bill ready?
کَن یو هَو مای بِل رِدی؟
میشه صورتحسابمو آماده کنید؟

I shall be coming back on...
آی شَل بی کامینگ بَک آن...
من در تاریخ ... بر می گردم.

Can I book a room for that date?
کَن آی بُک اِ روم فُ(ر) ذَت دِیت؟
می تونم برای اون تاریخ اطاقی رزرو کنم؟

Could you have my luggage brought down?
کُد یو هَو مای لاگِج برات دَون؟
میشه بدین چمدان هایم را پائین بیارند؟

Please call a taxi for me.
پْلیز کال اِ تَکسی فُ می.
لطفا برام یک تاکسی صدا بزنید.

Thank you for a pleasant stay.
ثَنک یو فُ اِ پْلِزِنت سْتِی.
برای یک اقامت دلپذیر متشکرم.

5. Dialog ۵. گفتگو

در اینجا به گفتگوی یک مسافر و مسئول رزرواسیون هتل توجه کنید:

A: "Thank you for calling Great Hotel. How may I help you?"
-ثَنک یو فُ(ر) کالینگ گرِیت هُوتِل. هاو مِی آی هِلپ یو؟
-از اینکه با گریت هتل تماس گرفتید متشکرم. من چه کمکی می تونم بکنم؟

هتل

B: "I would like to rent a room, but how much do you charge a night?"

-آی وُد لایک تو رِنت اِ روم، بات هاو ماچ دو یو چا(ر)ج اِ نایت؟

-من میل دارم اطاقی کرایه کنم، اما شما برای یک اطاق شبی چند می گیرید؟

A: "Our prices start at $79 a night for a standard room."

-آوِ(ر) پرایسیز ستا(ر)ت اَت سِونتی ناین دالِ(ر)ز اِ نایت فُ(ر) اِ ستَندِ(ر)د روم.

-قیمت های ما برای یک اطاق استاندارد از شبی ۷۹ دلار شروع می شود.

B: "Great. Can you reserve a room for me?"

-گریت. کَن یو ریزِ(ر)و اِ روم فُ(ر) می؟

-عالیه. میشه برام یک اطاق رزرو کنید؟

A: "Sure. What day are you coming in?"

-شُ(ر). وات دِی آ(ر) یو کامینگ این؟

-حتما. شما چه روزی می آئید؟

B: "I will be checking in on August 3rd."

-آی ویل بی چِکینگ این آن آگِست ثِ(ر)د.

-من روز سوم آگوست می آیم.

A: "How many days do you need the room for?"

-هاو مِنی دِیز دو یو نید ذِ روم فُ(ر)؟

-اطاق را برای چند روز لازم دارید؟

B: "I'll need it for three nights."

-آیل نید اِت فُ(ر) ثری نایتس.

-من اونو برای سه شب لازم خواهم داشت.

A: "Ok. I have you coming in on the 3rd of August and checking out on the 6th. Is that correct?"

-اُکِی. آی هَو یو کامینگ این آن ذِ ثِ(ر)د آو آگِست اَند چِکینگ اُوت آن ذِ سِکست. اِز ذَت کِرِکت؟

-بسیار خوب. من آمدن شما را برای سوم آگوست در نظر می گیرم و تسویه حساب تون را برای ششم. خوبه؟

B: "Yes.

-یِس.

-بله.

A: "How many total adults?"

-هاو مِنی تُتال اَدُلتس؟

-رویهمرفته چند بزرگسال؟

B: "Two adults and two kids."

-تو اَدُلتس اَند تو کِدز.

-دو بزرگسال و دو بچه.

A: "How old are the kids?"

-هاو اُولد آ(ر) ذِ کِدز؟

-بچه ها چند سالشونه؟

B: "10 and 12."

-تِن اَند توالو.

-ده و دوازده سال.

A: "Would you like one room or two rooms?"

-وُد یو لایک وان روم اُ(ر) تو رومز؟

-یک اطاق می خواهید یا دو اطاق؟

B: "Just one is fine."

-جاست وان ایز فاین.

-فقط یکی خوبه.

5. Dialog   ۵. گفتگو

A: "Would you like a smoking room or a non smoking room?"
-وُد یو لایک اِ سمُوکینگ روم اُ(ر) اِ نان سمُوکینگ روم؟
-اطاق مخصوص سیگاری ها را می خواهید یا غیر سیگاری ها را؟

B: "Non smoking room, please."
نان سمُوکینگ روم، پلیز.
-اطاق غیر سیگاری را، لطفا.

A: "Can I have your last name?"
-کَن آی هَو یُ(ر) لَست نِیم؟
-میشه اسم خانوادگی تان را بدونم؟

B: "Park."
-پا(ر)ک.
-پارک.

A: "Your first name"?
-یُ(ر) فِ(ر)ست نِیم؟
-اسم کوچکتان؟

B: "Young. That's Y. O. U. N. G."
-یانگ. ذَتس وای.اُو. یو.اِن.جی.
-یانگ. هجی اون وای.اُو.یو.اِن.جی. میشه.

A: "Let me confirm your information Mr. Park.
I have one non smoking double room with 2 adults and
2 children from August 3rd to 6th. Is this correct?"
-لِت می کِنف(ر)م یُ(ر) اینفِمِیشِن مِست(ر) پا(ر)ک.
آی هَو وان نان سمُوکینگ دابُل روم ویذ تو اَدُلتس اَند
تو چِلدرِن فرام آگِست ث(ر)د تو سِکسث. اِز ذِس کِرِکت؟
-اجازه بدین اطلاعات تون را تائید کنم آقای پارک.
من یک اطاق غیر سیگاری دوبله با دو بزرگسال و
دو بچه از سوم تا ششم آگوست دارم. درسته؟

B: "Yes." -یِس.
-بله.

A: "The total comes to $256.78.
-ذِ تُوتال کامز تو تو هاندرد فِفتی سِکس دال(ر)ز سِونتی اِیت سِنتس.
-کلا میشه دویست و پنجاه و شش دلار و هفتاد و هشت سنت.

Can I get your credit card number?"
کَن آی گِت یُ(ر) کرِدِت کا(ر)د نامب(ر)؟
میشه شماره کارت اعتباری شما را داشته باشم؟

B: "Sure. It is 444444444444."
-شُ(ر). اِت اِز توالو فُ(ر)ز.
-حتما. اون دوازده تا چهار داره.

A: "What's the name on the credit card?"
-واتس ذِ نِیم آن ذِ کرِدِت کا(ر)د؟
-چه اسمی روی کارت اعتباری هست؟

B: "Young Park."
-یانگ پا(ر)ک.
-یانگ پارک.

5. Dialog
۵. گفتگو

A: "I have the room reserved for you.
If you need to cancel,
please call us 24 hours before your check in date.
Failure to cancel will result in a one day charge
on your credit card.
Is there anything else I can do for you?"

-آی هَو ذِ روم ریزِ(ر)ود فُ(ر) یو.
ایف یو نید تو کَنسِل،
پلیز کال آس توانتی فُ اَو(ر)ز بیفُ(ر) یُ(ر) چِک این دِیت.
فِیلیِ(ر) تو کَنسِل ویل ریزالت این اِ وان دِی چا(ر)ج
آن یُ(ر) کرِدِت کا(ر)د.
اِز ذِ اِنیثینگ اِلس آی کَن دو فُ(ر) یو؟

-من اطاق را برای شما رزرو کرده ام.
اگر لازم شد کنسل کنید،
لطفا ۲۴ ساعت قبل از تاریخ ثبت ورودتان به ما زنگ بزنید.
کنسل نکردن منجر به کسر هزینه یک روز اقامت از کارت اعتباری شما خواهد شد.
کار دیگری می تونم براتون بکنم؟

B: "Yes, one more question. What time can we check in?"
-یِس، وان مُ(ر) کواِسچِن. وات تایم کَن وی چِک این؟

-بله، یک سوال دیگه. چه ساعتی می تونیم بیائیم؟

A: "We can check you in by 2:00pm."
-وی کَن چِک یو این بای تو پی اِم.

-ما می تونیم شما را تا ساعت دو بعد از ظهر بپذیریم.

B: "Great. Thank you."
-گرِیت. ثَنک یو.

-عالیه. متشکرم.

A: "Thank you and have a great day."
-ثَنک یو اَند هَو اِ گرِیت دِی.

-متشکرم و روز خوبی داشته باشید.

B: "Thanks. Bye"
-ثَنکس. بای.

-ممنون. خداحافظ.

A: "Good bye."
-گُد بای.

-خداحافظ.

هتل

6. Hotel Vocabulary
۶. واژگان هتل



A: Where do you work?
-وِ(ر) دو یو وِ(ر)ک؟
-شما کجا کار می کنید؟

B: I work at the Grand Hotel.
-آی وِ(ر)ک اَت ذِ گرَند هُوتِل.
-من در گراند هتل کار می کنم.

A: What do you do there?
-وات دو یو دو ذِ(ر)؟
-آنجا چه کار می کنید؟

B: I'm a housekeeper.
-آیم اِ هَوس کیپِ(ر).
-من یک نظافتچی هستم.



A: Excuse me. Where's the bellhop?
-اِکسکیوز می. وِ(ر)ز ذِ بِل هاپ؟
-ببخشید. باربر کجاست؟

B: Right over there.
-رایت اُوِ(ر) ذِ(ر).
-درست آنجا.

A: Thank you. ثَنک یو.
-متشکرم.

واژگان

1 door man	دُ(ر)مَن	دربان	۱
2 valet parking	وَلِ ی (وَلِ یت) پا(ر)کینگ	مسئول پارک کردن ماشین ها	۲
3 parking attendant	پا(ر)کینگ اِتِندِنت	خدمه پارکینگ	۳
4 bellhop	بِل هاپ	باربر- پادو	۴
5 luggage cart	لاگِج کا(ر)ت	چرخ مخصوص وسائل سفر	۵
6 bell captain	بِل کَپتِن	مسئول امور خدماتی	۶
7 lobby	لابی	سالن انتظار- لابی	۷
8 front desk	فرانت دِسک	بخش پذیرش	۸
9 desk clerk	دِسک کلِ(ر)ک	کارمند پذیرش	۹
10 guest	گِست	مهمان	۱۰
11 concierge desk	کانسیِ ژ دِسک	بخش رزرو تورها و مکانهای هنری	۱۱
12 concierge	کان سیِ(ر)ژ	مسئول رزرو تورها و مکانهای هنری	۱۲
13 restaurant	رستورانت	رستوران	۱۳
14 meeting room	میتینگ روم	اطاق جلسات	۱۴
15 gift shop	گِفت شاپ	فروشگاه هدایا	۱۵
16 pool	پول	استخر	۱۶
17 exercise room	اکسِ سایز روم	اطاق ورزش	۱۷
18 elevator	اِلِویتِ(ر)	آسانسور	۱۸

هتل

19	ice machine	آیس مِشین	۱۹ ماشین یخ ساز
20	hall/ hallway	هال/ هالوِی	۲۰ راهرو
21	room key	روم کی	۲۱ کلید اطاق
22	housekeeping cart	هَوس کیپینگ کا(ر)ت	۲۲ چرخ مخصوص لوازم نظافت
23	housekeeper	هَوس کیپ(ر)	۲۳ نظافت چی
24	guest room	گِست روم	۲۴ اطاق مهمان
25	room service	روم س(ر)وِس	۲۵ سرویس اطاق







8 Fruits

Foods
غذاها

میوه جات



A: This apple is delicious! Where did you get it?
-این سیب خوشمزه است! اینو از کجا خریدی؟
-دِس آپِل اِز دِلِ شِس! وِ(ر) دِد یو گِت اِت؟

B: At Sam's Supermarket.
-اَت سَمز سوپِ ماکیت.
-از سوپرمارکت سام.



A: I'm hungry. Do we have any fruit?
-آیم هانگری. دو وی هَو اِنی فروت؟
-من گرسنه ام. میوه داریم؟

B: Yes. We have peaches and pears.
-یِس. وی هَو پیچز اَند پِ(ر)ز.
-بله. هلو و گلابی داریم.

A: Do we have any more bananas?
-دو وی هَو اِنی مُ(ر) بِ نَ نِز؟
-باز هم موز داریم؟

B: No. I'll get some more when I go to the supermarket.
-نُو. آیل گِت سام مُ(ر) وِن آی گُو تو ذِ سوپِ ماکیت.
-نه. موقعی که به سوپرمارکت برم یک مقدار بیشتر می خرم.

What are your favorite fruits?
وات آ(ر) یُ(ر) فِیوِرِت فروتس؟
میوه های مورد علاقه ات کدامند؟

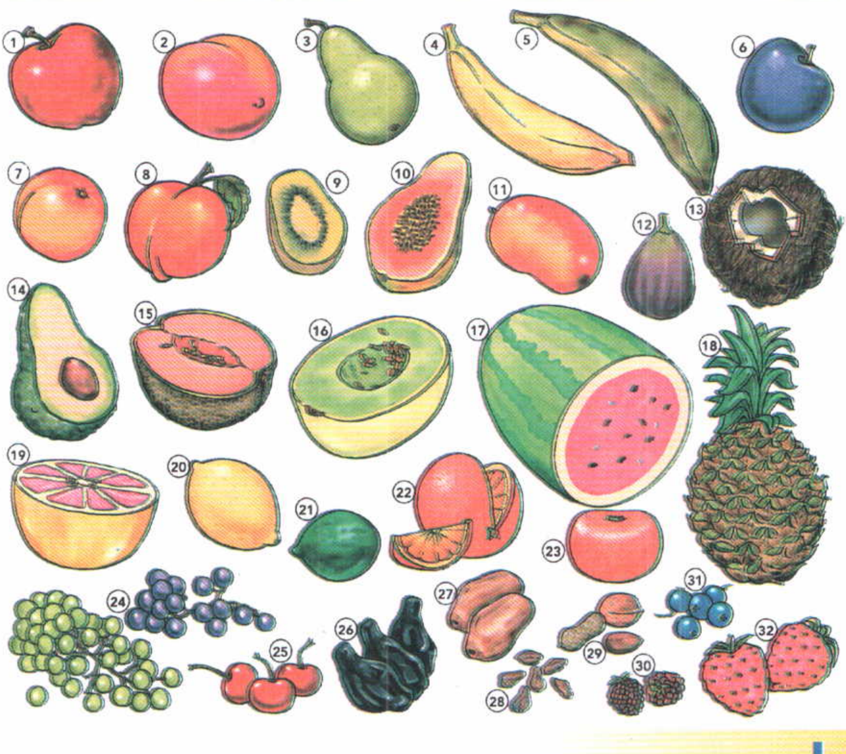
Which fruits don't you like?
وِچ فروتس دُونت یو لایک؟
از چه میوه هایی خوشت نمی آید؟

واژگان

1	apple	آپِل	۱ سیب
2	peach	پیچ	۲ هلو
3	pear	پِ(ر)	۳ گلابی
4	banana	بِنَنِ	۴ موز
5	plantain	پلَن تِن	۵ موز سبز
6	plum	پلام	۶ آلو
7	apricot	اِپریکات	۷ زردآلو
8	nectarine	نِکتِ رین	۸ شلیل
9	kiwi	کیوی	۹ میوه کیوی
10	papaya	پِپایِ	۱۰ پاپایا- خربزه درختی
11	mango	مَن گُ	۱۱ انبه
12	fig	فِگ	۱۲ انجیر
13	coconut	کُوکُونات	۱۳ نارگیل
14	avocado	اَوِکادُو	۱۴ آوکادو
15	cantaloupe	کَن تِلوپ	۱۵ طالبی- گرمک
16	honeydew (melon)	هانی دو (مِلِن)	۱۶ خربزه قندک

میوه جات

17 watermelon	واتِ(ر)مِلِن	۱۷ هندوانه
18 pineapple	پاین اَپِل	۱۸ آناناس
19 grapefruit	گریپ فروت	۱۹ دارابی- تو سرخ- گریپ فروت
20 lemon	لِمِن	۲۰ لیمو
21 lime	لایم	۲۱ لیمو ترش
22 orange	آرینج	۲۲ پرتقال
23 tangerine	تَن جِرین	۲۳ نارنگی
24 grapes	گریپس	۲۴ انگور
25 cherries	چریز	۲۵ گیلاس
26 prunes	پرونز	۲۶ آلو خشکه
27 dates	دِیتس	۲۷ خرما
28 raisins	رِی زِنز	۲۸ کشمش
29 nuts	ناتس	۲۹ گردو- فندق- پسته
30 raspberries	رَزبریز	۳۰ تمشک
31 blueberries	بلوبریز	۳۱ قره قاط
32 strawberries	سترابِریز	۳۲ توت فرنگی



8

Vegetables

سبزیجات



A: What do we need from the supermarket?
-از سوپر مارکت چی لازم داریم؟ -وات دو وی نید فرام دِ سوپِ ماکیت؟

B: We need celery and peas.
-کرفس و نخود لازم داریم. -وی نید سِلِری آند پیز.

A: How do you like the corn?
-نظرت راجع به ذرت چیه؟ -هاو دو یو لایک دِ کُ(ر)ن؟

B: It's delicious. -اِتس دِلِ شِس.
-خوشمزه است.

A: Bobby? Finish your vegetables!
-بابی؟ سبزی ات را تموم کن! -بابی؟ فِنِش یُ(ر) وِج تِبُ لز!

B: But you know I hate cabbage.
-اما شما می دونین که من از کلم بدم می آد. -بات یو نُو آی هِیت کَبِج.

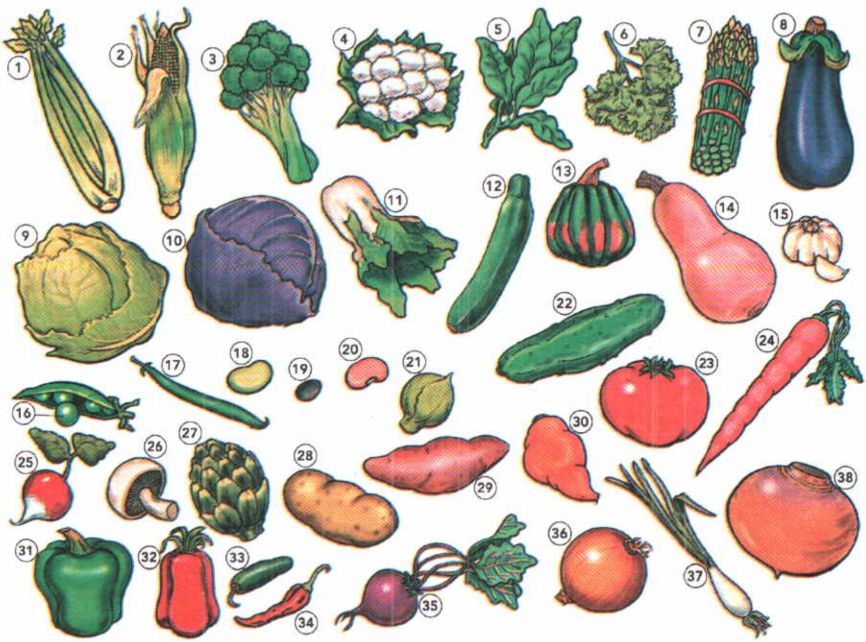
A: I know. But it's good for you!
-می دونم. اما این برات خوبه! -آی نُو. بات اِتس گُد فُ(ر) یو!

واژگان

1 celery	سِلِری	کرفس	۱
2 corn	کُ(ر)ن	ذرت	۲
3 broccoli	براکلی	کلم براکلی (ایتالیائی)	۳
4 cauliflower	کُلی فلاوِ(ر)	گل کلم	۴
5 spinach	سپینِچ	اسفناج	۵
6 parsley	پارسلی	جعفری	۶
7 asparagus	اَسپِرِگِس	مارچوبه	۷
8 eggplant	اِگ پلَنت	بادمجان	۸
9 lettuce	لِتِس	کاهو	۹
10 cabbage	کَبِج	کلم	۱۰
11 bok choy	باک چُوی	کلم چینی	۱۱
12 zucchini	زوکینی	کدو مسمائی	۱۲
13 acorn squash	اِیکُو(ر)ن سکواش	کدو حلوائی	۱۳
14 butternut squash	باتِ(ر)نات سکواش	کدو زمستانی	۱۴
15 garlic	گا(ر)لِک	سیر	۱۵
16 pea	پی	نخود	۱۶
17 string bean/green bean	سترینگ بین/ گرین بین	لوبیا سبز	۱۷
18 lima bean	لیما بین	لوبیای لیما	۱۸
19 black bean	بلَک بین	لوبیا سیاه	۱۹
20 kidney bean	کیدنی بین	لوبیا قرمز	۲۰

سبزیجات

English	تلفظ	فارسی
21 brussels sprout	براسِلز سپرَوت	۲۱ کلم بروکسل
22 cucumber	کیوکامبِ(ر)	۲۲ خیار
23 tomato	تِ مِ یتُو	۲۳ گوجه فرنگی
24 carrot	کَرِت	۲۴ هویج
25 radish	رَدِش	۲۵ تربچه
26 mushroom	ماشروم	۲۶ قارچ
27 artichoke	آرتی چُوک	۲۷ آرتیشو
28 potato	پِ تِ یتُو	۲۸ سیب زمینی
29 sweet potato	سویت پِ تِ یتُو	۲۹ سیب زمینی شیرین
30 yam	یَم	۳۰ سیب زمینی هندی
31 green pepper/ sweet pepper	گرین پِپِ(ر) / سویت پِپِ(ر)	۳۱ فلفل سبز/ فلفل شیرین
32 red pepper	رِد پِپِ(ر)	۳۲ فلفل قرمز
33 jalapeno (pepper)	هالِ پی نیو (پِپِ)	۳۳ فلفل مکزیکی
34 chili pepper	چیلی پِپِ(ر)	۳۴ فلفل تند
35 beet	بیت	۳۵ چغندر
36 onion	آنیِن	۳۶ پیاز
37 scallion/green onion	سکالیِن/ گرین آنیِن	۳۷ پیازچه
38 turnip	تِ(ر)نِپ	۳۸ شلغم



8 Meat, Poultry, Seafood

گوشت، ماکیان، غذای دریائی



A: What do we need? ‎-وات دو وی نید؟ — ‎-چی لازم داریم؟

B: Please get some salmon. ‎-پلیز گِت سام سَمِن. — ‎-لطفا یک مقدار ماهی آزاد بخر.

A: Salmon? All right. ‎-سَمِن؟ اُل رایت. — ‎-ماهی آزاد؟ باشه.

A: Excuse me. Where can I find steak?

‎-اِکسکیوز می. وِ(ر) کَن آی فایند ستِیک؟ — ‎-ببخشید. کجا می تونم گوشت استیکی پیدا کنم؟

B: Look in the meat section. ‎-لُک این ذِ میت سِکشِن. — ‎-به قسمت گوشت ها نگاه کنید.

A: Thank you. ‎ثَنک یو. — ‎-متشکرم.

A: These scallops look fresh!

‎-ذیز سکالِپس لُک فرِش! — ‎-این صدف ها تازه به نظر می رسند!

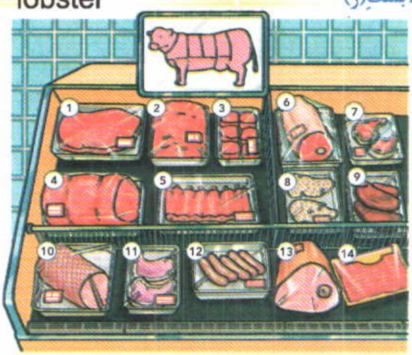
B: Let's buy some for dinner.

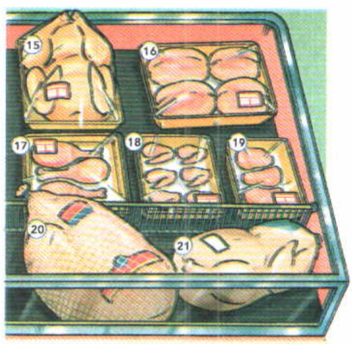
‎-لِتس بای سام فُ(ر) دِنِ(ر). — ‎-بیا یه مقدار برای شام بخریم.

واژگان

	Meat	میت		**گوشت**
1	steak	ستِیک	۱	گوشت استیکی
2	ground beef	گِروند بیف	۲	گوشت چرخ کرده
3	stewing beef	ستوویِنگ بیف	۳	گوشت خورشی
4	roast beef	رُوست بیف	۴	گوشت کبابی
5	ribs	ریبز	۵	گوشت دنده
6	leg of lamb	لِگ آو لَم	۶	ران بره
7	lamb chops	لَم چاپس	۷	ماهیچه بره
8	tripe	ترایپ	۸	شکمبه- سیرابی
9	liver	لیوِ(ر)	۹	جگر
10	pork	پُ(ر)ک	۱۰	گوشت خوک
11	pork chops	پُ(ر)ک چاپس	۱۱	ماهیچه (خوک)
12	sausages	ساسیجز	۱۲	سوسیس
13	ham	هَم	۱۳	گوشت ران (خوک)
14	bacon	بِیکِن	۱۴	گوشت خوک به صورت نواری
	Poultry	پُولتری		**ماکیان**
15	chicken	چِکِن	۱۵	جوجه- مرغ
16	chicken breasts	چِکِن برِستس	۱۶	سینه مرغ

17 chicken legs	چکِن لِگز	۱۷ ران مرغ
18 chicken wings	چکِن وینگز	۱۸ بال مرغ
19 chicken thighs	چکِن ثایز	۱۹ قسمت بالای ران مرغ
20 turkey	تِ(ر)کی	۲۰ بوقلمون
21 duck	داک	۲۱ مرغابی- اردک
Seafood	**سی فود**	**غذای دریائی**
FISH	فِش	**ماهی ها**
22 salmon	سَمِن	۲۲ ماهی آزاد
23 halibut	هَل بِت	۲۳ ماهی هالیبات
24 haddock	هَدِک	۲۴ ماهی سواحل آتلانتیک شمالی
25 flounder	فلَوند(ر)	۲۵ سفره ماهی
26 trout	ترَوت	۲۶ ماهی قزل الا
27 catfish	کَت فِش	۲۷ گربه ماهی
28 filet of sole	فیلِی آو سُول	۲۸ فیله ماهی حلوا
SHELLFISH	شِلفِش	**صدف ماهیان**
29 shrimp	شرِمپ	۲۹ میگو
30 scallops	سکالُوپس	۳۰ صدف اسکالوپ
31 crabs	کرَبز	۳۱ خرچنگ
32 clams	کُلَمس	۳۲ صدف
33 mussels	ماسُلز	۳۳ صدف دو کپه ای
34 oysters	اَیست(ر)ز	۳۴ صدف اَیستر
35 lobster	لابست(ر)	۳۵ لابستر







8 Dairy Products, Juices, and Beverages

فرآورده های لبنی، آب میوه ها و نوشیدنی ها



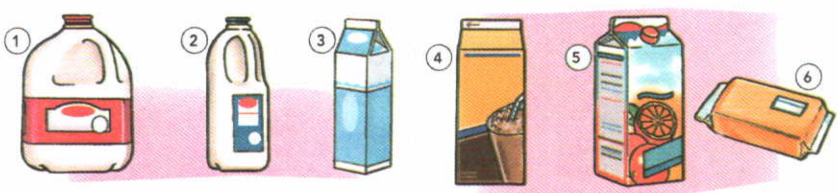
A: I'm going to get some milk.
-من دارم می رم شیر بخرم. -آیم گوئینگ تو گِت سام مِلک.
Do we need anything else? دو وی نید اِنیثینگ الس؟ چیز دیگه لازم داریم؟
B: Yes. Please get some apple juice.
-بله. لطفا مقداری آب سیب بخر. -یس. پلیز گِت سام اَپِل جوس.

A: Excuse me. Where can I find milk?
-ببخشید. کجا می تونم شیر پیدا کنم؟ -اکسکیوز می. و(ر) کَن آی فایند مِلک؟
B: Look in the dairy products section.
-به قسمت فرآورده های لبنی نگاه کنید. -لُک این ذِ دِری پراداکتس سِکشِن.
A: Thank you. -تَنک یو.
-متشکرم.

A: Look! Grape juice is on sale this week!
-نگاه کن! این هفته آب انگور با تخفیف عرضه می شه! -لُک! گریپ جوس از آن سِیل دس ویک!
B: Let's get some. -لِتس گِت سَم.
-بیا یه مقدار بخریم.

واژگان

Dairy Products	دِری پراداکتس	فرآورده های لبنی
1 milk	مِلک	۱ شیر
2 low-fat milk	لُو-فَت مِلک	۲ شیر کم چرب
3 skim milk	سکِم مِلک	۳ شیر بدون چربی
4 chocolate milk	چاکلِت مِلک	۴ شکلات شیری
5 orange juice*	آرینج جوس	۵ آب پرتقال
6 cheese	چیز	۶ پنیر



*آب پرتقال و خمیر سویا را معمولا می توان در بخش لبنیات یافت.

8

فرآورده های لبنی، آب میوه ها و نوشیدنی ها

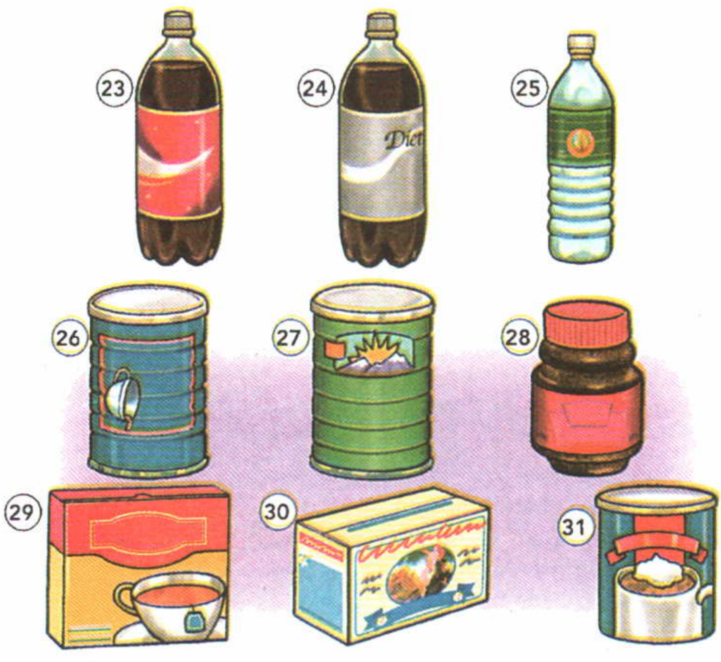
7 butter	باتِ(ر)	۷ کره
8 margarine	ما(ر)جِرین	۸ کره نباتی
9 sour cream	سَوِ(ر) کریم	۹ خامه ترش
10 cream cheese	کریم چیز	۱۰ پنیر خامه ای
11 cottage cheese	کاتِج چیز	۱۱ پنیر لور
12 yogurt	یُوگِ(ر)ت	۱۲ ماست
13 tofu*	تُوفو	۱۳ خمیر سویا
14 eggs	اگز	۱۴ تخم مرغ
Juices	**جوسیز**	**آب میوه ها**
15 apple juice	اَپِل جوس	۱۵ آب سیب
16 pineapple juice	پاین اَپِل جوس	۱۶ آب آناناس
17 grapefruit juice	گریپ فروت جوس	۱۷ آب گریپ فروت
18 tomato juice	تِمِیتُو جوس	۱۸ آب گوجه فرنگی
19 grape juice	گریپ جوس	۱۹ آب انگور
20 fruit punch	فروت پانچ	۲۰ آب میوه مخلوط
21 juice paks	جوس پَکس	۲۱ بسته های آب میوه
22 powdered drink mix	پاودِ(ر)د درِنک میکس	۲۲ مخلوط نوشیدنی پودری



8

فرآورده های لبنی، آب میوه ها و نوشیدنی ها

	Beverages	**بیوِری جِز**	**نوشیدنی ها**
23	soda	سُودا	سودا ۲۳
24	diet soda	دایِت سُودا	سودا رژیمی ۲۴
25	bottled water	باتِلد وات(ر)	آب معدنی ۲۵
	Coffee and Tea	**کافی آند تی**	**قهوه و چای**
26	coffee	کافی	قهوه ۲۶
27	decaffeinated coffee/decaf	دی کَفی نِیتید کافی/ دیکَف	قهوه بدون کافئین ۲۷
28	instant coffee	اینس تِنت کافی	قهوه فوری ۲۸
29	tea	تی	چای ۲۹
30	herbal tea	هِ(ر)بال تی	چای گیاهی ۳۰
31	cocoa/ hot chocolate mix	کُوکُو/ هات چاکلِت میکس	کاکائو/ مخلوط شکلات مایع ۳۱



Deli, Frozen foods, and Snack foods
غذاهای آماده، منجمد، و تفننی

8



A: Should we get some roast beef?
-شُد وی گِت سام رُوست بیف؟
-می خواهی یک مقدار گوشت گاو کبابی بخریم؟
B: Good idea. And let's get some potato salad.
-گُد آیدیا. اَند لِتس گِت سام پِتِیتُو سَلِد.
-فکر خوبیه. و بیا یک مقدار سالاد سیب زمینی بخریم.

A: May I help you? -مِی آی هِلپ یو؟ -می تونم کمکتون کنم؟
B: Yes, please. I'd like some ham.
-یِس، پلیز. آید لایک سام هَم. -بله، لطفا. من مقداری ژامبون می خوام.

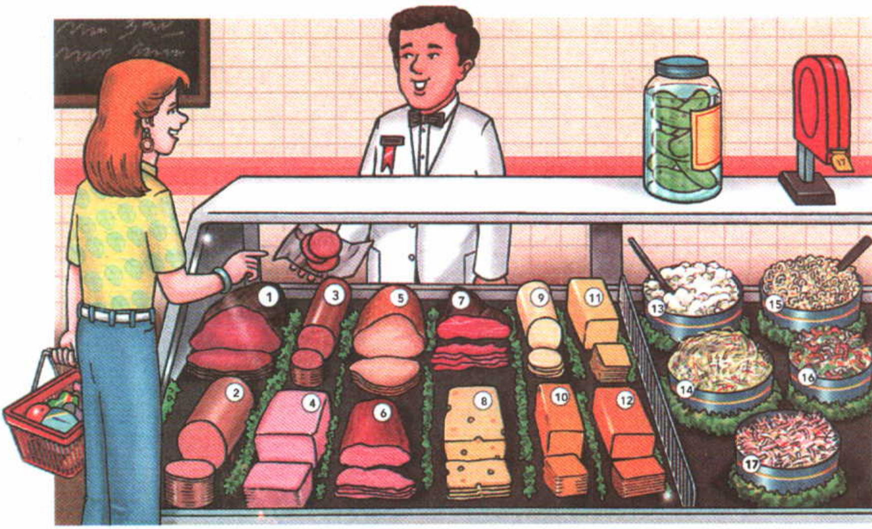
A: Excuse me. Where are the potato chips?
-اِکسکیوزمی. وِ(ر) آ(ر) پِتِیتُو چِپس؟ -ببخشید. چیپس های سیب زمینی کجا هستند؟
B: They're in the snack foods section.
ذِ(ر) این ذِ سنَک فودز سِکشِن. -اونا تو قسمت غذاهای تفننی هستند.

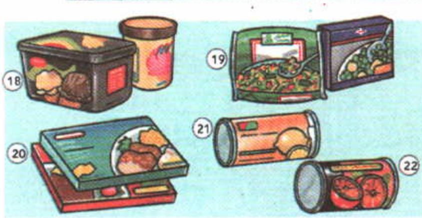
واژگان

	Deli	دِلی	غذاهای آماده	
1	roast beef	رُوست بیف	گوشت کبابی	۱
2	bologna	بِلُونیا	سوسیس دودی	۲
3	salami	سِلامی	کالباس ایتالیائی پر ادویه (سالامی)	۳
4	ham	هَم	ژامبون	۴
5	turkey	تِ(ر)کی	بوقلمون	۵
6	corned beef	کُ(ر)ند بیف	گوشت گاو نمک سود	۶
7	pastrami	پِسترامی	گوشت دودی شده سر دست گاو	۷
8	Swiss cheese	سواِس چیز	پنیر سویسی	۸
9	provolone	پراوِلُونی	پنیر دودی ایتالیائی	۹
10	American cheese	اِمریکِن چیز	پنیر آمریکائی	۱۰
11	mozzarella	ماتسِرِل	پنیر ایتالیائی ماتسرلا	۱۱
12	cheddar cheese	چِدِ(ر) چیز	پنیر انگلیسی چدار	۱۲
13	potato salad	پِتِی تُو سَلِد	سالاد سیب زمینی	۱۳
14	cole slaw	کُول سلا	سالاد کلم	۱۴
15	macaroni salad	مَکِرُونی سَلِد	سالاد ماکارونی	۱۵
16	pasta salad	پِیس تِ سَلِد	سالاد مخلوط ماکارونی	۱۶
17	seafood salad	سی فود سَلِد	سالاد غذاهای دریائی	۱۷

8 غذاهای آماده، منجمد، و تفننی

Frozen Foods	**فروزِن فودز**	**غذاهای منجمد**
18 ice cream	آیس کریم	۱۸ بستنی
19 frozen vegetables	فروزِن وِج تِ بَلز	۱۹ سبزیجات منجمد
20 frozen dinners	فروزِن دِنِ(ر)ز	۲۰ غذا های آماده
21 frozen lemonade	فروزِن لِمِنید	۲۱ لیموناد منجمد
22 frozen orange juice	فروزِن آرینج جوس	۲۲ آب پرتقال منجمد
Snack Foods	**سنَک فودز**	**غذاهای تفننی**
23 potato chips	پِتیتو چِپس	۲۳ چیپس سیب زمینی
24 tortilla chips	تُرتی چِپس	۲۴ چیپس تورتیا(ذرت)
25 pretzels	پِرِتسِلز	۲۵ چوب شور
26 nuts	ناتس	۲۶ خشکبار
27 popcorn	پاپکُو(ر)ن	۲۷ ذرت بوداده







Groceries
خواروبار



A: I got cereal and soup. What else is on the shopping list?
-آی گات سی رِیل آند سوپ. وات اِلس ایز آن دِ شاپینگ لِست؟
-من کورن فلکس و سوپ خریدم. در لیست خرید دیگه چی هست؟
B: Ketchup and bread.
-کِچاپ آند برِد.
-سس گوجه فرنگی و نان.

A: Excuse me. I'm looking for rice.
-اکسکیوز می. آیم لُکینگ فُ(ر) رایس.
-ببخشید. من دارم دنبال برنج می گردم.
B: It's next to the spaghetti.
-اِتس نِکست تو دِ سپِگتی.
-اون بغل اسپاگتیه.

A: Pardon me. I'm looking for salt.
-پا(ر)دِن می. آیم لُکینگ فُ(ر) سالت.
-ببخشید. من دارم دنبال نمک می گردم.
B: It's between the olives and pepper.
-اِتس بیتوین ذی آلیوز آند پِپ(ر).
-اون بین زیتون و فلفل هست.

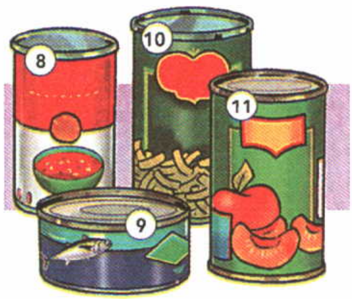
واژگان

	Packaged Goods	پَکِجد گُدز	اجناس بسته بندی شده	
1	cereal	سی رِیل	کُرن فلِکس	۱
2	cookies	کُکیز	بیسکویت	۲
3	crackers	کرَکِ(ر)ز	بیسکویت بدون شکر (کراکر)	۳
4	macaroni	مَکِرُونی	ماکارونی	۴
5	noodles	نودلز	رشته فرنگی	۵
6	spaghetti	سپِگتی	اسپاگتی	۶
7	rice	رایس	برنج	۷



خواروبار

Canned Goods	کَند گُدز	اجناس کنسروی
8 soup	سوپ	۸ سوپ
9 tuna (fish)	تونِ (فِش)	۹ (ماهی) تن
10 (canned) vegetables	(کَند) وجتِبْلز	۱۰ سبزیجات (کنسروی)
11 (canned) fruit	(کَند) فروت	۱۱ میوه (کنسروی)
Jams and Jellies	**جَمز اَند جِلیز**	**مرباها و ژله ها**
12 jam	جَم	۱۲ مربا
13 Jelly	جِلی	۱۳ ژله
14 peanut butter	پینات باتِ(ر)	۱۴ کره بادام زمینی





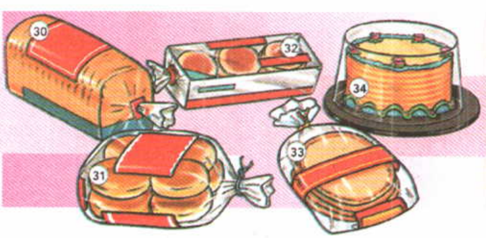
Condiments	کاندیمِنتس	چاشنی جات
15 ketchup	کِچاپ	۱۵ سس گوجه فرنگی
16 mustard	ماستِ(ر)د	۱۶ خردل
17 relish	رِلیش	۱۷ چاشنی
18 pickles	پیکُلز	۱۸ خیار شور
19 olives	آلیوز	۱۹ زیتون
20 salt	سالت	۲۰ نمک
21 pepper	پِپ(ر)	۲۱ فلفل



خواروبار

22 spices	سپایسیز	۲۲ ادویه جات
23 soy sauce	سُوی سُس	۲۳ سس سویا
24 mayonnaise	مِ یِ نِیز	۲۴ سس مایونز
25 (cooking) oil	(کُکینگ) اُیل	۲۵ روغن (آشپزی)
26 olive oil	آلیو اُیل	۲۶ روغن زیتون
27 salsa	سالسِ	۲۷ سس پر ادویه گوجه فرنگی
28 vinegar	وینیگِ(ر)	۲۸ سرکه
29 salad dressing	سَلِد درِسینگ	۲۹ سس سالاد
Baked Goods	**بِیکد گُدز**	**فرآورده های نانوائی**
30 bread	برِد	۳۰ نان
31 rolls	رولز	۳۱ نان گرد
32 English muffins	انگلِش مافِنز	۳۲ کیک کوچک
33 pita bread	پی تِ برِد	۳۳ نان تافتون
34 cake	کِیک	۳۴ کیک
Baking Products	**بِیکینگ پراداکتس**	**مواد اولیه پخت نان وکیک**
35 flour	فلَوِ(ر)	۳۵ آرد
36 sugar	شُگِ(ر)	۳۶ شکر
37 cake mix	کِیک میکس	۳۷ مخلوط پخت کیک







8 Food Supplies
ملزومات غذائی



A: Excuse me. Where can I find napkins?
-اِکسکیوز می. وِ(ر) کَن آی فایند نَپکینز؟
-ببخشید. کجا می تونم دستمال سفره پیدا کنم؟

B: Napkins? Look in Aisle 4.
-نَپکینز؟ لُک این آیل فُ(ر).
-دستمال سفره؟ تو راهرو شماره ۴ بگردین.

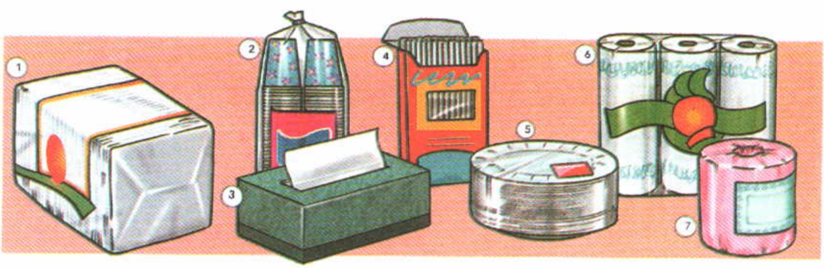
A: We forgot to get tissues!
-وی فُ(ر)گات تو گِت تی شیوز!
-ما فراموش کردیم دستمال کاغذی بگیریم!

B: I'll get them. Where are they?
-آیل گِت ذِم. وِ(ر) آ(ر) ذِی؟
-من می گیرم. اونا هستند؟

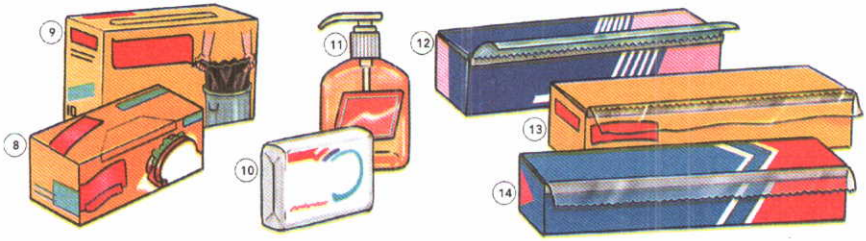
A: They're in Aisle 6.
-ذِ(ر) این آیل سِکس.
-اونا تو راهرو شماره ۶ هستند.

واژگان

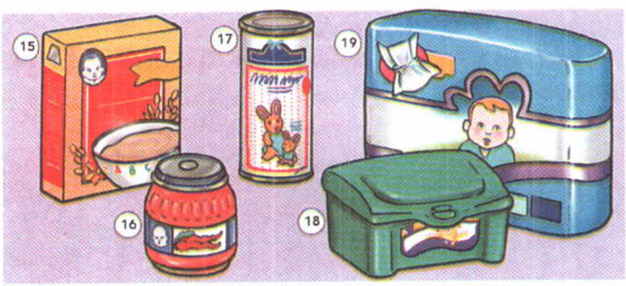
	Paper Products	پیپِ(ر) پراداکتس	محصولات کاغذی	
1	napkins	نَپ کینز	دستمال سفره	۱
2	paper cups	پیپِ(ر) کاپس	لیوان کاغذی	۲
3	tissues	تی شیوز	دستمال کاغذی	۳
4	straws	ستراز	نی	۴
5	paper plates	پیپِ(ر) پلیتس	بشقاب کاغذی	۵
6	paper towels	پیپِ(ر) تاوِلز	حوله کاغذی	۶
7	toilet paper	تُیلِت پیپِ(ر)	دستمال توالت	۷



	Household Items	هوس هُولد آیتِمز	لوازم آشپزخانه	
8	sandwich bags	سَنویچ بَگز	کیسه ساندویچ	۸
9	trash bags	ترَش بَگز	کیسه زباله	۹
10	soap	سُوپ	صابون	۱۰
11	liquid soap	لی کواد سُوپ	صابون مایع	۱۱
12	aluminum foil	اِلومِنِم فُویل	فویل آلمینیومی	۱۲
13	plastic wrap	پلَستِک رَپ	محافظ پلاستیکی	۱۳
14	waxed paper	وَکست پیپ(ر)	کاغذ روغنی	۱۴



	Baby Products	بِیبی پراداکتس	محصولات ویژه نوزاد	
15	baby cereal	بِیبی سی ریل	کورن فلکس نوزاد	۱۵
16	baby food	بِیبی فود	غذای نوزاد	۱۶
17	formula	فُ(ر)میولِ	غذای مایع کودک متشکل از شیر گاو یا پروتئین سویا	۱۷
18	wipes	وایپس	دستمال ویژه تمیز کردن	۱۸
19	(disposable) diapers	(دیس پُوزِبُل) دایپِ(ر)ز	پوشک بچه	۱۹



8 The Supermarket

سوپرمارکت



A: This is a gigantic supermarket!

-ذِس اِز اِ جای‌گَن تِک سوپ(ر)ماکیت!

-این یک سوپرمارکت خیلی بزرگی است!

B: It is! Look at all the produce!

-اِت اِز! لُک اَت آل ذِ پرُودیوس!

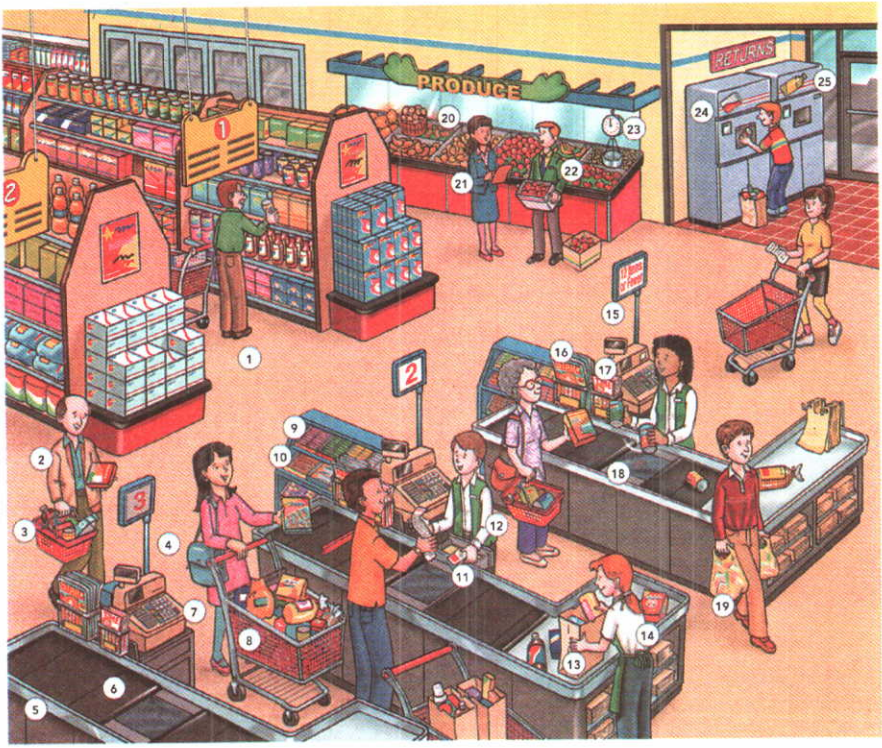
-درسته! به این همه محصولات کشاورزی نگاه کن!

واژگان

1	aisle	آیل	۱ راهرو
2	shopper/customer	شاپ(ر)/ کاستِم(ر)	۲ خریدار/ مشتری
3	shopping basket	شاپینگ بَسکیت	۳ سبد خرید
4	checkout line	چک آوت لاین	۴ لاین تسویه حساب
5	checkout counter	چک آوت کَونت(ر)	۵ پیشخوان تسویه حساب
6	conveyor belt	کِنوِی(ر) بلت	۶ نوار نقاله
7	cash register	کَش رِجیستِ(ر)	۷ صندوق
8	shopping cart	شاپینگ کا(ر)ت	۸ چرخ خرید
9	(chewing) gum	(چوئینگ) گام	۹ آدامس
10	candy	کَندی	۱۰ آب نبات
11	coupons	کوپانز	۱۱ کوپُن
12	cashier	کَشیِ(ر)	۱۲ صندوقدار
13	paper bag	پیپِ(ر) بَگ	۱۳ کیسه کاغذی
14	bagger/packer	بَگِ(ر)/ پَکِ(ر)	۱۴ مسئول بسته بندی
15	express checkout (line)	ایکسپرِس چک آوت(لاین)	۱۵ لاین تسویه حساب فوری
16	tabloid (newspaper)	تَبلُوید (نوزپیپِ)	۱۶ روزنامه
17	magazine	مَگزین	۱۷ مجله
18	scanner	سکَنِ(ر)	۱۸ اسکنر
19	plastic bag	پلَستِک بَگ	۱۹ کیسه پلاستیکی
20	produce	پرُودیوس	۲۰ محصولات کشاورزی
21	manager	مَنِج(ر)	۲۱ مدیر
22	clerk	کلِ(ر)ک	۲۲ کارمند
23	scale	سکِیل	۲۳ ترازو

سوپرمارکت

24 can-return machine کَن-ریتِ(ر)ن مِشین ۲۴ دستگاه خودکار نوشابه قوطی
25 bottle-return machine باتِل-ریتِ(ر)ن مِشین ۲۵ دستگاه خودکار نوشابه بطری



8 Containers and Quantities
ظرف ها و مقادیر





A: Please get a bag of flour. -پلیز گِت اِ بَگ آو فلَو(ر). -لطفا یک پاکت آرد بخر.

B: A bag of flour? Okay. -اِ بَگ آو فلَو(ر)؟ اُکِی. -یک پاکت آرد؟ باشه.

A: Please get two bottles of ketchup.
-پلیز گِت تو باتِلز آو کِچاپ. -لطفا دو بطری کِچاپ بخر.

B: Two bottles of ketchup? Okay. تو باتِلز آو کِچاپ؟ اُکِی. -دو بطری کِچاپ؟ باشه.

A: What did you get? -وات دید یو گِت؟ -چی خریدی؟

B: I got two cans of fruit and four loaves of bread.
آی گات تو کَنز آو فروت اَند فُ(ر) لُوز آو برِد. -من دو قوطی کمپوت میوه و چهار بسته نان خریدم.

A: Is this the express checkout line?
-اِز دِس ذی اِکسپرِس چِک اَوت لاین؟ -آیا این صف تسویه حساب فوری است؟

B: Yes, it is. Do you have more than eight items?
-یِس، اِت اِز. دو یو هَو مُ(ر) ذَن اِیت آیتِمز؟ -بله، هست. آیا شما بیشتر از هشت قلم دارید؟

A: No. I only have two boxes of cereal and three bunches of bananas. -نُو. آی اُونلی هَو تو باکسیزآو سی ریِلز اَند ثِری بانچیز آو بِنَنِز.
-نه. من فقط دو جعبه کورن فلکس و سه خوشه موز دارم.

واژگان

1	bag	بَگ	۱	کیسه- پاکت
2	bottle	باتِل	۲	بطری
3	box	باکس	۳	بسته- جعبه
4	bunch	بانچ	۴	خوشه- دسته
5	can	کَن	۵	قوطی
6	carton	کا(ر)تِن	۶	کارتن
7	container	کِن تِین(ر)	۷	ظرف
8	dozen*	دازِن	۸	دوجین
9	head	هِد	۹	کله
10	jar	جا(ر)	۱۰	شیشه
11	loaf-loaves	لُوف- لُوز	۱۱	بسته (قرص)- بسته ها (قرص ها)

* "a dozen eggs, "NOT" a dozen of eggs"

ظرف ها و مقادیر

12 pack	پَک	۱۲ بسته (مقوائی یا کاغذی)
13 package	پَکِج	۱۳ بسته (متشکل از چند چیز)
14 roll	رُول	۱۴ رُل- حلقه
15 six-pack	سِکس-پَک	۱۵ (بسته) شش تائی
16 stick	ستِک	۱۶ بسته مستطیلی دراز
17 tube	تیوب	۱۷ لوله- تیوب
18 pint	پاینت	۱۸ پاینت= حدود نیم لیتر
19 quart	کوآت	۱۹ کوارت =حدود ۱ لیتر
20 half-gallon	هَف-گَلِن	۲۰ نصف گالن
21 gallon	گَلِن	۲۱ گالن= حدود۳/۷۹ لیتر
22 liter	لیتِ(ر)	۲۲ لیتر
23 pound	پَوند	۲۳ پاوند یا پَوند= حدود نیم کیلو



8 Units of Measure
واحدهای اندازه گیری





A: How much water should I put in?
-هاو ماچ واتِ(ر) شُد آی پُت این؟
-چقدر آب باید توش بریزم؟

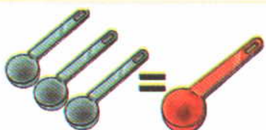
B: The recipe says to add one cup of water.
-ذِ رِسِپی سِز تو اَد وان کاپ آو واتِ(ر).
-دستور طبخ غذا میگه یک فنجان آب اضافه کنیم.

A: This fruit punch is delicious! What's in it?
-ذِس فروت پانچ اِز دیلیشِس! واتس این اِت؟
-این آب میوه مخلوط خوشمزه است! توش چی داره؟

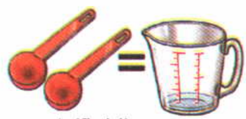
B: Two ounces of apple juice, three cups of orange juice, and a pint of grape juice.
-تو اونسیز آو اَپِل جوس، ثری کاپس آو آرینج جوس، اَند اِ پاینت آو گریپ جوس.
-دو اُنس آب سیب، سه فنجان آب پرتقال، و یک پاینت آب انگور.



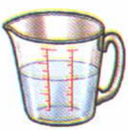
teaspoon
tsp.



tablespoon
Tbsp.



1 (fluid) ounce
1 fl. oz.



cup
c. 8 fl. ozs.



pint
pt. 16 fl. ozs.



quart
qt. 32 fl. ozs.



gallon
gal. 128 fl. ozs.

واژگان

1	teaspoon	تی سپون	۱ قاشق چایخوری (برابر با یک سوم قاشق غذا خوری)
2	tablespoon	تِیبُل سپون	۲ قاشق غذا خوری (برابر نیم اُنس)
3	fluid	فلود	۳ مایع
4	ounce	اونس	۴ اُنس=۲۸ گرم یا یک شانزدهم پاوند
5	cup	کاپ	۵ فنجان=۸ اُنس
6	pint	پاینت	۶ پاینت=۱۶ اُنس
7	quart	کوات	۷ کوارت=۳۲ اُنس
8	gallon	گَلِن	۸ گالن=۱۲۸ اُنس

8 واحدهای اندازه گیری





A: How much roast beef would you like?

-هاو ماچ رُوست بیف وُد یو لایک؟

-چقدر گوشت کبابی می خواهید؟

B: I'd like half a pound, please.

-آید لایک هَف اِ پَوند، پلیز.

-نیم کیلو، لطفا.

A: Anything else?

-اِنیثینگ اِلس؟

-فرمایش دیگه؟

B: Yes. Please give me three quarters of Swiss cheese.

-یِس. پلیز گِوْ می ثری کوآتِز آو سواِس چیز.

-بله. لطفا سه ربع پوند پنیر سویسی بدین.

A: This chili tastes very good! What did you put in it?

-ذِس چِلی تِیستس وِری گُد! وات دید یو پُت این اِت؟

-این خوراک لوبیا خیلی خوشمزه است. توش چی رَیختی؟

B: A quarter of a pound of ground beef,

-اِکوآتِ(ر) آو اِ پَوند آو گرَوند بیف،

-یک چهارم پوند گوشت چرخ کرده،

a pound of beans,

اِ پَوند آو بینز،

یک پوند لوبیا،

half a pound of tomatoes,

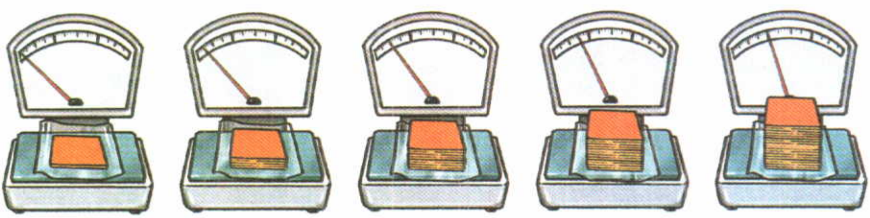
هَف اِ پَوند آو تِمِیتُوز،

نیم کیلو گوجه فرنگی،

and an ounce of chili powder.

اَند اَن اَونس آو چِلی پَودِ(ر).

و یک اونس پودر فلفل.



an ounce	a quarter of a pound	half a pound	three-quarters of a pound	a pound
	1/4 lb.	½ lb.	3/4 lb.	lb.
oz.	4 ozs.	8 ozs.	12 ozs.	16 ozs.

8 Food Preparation and Recipes
تهیه و دستور طبخ غذا



A: Can I help you?
-کَن آی هِلپ یو؟
-می تونم کمکت کنم؟

B: Yes. please cut up the vegetables.
-یِس. پلیز کات آپ ذِ وِجتِبُلز.
-بله. لطفا سبزی ها را خرد کن.

A: What are you doing?
-وات آ(ر) یو دوئینگ؟
-داری چه کار می کنی؟

B: I'm slicing the bread.
-آیم سلایسینگ ذِ برِد.
-دارم نان را برش می زنم.

A: How long should I boil the potatoes?
-هاو لانگ شُد آی بُیل ذِ پِتِیتُوز؟
-باید چه مدتی سیب زمینی ها را آب پز کنم؟

B: Boil the potatoes for ten minutes.
- بُیل ذِ پِتِیتُوز فُ(ر) تِن مِنِتس.
-سیب زمینی ها را به مدت ده دقیقه آب پز کن.

واژگان

1	cut (up)	کات (آپ)	۱ خرد کردن (حلقه ای)
2	chop (up)	چاپ (آپ)	۲ ریز کردن (نگینی)
3	slice	سلایس	۳ برش زدن
4	grate	گِریت	۴ رنده کردن
5	peel	پیل	۵ پوست کردن











6	break	برِیک	۶ شکستن
7	beat	بیت	۷ هم زدن
8	stir	ستِ(ر)	۸ به ملایمت هم زدن
9	pour	پُ(ر)	۹ ریختن
10	add	اَد	۱۰ اضافه کردن







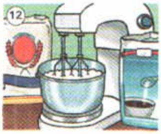




8 تهیه و دستور طبخ غذا

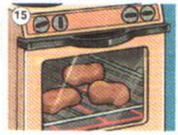
11 combine... and...	کِم باین... اَند...	۱۱ ... را با ... ترکیب کردن
12 mix... and...	میکس... اَند...	۱۲ ... را با ... مخلوط کردن
13 put... in...	پُت... این...	۱۳ ... را در ... قرار دادن
14 cook	کُک	۱۴ پختن
15 bake	بِیک	۱۵ تنوری کردن











16 boil	بُویل	۱۶ آب پز کردن
17 broil	برُیل	۱۷ بریان کردن
18 steam	ستیم	۱۸ بخار پز کردن
19 fry	فرای	۱۹ سرخ کردن
20 saute	سُتِی	۲۰ تفت دادن











21 simmer	سیمِ(ر)	۲۱ نیم پز کردن
22 roast	رُوست	۲۲ بریان کردن
23 barbecue/ grill	با(ر)بِکیو/ گرِل	۲۳ کباب کردن
24 stir-fry	ستِ(ر)-فرای	۲۴ با دمای زیاد سرخ کردن
25 microwave	مایکرُوِیو	۲۵ در مایکروویو پختن











8

Kitchen Utensils and Cookware

ظروف آشپزخانه و آشپزی



A: Could I possibly borrow your ice cream scoop?

-میشه در صورت امکان ملاقه بستنی تونو قرض بگیرم؟ -کُد آی پاسِبُلی بارُو یُ آیس کُریم سْکوپ؟

B: Sure. I'll be happy to lend you mine.

-حتما. من خوشحال می شم مال خودم را به شما قرض بدم. -شُ(ر). آیل بی هَپی تو لِند یو ماین.

A: What are you looking for? -داری دنبال چی می گردی؟

-وات آ(ر) یو لُکینگ فُ(ر)؟

B: I can't find the can opener.

-آی کَنت فایند ذ کَن اُوپِن(ر). -من نمی تونم در قوطی باز کن را پیدا کنم.

A: Look in that drawer.

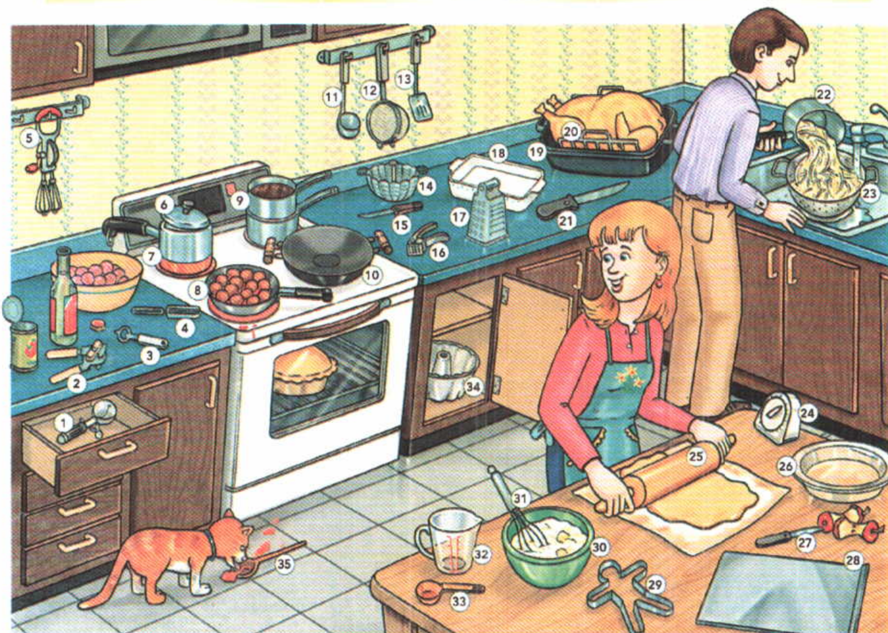
-لُک این ذَت دراوِ(ر). -توی اون کشو رو نگاه کن.

واژگان

1	ice cream scoop	آیس کریم سکوپ	۱ ملاقه بستنی
2	can opener	کَن اُوپِن	۲ در قوطی بازکن
3	bottle opener	باتُل اُوپِن	۳ در بطری بازکن
4	(vegetable) peeler	(وِجتِبُل) پیلِ	۴ پوست کن
5	(egg) beater	(اِگ) بیتِ	۵ همزن (تخم مرغ)
6	pot	پات	۶ دیگ
7	lid/cover/top	لِد/ کاوِ/ تاپ	۷ درپوش
8	frying pan/skillet	فرائینگ پَن/ سکلِت	۸ تابه
9	double boiler	دابُل بُویلِ	۹ دیگ دو مخزنه
10	wok	واک	۱۰ تابه چینی (واگ)
11	ladle	لِی دُل	۱۱ ملاقه
12	strainer	سترِینِ	۱۲ صافی
13	spatula	سپَچِلِ	۱۳ کفگیر
14	steamer	ستیمِ	۱۴ بخارپز
15	knife	نایف	۱۵ چاقو
16	garlic press	گالیک پرِس	۱۶ سیر له کن

ظروف آشپزخانه و آشپزی

17	grater	گریتِ	۱۷ رنده
18	casserole dish	کَسِرُل دِش	۱۸ ظرف پیرکس
19	roasting pan	رُوستینگ پَن	۱۹ تابه مخصوص بریان کردن
20	roasting rack	رُوستینگ رَک	۲۰ دسته تابه مخصوص بریان کردن
21	carving knife	کاوینگ نایف	۲۱ چاقوی گوشت بری
22	saucepan	سُوسپَن	۲۲ تاوه گود
23	colander	کالِندِ	۲۳ آبکش
24	kitchen timer	کِچِن تایمِ	۲۴ تایمر آشپزخانه
25	rolling pin	رُولینگ پِن	۲۵ وردنه
26	pie plate	پای پِلیت	۲۶ ظرف پای
27	paring knife	پرینگ نایف	۲۷ کارد میوه خوری
28	cookie sheet	کُکی شیت	۲۸ سینی مخصوص کلوچه سازی
29	cookie cutter	کُکی کاتِ	۲۹ قالب کلوچه
30	(mixing) bowl	(میکسینگ) بُول	۳۰ کاسه (مخلوط کن)
31	whisk	وِسک	۳۱ همزن دستی
32	measuring cup	مِژرینگ کاپ	۳۲ لیوان پیمانه
33	measuring spoon	مِژرینگ سپون	۳۳ قاشق پیمانه
34	cake pan	کِیک پَن	۳۴ قالب کیک
35	wooden spoon	وُدِن سپون	۳۵ قاشق چوبی



8 Fast Food
فست فود



A: May I help you? -می آی هِلپ یو؟ -می تونم کمک تون کنم؟
B: Yes. I'd like a cheeseburger. -یِس. آید لایک اِ چیزبرگر. -بله. من یه چیزبرگر می خوام.
A: What else? -وات اِلس؟ -دیگه چی؟
B: An order of taco. -اَن اُدِ آو تاکُو. -یک پُرس تاکو.

A: What would you like to eat? -وات وُد یو لایک تو ایت؟ -چی میل داری بخوری؟
B: A hamburger with lettuce and tomato. -اِ هَمبِگِ ویذ لِتِس اَند تِمیتُو. -یک همبرگر با کاهو و گوجه.
A: How about something to drink? -هاو اِبوت سام ثینگ تو درِنک؟ -نوشابه چی؟
B: A Coke, please. -اِ کُوک، پلیز. -یک کوکا، لطفا.
A: That sounds good. I think I'll have the same. -ذَت سَوندز گُد. آی ثینک آیل هَو ذِ سِیم. -خوبه. فکر می کنم من هم همینو بخورم.



Do you like fast food restaurants?
دو یو لایک فَست فود رِست رانتس؟
-تو از رستوران های فست فود خوشت می آد؟

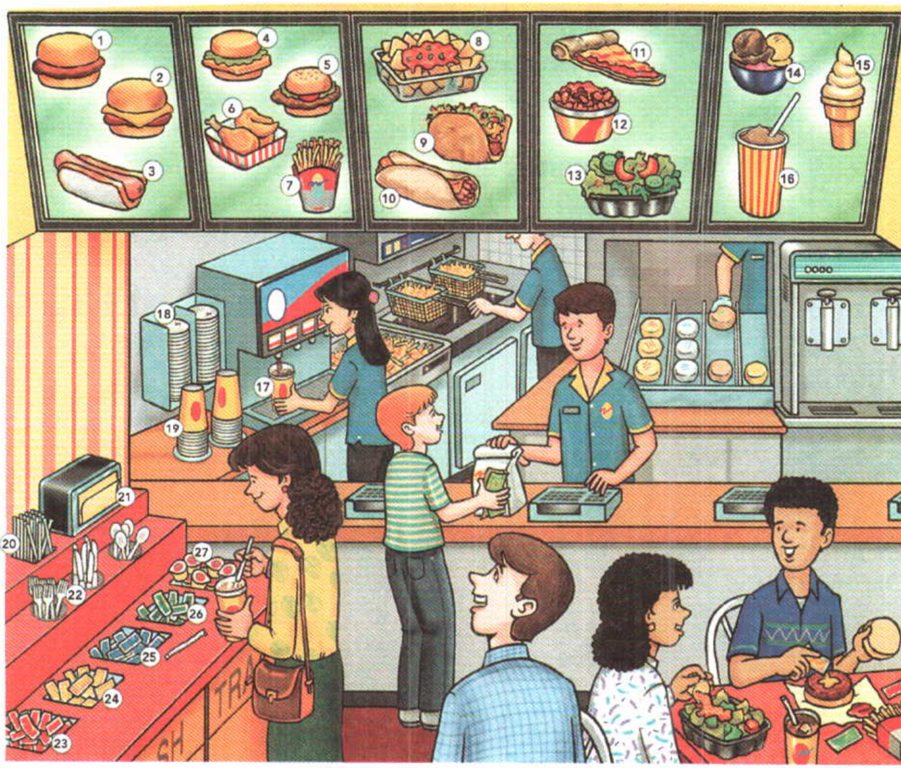
Which ones? وِچ وانز؟ کدامشان؟
How often? هاو آفِن؟ هر چند وقت؟
What do you order? وات دو یو اُدِ(ر)؟ چی سفارش می دین؟

واژگان

1	hamburger	هَمبِگِ	۱ همبرگر
2	cheeseburger	چیزبِگِ	۲ چیزبرگر
3	hot dog	هات داگ	۳ هات داگ
4	fish sandwich	فِش سَنوِچ	۴ ساندویچ ماهی
5	chicken sandwich	چِکِن سَنوِچ	۵ ساندویچ مرغ
6	fried chicken	فراید چِکِن	۶ مرغ سرخ شده
7	french fries	فرِنچ فرایز	۷ سیب زمینی سرخ کرده
8	nachos	ناچُوز	۸ ناچو (تورتیا با پنیر)
9	taco	تاکُو	۹ تاکو (تورتیا با گوشت یا لوبیا)
10	burrito	بُریتُو	۱۰ بریتو (ساندویچ تورتیا)
11	slice of pizza	سلایس آو پیتزا	۱۱ برش پیتزا
12	bowl of chili	بُول آو چیلی	۱۲ کاسه لوبیا
13	salad	سَلِد	۱۳ سالاد
14	ice cream	آیس کریم	۱۴ بستنی

فست فود

15 frozen yogurt	فرُوزِن یُگِت	۱۵ ماست یخی
16 milkshake	مِلک شِیک	۱۶ بستنی مایع
17 soda	سُودا	۱۷ سودا
18 lids	لِدز	۱۸ در پوش ها
19 paper cups	پِیپِر کاپس	۱۹ لیوان کاغذی
20 straws	ستراز	۲۰ نی
21 napkins	نَپکِنز	۲۱ دستمال سفره
22 plastic utensils	پلَستِک یوتِن سِلز	۲۲ ظروف پلاستیکی
23 ketchup	کِچاپ	۲۳ کچاپ
24 mustard	ماستِد	۲۴ خردل
25 mayonnaise	مِیانِیز	۲۵ مایونز
26 relish	ریلیش	۲۶ چاشنی
27 salad dressing	سَلِد درِسینگ	۲۷ سس سالاد



8 The Coffee Shop & Sandwiches

کافی شاپ و انواع ساندویچ





A: May I help you? -مِی آی هِلپ یو؟ | -می تونم کمکتون کنم؟

B: Yes. I'd like a bun. -یِس. آید لایک اِ بان. | -بله. من یک کیک کوچک می خوام.

A: What else? -وات اِلس؟ | -دیگه چی؟

B: An order of sausages, please.
-اَن اُدِ آو ساسی جِز، پلیز. | -یک پرس سوسیس، لطفا.

A: Anything to drink? -اِنیثینگ تو درِنک؟ | -چیزی برای نوشیدن؟

B: Yes. I'll have a small/ medium-size/ large/ extra-large coffee.
-یِس. آیل هَو اِ سمال/ میدیِم-سایز/ لاج/ اِکسترا-لاج کافی.
-بله. من یک قهوه کوچک/ متوسط/ بزرگ/ خیلی بزرگ می خوام.

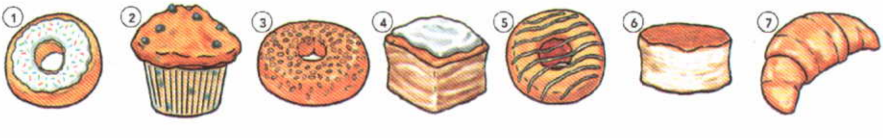
A: I'd like a tuna fish sandwich on white bread, please.
-آید لایک اِ تونِ فِش سَنوچ آن وایت برِد، پلیز. | -من ساندویچ ماهی تُن با نان سفید می خوام، لطفا.

B: What do you want on it?
-وات دو یو وانت آن اِت؟ | -برای روی آن چی می خواهید؟

A: Lettuce/ tomato/ mayonnaise/ mustard/...
-لِتِس/ تِمیتو/ میاِنیز/ ماستِد/... | -کاهو/ گوجه/ مایونز/ خردل/...

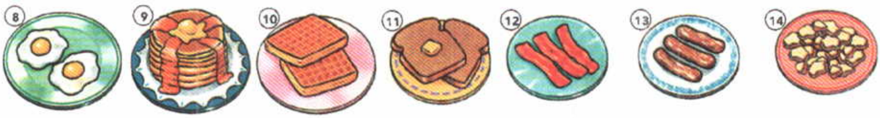
واژگان

1	donut	دُونات	نان شیرینی حلقوی	۱
2	muffin	مافِن	کیک کوچولو	۲
3	bagel	بیگُل	نان حلقوی	۳
4	bun	بان	کیک کوچک	۴
5	danish/ pastry	دِی نیش/ پِی ستری	شیرینی دانمارکی	۵
6	biscuit	بِسکِت	بیسکویت	۶
7	croissant	کروسانت	نان هلالی	۷

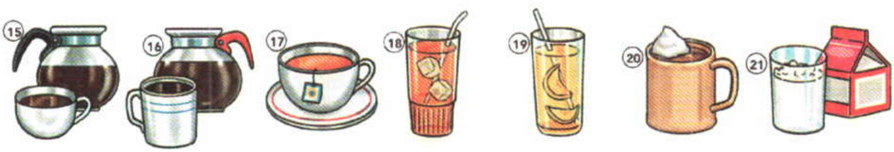


کافی شاپ و انواع ساندویچ

8	eggs	اِگز	۸ تخم مرغ
9	pancakes	پَن کِیکس	۹ پَنکِیک
10	waffles	وافِلز	۱۰ وافل
11	toast	تُوست	۱۱ نان توست
12	bacon	بیکِن	۱۲ گوشت به صورت نوار
13	sausages	ساسی جِز	۱۳ سوسیس
14	home fries	هُوم فرایز	۱۴ سیب زمینی سرخ کرده خانگی



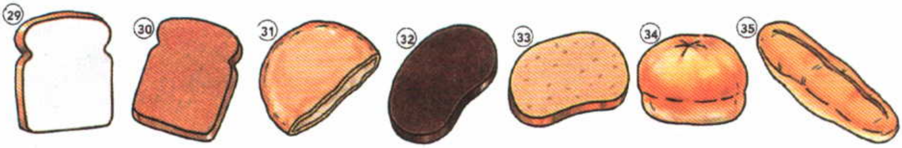
15	coffee	کافی	۱۵ قهوه
16	decaf coffee	دیکَف کافی	۱۶ قهوه بدون کافئین
17	tea	تی	۱۷ چای
18	iced tea	آیست تی	۱۸ چای با یخ
19	lemonade	لِمِنید	۱۹ لیموناد
20	hot chocolate	هات چاکلِت	۲۰ شکلات مایع
21	milk	مِلک	۲۱ شیر



22	tuna fish sandwich	تونِ فِش سَنوِچ	۲۲ ساندویچ ماهی تون
23	egg salad sandwich	اِگ سَلِد سَنوِچ	۲۳ ساندویچ سالاد تخم مرغ
24	chicken salad sandwich	چِکِن سَلِد سَنوِچ	۲۴ ساندویچ سالاد مرغ
25	ham and cheese sandwich	هَم أند چیز سَنوِچ	۲۵ ساندویچ ژامبون و پنیر
26	corned beef sandwich	کُو(ر)ند بیف سَنوِچ	۲۶ ساندویچ گوشت گاو نمک سود
27	BLT/bacon, lettuce, and tomato sandwich	بی اِل تی/ بیکِن، لِتِس، أند تِمیتو سَنوِچ	۲۷ ساندویچ گوشت، کاهو، وگوجه فرنگی
28	roast beef sandwich	رُوست بیف سَنوِچ	۲۸ ساندویچ گوشت بریان



29	white bread	وایت برِد	۲۹ نان سفید
30	whole wheat bread	هُول ویت برِد	۳۰ نان گندم خالص
31	pita bread	پیتِ برِد	۳۱ نان پیتا
32	pumpernickel	پامپِ نِکِل	۳۲ نان سیاه چاودار
33	rye bread	رای برِد	۳۳ نان چاودار
34	a roll	اِ رُول	۳۴ نان گرد
35	a submarine roll	اِ سابمِرین رُول	۳۵ نان ساندویچی معمولی

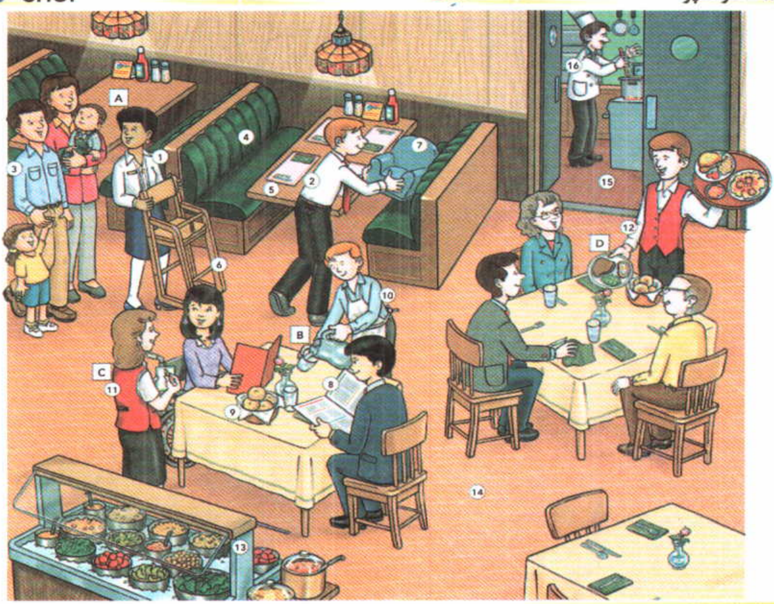


Restaurant

8 رستوران

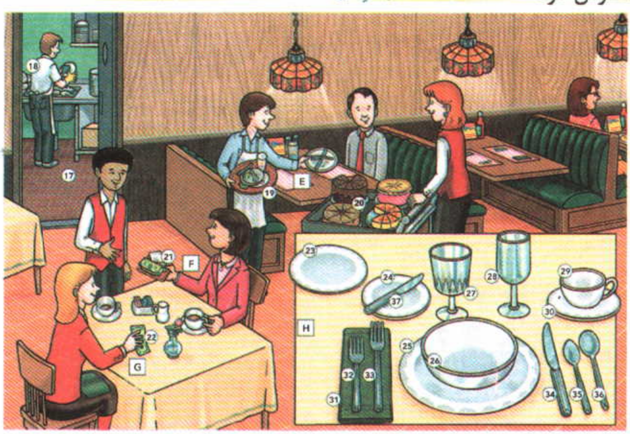
واژگان

A	seat the customers	سیت ذِ کاستِمِز	راهنمائی کردن مشتری ها	A
B	pour the water	پ(ر) ذِ واتِ	سرو کردن آب آشامیدنی	B
C	take the order	تِیک ذی اُدِ	سفارش گرفتن	C
D	serve the meal	س(ر)و ذِ میل	سرو کردن غذا	D
1	hostess	هُوس تِس	میزبان (زن)	۱
2	host	هُوست	میزبان (مرد)	۲
3	diner/patron/customer	داینِ/ پیترِن/ کاستِمِ	دعوت شده/ دعوت کننده/ مشتری	۳
4	booth	بوث	غرفه	۴
5	table	تِیبُل	میز	۵
6	high chair	های چِ(ر)	صندلی بلند(مخصوص کودکان)	۶
7	booster seat	بوستِ سیت	صندلی کمکی(مخصوص نوزادان)	۷
8	menu	مِن یو	لیست غذا- منو	۸
9	bread basket	برِد بَسکیت	سبد نان	۹
10	busperson	باس پِ(ر)سِن	کمک گارسون	۱۰
11	waitress/server	وِیترِس/ سِروِ	گارسون (زن)	۱۱
12	waiter/server	وِیتِ/ سِروِ	گارسون (مرد)	۱۲
13	salad bar	سَلِد با(ر)	میز اوردور	۱۳
14	dining room	داینینگ روم	سالن غذاخوری	۱۴
15	kitchen	کِچِن	آشپزخانه	۱۵
16	chef	شِف	سرآشپز	۱۶



رستوران

E	clear the table	کلی(ر) دِ تیبُل	E تمیز کردن میز
F	pay the check	پی دِ چک	F پرداخت صورتحساب
G	leave a tip	لیو اِ تپ	G انعام گذاشتن
H	set the table	سِت دِ تیبُل	H چیدن میز
17	dishroom	دِشروم	۱۷ ظرفشوئی
18	dishwasher	دِشواشِ	۱۸ کارگر ظرفشوئی
19	tray	تری	۱۹ سینی
20	dessert cart	دیزِت کا(ر)ت	۲۰ چرخ دسر
21	check	چک	۲۱ صورتحساب
22	tip	تِپ	۲۲ انعام
23	salad plate	سَلِد پلیت	۲۳ بشقاب سالاد
24	bread-and-butter plate	برِد-اَند-باتِ پلیت	۲۴ بشقاب نان و کره
25	dinner plate	دِنِ پلیت	۲۵ بشقاب غذا خوری
26	soup bowl	سوپ بُول	۲۶ سوپ خوری
27	water glass	واتِ گلَس	۲۷ لیوان آبخوری
28	juice glass	جوس گلَس	۲۸ لیوان آب میوه خوری
29	cup	کاپ	۲۹ فنجان
30	saucer	سَسِ	۳۰ نعلبکی
31	napkin	نَپکِن	۳۱ دستمال سفره
	Silverware	**سِلوِ(ر) وِ**	**ظروف سیلور**
32	salad fork	سَلِد فُ(ر)ک	۳۲ چنگال سالادخوری
33	dinner fork	دِنِ فُ(ر)ک	۳۳ چنگال غذاخوری
34	knife	نایف	۳۴ کارد
35	teaspoon	تی سپون	۳۵ قاشق چایخوری
36	soup spoon	سوپ سپون	۳۶ قاشق سوپخوری
37	butter knife	باتِ نایف	۳۷ کارد مخصوص کره



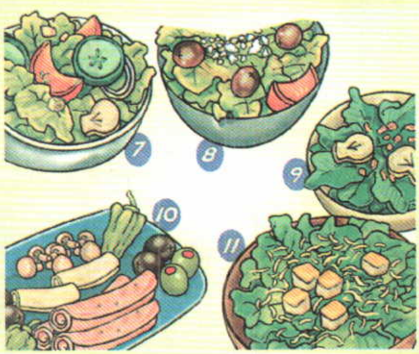
A Restaurant Menu
منوی یک رستوران

1. Appetizers ۱. پیش غذاها



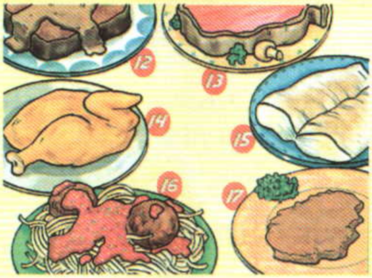
1	fruit cup/ fruit cocktail	فروت کاپ/ فروت کاکتِیل	ظرف میوه/ مخلوط میوه	۱
2	tomato juice	تِمیتُو جوس	آب گوجه فرنگی	۲
3	shrimp cocktail	شریمپ کاکتِیل	مخلوط میگو	۳
4	chicken wings	چِکِن وینگز	بال مرغ	۴
5	nachos	ناچُوز	نوعی تورتیا	۵
6	potato skins	پِتِیتُو سکِنز	سیب زمینی با پوست	۶

2. Salads ۲. سالادها



7	tossed salad/ garden salad	تاست سَلِد/ گادِن سَلِد	سالاد مخلوط	۷
8	Greek salad	گریک سَلِد	سالاد یونانی	۸
9	spinach salad	سپِنِچ سَلِد	سالاد اسفناج	۹
10	antipasto (plate)	آنتی پاستُو (پلِیت)	سالاد ایتالیائی	۱۰
11	Caesar salad	سیزِ سَلِد	سالاد سزار	۱۱

3. Entrees — ۳. غذا های اصلی



12	meatloaf	میت لُوف	۱۲ کتلت گوشت چرخ کرده
13	roast beef/ prime rib	رُوست بیف/ پرایم رِب	۱۳ رُوست بیف
14	baked chicken	بِیکد چِکِن	۱۴ مرغ تنوری
15	broiled fish	برُویلد فِش	۱۵ ماهی کبابی
16	spaghetti and meatballs	سپِگتی أند میت بالز	۱۶ اسپاگتی با گوشت قلقلی
17	veal cutlet	ویل کاتلت	۱۷ کتلت گوشت گوساله

4. Side Dishes, Desserts — ٤. غذاهای جانبی، دسرها

Side Dishes



Desserts

18	a baked potato	اِ بِیکت پِتِیتُو	۱۸ سیب زمینی تنوری
19	mashed potatoes	مَشد پِتِیتُوز	۱۹ پوره سیب زمینی
20	french fries	فرِنچ فرایز	۲۰ سیب زمینی سرخ کرده
21	rice	رایس	۲۱ برنج
22	noodles	نودلز	۲۲ رشته
23	mixed vegetables	مِکست وِجتِبلز	۲۳ سبزیجات مخلوط
24	chocolate cake	چاکلِت کِیک	۲۴ کیک شکلاتی
25	apple pie	أپل پای	۲۵ پای سیب
26	ice cream	آیس کریم	۲۶ بستنی
27	jello	جِلو	۲۷ ژله
28	pudding	پودینگ	۲۸ پودینگ
29	ice cream sundae	آیس کریم ساندِی	۲۹ مخلوط بستنی، میوه و مغزها

At the Restaurant
در رستوران

8

1. Going to a restaurant
۱. رفتن به یک رستوران

Can you suggest a good restaurant/ a cheap restaurant?
کَن یو سِجِست اِ گُد رِستُورانت/ اِ چیپ رِستُورانت؟
میشه یک رستوران خوب/ یک رستوران ارزان پیشنهاد کنید؟

I'd like to book a table for four at 1 o'clock.
آید لایک تو بُک اِ تِیبُل فُ(ر) فُ(ر) اَت وان اِکلاک.
من مایلم یک میز چهار نفره برای ساعت ۱ رزرو کنم.

I've reserved a table; my name is...
آیو ریزِود اِ تِیبُل؛ مای نِیم اِز...
من یک میز رزرو کرده ام؛ اسم من ... است.

Have you a table for three?
هَو یو اِ تِیبُل فُ(ر) ثری؟
برای سه نفر میز دارید؟

Is there a table free on the terrace?
اِز دِ(ر) اِ تِیبُل فری آن دِ تِرِس؟
آیا در تراس میز خالی دارید؟

This way, please. دِس وِی، پلیز.
این طرف ،لطفا.

We shall have a table free in half an hour.
وی شَل هَو اِ تِیبُل فری این هَف اَن اَوِ.
تا نیم ساعت دیگر یک میز خالی خواهیم داشت.

We don't serve lunch until 12.30.
وی دُونت سِ(ر)و لانچ آنتِل تولو ثِ(ر)تی.
تا ساعت ۱۲:۳۰ ناهار سرو نمی کنیم.

We don't serve dinner until 8 o'clock.
وی دُونت سِ(ر)و دِنِ آنتِل اِیت اِکلاک.
تا ساعت ۸ شام سرو نمی کنیم.

We stop serving at 11o'clock.
وی سْتاپ سِ(ر)وینگ اَت ایلِوِن اِکْلاک.
در ساعت ۱۱ سرویس را متوقف می کنیم.

Where is the cloakroom? وِ(ر) اِز دِ کلُوک روم؟
رختکن کجاست؟

It is downstairs. اِت اِز دَون سْتِ(ر)ز
در طبقه پائین است.

We are in a hurry. وی آ(ر) این اِ هاری.
ما عجله داریم.

Do you serve snacks? دو یو سِ(ر)و سْنَکس؟
غذای سرپائی سرو می کنید؟

That was a good meal, thank you.
ذَت واز اِ گُد میل، ثَنک یو.
غذای خوبی بود، متشکرم.

2. Ordering
۲. سفارش غذا

Service charge سِ(ر)وِس چاج
هزینه سرویس

I want to see the head waiter.
آی وانت تو سی دِ هِد وِیتِ(ر).
من می خواهم سر گارسون را ببینم.

May I see the menu, please?
مِی آی سی دِ مِنیو، پلیز؟
میشه منوی غذا را ببینم، لطفا؟

Is there a set menu for lunch?
اِز دِ اِ سِت مِنیو فُ(ر) لانچ؟
آیا برای ناهار منوی ثابت دارید؟

8 در رستوران

What do you recommend? وات دو یو رِکِ مِند؟ چی پیشنهاد می کنید؟

Can you tell me what this is? کَن یو تِل می وات دِس اِز؟ میشه به من بگین این چیه؟

What is the speciality of the restaurant/of the region?
وات اِز دِ سپشالِتی آو دِ رستُورانت/ آو دِ ریجِن؟ غذای ویژه رستوران / منطقه چیست؟

Would you like to try...? وُد یو لایک تو ترای...؟ میل دارید ... را امتحان کنید؟

There's no more . . . دِز نُو مُ(ر)... ... دیگر نیست.

May I have fried instead of boiled potatoes?
مِی آی هَو فراید اینستِد آو بُیلد پِتِیتُوز؟
میشه به جای سیب زمینی آب پز سیب زمینی سرخ کرده داشته باشم؟

Is it hot or cold? اِز اِت هات اُ(ر) کُولد؟ این گرمه یا سرده؟

This isn't what I ordered, I want...
دِس اِزنت وات آی اُدِد، آی وانت ... این اون غذائی نیست که من سفارش دادم، من ... می خوام.

I don't want any oil/sauce with it.
آی دُونت وانت اِنی اُیل/ سُوس ویذ اِت. من با این غذا روغن/ سس نمی خواهم.

Some more bread, please. سام مُ(ر) بِرِد، پلیز. مقدار بیشتری نان ، لطفا.

A little more, please. اِ لِتّل مُ(ر)، پلیز. یک کم بیشتر، لطفا.

This is bad/uncooked/stale/tough.
دِس اِز بَد/ آنکُکت/ ستِیل/ تاف. این غذا بد/ نپخته/ مانده/ سفت است.

3. Drinks ۳. نوشیدنی ها

What will you have to drink? وات ویل یو هَف تو درِنک؟ چی می نوشید؟

A bottle of mineral water, please.
اِ باتّل آو مِنِرال واتِ، پلیز. یک بطری آب معدنی، لطفا.

Two cups of coffee, please. تو کاپس آو کافی، پلیز. دو فنجان قهوه، لطفا.

I'd like another glass of water, please.
آید لایک اِناذِ گلَس آو واتِ، پلیز. من یک لیوان دیگه آب می خوام، لطفا.

The same again, please. دِ سِیم اِگِن، پلیز. دوباره همان، لطفا.

Three black coffees. ثری بلَک کافیز. سه تا قهوه سیاه.

4. Paying ٤. پرداخت

The bill, please. دِ بِل، پلیز. صورتحساب، لطفا.

Does it include service? داز اِت این کلود سِ(ر)وِس؟ آیا این شامل سرویس میشه؟

Please check the bill- I don't think it's correct.
پلیز چِک دِ بِل-آی دُونت ثِنک اِتس کِرِکت.
لطفا صورتحساب را چک کنید- من فکر نمی کنم این درست باشه.

I didn't have soup. آی دیدنت هَو سوپ. من سوپ نداشتم.

I had chicken, not steak. آی هَد چِکِن، نات ستِیک. من مرغ داشتم، نه استیک.

May we have separate bills?
مِی وی هَو سِپرِت بِلز؟ میشه صورتحساب جداگانه به ما بدین؟

5. Breakfast ۵. صبحانه

What time is breakfast served?
وات تایم اِز برِکفِست سِ(ر)ود؟
صبحانه چه ساعتی سرو میشه؟

A large white coffee, please. اِ لاج وایت کافی، پلیز.
یک قهوه بزرگ سفید، لطفا.

A black coffee. اِ بلَک کافی.
یک قهوه سیاه.

A cup of tea, please. اِ کاپ آو تی، پلیز.
یک فنجان چای، لطفا.

I'd like tea with milk/lemon.
آید لایک تی ویذ مِلک/ لِمِن.
من چای با شیر/ لیمو می خوام.

May we have some sugar?
مِی وی هَو سام شُگِ؟
میشه مقداری شکر به ما بدین؟

A roll/toast and butter. اِ رُول/ تُوست أند باتِ.
یک نان گرد/ برشته و کره.

More butter, please. مُ(ر) باتِ، پلیز.
کره بیشتر، لطفا.

Have you some jam/marmalade?
هَو یو سام جَم/ مامِلِید؟
آیا مربا/ مارمالاد دارید؟

I would like a hard-boiled egg/ soft-boiled egg.
آی وُد لایک اِ هاد-بُویلد اِگ/ سافت-بُویلد اِگ.
من تخم مرغ آب پز/تخم مرغ عسلی می خوام.

What fruit juices have you?
وات فروت جوسیز هَو یو؟
چه جور آب میوه هائی دارید؟

6. Ordering dinner ٦. سفارش شام

A: May I take your order?
مِی آی تِیک یُ(ر) أُد؟
-میشه سفارش تونو بگیرم؟

B: Yes, please. For the appetizer, I'd like chicken wings.
-یِس، پلیز. فُ(ر) ذی أپی تایزِ(ر)، آید لایک چِکِن وِنگز.
-بله، لطفا. برای پیش غذا، من بال مرغ می خوام.

A: And what kind of salad would you like?
-أند وات کایند آو سَلِد وُد یو لایک؟
-و چه جور سالادی میل دارید؟

B: I'll have the Greek salad.
-آیل هَو ذ گریک سَلِد.
-من سالاد یونانی می خورم.

A: And for the main course?
-أند فُ(ر) ذ مِین کُ(ر)س؟
-و برای غذای اصلی؟

B: I'd like the baked chicken, please.
-آید لایک ذ بِیکت چِکِن، پلیز.
-من مرغ بریان می خوام، لطفا.

A: What side dish would you like with that?
-وات ساید دِش وُد یو لایک ویذ ذَت؟
-با اون چه غذای جانبی میل دارید؟

B: Hmm. I think I'll have french fries.
-م م. آی ثِنک آیل هَو فرِنچ فرایز.
-هوم. فکر می کنم سیب زمینی سرخ کرده بخورم.

A: Would you care for some dessert?

-وُد یو کِ(ر) فُ(ر) سام دیزِت؟ -آیا دسر میل دارید؟

B: Yes. I'll have an ice cream.

-یِس. آیل هَو اَن آیس کریم. -بله. من یک بستنی می خورم.

order	اُد	سفارش دادن
take order	تِیک اُد	سفارش گرفتن
appetite	اَپی تایت	اشتها
appetizer	اَپی تایزِ(ر)	مزه- پیش غذا
chicken	چِکِن	مرغ- جوجه
wing	وینگ	بال
kind	کایند	نوع
Greek	گریک	یونانی
main course	مِین کُ(ر)س	غذای اصلی
baked	بیکت	تنوری- پخته
dish	دِش	غذا- ظرف
side dish	ساید دِش	غذای جانبی
french fries	فرِنچ فرایز	سیب زمینی سرخ کرده
care	کِ(ر)	میل داشتن- توجه کردن
ice cream	آیس کریم	بستنی

7. Ordering a sandwich ۷. سفارش ساندویچ

A: "Welcome to McDonald's. May I take your order?"

-وِلکِم تو مِک دانِلدز. مِی آی تِیک یُ اُد؟ -به مک دونالد خوش اومدین. میشه سفارش تونو بگیرم؟

B: "I'll take the number one."

-آیل تِیک دِ نامبِ وان. -من شماره یک را می خوام.

A: "What size would you like?"

-وات سایز وُد یو لایک؟ -چه اندازه ای را می خواهید؟

B: "Medium, please."

-میدیِم، پلیز. -متوسط، لطفا.

A: "Will that be for here or to go?"

-ویل دَت بی فُ هی یِ اُ(ر) تو گُو؟ -اونو اینجا می خورید یا می برید؟

B: "Here, please."

-هی یِ، پلیز. -همین جا می خورم، لطفا.

A: "The total comes to $4.89. We'll have that right out for you."

-دِ تُوتال کامز تو فُ دالِز اِیتی ناین سِنتس. ویل هَو دَت رایت اَوت فُ یو.

-جمعا میشه چهار دلار و هشتاد و نه سنت. الساعه برای شما آماده اش می کنیم.

9

Colors
رنگ ها



A: I like your red shirt.
You look very good in red.
-آی لایک یُ(ر) رِد شِ(ر)ت. یو لُک وِری گُد این رِد.
-من از پیراهن قرمزت خوشم می آد.
رنگ قرمز خیلی بهت می آد.

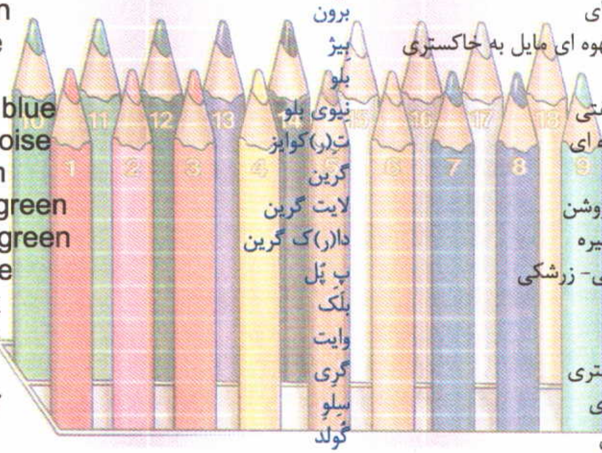
B: Thank you. Red is my favorite color.
-ثَنک یو. رِد اِز مای فِیوِرِت کالِ.
-متشکرم. قرمز رنگ مورد علاقه منه.

A: My TV is broken.
-مای تی وی اِز بْرُوکِن.
-تلویزیونم خراب شده.

B: What's the matter with it?
-واتس ذِ مَتِ ویذ اِت؟
-اون چه اشکالی داره؟

A: People's faces are green, the sky is black and the grass is gray!
-پیپُلز فِیسیز آ گْرین، ذِ سْکای اِز بْلَک آند ذِ گْرَس اِز گْرِی!
-چهره اشخاص سبزه، آسمون سیاهه و علف خاکستریه!

واژگان



1	red	رِد	قرمز	۱
2	pink	پِنک	صورتی	۲
3	orange	آرینج	نارنجی	۳
4	yellow	یِلُو	زرد	۴
5	brown	برون	قهوه ای	۵
6	beige	بِیژ	بژ- قهوه ای مایل به خاکستری	۶
7	blue	بلو	آبی	۷
8	navy blue	نِیوی بلو	آبی نفتی	۸
9	turquoise	تِ(ر)کوایز	فیروزه ای	۹
10	green	گرین	سبز	۱۰
11	light green	لایت گرین	سبز روشن	۱۱
12	dark green	دا(ر)ک گرین	سبز تیره	۱۲
13	purple	پِ پِّل	ارغوانی- زرشکی	۱۳
14	black	بلَک	سیاه	۱۴
15	white	وایت	سفید	۱۵
16	gray	گرِی	خاکستری	۱۶
17	silver	سِلوِ	نقره ای	۱۷
18	gold	گُولد	طلائی	۱۸

10 Clothing
پوشاک

Clothes
لباس ها



A: I think I'll wear my new blouse today.
-آی ثِنک آیل وِ(ر) مای نیو بلَوس تِدِی.
-فکر می کنم امروز بلوز جدیدم را بپوشم.
B: Good idea! -گُد آیدیِ!
-فکر خوبیه!

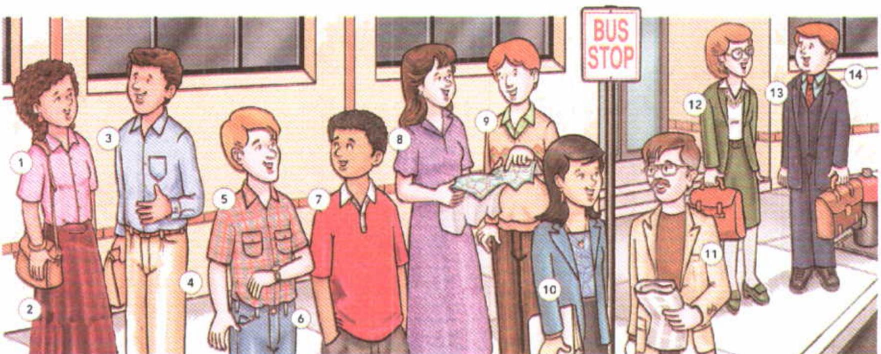
A: I really like your dress.
-آی ری اِلی لایک یُ(ر) دِرِس.
-من واقعا از پیراهنت خوشم میاد.
B: Thank you. -ثَنک یو.
-متشکرم.
A: Where did you get it from?
-وِ(ر) دید یو گِت اِت فْرام؟
-اینو از کجا خریدی؟
B: At Macy's.
-اَت مِی سیز.
-از فروشگاه میسی.
A: Oh, no! I just ripped my shirt!
-اُو، نُو! آی جاست رِپت مای شِ(ر)ت!
-آه، نه! پیراهنم همین حالا پاره شد!
B: What a shame!
-وات اِ شیم!
-چه بد شد!

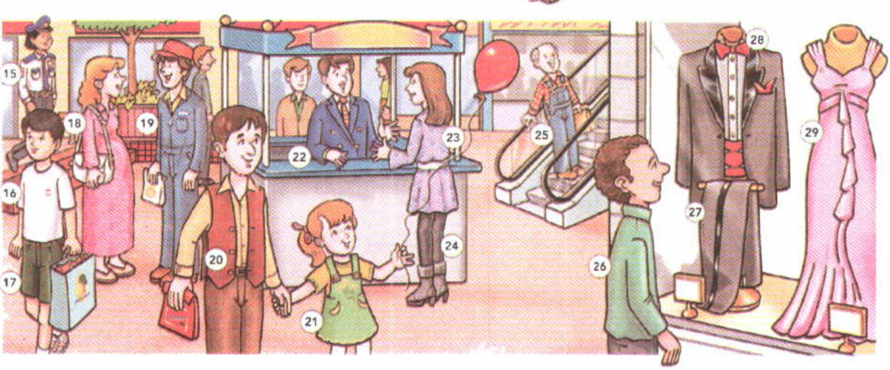
واژگان

1	blouse	بلَوس- بلَوز	۱ بلوز
2	skirt	سکِت	۲ دامن
3	shirt	شِت	۳ پیراهن مردانه
4	pants/ slacks	پَنتس/ سلَکس	۴ شلوار
5	sport shirt	س پُت شِت	۵ پیراهن اسپورت
6	jeans	جینز	۶ لباس جین
7	knit shirt/ jersey	نِت شِت/ جِسی	۷ پیراهن کشباف
8	dress	درِس	۸ پیراهن زنانه
9	sweater	سوِا ترِ	۹ سوئیتر
10	jacket	جَکیت	۱۰ کت
11	sport coat /sport jacket /jacket	سپُت کُوت/ سپُت جَکیت/ جَکیت	۱۱ کت اسپورت
12	suit	سوت	۱۲ کت و دامن- کت و شلوار
13	three-piece suit	تری-پیس سوت	۱۳ لباس سه تیکه
14	tie/necktie	تای/ نِکتای	۱۴ کراوات
15	uniform	یونیفُم	۱۵ لباس فرم
16	T-shirt	تی-شِت	۱۶ تی شرت

پوشاک

17 shorts	شُتس	۱۷ شلوارک
18 maternity dress	مَتِ(ر)نِتی دْرِس	۱۸ لباس حاملگی
19 jumpsuit	جامپ سوت	۱۹ لباس کار یکسره
20 vest	وِست	۲۰ جلیقه
21 jumper	جامپِ	۲۱ سارافون
22 blazer	بلیزِ	۲۲ کت رسمی
23 tunic	تونیک	۲۳ تونیک
24 leggings	لِگینگز	۲۴ شلوار استرچ
25 overalls	اُورالز	۲۵ شلوار پیش بندی
26 turtleneck	تِ(ر)تُل نِک	۲۶ پیراهن یقه برگردان
27 tuxedo	تاکسیدُو	۲۷ فراک- کت رسمی مردانه
28 bow tie	بُو تای	۲۸ پاپیون
29 (evening) gown	(ایونینگ) گَون	۲۹ لباس(شب)





10

Outerwear
پوشاک مخصوص فضای باز



A: What's the weather like today?
-واتس ذ وِذِ لایک تِدِی؟
-امروز هوا چطوره؟
B: It's cool/ cold/ raining/ snowing.
-اتس کول/ کُولد/ رِینینگ/ سنُوینگ.
-هوا خنکه/ سرده/ بارونیه/ برفیه.
A: I think I'll wear my overcoat.
-آی ثِنک آیل وِ(ر) مای اُوِکُوت.
-فکر می کنم پالتو بپوشم.

A: May I help you? -می آی هِلپ یو؟
-میشه کمکتون کنم؟
B: Yes, please. I'm looking for a cap.
-یِس، پلیز. آیم لُکینگ فُ(ر) اِ کَپ.
-بله، لطفا. من دارم دنبال یک کلاه می گردم.
A: Is it snowing? -از اِت سنُوئینگ؟
-داره برف میاد؟
B: Yes. Let's wear warm clothes.
-یِس. لِتس وِ(ر) وا(ر)م کلُوذز.
-بله. بیا لباس گرم بپوشیم.

واژگان

1	coat	کُوت	کت	۱
2	overcoat	اُوِکُوت	پالتو	۲
3	hat	هَت	کلاه	۳
4	jacket	جَکیت	گرمکن	۴
5	scarf/ muffler	سکاف/ مافلِ	شال گردن	۵
6	sweater jacket	سواتِ جَکیت	ژاکت گرم	۶
7	tights	تایتس	جوراب شلواری	۷
8	cap	کَپ	کلاه کپی	۸
9	leather jacket	لِذِ جَکیت	کت چرمی	۹
10	baseball cap	بیسبال کَپ	کلاه بیس بال	۱۰
11	windbreaker	ویندبریکِ	بادگیر	۱۱
12	raincoat	رین کُوت	بارانی	۱۲
13	rain hat	رین هَت	کلاهِ باران	۱۳
14	trench coat	ترنچ کُوت	بارانی کمربند دار مردانه	۱۴
15	umbrella	آمبرلِ	چتر	۱۵
16	poncho	پانچُو	پانچو	۱۶
17	rain jacket	رین جَکیت	کت بارانی	۱۷
18	rain boots	رین بوتس	چکمه بارانی	۱۸

پوشاک مخصوص فضای باز

19 ski hat	سکی هَت	۱۹ کلاه اسکی
20 ski jacket	سکی جَکیت	۲۰ گرمکن اسکی
21 gloves	گلاوز	۲۱ دستکش
22 ski mask	سکی مَسک	۲۲ ماسک اسکی
23 down jacket	دَون جَکیت	۲۳ کاپشن پرِ قو
24 mittens	می تِنز	۲۴ دستکس یک انگشتی
25 parka	پارکِ	۲۵ کاپشن کلاهدار (پارکا)
26 sunglasses	سان گلَ سیز	۲۶ عینک آفتابی
27 ear muffs	ئی یِ مافس	۲۷ گوش گرمکن
28 down vest	دَون وِست	۲۸ جلیقه پرِ قو



10

Sleepwear & Underwear

لباس خواب و لباس زیر



A: I can't find my new socks.
-آی کَنت فایند مای نیو ساکس.
-من نمی تونم جورابهای جدیدم را پیدا کنم.

B: Did you look in the dresser?
-دید یو لُک این ذِ درِس(ر)؟
-توی میز توالت را نگاه کردی؟

A: Yes, I did. -یِس، آی دید.
-بله، نگاه کردم.

B: Then they're probably in the wash.
-ذِن ذِ(ر) پرابِبلی این ذِ واش.
-در این صورت احتمالا توی لباسشوئین.

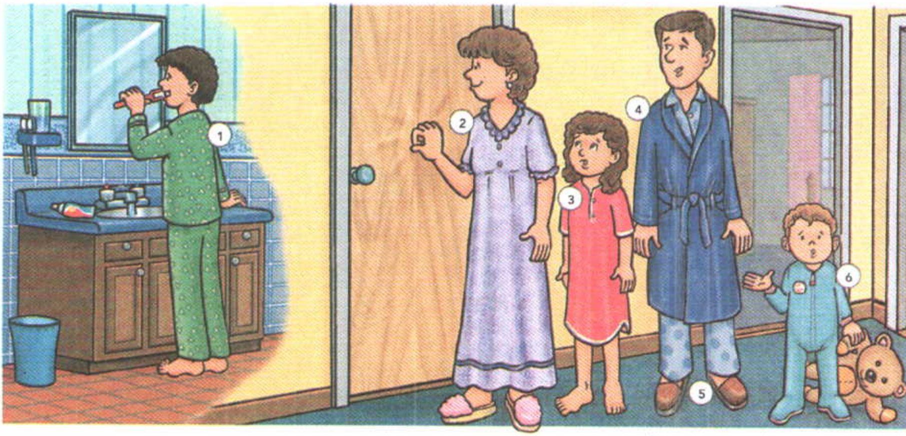
dresser	درِسِ	میز توالت
bureau	بیورو	دراور
closet	کلازیت	کمد
probably	پرابِبلی	احتمالا

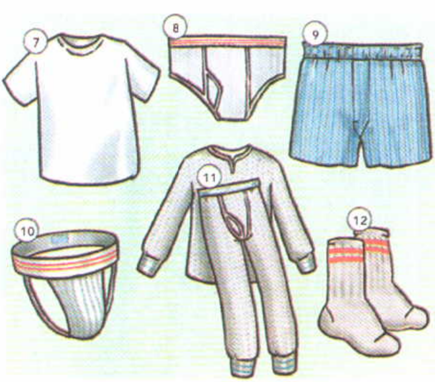
واژگان

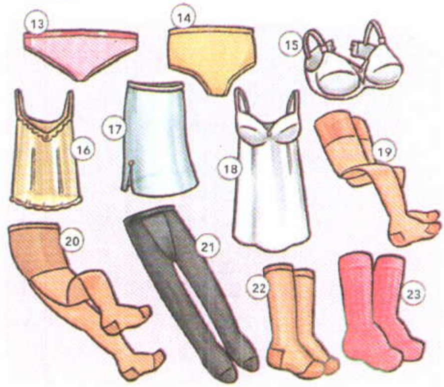
1	pajamas	پجامِز	۱	پیژاما
2	nightgown	نایت گُون	۲	لباس خواب
3	nightshirt	نایت شِت	۳	پیراهن خواب
4	bathrobe/ robe	بَثرُوب/ رُوب	۴	حوله حمام
5	slippers	سلِپِز	۵	دمپائی
6	blanket sleeper	بلَنکیت سلیپِ	۶	لباس خواب یکسره
7	undershirt/ T- shirt	آندِ شِت/ تی شِت	۷	تی شرت زیر
8	(jockey) shorts/ underpants/ briefs	(جاکی) شُتس/ آندِپَنتس/ بریفس	۸	زیر شلواری/ شورت مردانه
9	boxer shorts/ boxers	باکسِ شُتس/ باکسِز	۹	شورت بوکسوری
10	athletic supporter/ jockstrap	اَثلِتیک سِپُتِ/ جاکستَرَپ	۱۰	ساپورت ورزشکاران مرد
11	long underwear/ long johns	لانگ آندِ وِ/ لانگ جانز	۱۱	بلوز و شلوار زیر بلند
12	socks	ساکس	۱۲	جوراب (مردانه)
13	(bikini) panties	(بیکینی) پَنتیز	۱۳	شورت زنانه
14	briefs/ underpants	بریفس/ آندِپَنتس	۱۴	شورت معمولی
15	bra	برا	۱۵	سوتین

لباس خواب و لباس زیر

16 camisole	کَمی سُول	۱۶ زیر پیراهن
17 (full) slip	(فُل) سلِپ	۱۷ زیر دامنی
18 half slip	هَف سلِپ	۱۸ زیر پوش
19 stockings	ستاکینگز	۱۹ جوراب ساق بلند
20 pantyhose	پَنتی هُوز	۲۰ جوراب شلواری
21 tights	تایتس	۲۱ شلوار استرچ
22 knee socks	نی ساکس	۲۲ جوراب زیر زانو
23 knee-highs	نی-هایز	۲۳ جوراب سه ربع







10

Exercise Clothing & Footwear

پوشاک ورزشی و انواع کفش ها



A: Excuse me. I found this sweatshirt in the dryer. Is it yours?
اِکس کیوز می. آی فَوند دِس سوِات شِت این دِ درایِ. اِز اِت یُز؟
-ببخشید. من این گرمکن را در خشک کن پیدا کردم. مال شماست؟

B: Yes. It's mine. Thank you.
-یِس. اِتس ماین. ثَنک یو.
-بله. مال منه. متشکرم.



A: Are those new loafers?
-آ(ر) ذُوز نو لُوفِز؟
-اون لُوفرها جدیدند؟

B: Yes, they are. -یِس، ذِی آ(ر).
-بله، هستند.

A: They're very nice.
-ذِ(ر) وِری نایس.
-اونا خیلی قشنگند.

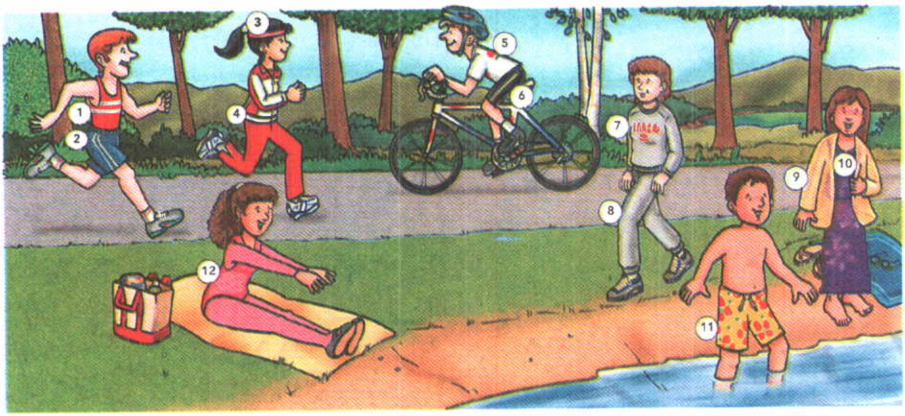
B: Thanks. -ثَنکس.
-متشکرم.

واژگان

1	tank top	تَنک تاپ	۱	تاپ ورزشی
2	running shorts	رانینگ شُ تس	۲	شلوارک دو
3	sweatband	سواِت بَند	۳	هد بند
4	jogging suit/ running suit/ warm-up suit	جاگینگ سوت/ رانینگ سوت/ وام-آپ سوت	۴	لباس ورزشی
5	T-shirt	تی-شِت	۵	تی شرت
6	lycra shorts/ bike shorts	لایکرا شُتس/ بایک شُتس	۶	شلوارک ورزشی چسبان
7	sweatshirt	سواِت شِت	۷	پیراهن گرمکن
8	sweatpants	سواِت پَنتس	۸	شلوار گرمکن
9	cover-up	کاوِ -آپ	۹	شنل
10	swimsuit/bathing suit	سویم سوت/ بیذینگ سوت	۱۰	مایو/ لباس شنا
11	swimming trunks/ swimsuit/ bathing suit	سویمینگ ترانکس/ سوِم سوت/ بیذینگ سوت	۱۱	مایو/ لباس شنا
12	leotard	لیتارد	۱۲	لباس ژیمناستیک
13	shoes	شوز	۱۳	کفش
14	(high) heels	(های) هیلز	۱۴	کفش پاشنه (بلند)
15	pumps	پامپس	۱۵	کفش زنانه بدون بند
16	loafers	لُوفِز	۱۶	کفش پاشنه تخت
17	sneakers/athletic shoes	سنیکِز/ أثلِتیک شوز	۱۷	کفش ورزشی
18	tennis shoes	تِنِس شوز	۱۸	کفش تنیس

۱۵ پوشاک ورزشی و انواع کفش ها

19 running shoes	رانینگ شوز	۱۹ کفش دو
20 high-tops/high-top sneakers	های-تاپس/ های-تاپ سنیکِز	۲۰ کفش ورزشی ساق بلند
21 sandals	سَندَلز	۲۱ صندل
22 thongs/ flip-flops	ثانگز/ فلِپ-فلاپس	۲۲ دمپائی انگشتی
23 boots	بوتس	۲۳ پوتین
24 work boots	وِ(ر)ک بوتس	۲۴ پوتین کار
25 hiking boots	هایکینگ بوتس	۲۵ پوتین کوهنوردی
26 cowboy boots	کَوبُوی بوتس	۲۶ پوتین ساق بلند
27 moccasins	مِکِ سِنز	۲۷ کفش راحتی





10

Jewelry & Accessories

جواهر آلات و ابزار یراق



A: Oh, no! I think I lost my ring!

-اُو، نُو! آی ثِنک آی لاست مای رینگ!

-آه، نه! من فکر می کنم حلقه ام را گم کردم!

B: I'll help you look for it.

-آیل هِلپ یو لُک فُ(ر) اِت.

-من کمکت می کنم دنبالش بگردیم.



(In a store)

(در فروشگاه)

A: Excuse me. Are these rings on sale this week?

-اِکسکیوز می. آ(ر) ذیز رینگز آن سِیل ذِس ویک؟

-ببخشید. آیا این انگشترها این هفته تو حراجی اند؟

B: Yes. They're half price.

-یِس. ذِ(ر) هَف پرایس.

-بله. آنها نصف قیمت اند.

(On the street)

(در خیابان)

A: Help! Police! Stop that man!

-هِلپ! پلیس! ستاپ ذَت مَن.

-کمک! پلیس! جلوی اون مرد را بگیرید!

B: What happened?! -وات هَپِند؟!

-چه اتفاقی افتاده؟ !

A: He just stole my chain!

هی جاست ستُول مای چین!

-اون همین حالا زنجیر منو دزدید!

واژگان

1 ring	رینگ	حلقه- انگشتر	۱
2 engagement ring	اینگیج مِنت رینگ	حلقه نامزدی	۲
3 wedding ring/wedding band	وِدینگ رینگ/ وِدینگ بَند	حلقه ازدواج	۳
4 earrings	ئی یِرینگز	گوشواره	۴
5 necklace	نِکلِس	گردنبند	۵
6 pearl necklace/pearls/ string of pearls	پِ(ر)ل نِکلِس/ پِ(ر)لز/ سترینگ آو پِ(ر)لز	گردنبند مروارید/ مروارید/ رشته مروارید	۶
7 chain	چین	زنجیر	۷
8 beads	بیدز	مهره	۸
9 pin/brooch	پین/ بروچ	سنجاق/ سنجاق سینه	۹
10 locket	لاکیت	قاب آویز	۱۰
11 bracelet	بریس لِت	دستبند- النگو	۱۱

جواهر آلات و ابزار یراق

12	barrette	بَرِت	۱۲ کلیپس- سنجاق سر
13	cuff links	کاف لینکس	۱۳ دکمه سر دست
14	suspenders	سِس پِندِز	۱۴ بند شلوار
15	watch/wrist watch	واچ/ رِستواچ	۱۵ ساعت/ ساعت مچی
16	handkerchief	هَنکِچیف	۱۶ دستمال
17	key ring/key chain	کی رینگ/ کی چین	۱۷ جا کلیدی
18	change purse	چینج پِ(ر)س	۱۸ کیف پول خرد
19	wallet	والیت	۱۹ کیف پول- کیف بغلی
20	belt	بِلت	۲۰ کمر بند
21	purse/handbag/ pocketbook	پِ(ر)س/ هَندبَگ/ پاکیتبُک	۲۱ کیف دستی
22	shoulder bag	شُولدِ بَگ	۲۲ کیف رو دوشی
23	tote bag	تُوت بَگ	۲۳ کیف دستی بزرگ
24	book bag	بُک بَگ	۲۴ کیف مدرسه
25	backpack	بَک پَک	۲۵ کوله
26	make-up bag	مِیک-آپ بَگ	۲۶ کیف لوازم آرایش
27	briefcase	بریفکِیس	۲۷ چمدان



10

Describing Clothing

توصیف لباس ها



A: May I help you?

-می آی هِلپ یو؟

-میشه کمکتون کنم؟

B: Yes, please. I'm looking for a shirt.

-یِس، پلیز. آیم لُکینگ فُ اِ شِت.

-بله، لطفا. من دارم دنبال یک پیراهن می گردم.

A: What kind? -وات کایند؟

-چه نوع پیراهنی؟

B: I'm looking for a long-sleeved shirt.

-آیم لُکینگ فُ اِ لانگ- سلیود شِت.

- من دارم دنبال یک پیراهن آستین بلند می گردم.



A: How do you like this striped tie/shirt/skirt?

-هاو دو یو لایک دِس استرایپد تای/ شِت/ سکِت؟

-نظرتان راجع به این کراوات/ پیراهن/ دامن راه راه چیه؟

B: Actually, I prefer that plaid one.

-اَکچوالی، آی پریفِ دَت پلید وان.

-در واقع، من اون چهار خونه را ترجیح می دم.



A: What size are you looking for?

-وات سایز آ یو لُکینگ فُ؟

-دنبال چه سایزی می گردید؟

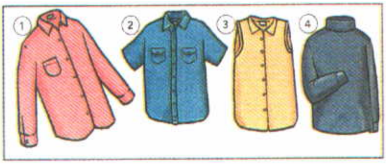
B: Medium. -میدیِم

-متوسط.

واژگان

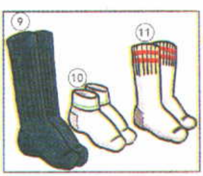
	Types of Clothing	تایپس آو کلُوذینگ	انواع پوشاک	
1	long-sleeved shirt	لانگ-سلیود شِت	پیراهن آستین بلند	۱
2	short-sleeved shirt	شُت-سلیود شِت	پیراهن آستین کوتاه	۲
3	sleeveless shirt	سلیولس شِت	پیراهن بی آستین	۳
4	turtleneck (shirt)	تِ تُل نِک (شِت)	پیراهن یقه برگردان	۴
5	V-neck sweater	وی-نِک سواتِ	پولور یقه هفت	۵
6	cardigan sweater	کاردیگِن سواتِ	ژاکت پشمی	۶
7	crewneck sweater	کرونِک سواتِ	پولور یقه ملوانی	۷
8	turtleneck sweater	تِتْلِنک سواتِ	پولور یقه برگردان	۸

توصیف لباس ها





9	knee-high socks	نی-های ساکس	۹ جوراب روی زانو
10	ankle socks	اَنکِل ساکس	۱۰ جوراب کوتاه
11	crew socks	کرو ساکس	۱۱ جوراب ملوانی
12	pierced earrings	پیِ سْت ئی یِرینگز	۱۲ گوشواره سوراخی
13	clip-on earrings	کلِپ-آن ئی یِرینگز	۱۳ گوشواره کلیپی
	Types of Material	**تایپس آو مِتیریال**	**انواع جنس**
14	corduroy pants	کُوردِروی پَنتس	۱۴ شلوار مخمل کبریتی
15	leather boots	لِذِ بوتس	۱۵ چکمه چرمی
16	nylon stockings	نایلِن ستاکینگز	۱۶ جوراب نایلونی
17	cotton T-shirt	کاتِن تی-شِت	۱۷ تی شرت نخی
18	denim jacket	دنیم جَکیت	۱۸ کت جین
19	flannel shirt	فلَنِل شِت	۱۹ پیراهن فلانل
20	polyester blouse	پالی اِستِ بلَوس	۲۰ بلوز پلی اِستر
21	linen dress	لِنِن درِس	۲۱ پیراهن کتان
22	silk scarf	سِلک سکاف	۲۲ روسری ابریشمی
23	wool sweater	وُل سواتِ	۲۳ پولور پشمی
24	straw hat	سترا هَت	۲۴ کلاه حصیری



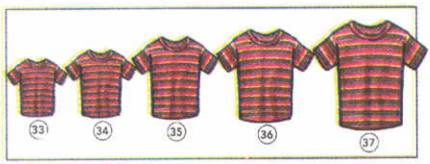




۱۰ توصیف لباس ها

	Patterns	**پَتِنز**	**طرح ها**	
25	striped	سترایپد	راه راه	۲۵
26	checked	چِکت	شطرنجی	۲۶
27	plaid	پلِید	چهارخانه	۲۷
28	polka-dotted	پُولکِ-داتید	خال خال	۲۸
29	patterned/ print	پَتِند/ پرِنت	طرح دار	۲۹
30	flowered/ floral	فلَوِد/ فلارِل	گلدار	۳۰
31	paisley	پیزلی	قلمکار	۳۱
32	solid blue	سالِد بلو	آبی یک دست	۳۲
	Sizes	**سایزیز**	**اندازه ها**	
33	extra-small	اِکسترا-سمال	خیلی کوچک	۳۳
34	small	سمال	کوچک	۳۴
35	medium	می دیِم	متوسط	۳۵
36	large	لاج	بزرگ	۳۶
37	extra-large	اِکسترا-لاج	خیلی بزرگ	۳۷





10

Clothing Problems & Alterations
اشکالات لباس و ترمیم



A: Are the sleeves too long?
-آیا آستین ها زیاد بلند هستند؟ -آ ذِ سلیوز تو لانگ؟
B: No. They're too short.
-نه. آنها خیلی کوتاه هستند. -نُو. ذِ(ر) تو شُت.

A: Are the buttons too fancy? -آیا دکمه ها خیلی فانتزی هستند؟ -آ ذِ باتِنز تو فَنسی؟
B: No. They're too plain. -نه. آنها خیلی ساده هستند. -نُو. ذِ(ر) تو پلِین.
A: Is the coat too heavy? -آیا کت خیلی سنگین است؟ -از ذِ کُوت تو هِوی؟
B: No. It's too light. -نه. اون خیلی سبک است. -نُو. اِتس تو لایت.



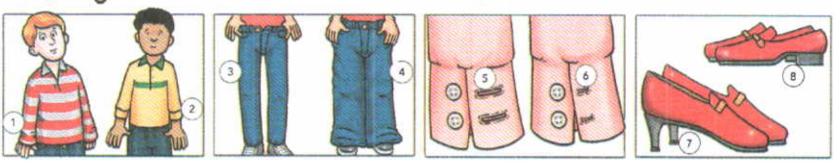
A: What's the matter with it?
-این چه اشکالی داره؟ -واتس ذِ مَتِ ویذ اِت؟
B: It has a stained collar.
-این یقه اش لکه داره. -اِت هَز اِ ستِیند کالِ.



A: Please shorten the skirt.
-لطفا دامن را کوتاه کنید. -پلیز شُتِن ذِ سکِت.
B: Shorten the skirt? Okay.
-دامن را کوتاه کنم؟ باشه. -شُتِن ذِ سکِت؟ اُکِی.

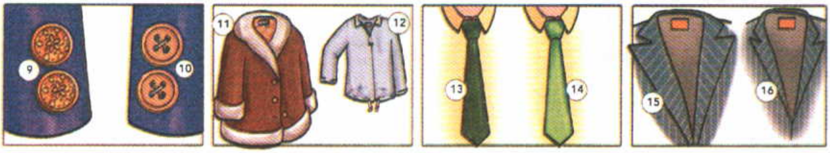
واژگان

1-2 long-short — لانگ-شُت — ۱-۲ بلند-کوتاه
3-4 tight-loose/baggy — تایت-لوس/بَگی — ۳-۴ تنگ-شل/گشاد
5-6 large/big-small — لاج/بیگ-سمال — ۵-۶ بزرگ/گنده-کوچک
7-8 high-low — های-لُو — ۷-۸ بلند-کوتاه

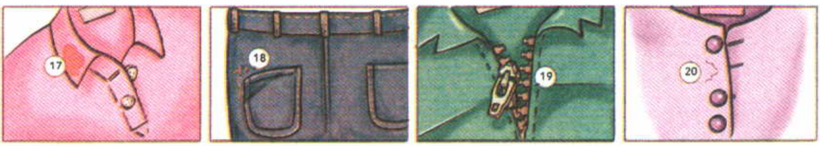


۱۰ اشکالات لباس و ترمیم

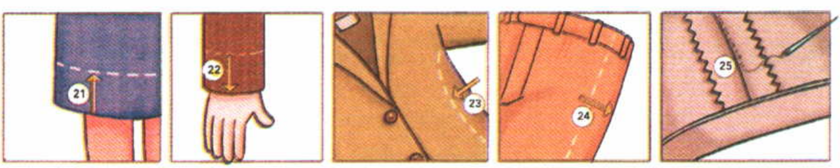
9-10 fancy-plain	فَنسی-پلِین	۹-۱۰	پر نقش ونگار-ساده
11-12 heavy-light	هِوی-لایت	۱۱-۱۲	سنگین-سبک
13-14 dark-light	داک-لایت	۱۳-۱۴	تیره-روشن
15-16 wide-narrow	واید-نَرُو	۱۵-۱۶	پهن-باریک



17 stained collar	ستِیند کالِ	۱۷	یقه لکه دار
18 ripped/torn pocket	رِپت/تُون پاکیت	۱۸	جیب در رفته/پاره
19 broken zipper	برُوکِن زِپِ	۱۹	زیپِ خراب
20 missing button	میسینگ باتِن	۲۰	دکمهِ افتاده



21 shorten the skirt	شُتِن ذِ سکِت	۲۱	کوتاه کردن دامن
22 lengthen the sleeves	لِنگثِن ذِ سلیوز	۲۲	بلند کردن آستین
23 take in the Jacket	تِیک این ذِ جَکیت	۲۳	تنگ کردن کت
24 let out the pants	لِت آوت ذِ پَنتس	۲۴	گشاد کردن شلوار
25 fix/repair the seam	فیکس/ ریپِ ذِ سیم	۲۵	دوختن درز



Laundry

لباسشوئی



A: What are you doing?

-داری چه کار می کنی؟ -وات آ یو دوئینگ؟

B: I'm folding the laundry.

-دارم لباس ها را تا می کنم. -آیم فُولدینگ ذِ لُندری.

A: Who does the laundry in your home?

-چه کسی کار لباسشوئی را در خانه شما انجام می دهد؟ -هو داز ذِ لُندری این یُ هُوم؟

B: My mother does the laundry.

-مادرم کار لباسشوئی را انجام می دهد. -مای ماذِ داز ذِ لُندری.



A: Excuse me. Do you sell irons?

-ببخشید. شما اتو می فروشید؟ -اکسکیوز می. دو یو سِل آیِنز؟

B: Yes. They're at the back of the store.

-بله. اونا پشت فروشگاه هستند. -یِس. ذِ(ر) اَت ذِ بَک آو ذِ سُتُ.

A: Thank you. - ثَنک یو.

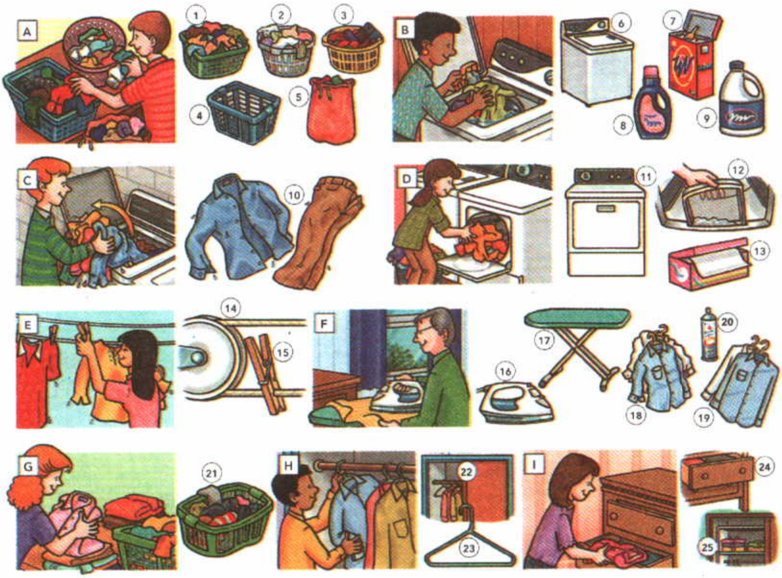
-متشکرم.

واژگان

A sort the laundry	سُت ذِ لُندری	جور کردن لباس های کثیف	A
B load the washer	لُود ذِ واشِ	بار کردن ماشین لباسشوئی	B
C unload the washer	آنلُود ذِ واشِ	خالی کردن ماشین لباسشوئی	C
D load the dryer	لُود ذِ درایِ	بار کردن خشک کن	D
E hang clothes on the clothesline	هَنگ کلُوز آن ذِ کلُوزلاین	آویزان کردن لباس ها روی طناب رخت	E
F iron	آیِن	اتو کردن	F
G fold the laundry	فُولد ذِ لُندری	تا کردن لباس های شسته شده	G
H hang up clothing	هَنگ آپ کلُوذینگ	آویزان کردن لباس ها	H
I put things away	پُت ثینگز اِوِی	جا بجا کردن چیزها	I
1 laundry	لُوندری	لباس های کثیف	۱
2 light clothing	لایت کلُوذینگ	لباس روشن	۲
3 dark clothing	داک کلُوذینگ	لباس تیره	۳
4 laundry basket	لُوندری بَسکیت	سبد لباس	۴

10 لباسشوئی

5	laundry bag	لُوندری بَگ	کیسه لباس	۵
6	washer/washing machine	واشِر/ واشینگ مِشین	ماشین لباسشوئی	۶
7	laundry detergent	لُوندری دیتِجِنت	پودر لباسشوئی	۷
8	fabric softener	فَبریک سافِنِر	نرم کننده لباس	۸
9	bleach	بلیچ	سفید کننده	۹
10	wet clothing	وِت کلُوذینگ	لباس خیس	۱۰
11	dryer	درایِر	خشک کن	۱۱
12	lint trap	لینت ترَپ	پرز گیر	۱۲
13	static cling remover	ستَتیک کلینگ ریمووِر	دفع کننده الکتریسیته ساکن	۱۳
14	clothesline	کلُوزلاین	طناب لباس	۱۴
15	clothespin	کلُوزپین	گیره لباس	۱۵
16	iron	آیِرن	اتو	۱۶
17	ironing board	آیِنینگ بُورد	میز اتو	۱۷
18	wrinkled clothing	رینکِلد کلُوذینگ	لباس های چروک	۱۸
19	ironed clothing	آیِند کلُوذینگ	لباس های اتو شده	۱۹
20	spray starch	سپرِی ستاچ	اسپری آهار	۲۰
21	clean clothing	کلین کلُوذینگ	لباس تمیز	۲۱
22	closet	کلازیت	کمد لباس	۲۲
23	hanger	هَنگِر	چوب لباس- آویز لباس	۲۳
24	drawer	دراوِر	کشوی لباس	۲۴
25	shelf-shelves	شِلف-شِلوِز	قفسه- قفسه ها	۲۵



Buying Clothes خرید لباس

1. In the shop ۱. در مغازه

self service	سِلف سِروِس	سلف سرویس
sale	سِیل	حراج
cash desk	کَش دِسک	صندوق
shop assistant	شاپ اِسیستِنت	کارمند فروش
manager	مَنیجِ	مدیر
Can I help you?	کِن آی هِلپ یو؟	می تونم کمکتون کنم؟
I want to buy . . .	آی وانت تو بای ...	من می خوام ... بخرم.
Do you sell . . . ?	دو یو سِل ...؟	آیا شما... می فروشید؟
I just want to look around.	آی جاست وانت تو لُک اِروند.	من فقط می خواهم یک نگاهی بیندازم.
I don't want to buy anything now.	آی دُونت وانت تو بای اِنیثینگ نَو.	من فعلا نمی خواهم چیزی بخرم.
You'll find them at that counter.	یول فایند دِم اَت دَت کَونت.	شما آنها را در آن پیشخوان خواهید یافت.
We've sold out but we'll have more tomorrow.	ویو سُولد آوت بات ویل هَو مُ(ر) تِمارُو.	اجناس ما تمام شده اند، اما فردا بیشتر می آوریم.
Will you take it with you?	ویل یو تِیک اِت ویذ یو؟	این را با خودتان می برید؟
Please send them to this address.	پلیز سِند دِم تو دِس اِدرِس.	لطفا آنها را به این آدرس بفرستید.

2. Choosing ۲. انتخاب کردن

What color do you want?	وات کالِ دو یو وانت؟	چه رنگی را می خواهید؟
I like this one.	آی لایک دِس وان.	من از این یکی خوشم می آد.
I prefer that one.	آی پریفِ ذَت وان.	من آن یکی را ترجیح می دهم.
I don't like this color.	آی دُونت لایک دِس کالِ.	من از این رنگ خوشم نمی آید.
Have you a green one?	هَو یو اِ گرین وان؟	رنگ سبزشو دارید؟
Do you have one in a different color?	دو یو هَو وان این اِ دِفرِنت کالِ؟	رنگ دیگر شو دارید؟
I'd like another.	آید لایک اِناذ.	من یکی دیگر را می خواهم.
What size?	وات سایز؟	چه سایزی؟
It's too big/tight.	اِتس تو بیگ/ تایت.	این خیلی بزرگه/ تنگه.
Have you a larger/ smaller one?	هَو یو اِ لاجِ/ سمالِ وان؟	آیا شما بزرگتر/ کوچکترشو دارید؟
What size is this?	وات سایز اِز دِس؟	این چه سایزیه؟

خرید لباس

I want size ...	آی وانت سایز...	من سایز ... را می خواهم.
The English/ American size	ذی اِنگلِش/ اِمریکِن سایز	سایز انگلیسی/ آمریکائی
My collar size is ...	مای کالِ سایز اِز...	اندازه یقه من... است.
My chest measurement is ...	مای چست مِژمِنت اِز...	اندازه دور سینه ام ... است.
My waist measurement is ...	مای ویست مِژمِنت اِز...	اندازه کمرم ... است.
What's it made of?	واتس اِت مِید آو؟	این از چی ساخته شده؟
For how long is it guaranteed?	فُ(ر) هاو لانگ اِز اِت گَرِنتید؟	اون برای چه مدتی گارانتی داره؟

3. Complaints — ۳. شکایات

I want to see the manager.	آی وانت تو سی ذِ مَنِج.	من می خواهم مدیر را ببینم.
I bought this yesterday.	آی بات ذِس یِستدِی.	من این را دیروز خریدم.
It doesn't work.	اِت دازنت وِ(ر)ک.	این کار نمی کند. (خراب است.)
This is dirty/ stained/ torn/ broken/ cracked.	ذِس اِز دِتی/ ستِیند/ تُن/ بروُکِن/ کرکت.	این کثیف/ لکه دار/ پاره/ شکسته/ ترک خورده است.
Will you change it please?	ویل یو چینج اِت پلیز؟	میشه لطفا اینو عوضش کنید؟
Will you refund my money?	ویل یو ریفاند مای مانی؟	میشه پولمو پس بدین؟

4. Paying — ٤. حساب کردن

How much is this?	هاو ماچ اِز ذِس؟	این چند میشه؟
That's 3 dollars, please.	ذَتس ثری دالِز، پلیز.	اون سه دلار میشه، لطفا.
They are 5 cents each.	ذِی آ(ر) فایو سِنتس ایچ.	اونا هر کدوم ۵ سنت میشه.
It's too expensive.	اِتس تو اِیکسپِنسِو.	این خیلی گرونه.
Don't you have anything cheaper?	دُونت یو هَو اِنیثینگ چیپ؟	ارزونترشو ندارین؟
Will you take English/ American currency?	ویل یو تِیک اِنگلِش/ اِمریکِن کارِنسی؟	پول(ارز) انگلیسی/ آمریکائی می گیرین؟
Will you accept a traveler's check?	ویل یو اِکسِپت اِ تْرَوِل(ر)ز چِک؟	چک مسافرتی قبول می کنید؟
Please pay the cashier.	پلیز پِی ذِ کَشی یِ.	لطفا به صندوقدار بپردازید.
May I have a receipt, please?	مِی آی هَو اِ ریسیت، پلیز؟	میشه رسید بدین، لطفا؟
You've given me too little/too much change.	یوُو گِوِن می تو لِتِّل/ تو ماچ چِینج.	شما خیلی کم/ خیلی زیاد پول خرد به من داده اید.

5. Clothes and shoes
۵. لباس و کفش

I want a hat/ sunhat.
آی وانت اِ هَت/ سان هَت.
من یک کلاه/ کلاه آفتابی می خواهم.

I'd like a pair of gloves.
آید لایک اِ پِ(ر) آو گلاوْز.
من یک جفت دستکش می خواهم.

May I see some dresses, please?
مِی آی سی سام درِسیز، پلیز؟
می تونم چند تا پیراهن ببینم، لطفا؟

I like the one in the window.
آی لایک ذِ وان این ذِ ویندو.
من از اونی که در ویترین است خوشم می آد.

May I try this?
مِی آی ترای ذِس ؟
می تونم اینو امتحان کنم؟

That's smart.
ذَتس سما(ر)ت.
اون شیکه.

It doesn't fit me.
ات دازنت فِت می.
این اندازه ام نیست.

I don't like the style.
آی دُونت لایک ذِ ستایل.
من از لباس های مد روز خوشم نمی آد.

Where's the coat department?
وِز ذِ کُوت دیپاتمِنت؟
قسمت کت ها کجاست؟

The men's department is on the second floor.
ذِ مِنز دیپاتمِنت اِز آن ذِ سِکِند فلُ(ر).
قسمت لباس های مردانه در طبقه دوم است.

I want a short/long sleeved shirt, collar size...
آی وانت اِ شُت/ لانگ سلیوْد شِت، کالِ سایز...
من یک پیراهن آستین کوتاه/ بلند، با اندازه یقه... می خواهم.

A pair of gray wool socks, please.
اِ پِ(ر) آو گرِی وُل ساکس، پلیز.
یک جفت جوراب پشمی خاکستری، لطفا.

I need a pair of walking shoes.
آی نید اِ پِ(ر) آو واکینگ شوز.
من یک جفت کفش پیاده روی لازم دارم.

I need a pair of beach sandals/ black shoes.
آی نید اِ پِ(ر) آو بیچ سَندلز/ بلَک شوز.
من یک جفت صندل مخصوص ساحل/ کفش مشکی لازم دارم.

These heels are too high/low.
ذیز هیلز آ(ر) تو های/ لُو.
این پاشنه ها زیاد بلند/ کوتاه هستند.

11 Shopping

خرید کردن

The Department Store فروشگاه بزرگ



A: Excuse me. Where's the store directory?
-اِکسکیوز می. وِز دِ ستُ دیرِکتِری؟
-ببخشید. راهنمای طبقات فروشگاه کجاست؟

B: It's over there, next to the Jewelry counter.
-اونجاست، جنب غرفه جواهرآلات. -اِتس اُوِ دِ، نِکست تو دِ جوالری کَونتِ.

A: Thanks. -ثَنکس. -متشکرم.

B: You're welcome. -یُ(ر)وِلکِم. -خواهش می کنم.



A: Excuse me. Do you sell ties?
-ببخشید. شما کراوات می فروشید؟ -اِکسکیوزمی. دو یو سِل تایز؟

B: Yes. You can find ties in the men's clothing department on the first floor.
-یِس. یو کَن فایند تایز این دِ مِنز کلُوذینگ دیپاتمِنت آن دِ فِست فلُو(ر).
-بله. شما می توانید کراوات را در قسمت پوشاک مردانه در طبقه اول پیدا کنید.

A: Thank you. -ثَنک یو. -متشکرم.

واژگان

1	(store) directory	ستُ(ر) دیرِکتِری	۱ راهنمای (طبقات فروشگاه)
2	Jewelry Counter	جوالری کَونتِ	۲ غرفه جواهرآلات
3	Perfume Counter	پرفیوم کَونتِ	۳ غرفه عطریات
4	escalator	اِس کِ لیتِ	۴ پله برقی
5	elevator	اِلِویتِ	۵ آسانسور
6	Men's Clothing Department	مِنز کلُوذینگ دیپاتمِنت	۶ بخش پوشاک مردانه
7	customer pickup area	کاستِمِ پیک آپ اِرِیِ	۷ محدوده جمع آوری و حمل اجناس مشتریان
8	Women's Clothing Department	وِمِنز کلُوذینگ دیپاتمِنت	۸ بخش پوشاک زنانه
9	Children's Clothing Department	چِلدرِنز کلُوذینگ دیپاتمِنت	۹ بخش پوشاک کودکان
10	Housewares Department	هَوس وِ(ر)ز دیپاتمِنت	۱۰ بخش لوازم آشپزخانه

فروشگاه بزرگ

11 Furniture Department/ Home Furnishings Department
۱۱ بخش مبلمان/ بخش اثاث منزل فِنیچِ(ر) دیپاتمِنت/ هُوم فِنیشینگز دیپاتمِنت

12 Household Appliances Department
۱۲ بخش لوازم خانگی برقی هَوس هُولد اِپلاین سیز دیپاتمِنت

13 Electronics Department
۱۳ بخش لوازم الکترونیکی ایلِکترانیکس دیپاتمِنت

14 Customer Assistance Counter/ Customer Service Counter
۱۴ غرفه سرویس به مشتری کاستِمِ اِسیستِنس کَونتِ/ کاستِمِ سِ(ر)وِس کَونتِ

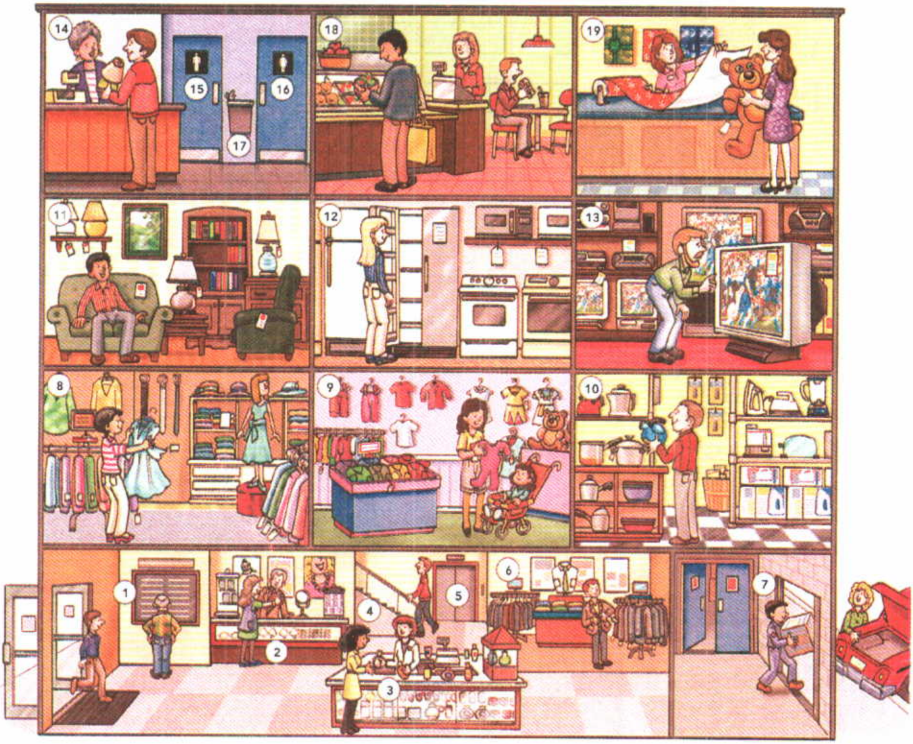
15 men's room
۱۵ توالت مردانه مِنز روم

16 ladies' room
۱۶ توالت زنانه لِیدیز روم

17 water fountain
۱۷ آب سرد کن واتِ فَونتِن

18 snack bar
۱۸ بوفه غذا سْنَک بار

19 Gift Wrap Counter
۱۹ غرفه کادو کردن گِفت رَپ کَونتِ



Shopping

خرید



A: May I help you?
-مِی آی هِلپ یو؟
-می تونم کمکتون کنم؟

B: Yes, please. I want to exchange this item.
-یِس، پلیز. آی وِنت تو یکس چینج دِس آیتِم.
-بله، لطفا. من می خوام این جنس را عوض کنم.

A: Certainly. I'll be glad to help you.
-سِ(ر)تِنلی. آیل بی گلَد تو هِلپ یو.
-حتما. خوشحال میشم کمکتون کنم.



A: What's it's material?
-واتس اِتس مِتی ریال؟
-جنسش چیه؟

B: It's cotton.
-اِتس کاتِن.
-کتانه.

A: What's the total price?
-واتس دِ تُوتال پرایس؟
-کلا چند میشه؟

B: Twenty five dollars and twenty cents.
-توانتی فایو دالِز اَند توانتی سِنتس.
-بیست و پنج دلار و بیست سنت.

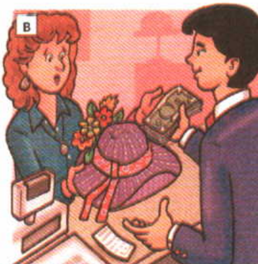
A: Are you sure?
-آ یو شُ(ر)؟
-شما مطمئنید؟

B: Yes. Look at the price tag.
-یِس. لُک اَت دِ پرایس تَگ.
-بله. به برچسب قیمت نگاه کنید.

واژگان

A	buy	بای	خریدن
B	return	ری تِن	پس دادن
C	exchange	ایکس چِینج	عوض کردن





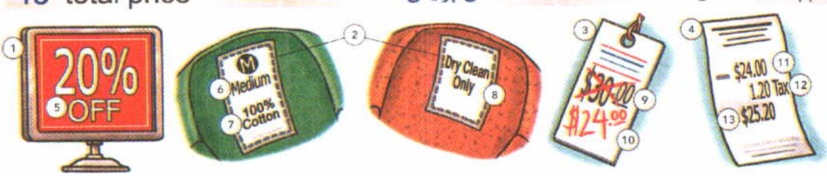


خرید

D try on	ترای آن	امتحان کردن D
E pay for	پِی فُ(ر)	پرداختن E
F get some information about...	گِت سام اینفِمِیشِن اِبوت...	درباره... مقداری اطلاعات کسب کردن F



1 sale sign	سِیل ساین	۱ علامت حراج
2 label	لِیبُل	۲ برچسب
3 price tag	پرایس تَگ	۳ برچسب قیمت
4 receipt	ری سیت	۴ رسید
5 discount	دیس کَونت	۵ تخفیف
6 size	سایز	۶ اندازه
7 material	مِتی ریال	۷ جنس- ماده
8 care instructions	کِ(ر) اینستراکشِنز	۸ دستورالعمل های مراقبت
9 regular price	رِگیولِ(ر) پْرایس	۹ قیمت معمولی
10 sale price	سِیل پْرایس	۱۰ قیمت حراجی
11 price	پْرایس	۱۱ قیمت
12 sales tax	سِیلز تَکس	۱۲ مالیات حراج
13 total price	تُتال پْرایس	۱۳ قیمت کل



۱۱

Video & Audio Equipment

لوازم تصویری و صوتی



A: May I help you?

-می آی هِلپ یو؟

-می تونم کمکتون کنم؟

B: Yes, please. I am looking for a TV.

-یِس، پلیز. آی اَم لُکینگ فُر اِ تی وی.

-بله، لطفا. من دارم دنبال یک تلویزیون می گردم.

A: I like your new plasma TV. Where did you get it from?

-آی لایک یُر نیو پلَزمِ تی وی. وِر دید یو گِت اِت فرام؟

-من از تلویزیون پلاسمای جدیدت خوشم اومد. اونو از کجا خریدی؟

B: At Macy's. -اَت میسیز.

-از فروشگاه مِیسی.

A: Which company makes the best camcorders?

-وِچ کامپنی میکس دِ بِست کَم کُوردِ(ر)ز؟

-کدام کمپانی بهترین دوربین فیلم برداری را می سازه؟

B: In my opinion, the best camcorders are made by Panasonic.

-این مای آپی نیِن، دِ بِست کَم کُورد(ر)زآر مِید بای پَنِزُنیک.

-به نظر من، بهترین دوربین های فیلمبرداری توسط پاناسونیک ساخته می شوند.

B: What video and audio equipment do you have?

-وات ویدیو اَند آدیو ایکویپ مِنت دو یو هَو؟

-شما چه لوازم تصویری و صوتی دارید؟

A: We have a lot of them. -وی هَو اِ لات آو دِم.

-ما تعداد زیادی از آنها را داریم.

B: In your opinion, which brands of video equipment are the best?

-این یُور آپینیِن، وِچ برَندز آو ویدیو ایکویپمِنت آر دِ بِست؟

-به نظر شما، بهترین مارکهای لوازم ویدیوئی چه هستند؟

A: I think Sony is the best.

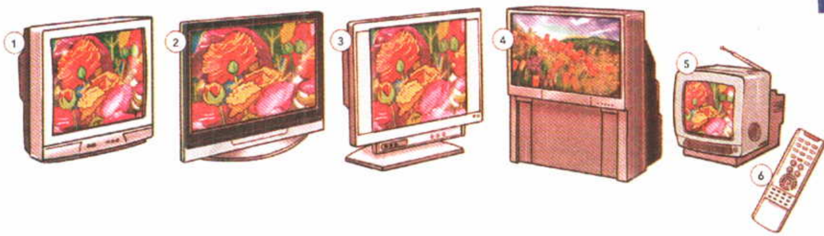
-آی ثِنک سونی ایز دِ بِست.

-من فکر می کنم سونی بهترین باشد.

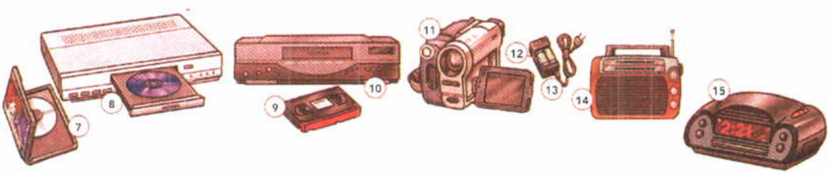
واژگان

1	TV/television	تی وی/ تِلویژِن	۱ تلویزیون
2	plasma TV	پلَزمِ تی وی	۲ تلویزیون پلاسما
3	LCD TV	اِل سی دی تی وی	۳ تلویزیون اِل سی دی
4	projection TV	پرِجِکشِن تی وی	۴ تلویزیون پرُجِکشِن
5	portable TV	پُورتِبِل تی وی	۵ تلویزیون قابل حمل و نقل
6	remote (control)	ریمُوت (کِنترُول)	۶ (کنترل) ریموت

لوازم تصویری و صوتی



7 DVD	دی وی دی	۷ دی وی دی
8 DVD player	دی وی دی پلیِر	۸ دستگاه پخش دی وی دی
9 video/videocassette/ videotape	ویدیو/ ویدیوکِسِت/ ویدیوتِیپ	۹ نوار ویدیو
10 VCR/ videocassette recorder	وی سی آر/ ویدیوکِسِت ریکُوردِر	۱۰ دستگاه ضبط ویدیوئی
11 camcorder/ video camera	کَمکُوردِر/ ویدیو کَمرِ	۱۱ دوربین فیلمبرداری/ دوربین ویدیوئی
12 battery pack	بَتری پَک	۱۲ بسته باتری
13 battery charger	بَتری چارجِ	۱۳ شارژر باتری
14 radio	رِی دیُو	۱۴ رادیو
15 clock radio	کُلاک رِیدیُو	۱۵ رادیو ساعتی



16 shortwave radio	شُو(ر)ت وِیو رِیدیُو	۱۶ رادیوِ موج کوتاه
17 tape recorder/ cassette recorder	تِیپ ریکُوردِ/ کِسِت ریکُوردِ	۱۷ ضبط صوت
18 microphone	مایکرِفُون	۱۸ میکروفون
19 stereo system/ sound system	سْتیریُو سِیستِم/ سَوند سِیستِم	۱۹ سیستم استریو/ سیستم صوتی
20 record	ریکُود	۲۰ سی دی ضبط شده
21 turntable	تِ(ر)ن تِیبُل	۲۱ گرام
22 CD/ compact disc	سی دی/ کامپَکت دِسک	۲۲ سی دی/ لوح فشرده
23 CD player	سی دی پلِیِ	۲۳ دستگاه پخش سی دی
24 tuner	تونِ	۲۴ دکمه تنظیم

لوازم تصویری و صوتی

25 (audio)tape/ (audio)cassette — (آدیُو) تِیپ/ (آدیُو) کِسِت — ۲۵ نوار (صوتی)/ کاست (صوتی)

26 tape deck/ cassette deck — تِیپ دِک/ کِسِت دِک — ۲۶ قسمت نوار/ قسمت پخش کاست

27 speakers — سْپیکِز — ۲۷ بلندگوها

28 portable stereo system/boombox — پُ(ر)تبُل سْتیریُو سِیستِم/ بومباکس — ۲۸ سیستم استریو قابل حمل و نقل



29 portable/personal CD player — پُوتِبُل/ پِسِنُل سی دی پلِی — ۲۹ دستگاه پخش سی دی شخصی/ پورتابل

30 portable/personal cassette player — پُوتِبُل/ پِسِنُل کِسِت پْلِی — ۳۰ دستگاه پخش کاست شخصی/ پورتابل

31 headphones — هِدفُونز — ۳۱ گوشی ها

32 portable/personal digital audio player — پُوتِبُل/ پِسِنُل دیجیتال آدیُو پلِی — ۳۲ دستگاه پخش صوت دیجیتال شخصی/ پورتابل

33 video game system — ویدیُو گِیم سِیستِم — ۳۳ سیستم بازی ویدیوئی

34 video game — ویدیُو گِیم — ۳۴ بازی ویدیوئی

35 hand-held video game — هَند-هِلد ویدیُو گِیم — ۳۵ بازی ویدیوئی دستی



Telephones & Cameras
تلفن ها و دوربین ها



A: Can I help you?
-می تونم کمکتون کنم؟ -کَن آی هِلپ یو؟
B: Yes. I want to buy a telephone.
-یِس. آی وانت تو بای اِ تِلفُون.
-بله. من می خواهم یک دستگاه تلفن بخرم.

A: Excuse me. Do you sell fax machines?
-ببخشید. شما دستگاه فاکس (نمابر) می فروشید؟ -اکسکیوز می. دو یو سِل فَکس مِشینز؟
B: Yes. We have a large selection of fax machines.
-بله. ما گلچین کاملی از دستگاه های نمابر داریم. -یِس. وی هَو اِ لاج سِلِکشِن آو فَکس مِشینز.
A: Which one is the best? -ویچ وان ایز ذِ بِست؟ -بهترین دستگاه کدام است؟
B: This one here. It's made by Sony.
-این یکی که اینجاست. این ساخت شرکت سونی است. -ذِس وان هییِ. اِتس مِید بای سُونی.

واژگان

1	telephone/phone	تِلفُون/ فُون	تلفن	۱
2	cordless phone	کُ(ر)دلِس فُون	تلفن بی سیم	۲
3	cell phone/cellular phone	سِل فُون/ سِلیولِ فُون	تلفن همراه	۳
4	battery	بَتِری	باطری	۴
5	battery charger	بَتِری چارجِ	شارژر باطری	۵
6	answering machine	أنسِرینگ مِشین	منشی تلفنی	۶
7	pager	پیجِ	پیجر	۷
8	PDA/electronic personal organizer	پی دی ای/ اِلِکترانیک پِسِنَل اُگِنایزِ	مدیریت شخصی الکترونیک	۸
9	fax machine	فَکس مِشین	دستگاه دورنگار (فکس)	۹
10	(pocket) calculator	(پاکیت) کَلکیولیتِ	ماشین حساب (جیبی)	۱۰
11	adding machine	أدینگ مِشین	ماشین حساب	۱۱
12	voltage regulator	وال تیج ریگیولیتِ	تنظیم کننده ولتاژ	۱۲
13	adapter	اِدَپتِ	آداپتور	۱۳
14	(35 millimeter) camera	(ثِتی فایو میلیمیتِ) کَمرِ	دوربین (۳۵ میلیمتری)	۱۴
15	lens	لِنز	عدسی (لنز)	۱۵
16	film	فِلم	فیلم	۱۶

تلفن ها و دوربین ها

17 zoom lens	زوم لِنز	۱۷ عدسی (لنز) زوم (تِله)
18 digital camera	دیجیتال کَمرِ	۱۸ دوربین دیجیتال
19 memory disk	مِمری دِسک	۱۹ دیسک حافظه
20 tripod	ترایپاد	۲۰ سه پایه
21 flash	فلَش	۲۱ فلاش
22 camera case	کَمرِ کِیس	۲۲ جعبه دوربین
23 slide projector	سلاید پرِجِکتِ	۲۳ پروژوکتور اسلاید
24 (movie) screen	(مووی) سْکرین	۲۴ پرده (فیلم)



Computers
کامپیوترها



A: Can you recommend a good computer?
-میشه یک کامپیوتر خوب پیشنهاد کنید؟ -کَن یو رِکِمند اِ گُد کِمپیوتِ؟
B: Yes. This computer here is excellent.
-بله. این کامپیوتر که اینجاست عالیه. -یِس. دِس کِمپیوتِ هیِ اِز اکسِلِنت.

A: Is that a new computer?	-اِز ذَت اِ نیو (نو) کِمپیوتِ؟	-اون کامپیوتر جدیده؟
B: Yes.	-یِس.	-آره.
A: Where did you get it?	-وِر دید یو گِت اِت؟	-از کجا خریدیش؟
B: At Mercury's.	-اَت مرکیوریز.	-از فروشگاه مرکوری.

واژگان

	Computer Hardware	**کِمپیوتِر هادوِ**	**سخت افزار کامپیوتر**	
1	(desktop) computer	(دِسکتاپ) کِمپیوتِ	کامپیوتر رومیزی (دسک تاپ)	۱
2	CPU/central processing unit	سی پی یو/ سِنترال پراسِسینگ یونِت	سی پی یو/ واحد پردازش مرکزی	۲
3	monitor/screen	مانِتِ/ سْکرین	مانیتور/ صفحه نمایش	۳
4	CD-ROM drive	سی دی-رام درایو	دستگاه سی دی رام	۴
5	CD-ROM	سی دی-رام	سی دی رام	۵
6	disk drive	دِسک درایو	درایو دیسکت	۶
7	(floppy) disk	(فلاپی) دِسک	(فلاپی) دیسک- دیسک لرزان	۷
8	keyboard	کیبُد	صفحه کلید	۸
9	mouse	مَوس	ماوس	۹
10	flat panel screen/ LCD screen	فْلَت پَنُل سْکرین/ اِل سی دی سْکرین	پانل نمایش مسطح/ صفحه نمایش اِل سی دی	۱۰
11	notebook computer	نُوتبُک کِمپیوتِ	کامپیوتر نت بوک(لپ تاپ)	۱۱
12	joystick	جُوی سْتِک	دسته بازی	۱۲
13	track ball	تْرَک بال	ترَکبال (نوعی ماوس)	۱۳
14	modem	مُودِم	مودم	۱۴
15	surge protector	سِ(ر)ج پرِتِکتِ	محافظ	۱۵
16	printer	پرِنتِ	چاپگر	۱۶
17	scanner	سْکَنِ	اسکنر	۱۷
18	cable	کِی بُلِ	کابل	۱۸

کامپیوترها

Computer Software	کِمپیوتِ سافت وِ	نرم افزار کامپیوتری
19 word-processing program	وِد-پراسِسینگ پرُوگرَم	۱۹ برنامه پردازش ورد
20 spreadsheet program	سْپرِدشیت پرُوگرَم	۲۰ برنامه حسابداری
21 educational software program	اِجوکِیشنال سافتوِ پرُوگرَم	۲۱ نرم افزار برنامه آموزشی
22 computer game	کِمپیوتِ گِیم	۲۲ بازی کامپیوتری



The Toy Store فروشگاه اسباب بازی



A: Excuse me. I'm looking for a train set for my grandson.

-اِکسکیوز می. آیم لُکینگ فُ(ر) اِ ترین سِت فُ(ر) مای گرَندسان.

-ببخشید. من دارم دنبال یک ست قطار برای نوه ام می گردم.

B: Look in the next aisle. -لُک این دِ نِکست آیل. -به راهرو بغلی نگاه کنید.

A: Thank you. -ثَنک یو. -متشکرم.

A: I don't know what to get my five-year-old son for his birthday.

-آی دُونت نُو وات تو گِت مای فایو-یِر-اُولد سان فُر هیز بِرثدِی.

-من نمی دونم برای تولد پسر پنج ساله ام چی بخرم.

B: What about a science kit? -وات اِبوت ا ساینس کِت؟ -یک کیت لوازم علمی چطوره؟

A: Good idea! Thanks. -گُد آیدیَ! ثَنکس. -فکر خوبیه! متشکرم.

A: Mom? Can we buy this toy truck? -مام؟ کَن وی بای دِس تُوی تْراک؟ -مادر؟ ما می تونیم این کامیون اسباب بازی رو بخریم؟

B: No, Johnny. Not today. -نُو، جانی. نات تودِی. -نه، جانی. امروز نه.

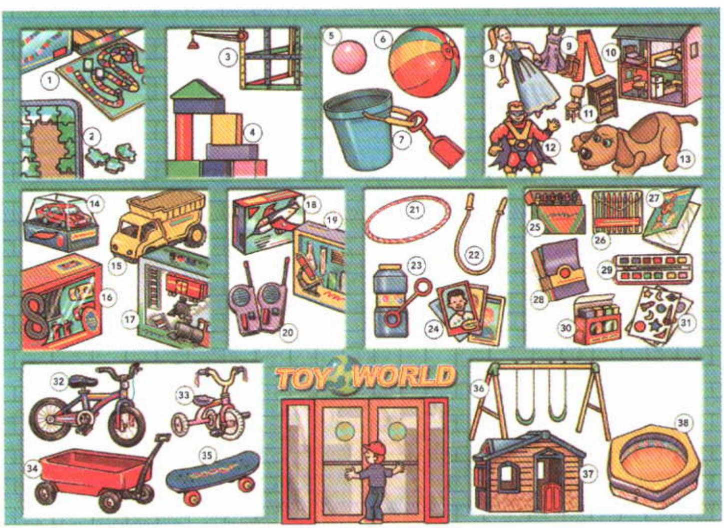
واژگان

1	board game	بُ(ر)د گیم	۱ بازی روی مقوا
2	(jigsaw) puzzle	(جیگسا) پازُل	۲ پازل
3	construction set	کِنستراکشِن سِت	۳ ست ساختمان سازی
4	(building) blocks	(بِلدینگ) بلاکس	۴ بلوک های (ساختمان)
5	rubber ball	رابِ بال	۵ توپ لاستیکی
6	beach ball	بیچ بال	۶ توپ ساحلی
7	pail and shovel	پِیل آند شاوُل	۷ سطل و بیلچه
8	doll	دال	۸ عروسک
9	doll clothing	دال کلُوذینگ	۹ لباس عروسکی
10	doll house	دال هَوس	۱۰ خانه عروسکی
11	doll house furniture	دال هَوس فِنیچِ	۱۱ اثاثیه منزل عروسکی
12	action figure	آکشِن فِگِ	۱۲ شخصیت اکشن
13	stuffed animal	ستافت اَنِمال	۱۳ حیوان پر شده
14	matchbox car	مَچباکس کا(ر)	۱۴ ماشین قوطی کبریتی
15	toy truck	تُوی تْراک	۱۵ کامیون اسباب بازی
16	racing car set	رِی سینگ کا(ر) سِت	۱۶ ست ماشین مسابقه

11

فروشگاه اسباب بازی

17 train set	تِرین سِت	۱۷ ست قطار
18 model kit	مادِل کِت	۱۸ کیت هواپیمای مدل
19 science kit	ساینس کِت	۱۹ کیت لوازم علمی
20 walkie-talkie (set)	واکی-تاکی (سِت)	۲۰ (ست) بی سیم
21 hula hoop	هولِ هوپ	۲۱ هولا هوپ
22 jump rope	جامپ روپ	۲۲ طناب پریدن
23 bubble soap	بابْل سُوپ	۲۳ صابون حباب ساز
24 trading cards	تریدینگ کادز	۲۴ کارت خرید (کارت بازی)
25 crayons	کرِین ز	۲۵ مداد شمعی
26 (color) markers	(کالِ) ما(ر)کِز	۲۶ ماژیک (رنگی)
27 coloring book	کالِرینگ بُک	۲۷ کتاب رنگ آمیزی
28 construction paper	کِنستراکشِن پیپِ	۲۸ کاغذ ساختمان سازی
29 paint set	پینت سِت	۲۹ ست رنگ
30 (modeling) clay	(مادلینگ) کْلِی	۳۰ خمیر(مجسمه سازی)
31 stickers	سْتِ کِز	۳۱ برچسب
32 bicycle	بایسِکْل	۳۲ دوچرخه
33 tricycle	ترایسِکْل	۳۳ سه چرخه
34 wagon	وَگِن	۳۴ واگن
35 skateboard	سْکِیت بُد	۳۵ تخته اسکیت
36 swing set	سوینگ سِت	۳۶ ست تاب بازی
37 play house	پلِی هَوس	۳۷ خانهٔ بازی
38 kiddie pool/ inflatable pool	کیدی پول/ اینفلِی تِبْل پول	۳۸ استخر بچه/ استخر بادی



Shopping from... خرید کردن از...

1. Chemist's - Pharmacy ۱. داروخانه

Where's the nearest pharmacy?
وِرز دِ نیرِست فا(ر)مِسی؟
نزدیک ترین داروخانه کجاست؟

I'd like something for a headache.
آید لایک سامثینگ فـُ(ر) اِ هِدایک.
من چیزی برای سردرد می خواهم.

Can you prepare this prescription?
کَن یو پریپِ(ر) دِس پریسکریپشِن؟
میشه این نسخه را بپیچید؟

Have you a small first-aid kit?
هَو یو اِ سمال فِست-اِید کِت؟
آیا شما کیت کوچک کمک های اولیه دارید؟

A bottle of aspirin, please.
اِ باتـُل آو اَسپرِن، پلیز.
یک شیشه آسپیرین، لطفا.

Can you suggest something for... ?
کَن یو سِجِست سامثینگ فـُ(ر)... ؟
میشه چیزی برای ... پیشنهاد کنید؟

واژگان

1	indigestion	ایندی جِس چن	سوء هاضمه	۱
2	constipation	کانس تی پی شِن	یبوست	۲
3	diarrhoea	دایِری	اسهال	۳
4	hay fever	هِی فی وِ(ر)	تب یونجه	۴
5	a fever	اِ فیوِ	تب	۵
6	nausea	ناشِ	تهوع	۶
7	an upset stomach	اَن آپسِت ستامِک	دل درد	۷
8	a cold	اِ کُولد	سرماخوردگی	۸
9	sunburn	سان بِ(ر)ن	آفتاب سوختگی	۹
10	I'd like ...	آید لایک...	من ... می خواهم.	۱۰
11	some aspirins	سام اَسپرِنز	چندآسپرین	۱۱
12	some cough drops	سام کاف دراپس	مقداری قطره سرفه	۱۲
13	some condoms	سام کاندِمز	چند وسیله جلوگیری	۱۳
14	some eye drops	سام آی دراپس	قطره چشم	۱۴
15	some nose drops	سام نُوز دراپس	قطره بینی	۱۵
16	an antipyretic	اَن اَنتی پی رِتیک	تب بُر	۱۶
17	a thermometer	اِ ثِمامیتِ	دماسنج	۱۷
18	some throat lozenges	سام ثرُوت لازِن جیز	قرص مکیدنی گلو درد	۱۸
19	some tranquillizers	سام ترَن کویلایزِز	آرام بخش	۱۹
20	some ear drops	سام ئی یِ دراپس	قطره گوش	۲۰
21	some ... cream	سام... کْریم	مقداری کرم...	۲۱
22	some elastoplast	سام ایلَس تُپ لَست	چند چسب زخم	۲۲

23 an elastic bandage	اَن ایلَستیک بَندج	۲۳ باند کشی برای زخم
24 some sleeping pills	سام سْلیپینگ پیلز	۲۴ چند قرص خواب
25 some fizzy tablets	سام فیزی تَبلیتس	۲۵ چند قرص جوشان
26 some vitamins	سام وایتِ مینز	۲۶ چند ویتامین
27 some gauze	سام گاز	۲۷ چند گاز (تنزیت)
28 a bandage	اِ بَندج	۲۸ باند (نوار زخم بندی)
29 some ... tablets	سام ... تَبلیتس	۲۹ چند قرص ...

2. Toilet Requisites — ۲. ملزومات آرایشی

A packet of razor blades, please. اِ پَکیت آو رِیزِ بلِیدز، پلیز. یک بسته تیغ، لطفا.

Have you an after-shave lotion?
هَو یو اَن آفتِ-شیو لُوشِن؟ آیا لوسیون افتر شیو دارید؟

How much is this lotion? هاو ماچ اِ ذِس لُوشِن؟ این لوسیون چند است؟

A tube of toothpaste, please. اِ تیوب آو توثپیست، پلیز. یک تیوب خمیر دندان، لطفا.

I want some eau-de-cologne. آی وانت سام اُ-دَ-کِلُون. من ادکلن می خواهم.

What kind of soap have you? وات کایند آو سُوپ هَو یو؟ شما چه نوع صابونی دارید؟

A shampoo for dry/ normal/ greasy hair.
اِ شَمپو فُر درای/ نُمال/ گْریسی هِ(ر). یک شامپو برای موهای خشک/ معمولی/ چرب.

واژگان

1 body lotion	بادی لُوشِن	۱ لوسیون بدن
2 foundation cream	فُوندِیشِن کْریم	۲ کرم پودر
3 day cream	دِی کْریم	۳ کرم روز
4 night cream	نایت کْریم	۴ کرم شب
5 cleansing cream	کْلین زینگ کْریم	۵ کرم پاک کننده
6 deodorant	دی اُی دِرِنت	۶ ضد بو- اسپری بدن- دئودورانت
7 handcream	هَندکْریم	۷ کرم دست
8 lipstick	لِپستِک	۸ ماتیک- روژ لب
9 make-up	مِیک-آپ	۹ آرایش- لوازم آرایش
10 mouthwash	مَوث واش	۱۰ دهان شویه
11 nail polish	نیل پُولِش	۱۱ لاک ناخن
12 nail scissors	نِیل سیزِز	۱۲ قیچی ناخن
13 eyeliner	آی لاینِ	۱۳ خط چشم
14 eye shadow	آی شَدُو	۱۴ سایه چشم
15 tissues	تیشوز	۱۵ دستمال کاغذی
16 perfume	پِفیوم	۱۶ عطر
17 powder	پَودِ	۱۷ پودر
18 razor	رِیزِ	۱۸ تیغ

19 shaving cream	شِیوینگ کْریم	۱۹ کرم اصلاح
20 tooth brush	توث بْراش	۲۰ مسواک
21 toothpaste	توث پیست	۲۱ خمیر دندان
22 foot cream	فُت کْریم	۲۲ کرم پا
23 eyebrow pencil	آیبْرُو پِنسُل	۲۳ مداد ابرو
24 suntan cream	سانتَن کْریم	۲۴ کرم ضد آفتاب سوختگی
25 suntan oil	سانتَن اُیل	۲۵ روغن ضد آفتاب سوختگی
26 dry shampoo	دْرای شَمپو	۲۶ شامپو برای موهای خشک
27 a hairbrush	اِ هِربراش	۲۷ برس
28 hair gel	هِر جِل	۲۸ ژل مو
29 hair dye	هِر دای	۲۹ رنگ مو

3. Photography — ۳. عکاسی

I want to buy a camera. آی وانت تو بای اِ کَمرِ. من می خواهم یک دوربین بخرم.

Have you film for this camera?
هَو یو فِلم فُ دِس کَمرِ؟ برای این دوربین فیلم دارید؟

Would you fit the film in the camera for me, please?
وُد یو فِت دِ فِلم این دِ کَمرِ فُ می، پلیز؟ میشه فیلم را برای من داخل دوربین قرار بدهید، لطفا؟

How much is it? هاو ماچ اِز اِت؟ این چنده؟

Does the price include processing?
داز دِ پرایس اینکلود پراسِسینگ؟ آیا قیمت شامل ظهور فیلم هم میشه؟

I'd like this film developed and printed.
آید لایک دِس فِلم دیولُپت اَند پرِنتید. من می خواهم این فیلم ظاهر و چاپ بشه.

Please enlarge this negative. پلیز اینلاج دِس نِگتیو. لطفا این نگاتیو را بزرگ کنید.

When will it be ready? وِن ویل اِت بی رِدی؟ این کی آماده میشه؟

My camera's not working, can you mend it?
مای کَمرِز نات وِرکینگ، کَن یو مِند اِت؟ دوربینم کار نمی کنه، میشه اینو درست کنید؟

The film is jammed. دِ فِلم اِز جَمد. فیلم جمع شده.

Do you have a brochure? دو یو هَو اِ برُوشور؟ شما بروشور دارید؟

I'd like to have some passport photos taken.
آید لایک تو هَو سام پَسپُت فُوتُوز تِیکِن. من میخوام چند عکس پاسپورتی ازم گرفته بشه.

Can you take my photo? کَن یو تِیک مای فُوتُو. میشه عکس منو بگیرید؟

It doesn't have a flash. اِت دازنت هَو ا فلَش. این فلاش ندارد.

Is my profile all right? اِز مای پرُوفایل اُل رایت؟ نیم رخ من خوبه؟

واژگان

1 color film	کالِ فِلم	۱ فیلم رنگی
2 high speed	های سْپید	۲ سرعت بالا

3 daylight type	دی لایت تایپ	نوع مخصوص نور روز	۳
4 camera case	کَمرِ کِیس	کیف دوربین	۴
5 flash bulb	فلَش بالب	لامپ فلاش	۵
6 lense shade	لِنز شِید	لنز آفتابی	۶
7 wide-angle lens	واید-اَنگل لِنز	عدسی با زاویه باز	۷
8 rangefinder	رِینج فایندِ	فاصله یاب	۸
9 lightmeter	لایت میتِ	نورسنج	۹
10 flash attachment	فلَش اَتچ مِنت	ضمیمه فلاش	۱۰
11 film winder	فِلم وایندِ	فیلم جمع کن	۱۱
12 speed indicator	سْپید ایندیکِیتِ	سرعت سنج	۱۲

4. Grocer's — ٤. خواروبار فروشی

Give me a kilo/half a kilo of. . . , please.
لطفا یک کیلو/ نیم کیلو... به من بدهید. گِو می اِ کیلُو/ هَف اِ کیلُو آو، ... پلیز.

100 grams of cheese, please. — وان هاندرِد گْرَمز آو چیز، پلیز. — ۱۰۰ گرم پنیر، لطفا.

Some bread, please. — سام برِد، پلیز. — مقداری نان، لطفا.

What sort of cheese do you have? — وات سُت آو چیز دو یو هَو؟ — شما چه نوع پنیری دارید؟

Do you sell frozen foods? — دو یو سِل فرُوزِن فودز؟ — آیا شما غذاهای منجمد می فروشید؟

Is it fresh? — از اِت فْرِش؟ — این تازه است؟

Are they ripe? — آ ذی رایپ؟ — اونا رسیده اند؟

This is bad/ stale. — ذِس از بَد/ سْتِیل. — این بد/ مونده است.

How much a kilo/ a liter? — هاو ماچ اِ کیلُو/ اِ لیتِ؟ — کیلوئی/ لیتری چنده؟

a piece of... — اِ پیس آو... — یک تکه...

a slice of ... — اِ سْلایس آو... — یک برش...

half a kilo of ... — هَف اِ کیلُو آو... — نیم کیلو...

a liter of milk — اِ لیتِ آو مِلک — یک لیتر شیر

a jar of jam — اِ جا(ر) آو جَم — یک شیشه مربا

a tin of cherries — اِ تین آو چِریز — یک قوطی کنسرو گیلاس

a box of chocolates — اِ باکس آو چاکلِتس — یک بسته شکلات

5. Tobacconist — ۵. سیگار فروشی

Do you sell American cigarettes? — دو یو سِل اِمریکِن سیگرِتس؟ — آیا شما سیگار آمریکائی می فروشید؟

A packet of ...cigarette, please. — اِ پَکیت آو... سیگرِت، پلیز. — یک پاکت سیگارِ... ، لطفا.

A box of matches, please. — اِ باکس آو مَچیز، پلیز. — یک قوطی کبریت، لطفا.

خرید کردن از...

واژگان

1	a lighter	اِ لایتِ	۱ فندک
2	lighter fuel	لایتِ فیو اِل	۲ سوخت فندک
3	an ashtray	اَن اَشترِی	۳ زیر سیگاری
4	a pipe	اِ پایپ	۴ پیپ
5	pipe cleaner	پایپ کْلینِر	۵ پیپ پاک کن
6	pipe tobacco	پایپ تِباکُو	۶ توتون پیپ
7	cigar	سیگا(ر)	۷ سیگار برگ
8	cigarrete	سیگرِت	۸ سیگار معمولی
9	filtertipped	فِلتِ تِپت	۹ سیگار فیلتردار
10	without filters	ویذات فِلتِز	۱۰ بدون فیلتر
11	king-size	کینگ-سایز	۱۱ سیگار بزرگ
12	mild/ strong	مایلد/ سْترانگ	۱۲ ملایم/ تند
13	a cigarette holder	اِ سیگرِت هُولدِ	۱۳ چوبِ سیگار
14	a cigarette case	اِ سیگرِت کِیس	۱۴ قوطی سیگار

6. Newspapers, Books, Writing Materials
٦. روزنامه ها، کتاب ها، لوازم التحریر

Where's the nearest... ?
نزدیک ترین ... کجاست؟
وِرز ذِ نی یِرِست...؟

Where can I buy a newspaper?
من کجا می تونم یک روزنامه بخرم؟
وِ کَن آی بای اِ نوزپیپِ؟

Where's the literature section?
بخش ادبیات کجاست؟
وِز ذِ لِترِچِ سِکشِن؟

Do you have secondhand books?
آیا شما کتاب های دست دوم دارید؟
دو یو هَو سِکِندهَند بُکس؟

I'd like easy English story books.
من کتاب داستان های آسان انگلیسی می خواهم.
آید لایک ئیزی اِنگلِش سْتُوری بُکس.

Do you sell English newspapers?
آیا شما روزنامه انگلیسی زبان می فروشید؟
دو یو سِل اِنگلِش نوزپیپِز؟

Do you have travel magazines?
آیا شما مجلات سفر دارید؟
دو یو هَو ترَوِل مَگزینز؟

I want a map of the city.
من نقشه شهر را می خواهم.
آی وانت اِ مَپ آو ذِ سیتی.

I want to subscribe to Time Magazine.
من می خواهم مجله تایم را مشترک شوم.
آی وانت تو سابسکرایب تو تایم مَگزین.

What's the subscription fee for this magazine?
نرخ اشتراک برای این مجله چقدر است؟
واتس ذِ سابسکریپشِن فی فُ ذِس مَگزین؟

خرید کردن از...

واژگان

1 diary	دایری	دفتر یادداشت- دفترچه خاطرات	۱
2 postcard	پُوست کاد	کارت پستال	۲
3 dictionary	دِکشِنری	فرهنگ لغت	۳
4 children's book	چِلدرِنز بُک	کتاب کودکان	۴
5 guidebook	گایدبُک	کتاب راهنما	۵
6 calender	کَلِن دِ(ر)	تقویم	۶
7 ink	اینک	مرکب- جوهر	۷
8 label	لِیبَل	برچسب	۸
9 envelope	اِنوِلُوپ	پاکت	۹

7. Laundry, Cleaning and Mending

۷. لباسشوئی، تمیز و ترمیم کردن

I want to have these things washed/ cleaned.
آی وانت تو هَو ذیز ثینگز واشت/ کلیند.
من می خوام اینا شسته/ تمیز بشن.

These stains won't come out.
ذیز سْتِینز وُنت کام آوت.
این لکه ها پاک نمی شن.

It only needs to be pressed.
اِت اُونلی نیدز تو بی پْرِست.
این فقط نیاز به اتو کردن داره.

This is torn, can you mend it?
دِس اِز تُ(ر)ن، کَن یو مِند اِت؟
این پاره است، میشه ترمیمش کنید؟

Do you do invisible mending?
دو یو دو این وی زی بُل مِندینگ؟
آیا شما رفو انجام می دهید؟

There's a button missing.
ذِرز اِ باتِن میسینگ.
یک دکمه افتاده.

Can you sew a button here?
کَن یو سُو اِ باتِن هییِ؟
میشه اینجا رو یک دکمه بدوزین؟

Can you put in a new zip, please?
کَن یو پُت این اِ نیو زیپ، پلیز؟
میشه لطفا یک زیپ جدید بذارین؟

When will they be ready?
وِن ویل ذِی بی رِدی؟
اونا کی آماده می شن؟

I need them by this evening/ by tomorrow.
آی نید ذِم بای ذِس ایونینگ/ بای تِمارُو.
من اینارو تا امشب/ تا فردا لازم دارم.

Call back at 5 o'clock.
کال بَک اَت فایو اِکلاک.
ساعت ۵ زنگ بزنید.

We can do it by Tuesday.
وی کَن دو اِت بای توزدِی.
ما تا سه شنبه می تونیم این کارارو انجام بدیم.

It will take three days.
اِت ویل تِیک ثْری دِیز.
این کار سه روز طول می کشه.

8. Shoe Repairs — ۸. تعمیرات کفش

I want these shoes soled with leather.
آی وانت ذیز شوز سُولد ویذ لِذِ.
من میخوام برای این کفش ها تخت چرمی بیندازم.

Can you heel these shoes with rubber?
کَن یو هیل ذیز شوز ویذ رابِ؟
میشه به این کفش ها پاشنه لاستیکی بزنید؟

Can you put on new heels?
کَن یو پُت آن نیو هیلز؟
میشه پاشنه جدید بزنید؟

Can you do them while I wait?
کَن یو دو ذِم وایل آی وِیت؟
میشه زمانی که من منتظرم این کار را انجام بدید؟

When should I pick them up?
وِن شُد آی پیک ذِم آپ؟
کی می تونم اونارو ببرم؟

9. Watch/ Jewelry — ۹. ساعت/ جواهر آلات

Can I see that, please?
کَن آی سی ذَت، پلیز؟
می تونم اونو ببینم، لطفا؟

I like something in gold/ silver.
آی لایک سامثینگ این گُولد/ سیلوِ.
من یک چیز طلائی/ نقره ای می خوام.

I'd like a small present for my sister.
آید لایک اِ سْمال پْرِزِنت فُ مای سِستِ.
من هدیه کوچکی برای خواهرم می خواهم.

I don't want anything expensive.
آی دُونت وانت اِنیثینگ اِکسپِنسِو.
من چیز گران نمی خواهم.

Can you repair this watch?
کَن یو ریپِر ذِس واچ؟
میشه این ساعت را تعمیر کنید؟

I've broken the strap.
آیو بْرُوکِن ذِ سْتْرَپ.
بند ساعتم خراب شده.

The fastener is broken.
ذِ فَسِنِ اِز بْرُوکِن.
گیره اش شکسته است.

How much will it cost?
هاو ماچ ویل اِت کاست؟
چقدر خرج داره؟

It can't be repaired.
اِت کَنت بی ریپِرد.
اون قابل تعمیر نیست.

You need a new one.
یو نید اِ نیو وان.
شما یه دونه جدیدشو لازم دارین.

خرید کردن از...

واژگان

	English	تلفظ	فارسی
1	diamond	دایمُوند	۱ الماس
2	bracelet	برِیس لِت	۲ دستبند
3	ring	رینگ	۳ انگشتر-حلقه
4	emerald	اِم رِلد	۴ زمرد
5	ruby	روبی	۵ یاقوت
6	pearl	پ(ر)ل	۶ مروارید
7	turquoise	تِ(ر)کُویز	۷ فیروزه
8	earring	ئیِ رینگ	۸ گوشواره
9	necklace	نِک لِس	۹ گردنبند
10	wedding anniversary	وِدینگ اَن وِ سِری	۱۰ سالگرد ازدواج
11	gold	گُولد	۱۱ طلا- طلائی
12	real silver	ری یِل سیلوِ	۱۲ نقره اصل
13	gold-plated	گُولد-پلِیتید	۱۳ آب طلا داده
14	watchstrap	واچ سْترَپ	۱۴ بند ساعت
15	chain	چِین	۱۵ زنجیر
16	cross	کراس	۱۶ صلیب
17	waterproof	واتِ پروف	۱۷ ضد آب

10. At the Optician's — ۱۰. در عینک فروشی

English	تلفظ	فارسی
I broke my glasses.	آی برُوک مای گْلَسیز.	عینکم شکست.
I broke the frame.	آی برُوک ذِ فْرِیم.	قاب عینکم خراب شد.
Can you replace them right away?	کَن یو ری پلِیس ذِم رایت اِوِی؟	میشه فورا اونارو عوض کنید؟
When can I pick it up?	وِن کَن آی پیک اِت آپ؟	کی می تونم اونو ببرم؟
Do you have sunglasses?	دو یو هَو سان گْلَسیز؟	عینک آفتابی دارید؟
Can you repair the frame?	کَن یو ریپِر ذِ فْرِیم؟	میشه قاب عینک را تعمیر کنید؟
Change the lenses, please.	چِینج ذِ لِنزیز، پلیز.	لنزها را عوض کنید، لطفا.
When will they be ready?	وِن ویل ذِی بی رِدی؟	اونا کی آماده می شن؟

واژگان

	English	تلفظ	فارسی
1	glasses	گْلَسیز	۱ عینک
2	spectacles	سْپِکتِ کِلز	۲ عینک
3	spectacle case	سْپِکتِ کِل کِیس	۳ جا عینکی
4	magnifying glass	مَگنِفائینگ گْلَس	۴ ذره بین
5	a pair of sunglasses	اِ پ(ر) آو سان گْلَسیز	۵ عینک آفتابی
6	tinted lenses	تِنتِد لِنزیز	۶ لنز رنگی
7	short-sighted	شُ(ر)ت-سایتید	۷ نزدیک بین
8	long-sighted	لانگ-سایتید	۸ دوربین
9	contact lenses	کانتَکت لِنزیز	۹ لنز نامرئی

Community Services
خدمات اجتماعی

The Bank
بانک



Where's the nearest bank?
ورز دِ نییرِست بَنک؟
نزدیک ترین بانک کجاست؟

When does the bank open?
وِن داز دِ بَنک اُوپِن؟
بانک کی باز میشه؟

When does it close?
وِن داز اِت کلُوز؟
اون کی تعطیل میشه؟

I want to change some dollars.
آی وانت تو چینج سام دالِز.
من میخوام مقداری دلار تبدیل کنم.

What's the exchange rate?
واتس ذی اِکسچِینج ریت؟
نرخ تبدیل چقدره؟

Can you give me 5 dollar bills (notes)?
کَن یو گیو می فایو دالِ(ر) بیلز (نُوتس)؟
میشه اسکناس های ۵ دلاری به من بدین؟

I need some small change?
آی نید سام سْمال چِینج.
من مقداری پول خرد لازم دارم.

How much commission do you charge?
هاو ماچ کامیشِن دو یو چا(ر)ج؟
شما چقدر کارمزد می گیرید؟

Can you cash a traveler's check?
کَن یو کَش اِ ترَولِز چِک؟
میشه چک مسافرتی را نقد کنید؟

I'm expecting money from Iran. Has it arrived?
آیم اِکسپِکتینگ مانی فرام ایران. هَز اِت اِرایود؟
من از ایران منتظر پول هستم. آیا اون اومده؟

I want to withdraw 100 dollars from my account.
آی وانت تو ویثدرا وان هاندرِد دالِز فرام مای اِکَونت.
من می خواهم ۱۰۰ دلار از حسابم برداشت کنم.

I like to open an account.
آی لایک تو اُوپِن اَن اِکَونت.
من می خواهم حساب باز کنم.

I'd like to put this into my account.
آید لایک تو پُت دِس اینتو مای اِکَونت.
من می خواهم این را به حسابم واریز کنم.

Where should I sign?
وِر شُد آی ساین؟
کجا را باید امضا کنم؟

What's the date?
واتس دِ دِیت؟
تاریخ چیه؟

12 بانک

I'd like to open a saving account. — آید لایک تو اُوپن اِ سیوینگ اِکَونت. — من مایلم حساب پس انداز باز کنم.

Fill out this from. — فِل آوت دِس فُ(ر)م. — این فرم را پر کنید.

How much interest do you pay? — هاو ماچ اینترِست دو یو پِی؟ — چقدر بهره می پردازید؟

What's my balance? — واتس مای بَلِنس؟ — موجودی حسابم چقدر است؟

1 saving account	سیوینگ اِکَونت	حساب پس انداز	۱
2 deposit	دیپازِت	واریز کردن	۲
3 withdraw	ویثدرا	برداشت کردن	۳
4 checking account	چکینگ اِکَونت	حساب جاری	۴
5 pay	پِی	پرداختن	۵
6 cash	کَش	نقد کردن- پول نقد	۶
7 bank statement	بَنک سْتِیت مِنت	صورتحساب موجودی	۷
8 rate	رِیت	نرخ	۸
9 exchange	اِکس چینج	تبدیل کردن	۹
10 currency	کِرنسی	ارز	۱۰
11 commission	کامِشِن	کارمزد	۱۱

واژگان

A make a deposit	مِیک اِ دیپازِت	پرداخت کردن	A
B make a withdrawal	مِیک اِ ویثدراوِل	برداشت کردن	B
C cash a check	کَش اِ چک	نقد کردن چک	C







D get traveler's checks	گِت تْرَوِلِز چکس	چک مسافرتی گرفتن	D
E open an account	اُوپِن اَن اِکَونت	باز کردن حساب	E
F apply for a loan	اِپلای فُ اِ لُون	تقاضای وام کردن	F
G exchange currency	اِکسچینج کِرنسی	تبدیل کردن ارز	G





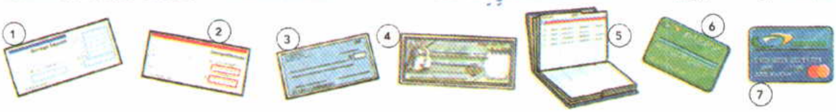




بانک

12

1 deposit slip	دیپازِت سْلِپ	رسید پرداخت	۱
2 withdrawal slip	ویثدراوُل سْلِپ	رسید دریافت	۲
3 check	چِک	چک	۳
4 traveler's check	تْرَولِز چِک	چک مسافرتی	۴
5 bankbook/passbook	بَنک بُک/ پَس بُک	دفترچه بانکی	۵
6 ATM card	اِی تی اِم کاد	کارت خودپرداز	۶
7 credit card	کْرِدِت کاد	کارت اعتباری	۷



8 (bank) vault	(بَنک) وُلت	خزانه (بانک)	۸
9 safe deposit box	سِیف دیپازِت باکس	صندوق امانات بانک	۹
10 teller	تِل(ر)	تحویلدار	۱۰
11 security guard	سیک یُرِتی گاد	مامور امنیتی	۱۱
12 ATM(machine)/ cash machine	اِی تی اِم (مِشین)/ کَش مِشین	(ماشین) خودپرداز/ ماشین دریافت نقدی	۱۲
13 bank officer	بَنک آفِس	کارمند بانک	۱۳





12

Finances

امور مالی



A: Can I pay with a credit card?

-می تونم با کارت اعتباری پرداخت کنم؟ -کَن آی پی ویذ اِ کْرِدِت کاد؟

B: Yes. We accept credit cards.

-بله. ما کارت اعتباری را قبول می کنیم. -یِس. وی اِکسِپت کْرِدِتس کادز.



A: What should I do?

-من باید چه کار کنم؟ واتْ شُد آی دو؟

B: Insert the ATM card.

-کارت را در دستگاه خود پرداز قرار دهید. -اینسِرت ذی اِی تی اِم کاد.

واژگان

	Forms of Payment	فُرمز آو پِی مِنت	شکل های پرداخت
1	cash	کَش	۱ نقدی
2	check	چِک	۲ چک
	a check number	چِک نامبِ	شماره چک
	b account number	اکُونت نامبِ	شماره حساب
3	credit card	کْرِدِت کاد	۳ کارت اعتباری
	a credit card number	کْرِدِت کاد نامبِ	شماره کارت اعتباری
4	money order	مانی اُد	۴ حواله
5	traveler's check	تْرَوِلز چِک	۵ چک مسافرتی



	Household Bills	هَوس هُولد بِلز	صورتحساب های خانگی
6	rent	رِنت	۶ اجاره
7	mortgage payment	مُرگِج پی مِنت	۷ رسید پرداخت ودیعه
8	electric bill	ایلِکتْرِک بِل	۸ صورتحساب برق
9	telephone bill	تِلِفُون بِل	۹ قبض تلفن
10	gas bill	گَس بِل	۱۰ قبض گاز
11	oil bill/heating bill	آیل بِل/ هیتینگ بِل	۱۱ قبض بنزین/ قبض سوخت
12	water bill	واتِ بِل	۱۲ قبض آب
13	cable TV bill	کِیبْل تی وی بِل	۱۳ قبض تلویزیون کابلی
14	car payment	کار پِیمِنت	۱۴ پرداخت قسط ماشین
15	credit card bill	کْرِدِت کاد بِل	۱۵ صورتحساب کارت اعتباری



Family Finances فَملی فاینِن سیز امور مالی شخصی

16 balance the checkbook بَلِنس ذِ چکبُک ۱۶ موازنه حساب های دسته چک
17 write a check رایت ا چک ۱۷ نوشتن چک
18 bank online بَنک آنلاین ۱۸ بانک آنلاین
19 checkbook چکبُک ۱۹ دسته چک
20 check register چک رِجستِ ۲۰ ثبت چک ها
21 monthly statement مانثلی سْتیتمنت ۲۱ صورت کارکرد ماهیانه

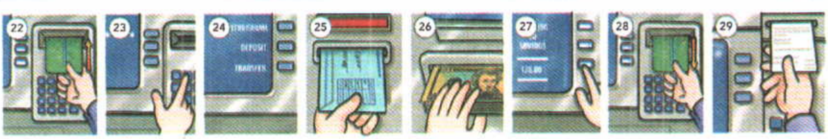


Using an ATM Machine یوزینگ اَن اِی تی اِم مِش استفاده از دستگاه خودپرداز

22 Insert the ATM card. ۲۲ کارت را در دستگاه خود پرداز قرار دهید.
اینسِت ذی اِی تی اِم کاد.

23 Enter your PIN number/ personal identification number.
اِنتِ یُ پین نامبِ/ پسِنَل آی دِن تیفی کِشِن نامبِ.
۲۳ شماره هویت شخصی خود را وارد کنید.

24 Select a transaction. سیلکت ا ترَنزاَکشِن. ۲۴ یکی از عملیات را انتخاب کنید.
25 Make a deposit. میک ا دیپازِت. ۲۵ پرداخت کنید.
26 Withdraw/Get cash. ویثدرا/ گِت کَش. ۲۶ برداشت کنید/ پول نقد بگیرید.
27 Transfer funds. ترانس فِ فاندز. ۲۷ پول انتقال دهید.
28 Remove your card. ریموو یُ کاد. ۲۸ کارت تان را بردارید.
29 Take your transaction slip/ receipt. ۲۹ رسید عملیات تان را بردارید.
تِیک یُ ترَنزاَکشِن سلِپ/ ریسیت.



12

The Post Office

اداره پست



A: Where are you going?
-وِر آ یو گوئینگ؟
-داری کجا میری؟

B: To the post office. I have to mail a parcel.
-تو ذِ پُوست آفِس. آی هَف تو مِیل اِ پاسِل.
-به اداره پست. من باید یک بسته را پست کنم.



A: Next! -نِکست!
-نفر بعدی!

B: I'd like a stamp, please.
-آید لایک اِ سَتَمپ، پلیز.
-من یک تمبر می خواهم، لطفا.

A: Here you are. -هییِ یو آ.
-بفرمائید.



A: How do you want to send it?
-هاو دو یو وانت تو سِند اِت؟
-چگونه می خواهید اونو بفرستید؟

B: Parcel post, please.
-پاسِل پُوست، پُلیز.
-با پست امانت، لطفا.



A: Do you want me to mail this letter?
-دو یو وانت می تو مِیل ذِس لِتِ؟
-آیا می خواهی این نامه را برات پست کنم؟

B: Yes, thanks. -یِس، ثَنکس.
-بله، متشکرم.

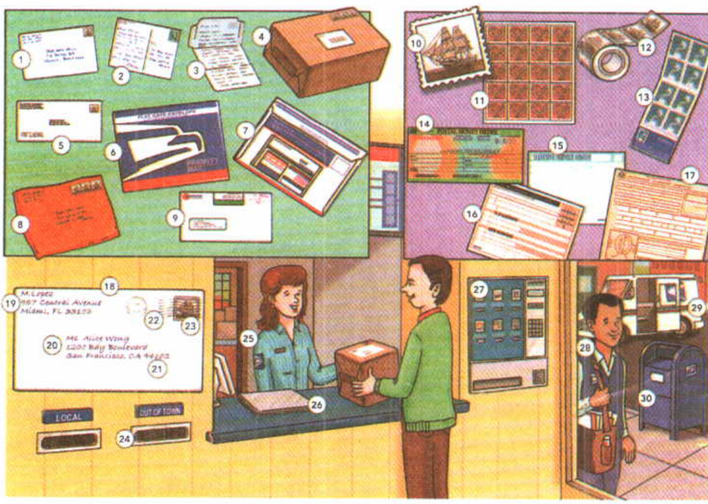
A: Oops! You forgot the return address!
-اوپس! یو فِگات ذِ ریتِن اِدرِس!
-آخ! تو آدرس فرستنده را فراموش کردی!

واژگان

1	letter	لِتِ	۱ نامه
2	postcard	پُوست کاد	۲ کارت پستال
3	air letter/ aerogramme	اِر لِتِ/ اِرگرَم	۳ نامه هوائی
4	package/parcel	پَکِج/ پاسِل	۴ بسته
5	first class	فِست کْلَس	۵ درجه یک
6	priority mail	پْرِیارِتی مِیل	۶ پست پیشتاز
7	express mail/ overnight mail	اِکسپْرِس مِیل/ اُونایت مِیل	۷ پست اکسپرس
8	parcel post	پاسِل پُوست	۸ پست امانت

اداره پست

9 certified mail	سِتی فاید مِیل	۹ پست سفارشی
10 stamp	سْتَمپ	۱۰ تمبر
11 sheet of stamps	شیت آو سْتَمپس	۱۱ ورقه تمبر
12 roll of stamps	رُول آو سْتَمپس	۱۲ حلقه تمبر
13 book of stamps	بُک آو سْتَمپس	۱۳ آلبوم تمبر
14 money order	مانی اُدِ	۱۴ سفارش پول
15 selective service registration form	سِلِکتیو سِوِس رِجِس ترِیشِن (فُ)(ر)م	۱۵ فرم ثبت نام نظام وظیفه
16 change-of-address form	چینج-آو-اِدرِس فُم	۱۶ فرم تغییر آدرس
17 passport application form	پَسپُت اَپلِکِیشِن فُم	۱۷ فرم تقاضای گذرنامه
18 envelope	اِنوِلوپ	۱۸ پاکت
19 return address	ریتِن اِدرِس	۱۹ آدرس فرستنده
20 mailing address	مِیلینگ اِدرِس	۲۰ آدرس گیرنده
21 zip code	زیپ کُود	۲۱ کد پستی
22 postmark	پُوست ماک	۲۲ مهر باطله
23 stamp/postage	سْتَمپ/ پُوستِج	۲۳ تمبر/ مهر تمبر
24 mail slot	مِیل سْلات	۲۴ شکاف صندوق پست
25 postal worker/ postal clerk	پُستال وِکِ/ پُستال کْلِ(ر)ک	۲۵ کارمند پست
26 scale	سْکِیل	۲۶ ترازو
27 stamp machine	سْتَمپ مِشین	۲۷ دستگاه فروش تمبر
28 letter carrier/ mail carrier	لِتِ کَری یِ/ مِیل کَری یِ	۲۸ نامه رسان
29 mail truck	مِیل تْراک	۲۹ وانت پست
30 mailbox	مِیل باکس	۳۰ صندوق پست



12

The Library

کتابخانه



A: Excuse me. Where's the online catalog?

-ببخشید. فهرست آنلاین کجاست؟

-اِکسکیوز می. وِز ذی آنلاین کَتِلاگ؟

B: Over there, next to the card catalog.

-اونجا، کنار فهرست کارتی.

-اُوِ ذِ، نِکست تو ذِ کاد کَتِلاگ.



A: Excuse me. Where can I find a dictionary?

-اِکسکیوز می. وِ کِن آی فایند اِ دِکشِنری؟

-ببخشید. کجا می تونم فرهنگ لغت پیدا کنم؟

B: Look in the reference section.

-به قسمت مرجع نگاه کنید.

-لُک این ذِ رِفرِنس سِکشِن.

A: I'm having trouble finding a book.

-من در پیدا کردن یک کتاب مشکل دارم.

آیم هَوینگ تُرابِل فایندینگ اِ بُک.

B: Do you know the author?

-شما مولف را می شناسید؟

-دو یو نُو ذی آثِ؟

A: Yes. ... .

-بله. ... .

-یِس. ... .

A: Excuse me. I'd like to check out this atlas.

-ببخشید. من می خوام این اطلس را امانت بگیرم.

-اِکسکیوز می. آید لایک تو چِک اَوت ذِس اَتلِس.

B: I'm sorry. It must remain in the library.

-متاسفم. این باید در کتابخانه بمونه.

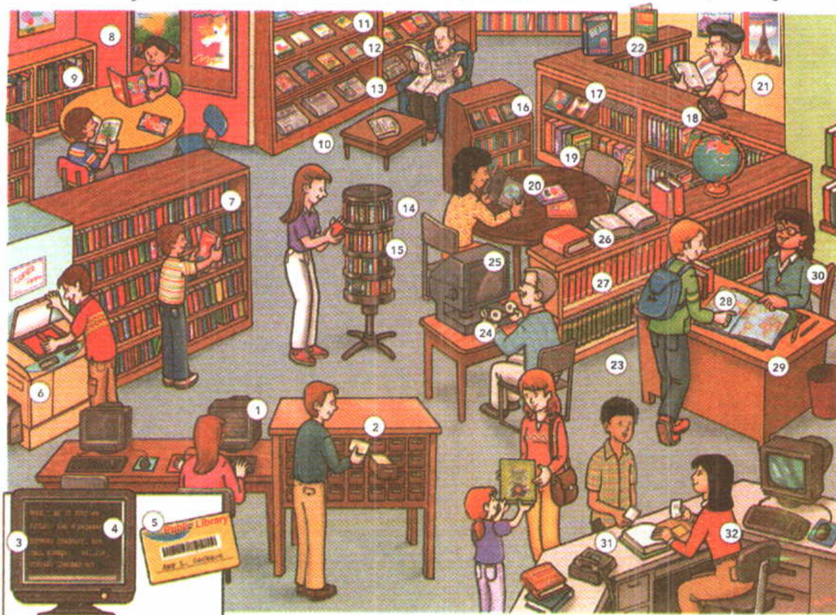
-آیم ساری. اِت ماست ریمِین این ذِ لایبرِری.

واژگان

1	online catalog	آنلاین کَتِلاگ	۱	فهرست آنلاین
2	card catalog	کاد کَتِلاگ	۲	فهرست کارتی
3	author	آثِ	۳	مولف- نویسنده
4	title	تایتِل- تایدِل	۴	عنوان
5	library card	لایبرِری کاد	۵	کارت کتابخانه
6	copier/ photocopier/ copy machine	کاپِی/ فُوتُو کاپِی/ کاپی مِشین	۶	دستگاه فتو کپی
7	shelves	شِلوِز	۷	قفسه ها
8	children's section	چِلدرِنز سِکشِن	۸	بخش کودکان
9	children's books	چِلدرِنز بُکس	۹	کتاب های کودکان
10	periodical section	پیریادِکال سِکشِن	۱۰	بخش مجلات دوره ای
11	journals	جِ(ر)نالز	۱۱	نشریات
12	magazines	مَگزینز	۱۲	مجلات

کتابخانه

13 newspapers	نوزپیپِز	۱۳ روزنامه ها
14 media section	مِدیا سِکشِن	۱۴ بخش رسانه ها
15 books on tape	بُکس آن تِیپ	۱۵ کتابهای ضبط شده در کاست
16 audiotapes	آدیوتِیپِس	۱۶ نوارهای شنیداری
17 CDs	سی دیز	۱۷ سی دی ها
18 videotapes	ویدیو تِیپِس	۱۸ نوارهای ویدیوئی
19 (computer) software	(کِمپیوتِ) سافت وِ(ر)	۱۹ نرم افزار (کامپیوتری)
20 DVDs	دی وی دیز	۲۰ دی وی دی ها
21 foreign language section	فارِن لَنگواج سِکشِن	۲۱ بخش زبان خارجی
22 foreign language books	فارِن لَنگواج بُکس	۲۲ کتاب های زبان خارجی
23 reference section	رِفرِنس سِکشِن	۲۳ بخش مرجع
24 microfilm	مایکرُوفِلم	۲۴ میکروفیلم
25 microfilm reader	مایکرُوفِلم ریدِ	۲۵ میکروفیلم خوان
26 dictionary	دِکشِنری	۲۶ فرهنگ لغت
27 encyclopedia	انسایکلُوپیدیا	۲۷ دائره المعارف
28 atlas	اَتلِس	۲۸ اطلس
29 reference desk	رِفرِنس دِسک	۲۹ میز کتاب های مرجع
30 (reference) librarian	(رِفرِنس) لایبرِرین	۳۰ کتابدار (کتاب های مرجع)
31 checkout desk	چِک أوت دِسک	۳۱ میز امانت کتاب
32 library clerk	لایبرِری کلِ(ر)ک	۳۲ کارمند کتابخانه



12 Community Institutions

موسسات اجتماعی



A: Where are you going?

-وِ آ یو گوئینگ؟ -داری کجا میری؟

B: I'm going to the police station.

-آیم گوئینگ تو ذِ پلیس سْتِیشِن. -دارم به اداره پلیس میرم.



A: What do you do?

-وات دو یو دو؟ -شما چکاره هستید؟

B: I'm a firefighter. -من آتش نشان هستم.

-آیم اِ فایِ فایتِ.



A: Do you hear a siren?

-دو یو هیی اِ سایرِن؟ -صدای آژیر را می شنوی؟

B: Yes. There's an ambulance behind us.

-یس. ذِ(ر)ز آن آمبیولنس بیهایند آس.

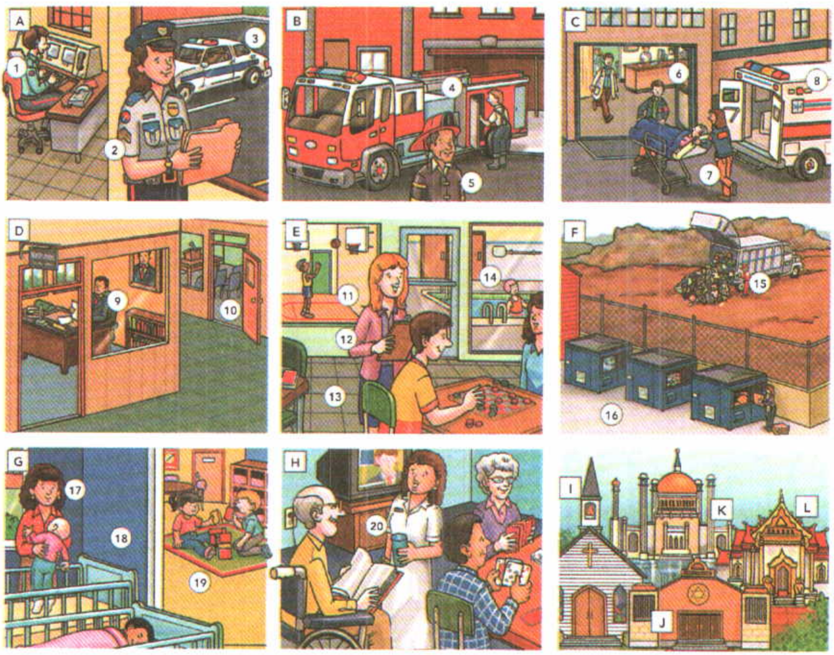
-بله. یک آمبولانس پشت سر ما است.

واژگان

A	police station	پلیس سْتِیشِن	اداره پلیس	A
B	fire station	فایِ سْتِیشِن	اداره آتش نشانی	B
C	hospital	هاسپِتُل	بیمارستان	C
D	town hall/city hall	تَون هال/ سیتی هال	تالار شهر	D
E	recreation center	رِکری ایشِن سِنتِ	مرکز تفریحی	E
F	dump	دامپ	محل تخلیه زباله	F
G	child-care center	چایلد-کِ(ر) سِنتِ	مهد کودک	G
H	senior center	سینیِ سِنتِ	خانه سالمندان	H
I	church	چِ(ر)چ	کلیسا	I
J	synagogue	سینِگاگ	کنیسه	J
K	mosque	ماسک	مسجد	K
L	temple	تِمپِل	معبد	L
1	emergency operator	ایمِجِنسی آپِریتِ	اپراتور اورژانس	۱
2	police officer	پلیس آفِسِ	افسر پلیس	۲
3	police car	پلیس کا(ر)	اتومبیل پلیس	۳
4	fire engine	فایِ اِنجین	ماشین آتش نشانی	۴
5	firefighter	فایِ فایتِ	آتش نشان	۵
6	emergency room	ایمِجِنسی روم	اطاق اورژانس	۶
7	EMT/paramedic	ئی اِم تی/ پَرمِدیک	مسئول اورژانس	۷
8	ambulance	آمبیولنس	آمبولانس	۸

موسسات اجتماعی

9	mayor/city manager	مِیِ(ر)/ سیتی مَنِجِ	۹ شهردار
10	meeting room	میتینگ روم	۱۰ اطاق جلسات
11	gym	جیم	۱۱ ورزشگاه- مرکز ورزشی
12	activities director	اَکتیوِتیز دِرِکتِ	۱۲ مدیر فعالیت ها
13	game room	گِیم روم	۱۳ اطاق بازی
14	swimming pool	سوئیمینگ پول	۱۴ استخر شنا
15	sanitation worker	سَنِیتِیشِن وِکِ	۱۵ کارگر بهداشت محیط
16	recycling center	ری سایکلینگ سِنتِ	۱۶ مرکز بازیافت(زباله)
17	child-care worker	چایلد-کِ وِکِ	۱۷ کارمند مهد کودک
18	nursery	نِ(ر) سری	۱۸ مهد کودک
19	playroom	پْلِی روم	۱۹ اطاق بازی
20	eldercare worker/ senior care worker	اِلدِکِ وِکِ/ سینیِ کِ وِکِ	۲۰ کارمند خانه سالمندان



12 Crime & Emergencies

جنایت و موارد اورژانسی



A: I want to report a car accident.

-آی وانت تو ریپُت اِ کا(ر) آکسیدِنت.

-من می خوام یک تصادف اتومبیل را گزارش بدم.

B: What's your location?

-واتس یُ لُوکِیشِن؟

-موقعیت تان چیه؟

A: I am on Main Street.

-آی اَم آن مِین سْ تریت.

-من در خیابان مِین هستم.



A: Why is this street closed?

-وای اِز دِس سْتْریت کْلُوزد؟

-چرا این خیابان بسته است؟

B: It's closed because of a gas leak.

-اِتس کْلُوزد بیکاز آوِ گَس لیک.

-اون به خاطر نشت گاز بسته است.



A: I'm very concerned about the amount of vandalism in our community.

-آیم وِری کِنسِند اِبوت ذی اِمَونت آو وَندِلیزِم این آوِ کِمیونتی.

-من خیلی نگران میزان ویرانگری در جامعه مان هستم.

B: I agree. Vandalism is a very serious problem.

-آی اِگری. وَندِلیزِم اِز اِ وِری سی ریس پْرابلِم.

-من موافقم. ویرانگری مسئله بسیار حادی است.

واژگان

1 car accident	کا(ر) آکسیدِنت	تصادف اتومبیل	۱
2 fire	فایِ	آتش سوزی	۲
3 explosion	اِکس پْلوژِن	انفجار	۳
4 robbery	رابِری	سرقت	۴
5 burglary	بِگْلِ ری	سرقت از منازل	۵
6 mugging	ماگینگ	زور گیری	۶



جنایت و موارد اورژانسی

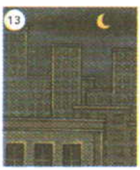
7 kidnapping	کِدنَپینگ	۷ آدم ربائی
8 lost child	لاست چایلد	۸ فرزند گمشده
9 car jacking	کا(ر) جَکینگ	۹ ماشین دزدی
10 bank robbery	بَنک رابِری	۱۰ سرقت از بانک
11 assault	اِسُلت	۱۱ ضرب و شتم
12 murder	مِ(ر)دِ	۱۲ قتل








13 blackout/power outage	بْلَک اَوت/ پاوِ اَوتیج	۱۳ قطع شدن برق
14 gas leak	گَس لیک	۱۴ نشت گاز
15 water main break	واتِ مِین بْریک	۱۵ شکستگی لوله اصلی آب
16 downed power line	دَوْنْد پاوِ لاین	۱۶ افتادن سیم برق
17 chemical spill	کِمِکال سْپِل	۱۷ ریختن مواد شیمیائی
18 train derailment	تْرِین دی رِیل مِنت	۱۸ خارج شدن قطار از ریل








19 vandalism	وَندِلیزِم	۱۹ ویرانگری
20 gang violence	گَنگ وایِلِنس	۲۰ خشونت گروهی
21 drunk driving	دْرانک دْرایوینگ	۲۱ رانندگی در حالت مستی
22 drug dealing	دْراگ دیلینگ	۲۲ خرید و فروش مواد مخدر






13 Personal Care
مراقبت فردی

At the Barber's
در آرایشگاه مردانه

A: May I have an appointment for tomorrow?
می آی هَو اَن اِپُینت مِنت فُ تِمارُو؟
-میشه من برای فردا وقت بگیرم؟



B: What would you like?
وات وُد یو لایک؟
-کارشما چیه؟

A: I would like a haircut.
آی وُد لایک اِ هِ(ر)کات.
-من می خوام موهامو کوتاه کنم.

I'd like my hair trimmed. آید لایک مای هِ(ر) تْرِمد.
می خوام موهامو اصلاح کنم.

I'd like a shampoo. آید لایک اِ شَمپو.
می خوام موهام شامپو بشه.

Leave it a little longer in the front.
لیو اِت اِ لِتِّل لانگِ این ذِ فْرانت.
جلوی موهام یک کم بلندتر بمونه.

Leave it a little longer on the sides.
لیو اِت اِ لِتِّل لانگِ آن ذِ سایدز.
کناره ها یک کم بلند تر بمونه.

Leave it a little longer in the back.
لیو اِت اِ لِتِّل لانگِ این ذِ بَک.
پشتش یک کم بلندتر بمونه.

Leave it a little longer on the top.
لیو اِت اِ لِتِّل لانگِ آن ذِ تاپ.
بالای موهام یک کم بلند تر بمونه.

Cut it short. کات اِت شُ(ر)ت.
کوتاهش کنید.

Cut it a little shorter. کات اِت اِ لِتِّل شُ(ر)تِ.
یک کم کوتاه تر کنید.

Trim my beard. ترِم مای بی یِد.
ریشم را اصلاح کنید.

Trim my mustache. ترِم مای ماستَش.
سبیلم را اصلاح کنید.

Trim my sideburns. ترِم مای سایدبِنز.
دورگوشهایم را اصلاح کنید.

Cut more right here. کات مُ(ر) رایت هی یِ.
اینجا را بیشتر کوتاه کنید.

Cut more right here with the razor.
کات مُ(ر) رایت هییِ ویذ ذِ ریزِ.
درست اینجارو با تیغ بیشتر کوتاه کنید.

Cut more right here with the scissors.
کات مُ(ر) رایت هییِ ویذ ذِ سیزِز.
درست اینجارو با قیچی بیشتر کوتاه کنید.

Would you like it washed?
وُد یو لایک اِت واشت؟
می خواهید موهایتان را بشویم؟

Do you want a conditioner?
دو یو وانت اِ کِندِشنِ؟
نرم کننده می خواهید؟

It's fine like that. اِتس فاین لایک ذَت.
همونجوری خوبه.

Personal Care
مراقبت فردی

At the Beauty Parlor
در سالن زیبائی



I need to go to a hairdresser.
آی نید تو گُو تو اِ هِ(ر)دْرِس.
من می خوام به آرایشگاه برم.

Is there a beauty salon in this hotel?
اِز ذِ اِ بیوتی سَلِن این ذِس هُوتِل؟
آیا در این هتل سالن زیبائی هست؟

Is there a long wait?
اِ ذِ اِ لانگ وِیت؟
خیلی باید منتظر بمونم؟

Do I need an appointment?
دو آی نید اَن اِپِینتمِنت؟
باید وقت بگیرم؟

May I make an appointment for tomorrow?
مِی آی مِیک اَن اِپینت مِنت فُ تِمارو؟
می تونم برای فردا وقت بگیرم؟

I'd like a shampoo.	آید لایک اِ شَمپو.	می خوام شامپو کنم.
I'd like a blow dry.	آید لایک اِ بْلُو دْرای.	می خوام سشوار کنم.
I'd like a set.	آید لایک اِ سِت.	می خوام موهامو مرتب کنید.
I'd like a permanent.	آید لایک اِ پِمِنِنت.	می خوام موهام فر بشه.
I'd like a manicure.	آید لایک اِ مَنی کیوِر.	میخوام مانیکور کنم.
I'd like my hair colored.	آید لایک مای هِ کالِد.	می خوام موهامو رنگ کنم.
I'd like a color rinse.	آید لایک اِ کالِ رینس.	می خوام موهام شسته و رنگ بشه.
Could I see the color?	کُد آی سی ذِ کالِ؟	میشه رنگ را ببینم؟
I prefer red.	آی پْریفِ رِد.	من قرمز را ترجیح میدم.
I prefer ash blond.	آی پْریفِ اَش بلاند.	من بلوند خاکستری را ترجیح میدم.
I prefer light blond.	آی پْریفِ لایت بلاند.	من بلوند روشن را ترجیح میدم.
I prefer a darker shade.	آی پْریفِ اِ داکِ شِید.	من زمینه تیره تر را ترجیح میدم.
I prefer a lighter shade.	آی پْریفِ اِ لایتِ شِید.	من زمینه روشن تر را ترجیح میدم.
Use hairspray.	یوز هِرسْپْرِی.	از اسپری مو استفاده کنید.
No hairspray.	نُو هِرسْپْرِی.	از اسپری مو استفاده نکنید.
That's perfect.	ذَتس پِفکت.	عالی است.
hairdresser's	هِردرِسِز	آرایشگاه زنانه
beauty salon	بیوتی سَلِن	سالن زیبائی
face-pack	فِیس-پَک	ماسک صورت
dye	دای	رنگ مو
hair gel	هِر جِل	ژل مو
shave	شِیو	شیو کردن
hairspray	هِرسْپْرِی	اسپری مو

14 Home
خانه

Types of Housing
انواع خانه



A: Where do you live?
-وِ دو یو لِو؟
-کجا زندگی می کنید؟

B: I live in the suburbs.
-آی لِو این دِ سابِبز.
-من در حومه شهر زندگی می کنم.

A: Town Taxi Company.
-تَون تَکسی کامپنی.
-شرکت تاون تاکسی.

B: Hello. Please send a taxi to 32 Rose street.
-هِلُو. پْلیز سِند اِ تَکسی تو ثِ(ر)تی تو رُز سْتْریت.
-الو. لطفا یک تاکسی به خیابان رز شماره ۳۲ بفرستید.

A: Is that a house or an apartment building?
-اِز ذَت اِ هَوس اُ(ر) آن اِپاتمِنت بِلدینگ؟
-اون خونه است یا آپارتمانه؟

B: It's an apartment.
-اِتس آن اِپاتمِنت.
-این آپارتمان است.

A: All right. We'll be there right away.
-آل رایت. ویل بی ذِ(ر) رایت اِوِی.
-بسیار خوب. الساعه آنجا خواهیم بود.

A: This is the Emergency Operator.
-ذِس اِز ذی ایمِجِنسی آپریتِ.
-من اپراتور اورژانس هستم.

B: Please send an ambulance to 44 Main Avenue.
-پْلیز سِند آن اَمبیولِنس تو فُتی فُ مِین اَونو.
-لطفا یک آمبولانس به خیابان مِین شماره ۴۴ بفرستید.

A: Is that a private home?
-اِز ذَت اِ پْرای وِت هُوم؟
-اون یک خونه شخصیه؟

B: Yes, it's a private home.
-یِس، اِتس اِ پْرای وِت هُوم.
-بله، این یک خونه شخصی یه.

A: What's your name and telephone number?
-واتس یُ نِیم اَند تِلِفُون نامبِ؟
-اسم و شماره تلفن تون چیه؟

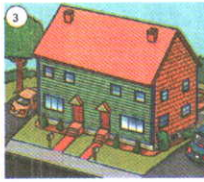
B: Alice Dawson, 555-764-22.
-آلِس داسِن، فایو فایو فایو-سِوِن سِکس فُ- تو تو.
-آلیس داوسون، ۲۲-۷۶۴-۵۵۵.

واژگان

1	apartment building	اِپاتمِنت بِلدینگ	۱ ساختمان آپارتمانی
2	house	هَوس	۲ خانه
3	duplex/two-family house	داپلِکس/ تو-فَمِلی هَوس	۳ خانه دو واحدی
4	townhouse/ townhome	تَون هَوس/ تَون هُوم	۴ خانه شهری

انواع خانه



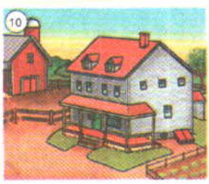
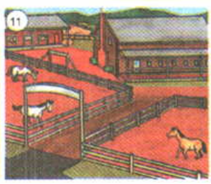



5	condominium/condo	کاندِمینیِ م/ کاندو	۵ مجتمع مسکونی
6	dormitory/dorm	دامِتری/ دا(ر)م	۶ خوابگاه
7	mobile home	مُوبایل هُوم	۷ خانه پیش ساخته (متحرک)
8	nursing home	نِ سینگ هُوم	۸ خانه سالمندان

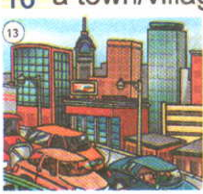
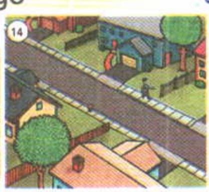





9	shelter	شِلتِ	۹ پناهگاه-آسایشگاه
10	farm	فا(ر)م	۱۰ خانه کشاورزی
11	ranch	رَنچ	۱۱ مزرعه و محل پرورش احشام
12	houseboat	هَوس بُوت	۱۲ خانه قایقی


13	the city	ذِ سیتی	۱۳ شهر
14	the suburbs	ذِ سابِبز	۱۴ حومه شهر
15	the country	ذِ کانتری	۱۵ ییلاق
16	a town/village	اِ تَون/ وِلِج	۱۶ شهرک/ روستا



14

The Living Room اطاق نشیمن



A: Where are you?
-وِ(ر) آ (ر)یو؟ -کجائی؟
B: I'm in the living room.
-آیم این دِ لیوینگ روم. -من در اطاق نشیمن هستم.
A: What are you doing?
-وات آ(ر) یو دوئینگ؟ -داری چه کار می کنی؟
B: I'm dusting the bookcase.
-آیم داستینگ دِ بُک کِیس. -دارم کتابخونه را گردگیری می کنم.

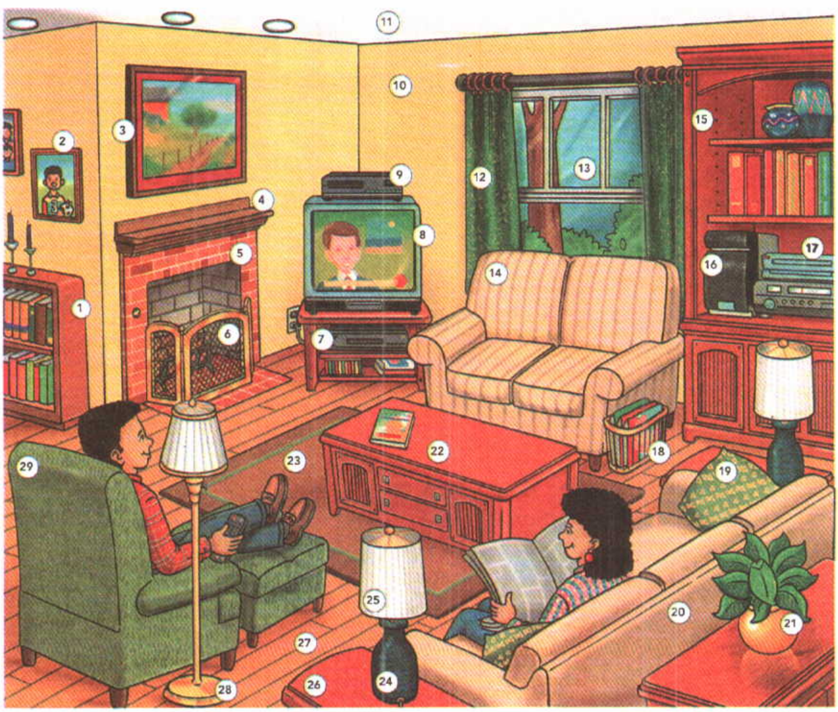
A: You have a very nice living room!
-یو هَو اِ وِری نایس لیوینگ روم! -شما اطاق نشیمن خیلی قشنگی دارید!
B: Thank you. -تَنک یو. -متشکرم.
A: Your fireplace is beautiful!
-یُ فایِ پْلِیس اِز بی یو تِفُل! -شومینه تون قشنگه!
B: Thank you for saying so.
-تَنک یو فُ سِ ئینگ سُو. -از این که اینو می گین ممنونم.
A: Uh-oh! I just spilled coffee on your sofa!
-آ-اُو! آی جاست سِ پلت کافی آن یُ سُوفِ! -ای وای! من روی مبل تون قهوه ریختم!
B: That's okay. Don't worry about it.
-ذَتس اُوکِی. دُونت واری اِبوت اِت. -اشکالی نداره. نگران اون نباش.

واژگان

1	bookcase	بُک کِیس	۱ کتابخانه
2	picture/photograph	پِکچِ/ فُوتِگرَف	۲ عکس
3	painting	پِین تینگ	۳ نقاشی
4	mantel	مَنتِل	۴ سربخاری- تاقچه
5	fireplace	فایِ پْلِیس	۵ شومینه
6	fireplace screen	فایِ پْلِ یس سِ کْرین	۶ محافظ شومینه
7	VCR/video cassette recorder	وی سی آر/ ویدیو کَسِت ری کُ دِ	۷ پخش ویدیو
8	television/TV	تِل وی ژِن/ تی وی	۸ تلویزیون
9	DVD player	دی وی دی پْ لِ یِ	۹ دستگاه دی وی دی
10	wall	وال	۱۰ دیوار
11	ceiling	سیلینگ	۱۱ سقف
12	drapes	دْرِیپس	۱۲ پرده
13	window	وِندُو	۱۳ پنجره

14 اطاق نشیمن

14	loveseat	لاوْ سیت	کاناپه دو نفره	۱۴
15	wall unit	وال یونِت	کمد دیواری	۱۵
16	speaker	سْ پیکِ	بلندگو	۱۶
17	stereo system	سْ تیر یُو سیستِم	سیستم پخش استریو	۱۷
18	magazine holder	مَگزین هُولدِ	جا مجله ای	۱۸
19	(throw) pillow	(ثْ رُو) پیلُو	کوسنِ مبل	۱۹
20	sofa/couch	سُوفِ/ کَوچ	مبل	۲۰
21	plant	پلَنت	گیاه	۲۱
22	coffee table	کافی تِیبُل	میز وسط	۲۲
23	rug	راگ	قالیچه	۲۳
24	lamp	لَمپ	لامپ- آباژور	۲۴
25	lampshade	لَمپ شِید	کلاهک آباژور	۲۵
26	end table	اِند تِیبُل	میز عسلیِ کنار مبل	۲۶
27	floor	فْ لُ(ر)	کف زمین	۲۷
28	floor lamp	فْ لُ(ر) لَمپ	آباژور پایه بلند	۲۸
29	armchair	آ(ر)م چِ(ر)	مبل راحتی	۲۹



14

The Dining Room — اطاق پذیرائی



A: This dining room table is very nice.
-ذِس داینینگ روم تِیبُل اِز وِری نایس.
-این میز ناهارخوری خیلی قشنگه.
B: Thank you. It was a gift from my mother.
-ثَنک یو. اِت واز اِ گِفت فُرام مای ماذِ.
-ممنون. این هدیه ای از طرف مادرم بود.

(In a store) **(در فروشگاه)**

A: May I help you? -مِی آی هِلپ یو؟ -می تونم کمکتون کنم؟
B: Yes, please. Do you have pitchers?
-یِس، پْلیز. دو یو هَو پِچِز؟ -بله، لطفا. شما پارچ دارین؟
A: Yes. Pitchers are right over there.
-یِس. پِچِز آ رایت اُوِ ذِ. -بله. پارچ ها درست اونجا هستند.
B: Thank you. -ثَنک یو. -متشکرم.

(At home) **(در خانه)**

A: Look at this old pitcher I just bought!
-لُک اَت ذِس اُولد پِچ آی جاست بات! -به این پارچ قدیمی که به تازگی خریدم نگاه کن!
B: Where did you buy it? -وِ دِد یو بای اِت؟ -اینو از کجا خریدی؟
A: At a yard sale. How do you like it?
-اَت اِ یا(ر)د سِیل. هاو دو یو لایک اِت؟ -از یک حراجی خانگی. نظرت راجع به اون چیه؟
B: It's VERY unusual! -اِتس وِری آن یوژوِال! -اون خیلی عجیب و غریبه!

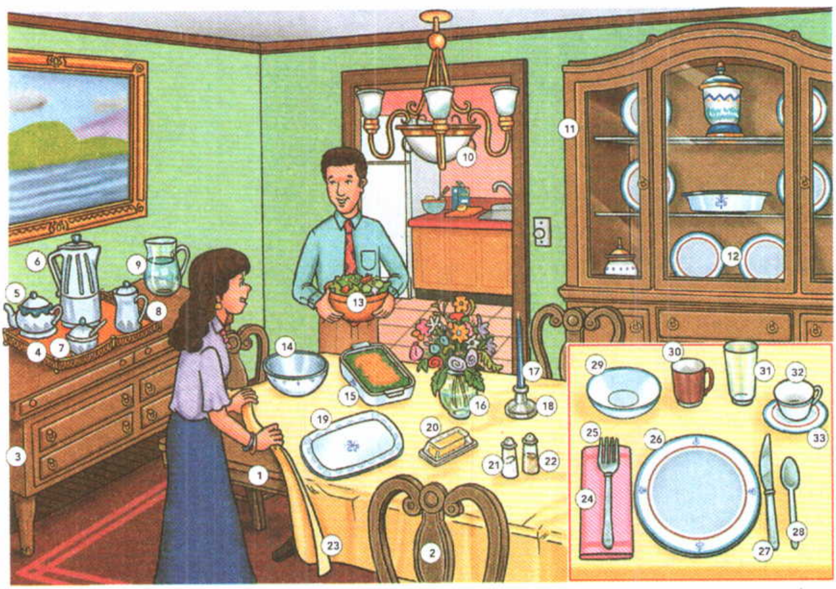
واژگان

1	(dining room) table	(داینینگ روم) تِیبُل	میز (ناهارخوری)	۱
2	(dining room) chair	(داینینگ روم) چِ	صندلی (ناهارخوری)	۲
3	buffet	بِفِی- بافیت	گنجه	۳
4	tray	تْرِی	سینی	۴
5	teapot	تی پات	قوری	۵
6	coffee pot	کافی پات	قهوه جوش	۶
7	sugar bowl	شُگِ بُول	ظرف شکر	۷
8	creamer	کْرِی مِ	ظرف خامه	۸
9	pitcher	پِچِ(ر)	پارچ	۹
10	chandelier	شاندِلیِ(ر)	لوستر	۱۰
11	china cabinet	چاینِ کَبِنِت	کابینت ظروف چینی	۱۱
12	china	چاینِ	ظرف چینی	۱۲
13	salad bowl	سَلِد بُول	سالاد خوری	۱۳

14

اطاق پذیرائی

14 serving bowl	سِروینگ بُول	۱۴ قدح سرو غذا
15 serving dish	سِروینگ دِش	۱۵ ظرف سرو غذا
16 vase	وِیس	۱۶ گلدان
17 candle	کَندِل	۱۷ شمع
18 candlestick	کَندِل سْتِک	۱۸ شمعدان
19 platter	پْلَتِ	۱۹ دیس بیضی
20 butterdish	باتِ دِش	۲۰ ظرف کَره
21 salt shaker	سالت شِیکِ	۲۱ نمکدان
22 pepper shaker	پِپِ شِیکِ	۲۲ فلفلدان
23 tablecloth	تِیبِل کْلاث	۲۳ رومیزی
24 napkin	نَپ کِن	۲۴ دستمال سفره
25 fork	فُ(ر)ک	۲۵ چنگال
26 plate	پْ لِیت	۲۶ بشقاب
27 knife	نایف	۲۷ چاقو- کارد
28 spoon	سْ پون	۲۸ قاشق
29 bowl	بُول	۲۹ کاسه
30 mug	ماگ	۳۰ لیوان دسته دار
31 glass	گْ لَس	۳۱ لیوان
32 cup	کاپ	۳۲ فنجان
33 saucer	ساسِ(ر)	۳۳ نعلبکی



14

The Bedroom
اطاق خواب



A: Ooh! Look at that big bug!
-اوو! لُک اَت ذَت بیگ باگ! — -ووی! به اون حشره گنده نگاه کن!
B: Where? -وِ(ر)؟ — -کجاست؟
A: It's on the bed! -اِتس آن ذ بِد! — -اون روی تخت خوابه!
B: I'll get it. -آیل گِت اِت. — -من اونو می گیرم.

(In a store) (در فروشگاه)

A: Excuse me. I'm looking for a blanket.
اکسکیوز می. آیم لُکینگ فُ ا بْ لَنکیت. — -ببخشید. من دارم دنبال یک پتو می گردم.
B: We have some very nice blankets,
-وی هَو سام وِری نایس بْ لَنکیتس، — -ما چند جور پتوی خیلی خوب داریم،
and they're all on sale this week!
اَند ذِ(ر) آل آن سِیل ذِس ویک! — و همشون این هفته تو حراج هستند!
A: Oh, good! اُو، گُد! — -آه، خوبه!

(In a bedroom) (در اطاق خواب)

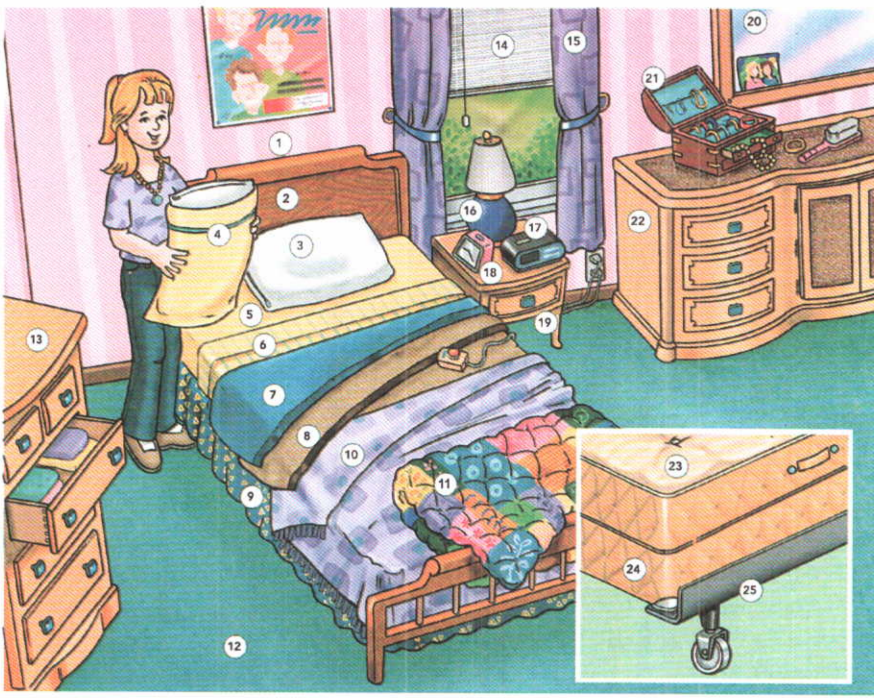
A: Oh, no! I just lost my contact lens!
-اُو، نُو! آی جاست لاست مای کانتَکت لِنز! — -آه، نه! من همین حالا لنزم را گم کردم!
B: Where? -وِ(ر)؟ — -کجا؟
A: I think it's on the carpet.
-آی ثِنک اِتس آن ذِ کا(ر)پِت. — -من فکر می کنم روی قالی باشد.
B: I'll help you look.
-آیل هِلپ یو لُک. — -من کمکت می کنم دنبالش بگردیم.

واژگان

1	bed	بِد	۱	تختخواب
2	headboard	هِد بُ(ر)د	۲	تخته بالای سر تختخواب
3	pillow	پیلُو	۳	بالش
4	pillowcase	پیلُو کِیس	۴	رو بالشی
5	fitted sheet	فِتِد شیت	۵	روکش ثابت تشک
6	(flat) sheet	(فْلَت) شیت	۶	ملافه
7	blanket	بْ لَنکیت	۷	پتو
8	electric blanket	ایلکترِک بْلَنکیت	۸	پتوی برقی
9	dust ruffle	داست رافُل	۹	روتختی تزئینی ثابت
10	bedspread	بِد سْ پْ رِد	۱۰	رو تختی ساده
11	comforter/quilt	کامفُ تِ/کُ اِلت	۱۱	لحاف
12	carpet	کا(ر)پِت	۱۲	فرش

اطاق خواب

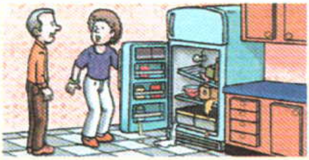
13	chest (of drawers)	چِست (آو دْراوِز)	۱۳ گنجه کشودار- دراور
14	blinds	بْلایندز	۱۴ پرده کرکره
15	curtains	کِ تِنز	۱۵ پرده
16	lamp	لَمپ	۱۶ چراغ-آباژور
17	clock radio	کْلاک رِیدیُو	۱۷ رادیو ساعتی
18	alarm clock	اِلا(ر) م کْلاک	۱۸ ساعت زنگ دار
19	night table/nightstand	نایت تِیبْل/ نایت سْتَند	۱۹ پای تختی
20	mirror	مِر(ر)	۲۰ آینه
21	jewelry box	جوالری باکس	۲۱ جعبه جواهر
22	dresser/bureau	دْرِسِ/ بیورُو	۲۲ میز آرایش
23	mattress	مَتْرِس	۲۳ تشک
24	box spring	باکس سْپْرینگ	۲۴ جعبه فنر تشک
25	bed frame	بِد فْرِیم	۲۵ قاب تختخواب



14

The Kitchen

آشپزخانه



A: I think we need a new refrigerator.

-آی ثِنک وی نید اِ نیو رِف ری جِ ری تِ.

-فکر می کنم یک یخچال نو لازم داشته باشیم.

B: I think you're right.

-آی ثِنک یُ(ر) رایت.

-فکر می کنم حق با تو باشد.

(In a store) **(در فروشگاه)**

A: Excuse me. Are your dish towels still on sale?

-اِکس کیوز می. آ یُ(ر) دِش تاوِلز سْتِل آن سِیل؟

-ببخشید. آیا حوله های آشپزخونه تون هنوز تو حراج هستند؟

B: Yes, they are. They're twenty percent off.

-یِس، ذِی آ. ذِ(ر) توانتی پِ سِنت آف.

-بله، هستند. اونا بیست درصد تخفیف دارند.

(In a kitchen) **(در آشپزخانه)**

A: When did you get this new toaster?

-وِن دید یو گِت ذِس نیو تُوستِ؟

-این توستر جدید را کی خریدی؟

B: I got it last week.

-آی گات اِت لَست ویک.

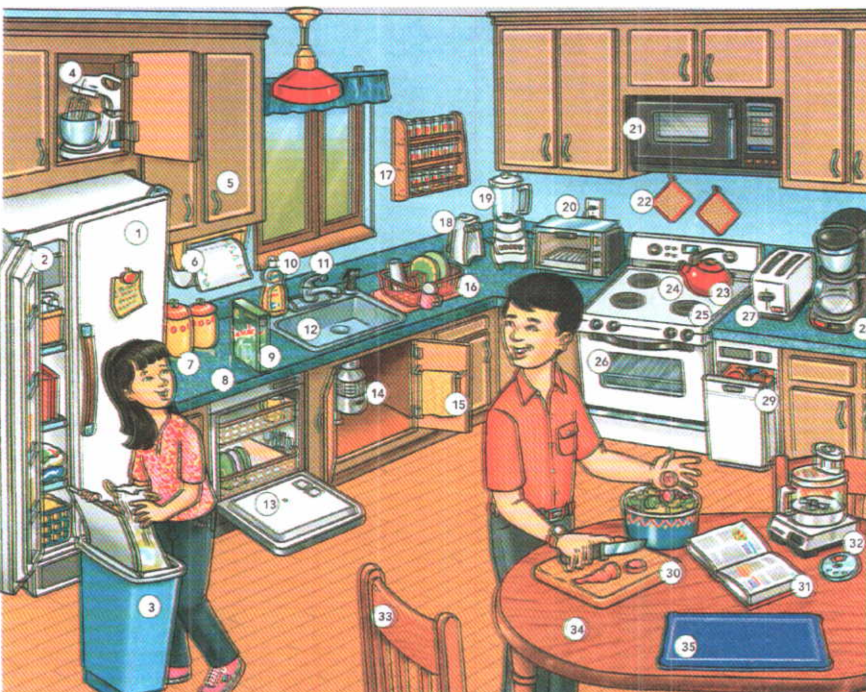
-اینو هفته قبل خریدم.

واژگان

1	refrigerator	رِف ری جِ ری تِ	۱ یخچال
2	freezer	فْ ریزِ	۲ فریزر
3	garbage pail	گابِج پِیل	۳ سطل زباله
4	(electric) mixer	(ایلِکترِک) مِکسِ	۴ مخلوط کن برقی
5	cabinet	کَبِنِت	۵ کابینت
6	paper towel holder	پِیپِ تاوِل هُولدِ	۶ جای حوله کاغذی
7	canister	کَنِستِ	۷ قوطی در دار
8	kitchen counter	کِچِن کَونتِ	۸ پیشخوان آشپزخانه
9	dishwasher detergent	دِش واشِ دیتِجِنت	۹ پودر ظرفشوئی
10	dishwashing liquid	دِش واشینگ لِکواد	۱۰ مایع ظرفشوئی
11	faucet	فاسِت	۱۱ شیر آب
12	kitchen sink	کِچِن سینک	۱۲ سینک آشپزخانه
13	dishwasher	دِش واشِ	۱۳ ماشین ظرفشوئی
14	garbage disposal	گابِج دیس پُوزَل	۱۴ دستگاه زباله خرد کن
15	dish towel	دِش تاوِل	۱۵ حوله برای ظروف آشپزخانه
16	dish rack/dish drainer	دِش رَک/ دِش دْرِینِ	۱۶ سبدِ ظروف بغل سینک
17	spice rack	سْپایس رَک	۱۷ جای ادویه جات
18	(electric) can opener	(ایلِکترِک) کَن اُوپِنِ	۱۸ درِ قوطی باز کن (الکتریکی)

آشپزخانه

19 blender	بِلِندِ	۱۹ مخلوط کن
20 toaster oven	تُوستِ آوِن	۲۰ توستر
21 microwave oven	مایکرِ وِیو آوِن	۲۱ مایکرو ویو
22 potholder	پات هُولدِ	۲۲ دستگیره ظروف آشپزخانه
23 tea kettle	تی کِتِل	۲۳ کتری چای
24 stove/range	سْتُو/ رِینج	۲۴ اجاق
25 burner	بِ(ر)نِ	۲۵ پخش کن شعله
26 oven	آوِن	۲۶ فر
27 toaster	تُوستِ	۲۷ توسترنان
28 coffeemaker	کافی میکِ	۲۸ قهوه ساز
29 trash compactor	تْرَش کِمپَکتِ	۲۹ فشرده ساز زباله
30 cutting board	کاتینگ بُ(ر)د	۳۰ تخته گوشت
31 cookbook	کُک بُک	۳۱ کتاب آشپزی
32 food processor	فود پْراسِس	۳۲ غذا ساز
33 kitchen chair	کِچِن چِ(ر)	۳۳ صندلی آشپزخانه
34 kitchen table	کِچِن تِیبِل	۳۴ میز آشپزخانه
35 placemat	پْ لِیس مَت	۳۵ زیر دیگی



14

The Baby's Room

اطاق نوزاد



A: Thank you for the teddy bear.
-برای خرس اسباب بازی متشکرم. -ثَنک یو فُ ذِ تِدی بِ(ر).
It's a very nice gift.
-این هدیه خیلی قشنگیه. -اِتس اِ وِری نایس گِفت.
B: You're welcome. Tell me, when are you due?
-خواهش می کنم. به من بگو، کی قراره فارغ بشی؟ -یُ(ر) وِلکِم. تِل می، وِن آ یو دو؟
A: In a few weeks. -این اِ فیو ویکس.
-تا چند هفته دیگه.

A: That's a very nice cradle. Where did you get it?
-اون گهواره خیلی قشنگه. از کجا خریدیش؟ ذَتس اِ وِری نایس کْریدِل. وِ(ر) دِد یو گِت اِت؟
B: It was a gift from my uncle.
-این هدیه ای از طرف دائی ام بود. -اِت واز اِ گِفت فْرام مای آنکِل.

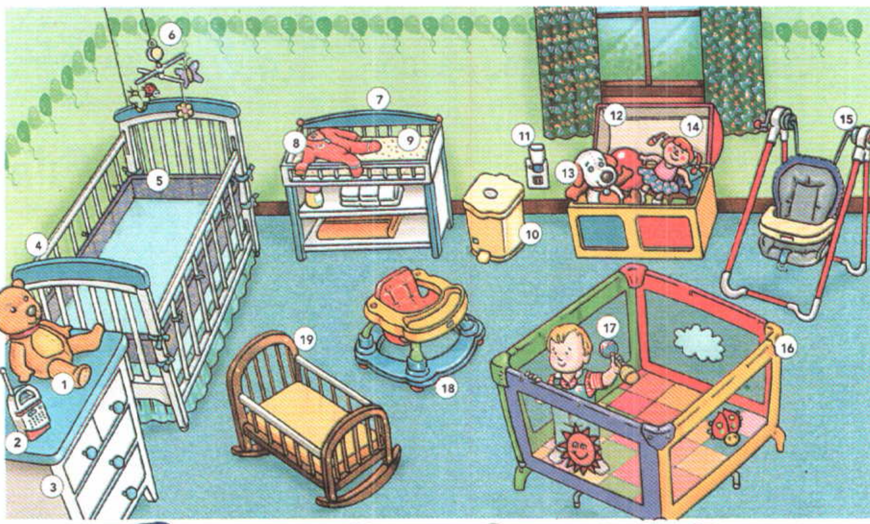
A: Do you have everything you need before the baby comes?
-آیا توهمه چیزهائی که قبل.از تولد بچه لازمه داری؟ دو یو هَو اِوری ثینگ یو نید بی فُ ذِ بیبی کامز؟
B: Almost everything. We're still looking for a stroller.
-آلمُوست اِوری ثینگ. وی اِ(ر) سْتِل لُکینگ فُ اِ ستْرولِ.
-تقریبا همه چیز رو. ما حالا داریم دنبال یک کالسکه می گردیم.

واژگان

1	teddy bear	تِدی بِ(ر)	خرس عروسکی	۱
2	baby monitor/intercom	بیبی مانِتِ/ اینتِکام	مانیتور نوزاد/ پیام گیر	۲
3	chest	چست	دراور	۳
4	crib	کْرِب	تخت بچه	۴
5	crib bumper	کْرِب بامپِ	ضربه گیر تخت	۵
6	mobile	مُوبایل	آویز تخت نوزاد	۶
7	changing table	چینجینگ تِیبُل	میز تعویض لباس و پوشک	۷
8	stretch suit	سْتْرِچ سوت	لباس استرچ یکسره	۸
9	changing pad	چینجینگ پَد	تشک تعویض	۹
10	diaper pail	دایپِ پیل	سطل پوشک	۱۰
11	night light	نایت لایت	چراغ خواب	۱۱
12	toy chest	تُوی چست	صندوق اسباب بازی	۱۲
13	stuffed animal	سْتافت اَنِمال	حیوان پر شده	۱۳
14	doll	دال	عروسک	۱۴
15	swing	سوینگ	تاب	۱۵
16	playpen	پْلِی پن	پارک بچه	۱۶
17	rattle	رَتّل	جغجغه	۱۷

اطاق نوزاد

18 walker	واکِ	۱۸ واکر (روروک)
19 cradle	کْرِیدُل	۱۹ گهواره
20 stroller	سْتْرُولِ	۲۰ کالسکه برای نشستن کودک
21 baby carriage	بِیبی کَری اِج	۲۱ کالسکه نوزاد
22 car seat	کا(ر) سیت	۲۲ صندلی مخصوص ماشین
23 baby carrier	بِیبی کَریِ	۲۳ کریر نوزاد
24 food warmer	فود وامِ	۲۴ غذا گرم کن
25 booster seat	بوستِ سیت	۲۵ صندلی کودک
26 baby seat	بِیبی سیت	۲۶ صندلی نوزاد
27 high chair	های چِ	۲۷ صندلی بلند(غذاخوری کودک)
28 portable crib	پُتِ بُل کْرِب	۲۸ تخت سیار
29 potty	پاتی	۲۹ لگن بچه
30 baby frontpack	بِیبی فْرانت پَک	۳۰ آغوش مخصوص نوزاد
31 baby backpack	بِیبی بَک پَک	۳۱ کولی مخصوص نوزاد





14

The Bathroom دستشوئی و حمام



A: Where's the hair dryer? -و(ر)ز ذِ هِ(ر) دْرایِ؟ -سشوار کجاست؟

B: It's on the vanity. -اِتس آن ذِ وَنِ تی. -اون روی پیشخوان حمام است.

A: Where's the soap? -و(ر)ز ذِ سُ وپ؟ -صابون کجاست؟

B: It's in the soap dish. -اِتس این ذِ سُ وپ دِش. -اون تو جا صابونیه.

A: Where's the plunger? -و(ر)ز ذِ پْلانجِ؟ -مکنده لوله کجاست؟

B: It's next to the toilet brush. -اِتس نِکست تو ذِ تُویلِت بْراش. -کنار برس توالت است.

A: Bobby? You didn't clean up the bathroom! -بابی؟ یو دِدنت کلین آپ ذِ بَث روم! -بابی؟ تو حموم رو تمیز نکردی!

There's toothpaste on the bathroom sink, ذِ(ر)ز توث پیست آن ذِ بَث روم سِنک، خمیر دندون روی سینک دستشوئیه،

and there's powder all over the vanity! اَند ذِ(ر)ز پاودِ آل اُووِ ذِ وَنِتی! و روی پیشخوان حمام همه جاش پودر ریخته!

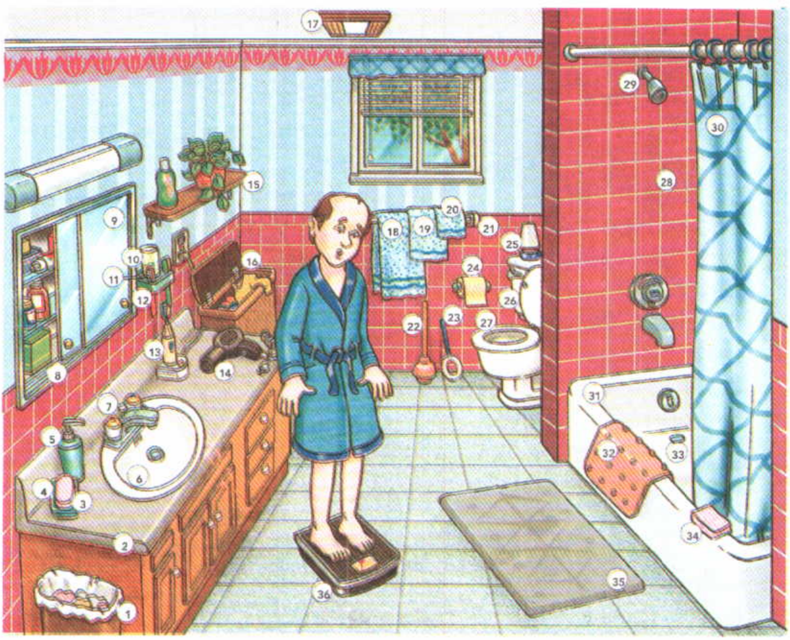
B: Sorry. I'll clean it up right away. -ساری. آیل کْلین اِت آپ رایت اِوِی. -متاسفم. الساعه تمیزش می کنم.

واژگان

1	wastebasket	وِیست بَسکیت	سطل آشغال	۱
2	vanity	وَنِتی	پیشخوان دستشوئی و حمام	۲
3	soap	سُ وپ	صابون	۳
4	soap dish	سُ وپ دِش	جا صابونی	۴
5	soap dispenser	سُ وپ دِس پِن سِ	ظرف صابون مایع	۵
6	bathroom sink	بَث روم سِنک	سینک دستشوئی	۶
7	faucet	فاسِت	شیر آب	۷
8	medicine cabinet	مِدسِن کَبِنِت	کابینت دارو	۸
9	mirror	مِرِ(ر)	آینه	۹
10	cup	کاپ	لیوان	۱۰
11	toothbrush	توث بْراش	مسواک	۱۱
12	toothbrush holder	توث بْراش هُولدِ	جا مسواکی	۱۲
13	electric toothbrush	ایلِکترِک توث بْراش	مسواک برقی	۱۳
14	hair dryer	هِ(ر) دْرایِ	سشوار	۱۴
15	shelf	شِلف	قفسه	۱۵
16	hamper	هَمپِ	سبد لباس چرک	۱۶
17	fan	فَن	هوا کش	۱۷

دستشوئی و حمام

18	bath towel	بَث تاوِل	۱۸	حوله حمام
19	hand towel	هَند تاوِل	۱۹	حوله دست
20	washcloth/facecloth	واش کْلاث/ فِیس کْلاث	۲۰	حوله صورت
21	towel rack	تاوِل رَک	۲۱	جا حوله ای
22	plunger	پْلانجِ	۲۲	مکنده لوله
23	toilet brush	تُویلِت بْراش	۲۳	برس توالت
24	toilet paper	تُویلِت پِیپِ	۲۴	کاغذ توالت
25	air freshener	اِ(ر) فرِشِنِ(ر)	۲۵	خوش بو کننده هوا
26	toilet	تُویلِت	۲۶	توالت
27	toilet seat	تُویلِت سیت	۲۷	نشیمن توالت
28	shower	شاوِ	۲۸	دوش
29	shower head	شاوِ هِد	۲۹	سر دوش
30	shower curtain	شاوِ کِتِن	۳۰	پرده دوش
31	bathtub/tub	بَث تاب/ تاب	۳۱	وان
32	rubber mat	رابِ مَت	۳۲	کف دوشی لاستیکی
33	drain	دْرِین	۳۳	تخلیه
34	sponge	سْپانج	۳۴	اسفنج
35	bath mat	بَث مَت	۳۵	پا دری حمام
36	scale	سْکِیل	۳۶	ترازو



14

Outside the Home

بیرونِ خانه



A: When are you going to repair the lamppost?
-وِن آ یو گوئینگ تو ریپِ(ر) دِ لَمپ پُوست؟
-چه موقع قصد داری تیر برق را تعمیر کنی؟

B: I'm going to repair it next Saturday.
-آیم گوئینگ تو ریپِ(ر) اِت نِکست سَتِدِی.
-قصد دارم شنبه آینده آن را تعمیر کنم.

A: Hello. Harry's Home Repairs.
-هِلُو. هَریز هُوم ریپِ(ر)ز.
-سلام. تعمیرات خانگی هری.

B: Hello. Do you fix lawnmowers?
-هِلُو. دو یو فِکس لُن مُووِ(ر)ز؟
-الو. شما ماشین چمن زنی رو تعمیر می کنید؟

A: No, we don't. -نُو، وی دُونت.
-نه، تعمیر نمی کنیم.

B: Oh, okay. Thank you. -اُو، اُوکِی. تَنک یو.
-آه، بسیار خوب. متشکرم.

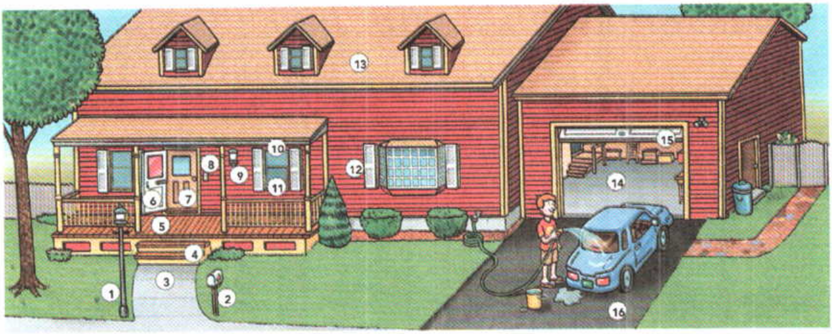
A: What did you do this weekend?
-وات دید یو دو دِس ویکِند؟
-تعطیلی آخر این هفته چه کار کردی؟

B: Nothing much. I repaired my lawnmower.
-ناثینگ ماچ. آی ریپِ(ر)د مای لُن مُووِ(ر).
-کار زیادی نکردم. ماشین چمن زنی ام را تعمیر کردم.

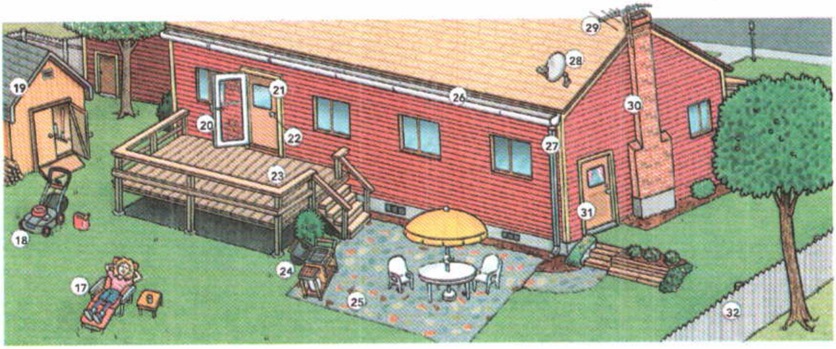
واژگان

Front Yard	فُرانت یا(ر)د	**ورودیِ حیاط**
1 lamppost	لَمپ پُوست	۱ تیر برق
2 mailbox	مِیل باکس	۲ صندوق پست
3 front walk	فُرانت واک	۳ گذر ورودی
4 front steps	فُرانت سْ تِپس	۴ پلکان ورودی
5 front porch	فُرانت پُ(ر)چ	۵ ایوان جلوی ساختمان
6 storm door	سْ تُ(ر)م دُ(ر)	۶ درب محافظ باد و طوفان
7 front door	فُرانت دُ(ر)	۷ درب ورودی
8 doorbell	دُ(ر) بِل	۸ زنگ درب
9 front light	فُرانت لایت	۹ چراغ جلوی ساختمان
10 window	ویندُو	۱۰ پنجره
11 window screen	ویندُو سْ کرین	۱۱ توری پنجره
12 shutter	شاتِ(ر)	۱۲ کرکره
13 roof	روف	۱۳ بام
14 garage	گِراژ	۱۴ گاراژ
15 garage door	گِراژ دُ(ر)	۱۵ درب گاراژ
16 driveway	درایوْ وِی	۱۶ راه ورودی به گاراژ

بیرونِ خانه



Backyard	بَک یا(ر)د	حیاطِ خلوت
17 lawn chair	لُن چ(ر)ر	۱۷ صندلی برای استراحت در چمن
18 lawnmower	لُن موو(ر)	۱۸ ماشین چمن زنی
19 tool shed	تول شِد	۱۹ انبار ابزارآلات
20 screen door	سْ کرین دُ(ر)	۲۰ توری درب
21 back door	بَک دُ(ر)	۲۱ درب پشتی
22 door knob	دُ(ر) ناب	۲۲ دستگیره درب
23 deck	دِک	۲۳ سکوی چوبی
24 barbecue/ outdoor grill	باِبکیو/ اَوت دُ(ر) گْرِل	۲۴ باربکیو/ منقل کباب بیرونی
25 patio	پیت یُو	۲۵ ایوان سنگ فرش
26 gutter	گاتِ	۲۶ ناودان
27 drainpipe	دْرین پایپ	۲۷ ناودان خروج آب
28 satellite dish	سَتِ لایت دِش	۲۸ دیش ماهواره
29 TV antenna	تی وی اَنتِنِ	۲۹ آنتن تلویزیون
30 chimney	چِمنی	۳۰ دودکش
31 side door	ساید دُ(ر)	۳۱ درب کناری
32 fence	فِنس	۳۲ نرده



14 Apartment Buildings
ساختمان های آپارتمانی



A: Is there a fire escape? ـاز دِ اِ فایِ ایس کیپ؟ ـآیا پله اضطراری داره؟

B: Yes, there is. ـیِس، دِر) اِز. ـبله، داره.

Do you want to see the apartment? ـدو یو وانت تو سی دی اِپاتمِنت؟ ـمی خواهید آپارتمان را ببینید؟

A: Yes, I do. ـیِس، آی دو. ـبله، می خواهم.

(Renting an apartment) **(اجاره آپارتمان)**

A: Let me show you around. ـلِت می شُو یو اِرَوند. ـاجازه بدهید این اطراف را به شما نشان بدهم.

B: Okay. ـاُکِی. ـبسیار خوب.

A: This is the fire alarm, and here's the elevator. ـدِس اِز دِ فایِ اِلام، اَند هی یِز دی اِلیویت. ـاین آژیر اعلان آتش است، و اینجا آسانسور است.

(On the telephone) **(گفتگوی تلفنی)**

A: Mom and Dad? I found an apartment. ـمام اَند دَد؟ آی فَوند اَن اِپاتمِنت. ـمامان و بابا؟ من یک آپارتمان پیدا کردم.

B: Good. Tell us about it. ـگُد. تِل آس اِبوت اِت. ـخوبه. امکاناتشو به ما بگو.

A: It has a balcony and swimming pool. ـاِت هَز اِ بَلکِنی اَند اِ سویمینگ پول. ـاون یک بالکن و استخر شنا داره.

B: That's nice. Does it have an air conditioner? ـذَتس نایس. داز اِت هَو اَن اِر) کِن دِشنِ؟ - خوبه. آیا اون کولر داره؟

A: Yes, it does. ـیِس، اِت داز. ـآره، داره.

واژگان

Looking for an Apartment
گشتن به دنبال یک آپارتمان
لُکینگ فُ اِن اِپاتمِنت

1 apartment ads — اِپاتمِنت اَدز — ۱ آگهی های آپارتمان
2 apartment listings — اِپاتمِنت لِستینگز — ۲ لیست آپارتمان ها
3 vacancy sign — وِی کِنسی ساین — ۳ علامت خانه خالی

Signing a Lease
امضاء کردن قرار داد اجاره
ساینینگ اِ لیس

4 tenant — تِننت — ۴ مستاجر
5 landlord — لَند لُد — ۵ مالک
6 lease — لیس — ۶ اجاره نامه
7 security deposit — سیکیورِتی دیپازِت — ۷ ودیعه تضمین

ساختمان های آپارتمانی

Moving In — **مووینگ این** — **نقل مکان کردن**

8 moving truck/ moving van — مووینگ تراک/ مووینگ وَن — ۸ کامیون حمل و نقل وسائل

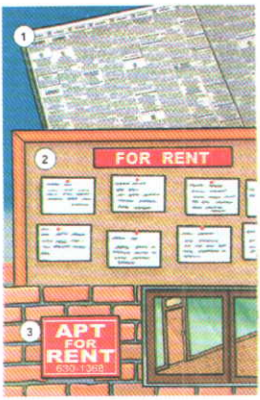
9 neighbor — نِیب(ر) — ۹ همسایه

10 building manager — بِلدینگ مَنِ جِ — ۱۰ مدیر ساختمان

11 doorman — دُ(ر)مِن — ۱۱ دربان

12 key — کی — ۱۲ کلید

13 luck — لاک — ۱۳ قفل







14 first floor — فِست فْلُ(ر) — ۱۴ طبقه اول

15 second floor — سِکِند فْلُ(ر) — ۱۵ طبقه دوم

16 third floor — ثِ(ر)د فْلُ(ر) — ۱۶ طبقه سوم

17 fourth floor — فُ(ر)ث فْلُ(ر) — ۱۷ طبقه چهارم

18 roof — روف — ۱۸ بام

19 fire escape — فایِ ایس کِیپ — ۱۹ پلکان اضطراری

20 parking garage — پاکینگ گِراژ — ۲۰ گاراژ پارکینگ

21 balcony — بَلکِنی — ۲۱ بالکن

22 courtyard — کُ(ر)ت یا(ر)د — ۲۲ محوطه داخلی

23 parking lot — پاکینگ لات — ۲۳ محوطه پارکینگ رو باز

24 parking space — پاکینگ سْ پیس — ۲۴ فضای پارک ماشین

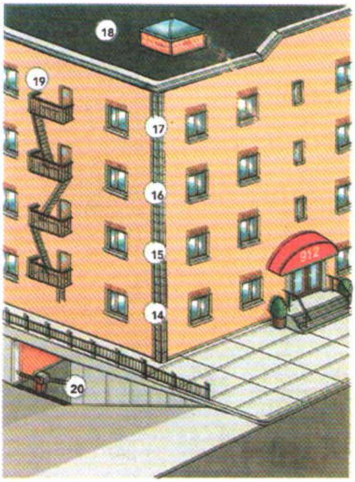
25 swimming pool — سویمینگ پول — ۲۵ استخر شنا

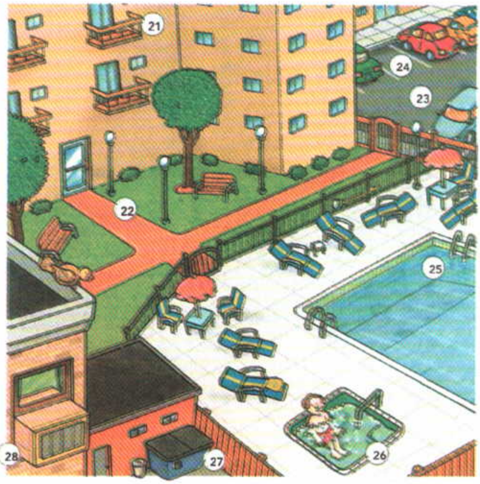
26 whirlpool — وِ(ر)ل پول — ۲۶ حوض گردابی

27 trash bin — تْ رَش بِن — ۲۷ سطل زباله

28 air conditioner — اِ(ر) کِندِشِن — ۲۸ کولر

14 ساختمان های آپارتمانی

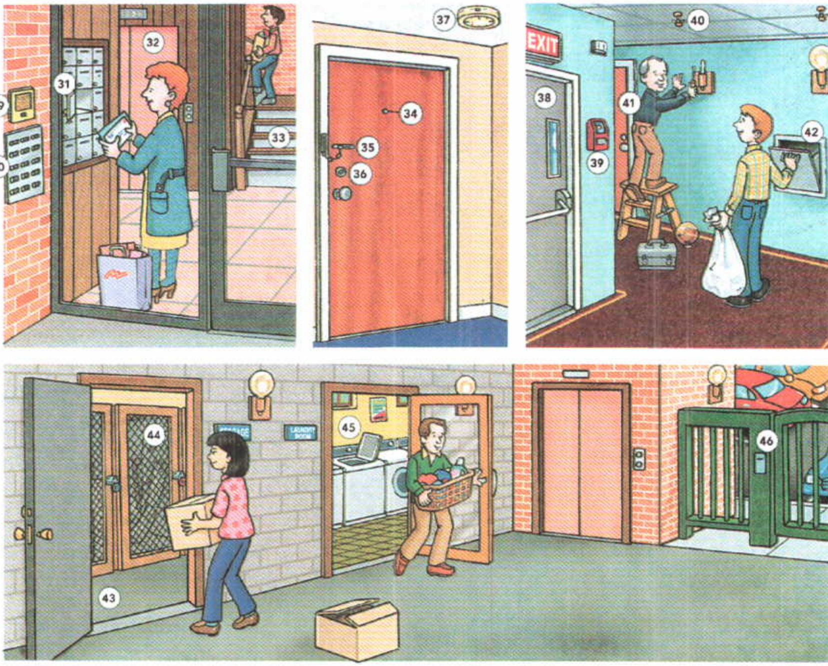




	English		Persian
	Lobby	**لابی**	**لابی**
29	intercom/speaker	اینتِکام/ سْ پیکِ	۲۹ بلندگو
30	buzzer	بازِ	۳۰ زنگ در
31	mailbox	مِیل باکس	۳۱ صندوق پست
32	elevator	اِلی وِیتِ	۳۲ آسانسور
33	stairway	سْ تِ وِی	۳۳ پلکان
	Doorway	**دُ(ر) وِی**	**درگاه**
34	peephole	پیپ هُول	۳۴ چشمی
35	door chain	دُ(ر) چین	۳۵ زنجیر در
36	dead-bolt lock	دِد-بُولت لاک	۳۶ قفل شب بند
37	smoke detector	سْ مُوک دیتِکتِ	۳۷ هشدار دهنده وقوع آتش سوزی
	Hallway	**هال وِی**	**راهرو**
38	fire exit/ emergency stairway	فایِ اکسِیت/ ایمِجنسی سْ تِ(ر) وِی	۳۸ خروجی زمان آتش سوزی/ پلکان اضطراری
39	fire alarm	فایِ اِلا(ر)م	۳۹ آژیر اعلان آتش سوزی
40	sprinkler system	سْ پرِنکلِ سیستِم	۴۰ سیستم آب پاش اضطراری
41	superintendent	سوپِ اینتِندِنت	۴۱ ناظر- سر پرست
42	garbage chute/ trash chute	گابِج شوت/ تْ رَش شوت	۴۲ شوتینگ زباله

ساختمان های آپارتمانی

	Basement	بِیس مِنت	زیر زمین
43	storage room	سْ تُورِج روم	۴۳ اطاق انباری
44	storage locker	سْ تُورِج لاکِ	۴۴ قفل انباری
45	laundry room	لُندری روم	۴۵ اطاق رختشوئی
46	security gate	سیکیورِتی گِیت	۴۶ درب امنیتی



14

Problems & Repairs مشکلات و تعمیرات



A: What's the matter?
-واتس ذ مَتِ(ر)؟ -مشکل چیه؟
B: The toilet is broken.
-ذ تُویلِت از بُروکِن. -توالت خراب شده.
A: I think we should call a plumber.
-آی ثِنک وی شُد کال اِ پِلامِ.
-فکر میکنم ما باید یک لوله کش خبر کنیم.

A: I'm having a problem in my apartment/house.
-آیم هَوینگ اِ پِرابلِم این مای اپاتمِنت/ هَوس. -من در آپارتمان/ خانه ام مشکلی دارم.
B: What's the problem? -واتس ذِ پِرابلَم؟ -مشکل چیه؟
A: The doorbell doesn't ring. -ذ دُ(ر) بِل دازنت رِنگ. -زنگ در کار نمی کنه.
B: Call an electrician. -کال اَن ایلِکترِشِن. -یک برقکار خبر کن.

A: Can you recommend a good roofer?
-کَن یو رِکِمِند اِ گُد روفِ؟ -می تونی یک تعمیر کار خوب برای بام به من پیشنهاد کنی؟
B: What's the problem? -واتس ذِ پِرابلَم؟ -مشکل چیه؟
A: The roof is leaking. -ذِ روف از لیکینگ. -بام چکه می کنه.
B: Yes. Call this number. -یِس. کال ذِس نامبِ. -بله. به این شماره زنگ بزن.

واژگان

A plumber پلامِ **لوله کش**
1 The bathtub is leaking. ذ بَث تاب از لیکینگ. ۱ وان نشتی داره.
2 The sink is clogged. ذِ سینک از کِلاگد. ۲ سینک گرفته.
3 The hot water heater isn't working. ذ هات واتِ هیتِ اِزنت وِ(ر)کینگ. ۳ آبگرمکن کار نمی کنه.
4 The toilet is broken. ذِ تُویلِت از بُروکِن. ۴ توالت خرابه.
B roofer روفِ **تعمیرکار بام**
5 The roof is leaking. ذ روف از لیکینگ. ۵ بام نشتی داره.
C house painter هَوس پِینت **نقاش ساختمان**
6 The paint is peeling. ذ پِینت از پیلینگ. ۶ رنگ پوسته داده.
7 The wall is cracked. ذ وال از کِرَکت. ۷ دیوار ترک خورده.
D cable TV company کِیبُل تی وی کامپِنی **شرکت تلویزیون کابلی**
8 The cable TV isn't working. ذ کِیبُل تی وی اِزنت وِ(ر)کینگ. ۸ تلویزیون کابلی کار نمی کنه.

14 مشکلات و تعمیرات

E appliance repairperson
اِپلایِنس ری پ(ر) پ سِن

E تعمیر کار لوازم خانگی

9 The stove isn't working. ذِ سْ تُو اِزنت وِ(ر)کینگ.

۹ اجاق گاز کار نمی کنه.

10 The refrigerator is broken. ذِ رِف ری جِ ری تِ اِز بْرُوکِن.

۱۰ یخچال خرابه.

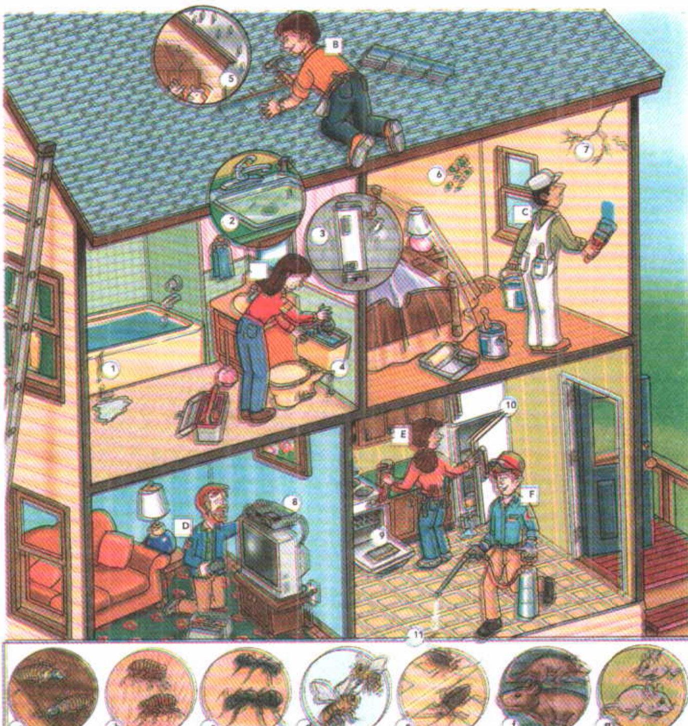
F pest control specialist
پِست کِنترُول سْ پِشلِست

F متخصص کنترل آفات

11 There are .... in the kitchen. ذِ(ر) آ(ر) ... این ذِ کِچِن.

۱۱ در آشپزخانه...... است.

a termites	تِ(ر) مایتس	موریانه	a
b fleas	فْ لیز	کَک	b
c ants	اَنتس	مورچه	c
d bees	بیز	زنبور	d
e cockroaches	کاک رُوچیز	سوسک	e
f rats	رَتس	موش صحرائی	f
g mice	مایس	موش	g



مشکلات و تعمیرات

G locksmith — لاک سْمِث — **G قفل ساز**

12 The lock is broken. — ذِ لاک اِز بْرُوکِن. — ۱۲ قفل خراب است.

H electrician — ایلِکتْرِشِن — **H برقکار**

13 The front light doesn't go on. — ذِ فْرانت لایت دازِنت گُو آن. — ۱۳ چراغ ورودی روشن نمی شه.

14 The doorbell doesn't ring. — ذِ دُ(ر) بِل دازِنت رینگ. — ۱۴ زنگ در کار نمی کنه.

15 The power is out in the living room. — ذِ پاوِ(ر) اِز آوت این ذِ لیوینگ روم. — ۱۵ برق اطاق نشیمن قطع است.

I chimneysweep — چیمنی سوئیپ — **I دودکش پاک کن**

16 The chimney is dirty. — ذِ چیمنی اِز دِ(ر)تی. — ۱۶ دودکش کثیفه.

J home repairperson/ "handyman" — هُوم ری پِ(ر) پِسِن/ هَندی مَن — **J تعمیرکار تعمیرات جزئی خانه**

17 The tiles in the bathroom are loose. — ذِ تایلز این ذِ بَث روم آ لوس. — ۱۷ کاشی های حمام لق شده اند.

K carpenter — کا(ر)پِنتِ — **K نجار**

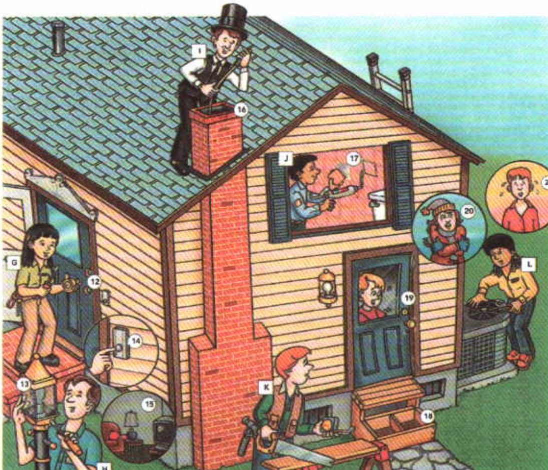
18 The steps are broken. — ذِ سْتِپس آ بْرُوکِن. — ۱۸ پله ها شکسته اند.

19 The door doesn't open. — ذِ دُ(ر) دازِنت اُوپِن. — ۱۹ در باز نمی شه.

L heating and air conditioning service — هیتینگ آند اِ(ر) کِندِشنینگ سِ(ر)وِس — **L سرویس کردن سیستم گرمایش و تهویه مطبوع**

20 The heating system is broken. — ذِ هیتینگ سِیستِم اِز بْرُوکِن. — ۲۰ سیستم گرمایش خرابه.

21 The air conditioning isn't working. — ذی اِ(ر) کِندِشنینگ اِزنت وِ(ر)کینگ. — ۲۱ کولر کار نمی کنه.



Community
جامعه

15

Shops & Stores
مغازه ها و فروشگاه ها



A: Where are you going?
-وِ(ر) آ یو گوئینگ؟
-داری کجا میری؟

B: I'm going to the bakery.
-آیم گوئینگ تو ذِ بیکِری.
-دارم میرم نانوائی.

A: Hi! How are you today?
-های! هاو آ یو تِدِی؟
-سلام! امروز چطوری؟

B: Fine. Where are you going?
-فاین. وِ(ر) آ یو گوئینگ؟
-خوبم. کجا میری؟

A: To the pharmacy. How about you?
-تو ذِ فامِسی. هاو اِبوت یو؟
-به داروخانه. تو چطور؟

B: I'm going to the grocery store.
-آیم گوئینگ تو ذِ گُروسِری سْ تُو(ر).
-من دارم به خواروبار فروشی می رم.

A: Oh, no! I can't find my wallet!
-اُو، نُو! آی کَنت فایند مای والیت!
-آه، نه! من نمی تونم کیف پولم را پیدا کنم!

B: Did you leave it at the bank?
-دِد یو لیوْ اِت اَت ذِ بَنک؟
-اونو تو بانک جا گذاشتی؟

A: Maybe I did.
-مِی بی آی دِد.
-شاید اونجا جا گذاشتم.

واژگان

1 bakery	بیکِری	نانوائی	۱
2 bank	بَنک	بانک	۲
3 barber shop	با(ر)بِ شاپ	آرایشگاه	۳
4 book store	بُک سْ تُ(ر)	کتاب فروشی	۴









15 مغازه ها و فروشگاه ها

5	bus station	باس سْ تِیشِن	۵ ایستگاه اتوبوس
6	candy store	کَندی سْ تُ(ر)	۶ آب نبات فروشی
7	car dealership	کا(ر) دیلِ شِپ	۷ بنگاه اتومبیل
8	card store	کا(ر)د سْ تُ(ر)	۸ کارت فروشی









9	child-care center	چایلد-کِ(ر) سِنتِ	۹ مهد کودک
10	cleaners/ dry cleaners	کْلینِز/ دْرای کْلینِز	۱۰ خشکشوئی
11	clinic	کلِنِک	۱۱ درمانگاه
12	clothing store	کْ لُوذینگ سْ تُ(ر)	۱۲ فروشگاه پوشاک



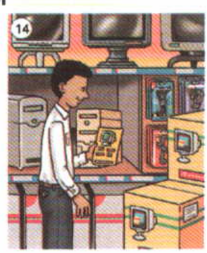






13	coffee shop	کافی شاپ	۱۳ کافی شاپ
14	computer store	کِم پیوتِ سْ تُ(ر)	۱۴ فروشگاه کامپیوتر
15	convenience store	کِن وینیِنس سْ تُ(ر)	۱۵ فروشگاه شبانه روزی
16	copy center	کاپی سِنتِ	۱۶ مرکز تکثیر









15 مغازه ها و فروشگاه ها

17 delicatessen/deli	دِلی کِ تِ سِن/ دِلی	۱۷ اغذیه فروشی
18 department store	دیپاتمِنت سْ تُ(ر)	۱۸ فروشگاه بزرگ
19 discount store	دیسکَونت سْ تُ(ر)	۱۹ فروشگاه وسائل ارزان
20 donut shop	دُونات شاپ	۲۰ کلوچه فروشی









21 drug store/pharmacy	دراگ سْ تُ(ر)/ فامِسی	۲۱ داروخانه
22 electronics store	ایلِکترانِکس سْ تُ(ر)	۲۲ فروشگاه لوازم الکترونیکی
23 eye-care center/optician	آی-کِ(ر) سِنتِ/ آپتِشِن	۲۳ عینک فروشی
24 fast-food restaurant	فَست-فود رِستُرانت	۲۴ رستوران غذای فوری









25 flower shop/florist	فْلاوِ شاپ/ فْلارِست	۲۵ گلفروشی
26 furniture store	فِ نِ چِ سْ تُ(ر)	۲۶ مبل فروشی
27 gas station/service station	گَس سْ تِی شِن/ سِ وِس سْ تِی شِن	۲۷ پمپ بنزین
28 grocery store	گْرُوسِری سْ تُ(ر)	۲۸ خواروبار فروشی









15

City Places

مکان های شهری



A: Where's the hair salon?

-سالن آرایش کجاست؟ -وِ(ر)ز ذِ هِ(ر) سِلان؟

B: It's right over there.

-اون درست اونجاست. -اِتس رایت اُوِ(ر) ذِ(ر).

A: Is there a travel agency nearby?

-این نزدیکی آژانس مسافرتی هست؟ اِز ذِ اِ تْرَوِل ایجِنسی نی یِ(ر) بای؟

B: Yes. There's a travel agency around the corner.

-بله. یک آژانس مسافرتی همین نزدیکی هست. -یِس. ذِ(ر)ز اِ تْرَوِل ایجِنسی اِرَوند ذِ کُ(ر)نِ(ر).

A: Thanks. -ثَنکس.

-متشکرم.

A: Excuse me. Where's the hospital?

-ببخشید. بیمارستان کجاست؟ -اِکسکیوز می. وِ(ر)ز ذِ هاسپِتال؟

B: It's down the street, next to the health club.

-پائین خیابان، جنب باشگاه ورزشی. -اِتس دَون ذِ سْ تْریت، نِکست تو ذِ هِلث کْلاب.

A: Thank you. -ثَنک یو.

-متشکرم.

واژگان

1	hair salon	هِ(ر) سِلان	۱ آرایشگاه زنانه
2	hardware store	هاد وِ(ر) سْ تُ(ر)	۲ فروشگاه ابزارآلات
3	health club	هِلث کْلاب	۳ باشگاه ورزشی
4	hospital	هاسپِتال	۴ بیمارستان









مکان های شهری

5 hotel	هُوتِل	۵ هتل
6 ice cream shop	آیس کْ ریم شاپ	۶ بستنی فروشی
7 jewelry store	جواِلری سْ تُ(ر)	۷ جواهر فروشی
8 laundromat	لُندرِمَت	۸ لباسشوئی





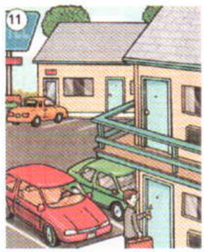




9 library	لایبرِری	۹ کتابخانه
10 maternity shop	مِ تِ نِتی شاپ	۱۰ مغازه لباس های حاملگی
11 motel	مُوتِل	۱۱ متل
12 movie theater	مووی ثی اِتِ	۱۲ سینما









13 music store	میوزِک سْ تُ(ر)	۱۳ فروشگاه محصولات موسیقی
14 nail salon	نِیل سِلان	۱۴ سالن مانیکور
15 park	پا(ر)ک	۱۵ پارک
16 pet shop/pet store	پِت شاپ/ پِت سْ تُ(ر)	۱۶ محل فروش حیوانات دستاموز





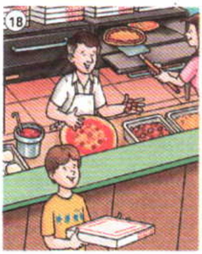




15 مکان های شهری

17 photo shop	فُو تو شاپ	۱۷ عکاسی
18 pizza shop	پیتسِ شاپ	۱۸ پیتزا فروشی
19 post office	پُوست آفِس	۱۹ دفتر پستی
20 restaurant	رِستُرانت	۲۰ رستوران





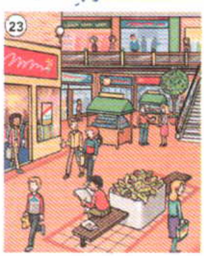




21 school	سْ کول	۲۱ مدرسه
22 shoe store	شو سْ تُ(ر)	۲۲ کفش فروشی
23 shopping mall	شاپینگ مال	۲۳ مرکز خرید
24 supermarket	سوپِ ماکیت	۲۴ سوپر مارکت









25 toy store	تُوی سْ تُ(ر)	۲۵ اسباب بازی فروشی
26 train station	تْرِین سْ تِی شِن	۲۶ ایستگاه قطار
27 travel agency	تْرِوِل ایِجِنسی	۲۷ آژانس مسافرتی
28 video store	ویدیو سْ تُ(ر)	۲۸ فروشگاه محصولات ویدیوئی









Describing
توصیف

16

Describing People توصیف اشخاص



A: Tell me about your brother.

-تِل می اِبوت یُ(ر) بْراذ. -در مورد برادرت به من بگو.

B: He's a tall heavy boy with short curly brown hair.

-هیز اِ تال هِ وی بُی ویذ شُ(ر)ت کِرلی بْرَون هِ(ر).

-اون یک پسر بلند قد چاق با موهای کوتاه فرفری قهوه ای است.



A: What does your new boss look like?

-وات داز یُ(ر) نیو باس لُک لایک؟ -رئیس جدیدت چه شکلیه؟

B: She's average height, and she has long straight black hair.

-شیز اَوِرج هایت، اَند شی هَز لانگ سْترِیت بْلَک هِ(ر).

-اون قد متوسط، و موی بلند صاف مشکی داره.



A: Can you describe the person?

-کَن یو دیسکْرایب ذِ پِ سِن؟ -میشه این شخص را توصیف کنید؟

B: He's a tall thin middle-aged man.

-هیز اِ تال ثِن مِدِل-ایجد مَن.

-اون مردی میانسال لاغربلند قد است.

A: Anything else?

-اِنی ثینگ اِلس؟ -چیز دیگه هم هست؟

B: Yes. He's bald, and he has a mustache.

-یِس. هیز بُلد، اَند هی هَز اِ ماستَش. -بله. اون طاسه، و سبیل داره.



A: Can you describe your grandmother?

کَن یو دیسکرایب یُ(ر) گْرَند ماذِ؟ -میشه مادر بزرگتو توصیف کنی؟

B: She's a short thin elderly person with long wavy gray hair.

-شیز اِ شُ(ر)ت ثِن اِلدِلی پِسِن ویذ لانگ وِیوی گْرِی هِ(ر).

-اون فردی مسن کوتاه قد لاغر با موهای بلند مجعد خاکستری است.

A: Anything else? -چیز دیگه هم هست؟

-اِنی ثینگ اِلس؟

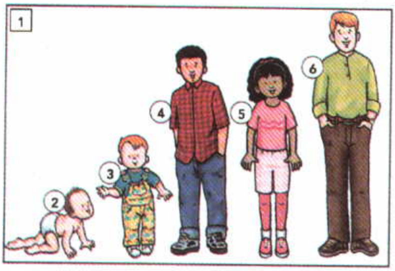
B: Yes. She's hearing impaired.

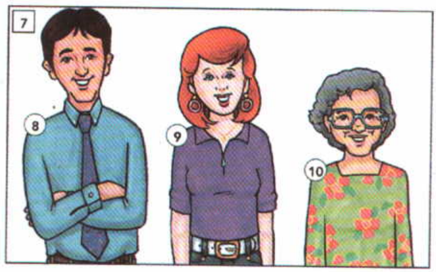
-یِس. شیز هی یِرینگ ایمپِ(ر)د. -بله. اون مشکل شنوائی داره.

16 توصیف اشخاص

واژگان

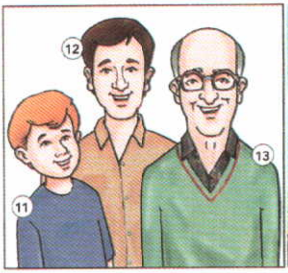
	English	تلفظ		معنی
1	**child-children**	**چایلد- چِلدرِن**	۱	**بچه-بچه ها**
2	baby/infant	بِیبی/ اینفِنت	۲	نوزاد/ کودک
3	toddler	تادلِ	۳	نوپا
4	boy	بُ ی	۴	پسر
5	girl	گِ(ر)ل	۵	دختر
6	teenager	تین ایجِ	۶	نوجوان
7	**adult**	**اَدالت**	۷	**بزرگسال**
8	man-men	مَن-مِن	۸	مرد-مردان
9	woman-women	ومِن-وِمِن	۹	زن-زنان
10	senior citizen/elderly person	سین یِ سیتزِن/ اِلدِلی پِسِن	۱۰	شهروند ارشد/ شخص سالمند



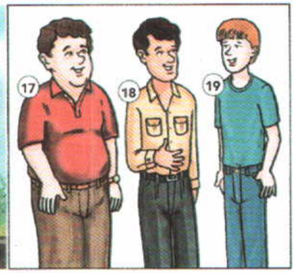


	English	تلفظ		معنی
	age	**ایِج**		**سن**
11	young	یانگ	۱۱	جوان
12	middle-aged	مِدِل-ایجد	۱۲	میانسال
13	old/elderly	اُولد/ اِلدِلی	۱۳	پیر/ مسن
	height	**هایت**		**قد**
14	tall	تال	۱۴	بلند قد
15	average height	اَوِرج هایت	۱۵	قد متوسط
16	short	شُ(ر)ت	۱۶	قد کوتاه
	weight	**ویت**		**وزن**
17	heavy	هِ وی	۱۷	سنگین
18	average weight	اَوِرج ویت	۱۸	وزن متوسط
19	thin/slim	ثِن/ سْ لِم	۱۹	لاغر/ قلمی

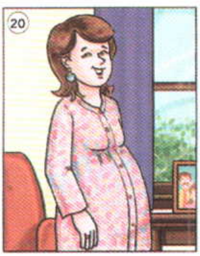
توصیف اشخاص







20 pregnant	پْرِگ نِنت	۲۰ حامله
21 physically challenged	فِزِکالی چِلِنجد	۲۱ معلول
22 vision impaired	وِژِن ایمپِ(ر)د	۲۲ نابینا
23 hearing impaired	هی یِ رینگ ایمپِ(ر)د	۲۳ ناشنوا

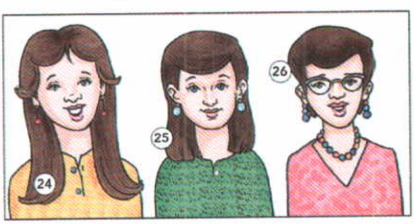








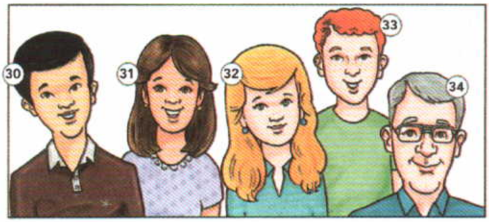
Describing Hair	**دیس کْرایبینگ هِ(ر)**	**توصیف مو**
24 long	لانگ	۲۴ بلند
25 shoulder length	شُولدِ لِنگث	۲۵ روی شانه
26 short	شْ(ر)ت	۲۶ کوتاه
27 straight	سْ تْریت	۲۷ صاف
28 wavy	وِیوی	۲۸ مجعد
29 curly	کِ(ر)لی	۲۹ فرفری





توصیف اشخاص

30 black	بْ لَک	۳۰ سیاه
31 brown	بْرَون	۳۱ قهوه ای
32 blond	بْلاند	۳۲ روشن- بور
33 red	رِد	۳۳ قرمز
34 gray	گْرِی	۳۴ خاکستری
35 bald	بُلد	۳۵ طاس
36 beard	بی یِ(ر)د	۳۶ ریش
37 mustache	ماستَش	۳۷ سبیل







Opposites

متضادها



A: Is your car new?

-از یُ(ر) کا(ر) نیو (نو)؟

-ماشینت جدیده؟

B: No. It's old.

-نُو. اِتس اُولد.

نه. قدیمیه.



A: Is the chair comfortable?

اِز ذِ چِ(ر) کامفتِ بِل؟

-آیا این صندلی راحته؟

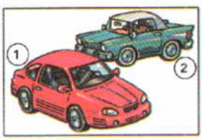
B: No. It's uncomfortable.

-نُو. اِتس آن کامف تِبِل.

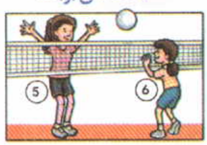
-نه. سخته.

واژگان

1-2	new-old	نیو-اُولد	۱-۲ جدید-قدیمی
3-4	young-old	یانگ-اُولد	۳-۴ جوان-پیر
5-6	tall - short	تال-شُ(ر)ت	۵-۶ بلند قد-کوتاه قد
7-8	long - short	لانگ-شُ(ر)ت	۷-۸ بلند-کوتاه



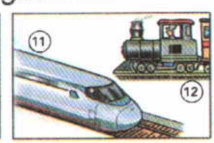


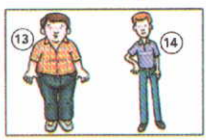




9-10	large/big-small/little	لاج/بیگ-سْمال/لِتْل	۹-۱۰ بزرگ-کوچک
11-12	fast-slow	فَست-سْ لُو	۱۱-۱۲ سریع-کند
13-14	heavy/fat-thin/skinny	هِ وی/فَت-ثِن/اسکِنی	۱۳-۱۴ چاق-لاغر
15-16	heavy-light	هِ وی-لایت	۱۵-۱۶ سنگین-سبک

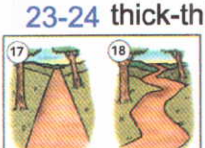








17-18	straight-crooked	سْ تْریت-کروکت	۱۷-۱۸ مستقیم-پیچ در پیچ
19-20	straight-curly	سْ تْریت-کِ(ر)لی	۱۹-۲۰ صاف-فرفری
21-22	wide-narrow	واید-نَرُو	۲۱-۲۲ پهن-باریک
23-24	thick-thin	ثِک-ثِن	۲۳-۲۴ ضخیم-نازک



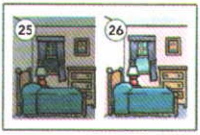




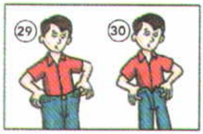


متضادها

25-26 dark-light	دا(ر)ک-لایت	تاریک-روشن	۲۵-۲۶
27-28 high-low	های-لُو	مرتفع-پست	۲۷-۲۸
29-30 loose-tight	لوس-تایت	گشاد-تنگ	۲۹-۳۰
31-32 good-bad	گُد-بَد	خوب-بد	۳۱-۳۲



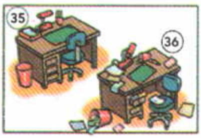


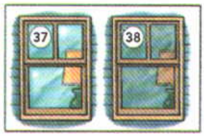




33-34 hot-cold	هات-کُولد	داغ-سرد	۳۳-۳۴
35-36 neat-messy	نیت-مِسی	مرتب-به هم ریخته	۳۵-۳۶
37-38 clean-dirty	کْلین-دِ(ر)تی	تمیز-کثیف	۳۷-۳۸
39-40 soft-hard	سافت-ها(ر)د	نرم-سفت	۳۹-۴۰









41-42 easy-difficult/hard	ئیزی-دِفکالت/ها(ر)د	آسان-سخت	۴۱-۴۲
43-44 smooth-rough	سْموذ-راف	نرم-زبر	۴۳-۴۴
45-46 noisy/loud-quiet	نُیزی/لَود-کوآیِت	پر سروصدا/بلند-آرام	۴۵-۴۶
47-48 married-single	مَرید-سِنگل	متاهل-مجرد	۴۷-۴۸









49-50 rich/wealthy-poor	رِچ/وِلثی-پُ (ر)	پولدار-فقیر	۴۹-۵۰
51-52 pretty/beautiful-ugly	پْرِتی/ بی یو تفُل-آگلی	زیبا-زشت	۵۱-۵۲
53-54 handsome-ugly	هَنسِم-آگلی	خوش تیپ-زشت	۵۳-۵۴
55-56 wet-dry	وِت-دْرای	خیس-خشک	۵۵-۵۶









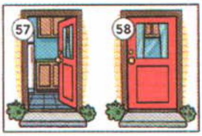
متضادها

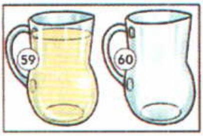
57-58 open-closed | اُوپِن-کِ لُوزد | ۵۷-۵۸ باز-بسته

59-60 full-empty | فُل- اِمتی | ۵۹-۶۰ پر-خالی

61-62 expensive-cheap/inexpensive | ایکسپِنسیو-چیپ/این اِکسپِنسیو | ۶۱-۶۲ گران-ارزان

63-64 fancy-plain | فَنسی-پْلِین | ۶۳-۶۴ مرغوب-ساده







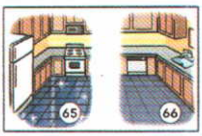


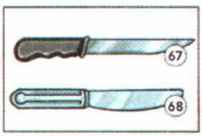
65-66 shiny-dull | شاینی-دال | ۶۵-۶۶ براق-کدر

67-68 sharp-dull | شا(ر)پ-دال | ۶۷-۶۸ تیز-کند

69-70 comfortable-uncomfortable | کامف تِبْل-آن کامف تِبْل | ۶۹-۷۰ راحت-ناراحت(سخت)

71-72 honest-dishonest | آنیست-دیس آنیست | ۷۱-۷۲ درستکار-نادرست









16 Physical States & Emotions

حالات بدنی و هیجانات



A: You look disappointed.

-یو لُک دِس اِپّین تید. -تو ناامید به نظر می رسی.

B: Yes, I am. I'm very disappointed.

-بله، ناامیدم. من خیلی ناامیدم. -یِس، آی اَم. آیم وِری دِس اِپّین تید.



A: Are you nervous?

-آ یو نِ وِس؟ -تو عصبی هستی؟

B: No. why do you ask me?

-نُو. وای دو یو اَسک می؟ -نه. چرا این سوالو از من می پرسی؟

Do I really look nervous?

دو آی ری اِلی لُک نِ وِس؟ آیا من واقعا عصبی به نظر می رسم؟

A: Yes. You do. -یِس. یو دو. -بله. این طور به نظر می رسی.

1	tired	تایِد	خسته	۱
2	sleepy	سْ لیپی	خواب آلود	۲
3	exhausted	ایگزاستید	از نفس افتاده	۳
4	sick/ ill	سِک/ ایل	مریض	۴





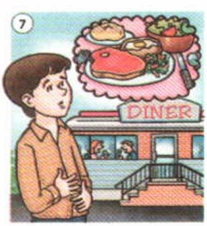




5	hot	هات	گرم	۵
6	cold	کُولد	سرد	۶
7	hungry	هانگری	گرسنه	۷
8	thirsty	ثِ(ر)ستی	تشنه	۸









حالات بدنی و هیجانات

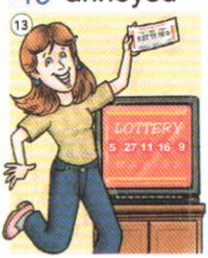
9	full	فُل	سیر	۹
10	happy	هَپی	خوشحال	۱۰
11	sad/ unhappy	سَد/ آن هَپی	غمگین	۱۱
12	miserable	مِزرِبُل	بدبخت	۱۲

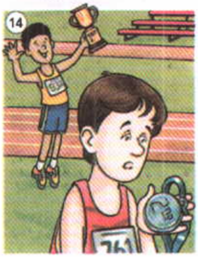
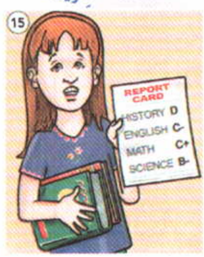






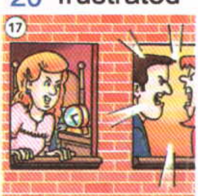
13	excited	ایکسایتید	هیجان زده	۱۳
14	disappointed	دیس اِپین تید	نا امید	۱۴
15	upset	آپسِت	ناراحت	۱۵
16	annoyed	اِنُوید	رنجیده	۱۶





17	angry/ mad	اَنگری/ مَد	عصبانی	۱۷
18	furious	فیوریِس	خشمگین	۱۸
19	disgusted	دیسگاستید	منزجر-بیزار	۱۹
20	frustrated	فُراسترِیتید	ناکام	۲۰






16

حالات بدنی و هیجانات

21 surprised	س(ر)پرایزد	۲۱ متعجب
22 shocked	شاکت	۲۲ شوکه
23 lonely	لُونلی	۲۳ تنها
24 homesick	هُوم سِک	۲۴ دلتنگ (برای وطن)






25 nervous	نِ وِس	۲۵ عصبی
26 worried	وارید	۲۶ نگران
27 scared/ afraid	سْ کِ(ر)د/ اِفرِید	۲۷ ترسیده
28 bored	بُ(ر)د	۲۸ کسل- بی حوصله






29 proud	پْرَود	۲۹ مغرور
30 embarrassed	ایم بَرِست	۳۰ دستپاچه
31 jealous	جِلِس	۳۱ حسود
32 confused	کِن فیوزد	۳۲ گیج






17 Health
سلامتی

The Body
بدن



A: My doctor checked my head and said everything is okay.
-مای داکتِ چکت مای هِد أند سِد اِوری ثینگ اِز اُوکِی.
-دکترم سرم را چک کرد و گفت همه چیز روبراه است.
B: I'm glad to hear that.
-آیم گْلَد تو هی یِ ذَت. -از شنیدن این موضوع خوشحالم.

A: Ooh! -آوو! -آآخ!
B: What's the matter? -واتس ذِ مَتِ؟ -چته؟
A: My head hurts. -مای هِد هِ(ر)تس. -سرم درد می کنه.

A: My doctor wants me to have some tests.
-مای داکتِ وانتس می تو هَو سام تِستس. -دکترم از من میخواد چند تا آزمایش بدم.
B: Why? -وای؟ -چرا؟
A: She's concerned about my heart.
-شیز کِنسِند اِبوت مای ها(ر)ت. اون نگران قلبم است.

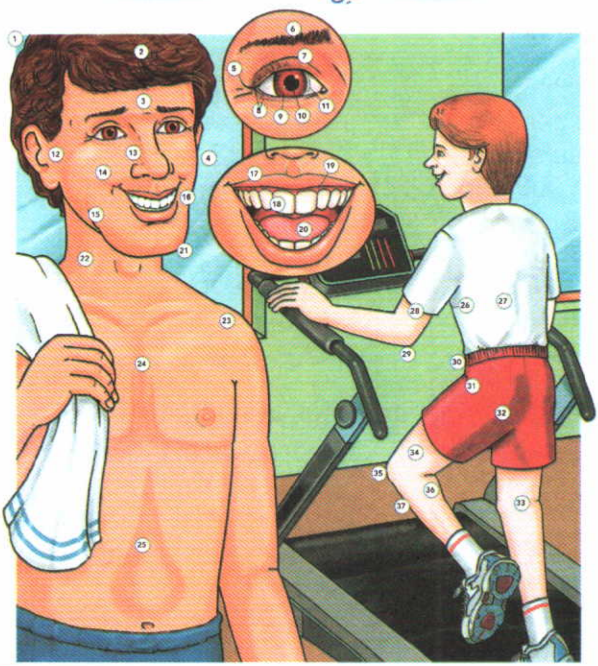
واژگان

1	head	هِد	۱ سر
2	hair	هِ(ر)	۲ مو
3	forehead	فُ(ر)هِد	۳ پیشانی
4	face	فِیس	۴ صورت
5	eye	آی	۵ چشم
6	eyebrow	آی بْرَو	۶ ابرو
7	eyelid	آی لِد	۷ پلک
8	eyelashes	آی لَشیز	۸ مژگان
9	iris	آی رِس	۹ عنبیه
10	pupil	پی اُپِل	۱۰ مردمک
11	cornea	کُ(ر)نیا	۱۱ قرنیه
12	ear	ئی یِ	۱۲ گوش
13	nose	نُوز	۱۳ بینی
14	cheek	چیک	۱۴ گونه
15	jaw	جا	۱۵ آرواره-فک
16	mouth	مَوث	۱۶ دهان
17	lip	لِپ	۱۷ لب
18	tooth-teeth	توث-تیث	۱۸ دندان- دندان ها

17

بدن

19 gums	گامز	لثه	۱۹
20 tongue	تانگ	زبان	۲۰
21 chin	چِن	چانه	۲۱
22 neck	نِک	گردن	۲۲
23 shoulder	شُولدِ	شانه	۲۳
24 chest	چِست	قفسه سینه	۲۴
25 abdomen	آبدِمِن	شکم	۲۵
26 breast	برِست	سینه	۲۶
27 back	بَک	کمر/ پشت	۲۷
28 arm	آ(ر)م	بازو	۲۸
29 elbow	اِلبُو	آرنج	۲۹
30 waist	وِیست	کمر	۳۰
31 hip	هِپ	کفل	۳۱
32 buttocks	باتِکس	باسن	۳۲
33 leg	لِگ	ساق پا	۳۳
34 thigh	ثای	ران	۳۴
35 knee	نی	زانو	۳۵
36 calf	کاف/ کَف	ماهیچه پشت ساق پا	۳۶
37 shin	شِن	قلم پا	۳۷



17

At the Doctor's
در مطب دکتر

I must see a doctor.	آی ماست سی اِ داکتِ.	من باید برم دکتر.
Can you recommend a doctor?	کَن یو رِکِمِند اِ داکتِ؟	میشه یک دکترمعرفی کنید؟
I'd like to make an appointment.	آید لایک تو میک اَن اِپُینت مِنت.	من مایلم وقت بگیرم.
I need a thorough examination.	آی نید اِ ثارِ ایگزَمِنیشِن.	من نیاز به یک معاینه کامل دارم.
Please call a doctor.	پْلیز کال اِ داکتِ.	لطفا یک دکتر خبر کنید.
What's the matter with you?	واتس ذِ مَتِ ویذ یو؟	ناراحتی شما چیست؟
I've a pain in my right arm.	آیو اِ پین این مای رایت آ(ر)م.	در بازوی راستم درد دارم.
My wrist hurts.	مای رِست هِتس.	مچ دستم درد می کند.
I think I've sprained/broken my ankle.	آی ثِنک آیو سْ پْریند/ بْرُکِن مای اَنکُل.	فکر می کنم مچ پایم در رفته.
I fell down and hurt my back.	آی فِل دَون اَند هِ(ر)ت مای بَک.	من افتادم و کمرم صدمه دید.
My foot is swollen.	مای فُت اِز سوآلِن.	پایم ورم کرده.
I've burned/cut my hand.	آیو بِ(ر)نت/ کات مای هَند.	من دستم را سوزانده ام/ بریده ام.
My stomach is upset.	مای سْتامِک اِز آپسِت.	دچار اختلال معده شده ام.
I have indigestion.	آی هَو ایندیجِسچِن.	من سوء هاضمه دارم.
My appetite's gone.	مای اَپِ تایتْز گان.	اشتها ندارم.
I think I've got food poisoning.	آی ثِنک آیو گات فود پُیزِنینگ.	فکر می کنم دچار مسمومیت غذائی شده ام.
I can't eat/sleep.	آی کَنت ایت/ سْلیپ.	نمی تونم غذا بخورم/ بخوابم.
I am a diabetic.	آی اَم اِ داییِتیک.	من بیمار دیابتی هستم.
My nose keeps bleeding.	مای نُوز کیپس بْلیدینگ.	همش خون دماغ می شم.
I have an earache.	آی هَوْ اَن ئی یِ(ر) اِیک.	گوش درد دارم.
I have difficulty in breathing.	آی هَو دِفکالتی این بْریذینگ.	مشکل تنفس دارم.
I feel dizzy.	آی فیل دِزی.	سرگیجه دارم.
I feel sick.	آی فیل سِک.	حالت تهوع دارم.
I have the shivers.	آی هَو ذِ شِوِ(ر)ز.	لرز دارم.
I'm constipated.	آیم کانس تی پیتید.	یبوست دارم.
I've got diarrhoea.	آیو گات دایاریِ.	اسهال دارم.
I'm on the pill.	آیم آن ذِ پِل.	قرص ضد بارداری مصرف می کنم.

17

در مطب دکتر

I keep vomiting.	آی کیپ وامیتینگ.	همش استفراغ می کنم.
I have a fever.	آی هَو اِ فی وِ(ر).	تب دارم.
I think I've got the flu.	آی ثِنک آیو گات ذِ فلو.	فکر می کنم آنفلانزا دارم.
I've got a cold.	آیو گات اِ کُولد.	سرما خورده ام.
I've had it since yesterday.	آیو هَد اِت سینس یِستِدِی.	از دیروز این ناراحتی را داشته ام.
I've had it for a few hours.	آیو هَد اِت فُ اِ فیو آوِز.	این حالت را برای چند ساعت داشته ام.
Must I stay in bed?	ماست آی سْ تِی این بِد؟	باید در رختخواب بمانم؟
Will you call again?	ویل یو کال اِگِن؟	دوباره تماس می گیرید؟
How much do I owe you?	هاو ماچ دو آی اُو یو؟	چقدر بپردازم؟
When can I travel again?	وِن کَن آی تْرَوِل اِگِن؟	کی می توانم دوباره مسافرت کنم؟
I feel better now.	آی فیل بِتِ نَو.	حالا بهترم.
Where does it hurt?	وِ داز اِت هِ(ر)ت؟	کجات درد می کنه؟
Have you a pain here?	هَو یو اِ پِین هی یِ؟	آیا در این قسمت درد دارید؟
How long have you had the pain?	هاو لانگ هَو یو هَد ذِ پِین؟	چه مدتی درد داشته اید؟
Open your mouth.	اُوپِن یُ مَوث.	دهانتان را باز کنید.
Stick out your tongue.	سْتِک آوت یُ تانگ.	زبانتان را بیرون بیاورید.
Breathe in/ out.	بْریذ این/ آوت.	نفس را داخل/ بیرون بدهید.
Does that hurt?	داز ذَت هِ(ر)ت؟	اون درد می کنه؟
A lot/ a little.	اِ لات/ اِ لِتِل.	زیاد/ کم.
Please lie down.	پْلیز لای دَون.	لطفا دراز بکشید.
Take these pills/ medicine.	تِیک ذیز پِلز/ مِدسِن.	این قرص ها/ دارو را مصرف کنید.
Take this prescription to the pharmacist.	تِیک ذِس پریس کْرِپشن تو ذِ فا(ر)مِسیست.	این نسخه را به داروخانه ببرید.
Take this three times a day.	تِیک ذِس ثْری تایمز اِ دِی.	این را سه بار در روز مصرف کنید.
I'll give you an injection.	آیل گِوْ یو آن اینجِکشِن.	من تزریقتان را انجام می دهم.
Roll up your sleeve.	رُول آپ یُ سْ لیو.	آستین تان را بالا بزنید.
You should stay on a diet for a few days.	یو شُد سْتِی آن اِ دایِت فُ اِ فیو دِیز.	شما باید چند روز رژیم بگیرید.
Come and see me in two days' time.	کام اَند سی می این تو دِیز تایم.	دو روز دیگر برای دیدنم بیائید.
Your leg must be X-rayed.	یُ لِگ ماست بی اِکس-رِید.	از پایتان باید عکس گرفته شود.
You must go to hospital.	یو ماست گُو تو هاسپِتال.	شما باید به بیمارستان بروید.
You must stay in bed.	یو ماست سْتِی این بِد.	شما باید در بستر بمانید.

17

در مطب دکتر

واژگان

1	headache	هِد ایک	۱ سر درد
2	earache	ئی یِ(ر) ایک	۲ گوش درد
3	toothache	توث ایک	۳ دندان درد
4	stomachache	سْ تامِک ایک	۴ دل درد
5	backache	بَک ایک	۵ کمر درد







6	sore throat	سُ(ر) ثْ رُوت	۶ گلو درد
7	fever/ temperature	فی وِ(ر)/ تِمپرِچِ(ر)	۷ تب
8	cold	کُولد	۸ سرما خوردگی
9	cough	کاف	۹ سرفه
10	infection	اینفِکشِن	۱۰ عفونت







11	rash	رَش	۱۱ کهیر
12	insect bite	اینسِکت بایت	۱۲ حشره گزیدگی
13	sunburn	سان بِ(ر)ن	۱۳ آفتاب سوختگی
14	stiff neck	سْ تِف نِک	۱۴ گرفتگی گردن
15	runny nose	رانی نُوز	۱۵ آبریزش بینی
16	bloody nose	بْلادی نُوز	۱۶ خون دماغ








17

در مطب دکتر

17 cavity	کَ وِتی	خرابی دندان	۱۷
18 blister	بْ لِستِ	تاول	۱۸
19 wart	وارت	زگیل	۱۹
20 (the) hiccups	(ذ) هی کاپس	سکسکه	۲۰
21 (the) chills	(ذِ) چِلز	لرز کردن	۲۱







22 cramps	کْ رَمپس	قولنج	۲۲
23 diarrhea	دایاریِ	اسهال	۲۳
24 chest pain	چست پِین	درد قفسه سینه	۲۴
25 shortness of breath	شُ(ر)تِنِس آو بْرِث	نفس تنگی	۲۵
26 laryngitis	لارین جی تِس	خروسک	۲۶







27 faint	فِینت	غش کردن	۲۷
28 dizzy	دِزی	سرگیجه	۲۸
29 nauseous	ناشِس/ نازیِ س	حالت تهوع	۲۹
30 bloated	بْ لُوتید	نفخ کردن	۳۰
31 congested	کِن جِس تید	گرفتگی بینی	۳۱







32 exhausted	ایگزاستید	خسته و از نفس افتاده	۳۲
33 cough	کاف	سرفه	۳۳
34 sneeze	سْ نیز	عطسه	۳۴
35 wheeze	ویز	خس خس کردن سینه	۳۵
36 burp	بِ(ر)پ	آروغ زدن	۳۶







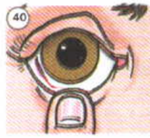
در مطب دکتر

37	vomit/ throw up	وامِت/ ثُرُو آپ	استفراغ کردن	۳۷
38	bleed	بْلید	خون آمدن	۳۸
39	twist	تواِست	پیچ خوردن	۳۹
40	scratch	سْکرَچ	خاریدن	۴۰
41	scrape	سْکْرِیپ	خراشیدن (سطحی)	۴۱











42	bruise	بْروز	کوفته شدن	۴۲
43	burn	بِ(ر)ن	سوختن	۴۳
44	hurt	هِ(ر)ت	درد گرفتن	۴۴
45	cut	کات	بریدن	۴۵









46	sprain	سْپْرِین	رگ به رگ شدن	۴۶
47	dislocate	دِس لوکِیت	در رفتن (استخوان)	۴۷
48	break	بْرِیک	شکستن	۴۸
49	swollen	سْواْلِن	متورم شدن	۴۹
50	itchy	ایچی	خارش داشتن	۵۰











17

At the Dentist's

در دندانپزشکی



I must see a doctor. آی ماست سی ا داکتِ. من باید برم دکتر.

Can I make an appointment with the dentist?

می تونم از دندانپزشک وقت بگیرم؟ کَن آی مِیک اَن اِپُینتمِنت ویذ ذِ دِنتِیست؟

As soon as possible. اَز سون اَز پاسِبُل. خیلی زود تا جائی که امکان داره.

I have a toothache. آی هَو اِ توث اِیک. من دندان درد دارم.

This tooth aches. ذِس توث اِیکس. این دندان درد می کند.

I've lost my filling. آیو لاست مای فِلینگ. پر کردگی دندان من خالی شده.

Can you fill it? کَن یو فِل اِت؟ میشه اونو پر کنید؟

Must you take the tooth out? آیا باید دندون را بکشید؟

ماست یو تِیک ذِ توث اَوت؟

Please give me an injection first. لطفا اول آمپول بی حسی تزریق کنید.

پلیز گِو می اَن اینجِکشِن فِ(ر)ست.

My gums are swollen. مای گامز آ(ر) سوآلِن. لثه های من متورم هستند.

My gums keep bleeding. مای گامز کیپ بلیدینگ. لثه هام همش خونریزی می کنند.

I've broken my plate, can you repair it?

آیو بْرُوکِن مای پْلِیت، کَن یو ری پِ(ر) اِت؟

روکش دندان من شکسته، میشه اونو تعمیر کنید؟

You're hurting me. یور هِ(ر)تینگ می. دردم می آد.

How much do I owe you? هاو ماچ دو آی اُو یو؟ چقدر بدهکار می شم؟

When should I come again? دوباره کی باید بیام؟

وِن شُد آی کام اِگِن؟

Please rinse your mouth. پْلیز رِنس یُ(ر) مَوث. لطفا دهانتان را بشوئید.

I will X-ray your mouth. آی وِیل اِکس-رِی یُ مَوث. من از دهانتان عکس می گیرم.

Your gums have an abscess. لثه های شما آبسه کرده اند.

یُ(ر) گامز هَو اَن اَبسِس.

The nerve is exposed. ذِ نِ(ر)و اِز اِکس پُوزد. به عصب رسیده.

This tooth will have to come out. این دندان باید کشیده بشه.

ذِس توث ویل هَف تو کام اَوت.

Medical Specialists متخصصین پزشکی



A: I think you need to see a specialist.
-آی ثِنک یو نید تو سی اِ سپِشلِست.
-من فکر می کنم لازم است که یک متخصص شما را ببیند.
I'm going to refer you to a cardiologist.
-آیم گوئینگ تو ریفِ یو تو اِ کادیالِجِست.
-من قصد دارم شما را نزد یک متخصص قلب بفرستم.
B: A cardiologist? -یک متخصص قلب؟
-اِ کادیالِجِست؟
A: Yes. -بله.
-یِس



A: When is your next appointment with the psychiatrist?
-وِن اِز یُ نِکست اِپی نتمِنت ویذ ذِ سای کی یِ ترِست؟
-قرار بعدی تو با روانپزشک کی است؟
B: It's at 10 a.m. on Monday.
-اِتس اَت تِن اِی.اِم. آن ماندِی.
-قرارم ساعت ده صبح روز دو شنبه است.

واژگان

1 cardiologist	کادیالِجِست	متخصص قلب	۱
2 gynecologist	جِنیکالِجِست	متخصص زنان	۲
3 pediatrician	پیدیاتریشِن	متخصص کودکان	۳
4 gerontologist	جِرِنتالِجِست	متخصص سالخوردگان	۴







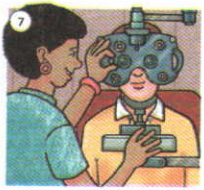


متخصصین پزشکی

5 allergist	آلِجست	۵ متخصص، آلرژی
6 orthopedist	اُرثاپِدِست	۶ متخصص ارتوپدی
7 ophthalmologist	آفثالمالِجِست	۷ چشم پزشک
8 ear, nose, and throat (ENT) specialist	ئی یِ، نُوز، آند ثْرُوت (ئی اِن تی) سْپِشلِست	۸ متخصص گوش و حلق و بینی









9 audiologist	آدیو لاجِست	۹ متخصص سنجش شنوائی
10 physical therapist	فِزکال ثِراپِست	۱۰ فیزیو تراپیست
11 counselor/therapist	کَونسلِ/ ثِرِپِست	۱۱ مشاور/ روانکاو
12 psychiatrist	سای کی ترِست	۱۲ روانپزشک









13 gastroenterologist	گَستر اِنترالِجِست	۱۳ متخصص گوارش و داخلی
14 chiropractor	کایرِ پْرَکتِ	۱۴ متخصص ماساژدرمانی ستون فقرات
15 acupuncturist	آکیو پانک چِرِست	۱۵ متخصص طب سوزنی
16 orthodontist	آ(ر)ثِ دانتِست	۱۶ متخصص ارتودونسی









Problems & Accidents 18
مشکلات و تصادفات




English	تلفظ	ترجمه
Watch out!	واچ آوت!	مواظب باشید!
Fire!	فایِ!	آتش!
Help!	هِلپ!	کمک!
Stop!	سْتاپ!	ایست!
I need help quick!	آی نید هِلپ کوئیک!	من کمک فوری نیاز دارم!
Can you help me?	کَن یو هِلپ می؟	میشه به من کمک کنید؟
Police!	پْلیس!	پلیس!
I need a policeman!	آی نید اِ پْلیسمِن!	من به یک پلیس نیاز دارم!
It's an emergency!	اِتس اَن ایمِجِنسی!	این یک مورد اورژانسی است!
That person is a thief!	ذَت پِ(ر)سِن اِز اِ ثیف!	آن شخص یک سارق است!
Stop him!	سْتاپ هیم!	جلوی اونو بگیرید!
My wallet has been stolen.	مای والیت هَز بین سْ تُولِن.	کیف پول من به سرقت رفته.
My passport has been stolen.	مای پَس پُ()ت هَز بین سْ تُولِن.	پاسپورت من به سرقت رفته.
My watch has been stolen.	مای واچ هَز بین سْ تُولِن.	ساعت من به سرقت رفته.
I've lost my suitcase.	آیو لاست مای سوت کِیس.	من چمدانم را گم کرده ام.
I've lost my money.	آیو لاست مای مانی.	من پولم را گم کرده ام.
I've lost my glasses.	آیو لاست مای گْلَسیز.	من عینکم را گم کرده ام.
I've lost my car keys.	آیو لاست مای کا(ر) کیز.	من سویچمو گم کرده ام.
I've lost my passport.	آیو لاست مای پَس پُ(ر)ت.	من پاسپورتم را گم کرده ام.
I found this in the street.	آی فَوند ذِس این ذ سْ تریت.	من این را در خیابان پیدا کردم.
I have missed my train.	آی هَو میسد مای تْرِین.	من قطارم را از دست داده ام.
Where's the police station?	وِز ذِ پْلیس سْ تِی شِن؟	اداره پلیس کجاست؟
Call the police.	کال ذِ پْلیس.	پلیس را خبر کنید.
There's been an accident.	ذِز بین اَن آکسیدِنت.	تصادف شده.
It's about 3 miles from here.	اِتس اِبوت ثری مایلز فْرام هی یِ.	فاصله اش از اینجا حدودا ۳ مایل است.
Four people are injured.	فُ(ر) پی پْل آ اینجِد.	چهار نفر زخمی شده اند.
Call an ambulance quickly.	کال اَن آمبیولِنس کْ ئیکلی.	سریعا یک آمبولانس خبر کنید.
What's your insurance company?	واتس یُ اینشُرِنس کامپِنی؟	نام شرکت بیمه تان چیه؟

19 School
مدرسه و دانشگاه

Types of Schools انواع مدرسه و دانشگاه



A: Are you a student?
-آ یو اِ سُتودِنت؟
-شما دانش آموز هستید؟

B: Yes. I'm in high school.
-یِس. آیم این های سکول.
-بله. من در دبیرستان هستم.



A: Are you a student?
-آ یو اِ سُتودِنت؟
-شما دانشجو هستید؟

B: Yes. I go to a university.
-یِس. آی گُو تو اِ یو نی وِ سیتی.
-بله. من به دانشگاه می روم.

A: Tell me about your previous education.
-تِل می اِبوت یُ پِری و یِس اِجوکیشِن.
-درباره سابقه تحصیلاتت به من بگو.

B: I went to law school.
-آی وِنت تو لا سکول.
-من به دانشکده حقوق می رفتم.

A: Did you like it there?
-دِد یو لایک اِت ذِ(ر)؟
-آیا در اونجا این رشته را دوست داشتی؟

B: Yes. it was excellent.
-یِس. اِت واز اِکسِلِنت.
-بله. اون عالی بود.

واژگان

1 preschool/nursery school پِری سکول/ نِسری سکول — ۱ پیش دبستانی/ مهد کودک

2 elementary school اِلِمنتری سکول — ۲ مدرسه ابتدائی

3 middle school/junior high school مِدِل سکول/ جیونیِ(ر) های سکول — ۳ مدرسه راهنمائی







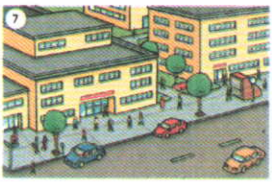
انواع مدرسه و دانشگاه

4 high school — های سْکول — دبیرستان ۴
5 adult school — اَدُلت سْکول — مدرسه بزرگسالان ۵
6 vocational school/trade school — وُکِیشنال سْکول/ تْرِید سْکول — مدرسه حرفه ای/ مدرسه بازرگانی ۶





7 community college — کِم یونِتی کالِج — دانشکده جامع ۷
8 college — کالِج — دانشکده ۸
9 university — یو نی وِ سِتی — دانشگاه ۹





10 graduate school — گْرَجواِت سْکول — دانشکده تحصیلات عالی ۱۰
11 law school — لا سْکول — دانشکده حقوق ۱۱
12 medical school — مِدِکال سْکول — دانشکده پزشکی ۱۲







19

School Subjects درس های مدرسه



A: What do you have next period?

-ساعت دیگه چی دارین؟ -وات دو یو هَو نِکست پی رِید؟

B: Math. How about you?

-ریاضی. تو چطور؟ -مَث. هاو اِبوت یو؟

A: English.

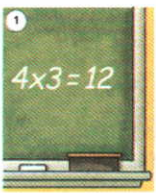
-انگلیسی. -اِنگلِش.

B: There's the bell. I've got to go.

-زنگ خورده. من باید برم. -دِز دِ بِل. آیو گات تو گُو.

واژگان

1	math/mathematics	مَث/ مَثِمَتِکس	ریاضیات	۱
2	English	اِنگلِش	انگلیسی	۲
3	history	هیستْری	تاریخ	۳
4	geography	جیاگرِفی	جغرافی	۴
5	government	گاوِنمِنت	نظام حکومتی	۵



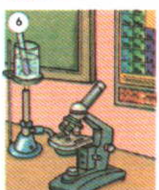






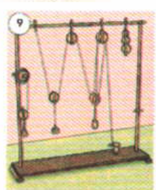


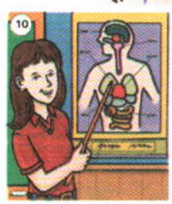
6	science	سایِنس	علوم	۶
7	biology	بایالِجی	زیست شناسی	۷
8	chemistry	کِمِستری	شیمی	۸
9	physics	فِزِکس	فیزیک	۹
10	health	هِلث	بهداشت	۱۰





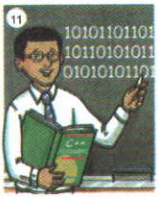






۱۹ درس های مدرسه

11	computer science	کِمپیوتِ ساینس	۱۱ علوم کامپیوتر
12	Spanish	سْ پَنِش	۱۲ (زبان) اسپانیائی
13	French	فْ رِنچ	۱۳ (زبان) فرانسوی
14	home economics	هُوم ایکانِمِکس	۱۴ اقتصاد خانواده
15	industrial arts/shop	اینداستریِل آ(ر)تس/ شاپ	۱۵ هنرهای صنعتی/ کارگاه











16	business education	بِزنِس اِجوکِیشِن	۱۶ آموزش بازرگانی
17	physical education/P.E.	فِزِکال اِجوکِیشِن/ پی. ئی	۱۷ تربیت بدنی
18	driver's education/driver's ed	دْرایوِز اِجوکِیشِن/ دْرایوِز ئی دی	۱۸ آموزش رانندگی
19	art	آ(ر)ت	۱۹ هنر
20	music	میوزِک	۲۰ موسیقی











19 Mathematics

ریاضیات

Arithmetic — اِرِثمِتیک — حساب



A: How much is two plus one?

-هاو ماچ اِز تو پْلاس وان؟ — -دو بعلاوه یک چند میشه؟

B: Two plus one equals/ is three.

-تو پْلاس وان ایکوالز/ اِز ثْری. — -دو بعلاوه یک سه میشه.

$2+1=3$ $8-3=5$

addition
اِدیشِن
جمع
2 plus 1 equals/ is 3.
تو پْلاس وان ایکوالز/ اِز ثْری.
۲ بعلاوه ۱ مساوی با ۳ است.

subtraction
ساب تْرکشِن
منهاء
8 minus 3 equals/ is 5.
اِیت ماینِس ثْری ایکوالز/ اِز فایو.
۸ منهای ۳ مساوی با ۵ است.

$4\times2=8$ $10\div2=5$

multiplication
مالتی پْلی کِیشِن
ضرب
4 times 2 equals/ is 8.
فُ تایمز تو ایکوالز/ اِز اِیت.
۴ ضربدر ۲ مساوی با ۸ است.

division
دِوِژِن
تقسیم
10 divided by 2 equals/ is 5.
تِن دی وایدِد بای تو ایکوالز/ اِز فایو.
۱۰ تقسیم بر ۲ مساوی با ۵ است.

Fractions — فْرَکشِنز — کسر

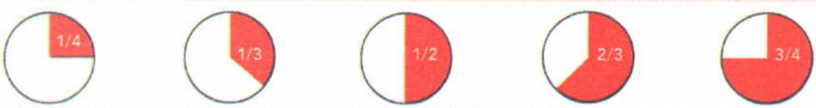


A: Is the gas tank almost empty?

-اِز دِ گَس تَنک اُلمُوست اِمتی؟ — -آیا باک بنزین تقریبا خالیه؟

B: It's about three fourths empty.

-اِتس اِبوت ثْری فُ(ر)ثز اِمتی. — -تقریبا سه چهارمش خالیه.



one quarter/ one fourth	one third	one half/ half	two thirds	three quarters/ three fourths
وان کوآتِ/ وان فُ(ر)ث	وان ثِ(ر)د	وان هَف/ هَف	تو ثِ(ر)دز	ثْری کوآتِز/ ثْری فُ(ر)ثز

ریاضیات

Percents — پِ سِنتس — درصد



A: What's the weather forecast?
-واتس ذِ وِذ فُ(ر)کَست؟
-پیش بینی وضع هوا چیه؟

B: There's a 50 percent chance of rain.
-ذِ(ر)ز اِ فِفتی پِ سِنت چَنس آو رِین.
-۵۰ درصد احتمال بارندگی وجود دارد.






10%	50%	75%	100%
ten percent	fifty percent	seventy-five percent	one-hundred percent
تِن پِ سِنت	فِفتی پِ سِنت	سِونتی-فایو پِ سِنت	وان-هاندرِد پِ سِنت

Types of Math — تایپس آو مَث — انواع درس های ریاضی



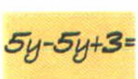
A: What math course are you taking this year?
-وات مَث کُ(ر)س آ یو تِیکینگ ذِس یِ(ر)؟
-امسال چه بخشی از ریاضیات را می گیری؟

B: I'm taking geometry.
-آیم تِیکینگ جیا مِتری.
-من هندسه را بر می دارم.

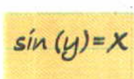


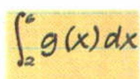
A: How did you do on the test?
-هاو دید یو دو آن ذِ تِست؟
-امتحانت را چطور دادی؟

B: I got 75% of the answers right.
-آی گات سِونتی فایوْ پِ سِنت آو ذی آنسِ(ر)ز رایت.
-من ۷۵٪ پاسخ ها را درست دادم.











algebra	geometry	trigonometry	calculus	statistics
اَلجیبرِ	جیامِتری	ترِی گِنامِتری	کَل کیولِس	سْتِ تِس تِکس
جبر	هندسه	مثلثات	حساب دیفرانسیل و انتگرال	آمار

20 Work
کار

Occupations (1) — مشاغل (۱)



A: What do you do?
-وات دو یو دو؟ — -شما چه کاره هستید؟
B: I'm an accountant. How about you?
-من حسابدار هستم. شما چطور؟ -آیم اَن اِکَونتِنت. هاو اِبَوت یو؟
A: I'm a carpenter.
-آیم اِ کا(ر)پِنتِ. — -من نجار هستم.

(At a job interview) — **(در یک مصاحبه شغلی)**

A: Are you an experienced engineer?
-آ یو اَن اِکس پیرِینسْت اِنجی نی یِ؟ — -آیا شما یک مهندس با تجربه هستید؟
B: Yes. I'm a very experienced engineer.
-یِس. آیم اِ وِری اِکس پیرِینسْت اِنجی نی یِ. — -بله. من مهندس بسیار باتجربه ای هستم.
A: How long have you been an engineer?
-هاو لانگ هَو یو بین اَن اِنجی نی یِ؟ — -چه مدتی مهندس بوده اید؟
B: I've been an engineer for five years.
-آیو بین اَن اِنجی نی یِ فُ فایو یِز. — -من به مدت پنج سال مهندس بوده ام.

واژگان

1	accountant	اکَونتِنت	حسابدار	۱
2	actor	اَکتِ	بازیگر(مرد)	۲
3	actress	اَکترِس	بازیگر(زن)	۳
4	architect	آکِتِکت	آرشیتکت	۴
5	artist	آ(ر)تِست	نقاش	۵






20 مشاغل (۱)

6	assembler	اِسِمبْلِ	۶ مونتاژکار
7	babysitter	بِی بی سیتِ	۷ پرستار بچه
8	baker	بیکِ	۸ نانوا
9	barber	با(ر)بِ	۹ آرایشگر (مردانه)






10	bricklayer/mason	بْرِک لِیِ/ مِیسِن	۱۰ آجرچین/ بنا
11	businessman	بِزنِس مِن	۱۱ تاجر(مرد)
12	businesswoman	بِزنِس وِمِن	۱۲ تاجر(زن)
13	butcher	بُچِ	۱۳ قصاب
14	carpenter	کا(ر)پِنتِ	۱۴ نجار






15	cashier	کَشیِ (ر)	۱۵ صندوقدار
16	chef/cook	شِف/ کُک	۱۶ سرآشپز/ آشپز
17	child day-care worker	چایلد دِی-کِ(ر) وِ(ر)کِ	۱۷ کارمند مهد کودک
18	computer software engineer	کِمپیوتِ سافت وِ اِنجی نی یِ	۱۸ مهندس نرم افزار کامپیوتر






20 مشاغل (۱)

19 construction worker کِنسْتراکشِن وِ(ر)کِ
20 custodian/janitor کاس تودیِن/ جَنِتِ
21 customer service representative
کاستِمِ سِ(ر)وِس رِپ رِ زِن تِ تیو
22 data entry clerk
دیتِ اِنتری کْلِ(ر)ک

۱۹ کارگر ساختمانی
۲۰ سرایدار/ نگهبان
۲۱ مسئول خدمات به مشتری
۲۲ کارمند وارد کننده اطلاعات









23 delivery person دِلِوْری پ سِن
24 dockworker داک وِ(ر)کِ
25 engineer اِن جی نی یِ
26 factory worker فَکتری وِ(ر)کِ

۲۳ پیک
۲۴ کارگر اسکله
۲۵ مهندس
۲۶ کارگر کارخانه









27 farmer فا(ر)مِ
28 firefighter فایِ فای تِ
29 fisher فِ شِ
30 food-service worker فود-سِ وِس وِ(ر)کِ

۲۷ کشاورز
۲۸ آتش نشان
۲۹ ماهیگیر
۳۰ کارگر سرو غذا









مشاغل (۱)

31 foreman — ف(ُر)مِن — ۳۱ سر کارگر

32 gardener/landscaper — گا(ر)دْنِ/ لَند سکِی‌پ — ۳۲ باغبان/ کارگر فضای سبز

33 garment worker — گا(ر)مِنت وِ(ر)کِ — ۳۳ کارگر کارگاه پوشاک

34 hairdresser — هِ(ر) دْرِسِ — ۳۴ آرایشگر (زنانه)









35 health-care aide/attendant — هِلث-کِ(ر) اِید/ اِتِندِنت — ۳۵ کمک پرستار/ مستخدم

36 home health aide/ home attendant — هُوم هِلث اِید/ هُوم اِتِندِنت — ۳۶ کمک پرستار خانگی/ مستخدم خانگی

37 homemaker — هُوم میکِ — ۳۷ خدمتکار(مرد)

38 housekeeper — هَوس کیپِ — ۳۸ خدمتکار(زن)





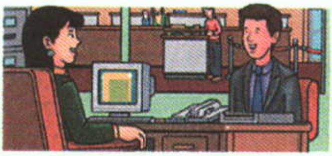




20

Occupations (2)

مشاغل (۲)



A: What's your occupation?

-واتس یُ آکیو پِی شِن؟

-شغلتون چیه؟

B: I'm a journalist.

-آیم اِ جِنِ لست.

-من روزنامه نگار هستم.

A: A journalist?

-اِ جِنِ لست؟

-روزنامه نگار؟

B: Yes. That's right.

-یِس. ذَتس رایت.

-بله. درسته.

A: Are you still a secretary?

-آ یو سْتِل اِ سِکریتری؟

-تو هنوز منشی هستی؟

B: No. I'm a travel agent.

-نُو. آیم اِ تْرَوِل ایجِنت.

-نه. من مسئول آژانس مسافرتی هستم.

A: Oh. That's interesting.

-اُو. ذَتس اینت رِستینگ.

-اُو. اون جالبه.

A: What kind of job would you like in the future?

-وات کایند آو جاب وُد یو لایک این ذِ فیوچِر؟

-دوست داری در آینده چه جور شغلی داشته باشی؟

B: I'd like to be a lawyer.

-آید لایک تو بی اِ لایِ(ر).

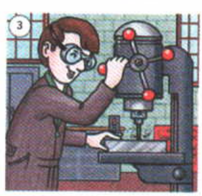
-من دوست دارم وکیل بشم.

واژگان

1	journalist/reporter	جِنِلِست/ ری پُتِ	روزنامه نگار/ گزارشگر	۱
2	lawyer	لایِ(ر)	وکیل	۲
3	machine operator	مِشین آپ ریتِ	متصدی کار با دستگاه	۳
4	mail carrier/ letter carrier	میل کَری یِ/ لِتِ کَری یِ	نامه رسان	۴









مشاغل (۲)

5 manager	مَنِج	۵ مدیر
6 manicurist	مَنِ کیورِست	۶ مانیکوریست
7 mechanic	مِکَنِک	۷ مکانیک
8 medical assistant/ physician assistant	مِدِکال اِسِستِنت/ فیزیشِن اِسِستِنت	۸ دستیار پزشک
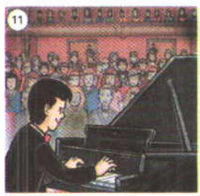








9 messenger/courier	مِسِنجِ/ کوریِ	۹ قاصد/ پیک
10 mover	مووِ	۱۰ کارگر اسباب کشی
11 musician	میوزِشِن	۱۱ موسیقی دان
12 painter	پِینتِ	۱۲ نقاش









13 pharmacist	فا(ر) مِسِست	۱۳ مسئول داروخانه
14 photographer	فِتاگرِفِ	۱۴ عکاس
15 pilot	پایلِت	۱۵ خلبان
16 police officer	پْلیس آفِسِ	۱۶ افسر پلیس









20

مشاغل (۲)

17 postal worker — پُوستُل وِ(ر)کِ — ۱۷ کارمند پست
18 receptionist — ریسِپ شِنِست — ۱۸ مسئول پذیرش
19 repairperson — ریپِ(ر) پِ سِن — ۱۹ تعمیرکار
20 salesperson — سِیلز پِ سِن — ۲۰ فروشنده









21 sanitation worker/ trash collector — سَنِ تِی شِن وِ(ر)کِ/ تْ رَش کِ لِکتِ — ۲۱ رفتگر
22 secretary — سِکریتری — ۲۲ منشی
23 security guard — سِکیورِتی گا(ر)د — ۲۳ مامور امنیتی
24 serviceman — سِ وِس مِن — ۲۴ ارتشی(مرد)
25 servicewoman — سِ وِس وِمِن — ۲۵ ارتشی(زن)









26 stock clerk — سْ تاک کْلِ(ر)ک — ۲۶ مسئول انبار
27 store owner/ shopkeeper — سْ تُ(ر) اُونِ/ شاپ کیپِ — ۲۷ صاحب مغازه/ مغازه دار
28 supervisor — سوپِ وایزِ — ۲۸ سرپرست/ مدیر گروه
29 tailor — تِیلِ — ۲۹ خیاط









مشاغل (۲)

English	تلفظ	فارسی
30 teacher/instructor	تیچِ/ اینس تْراکتِ	۳۰ معلم/ مدرس
31 telemarketer	تِلِ ما(ر)کِتِ	۳۱ بازاریاب تلفنی
32 translator/interpreter	تْرانس لِیتِ/ اینتِ پْرِتِ	۳۲ مترجم
33 travel agent	تْرَوِل اِیجِنت	۳۳ مسئول آژانس مسافرتی









English	تلفظ	فارسی
34 truck driver	تْراک دْرایْوِ	۳۴ راننده کامیون
35 veterinarian/vet	وِتِ رِنِ رِین/ وِت	۳۵ دامپزشک
36 waiter/server	وِیتِ/ سِ وِ	۳۶ پیشخدمت (مرد)
37 waitress/server	وِیترِس/ سِ وِ	۳۷ پیشخدمت (زن)
38 welder	وِلدِ	۳۸ جوشکار









20

Job Search

کاریابی



A: How did you find your job?
-هاو دید یو فایند یُ جاب؟ -کارت را چگونه پیدا کردی؟

B: I found it through a job announcement.
-آی فُوند اِت ثرو اِ جاب اِنُونس مِنت. -من از طریق اطلاعیه کار آن را پیدا کردم.



A: How was your job interview?
-هاو واز یُ جاب اینتِ ویو؟ -مصاحبه شغلیت چطور بود؟

B: It went very well.
-اِت وِنت وِری وِل. -اون خیلی خوب پیش رفت.

A: Did you prepare a resume?
-دید یو پِری پ(ر) اِ رِزِمِی؟ -آیا خلاصه سوابق شغلیت را آماده کردی؟

B: Yes, I did. -یِس، آی دید. -آره، این کار را کردم.

واژگان

	Types of Job Ads	**تایپس آو جاب آدز**	**انواع آگهی کار**	
1	help wanted sign	هِلپ وانتِد ساین	اعلان آگهی استخدام	۱
2	job notice/ job announcement	جاب نُوتِس/ جاب اِنُونس مِنت	اطلاعیه استخدام	۲
3	classified ad	کْ لَسِ فاید اَد	آگهی طبقه بندی شده	۳
	Job Ad Abbreviations	**جاب آد اِب ری وی اِی شِنز**	**کلمات اختصاری آگهی استخدام**	
4	full-time	فُل-تایم	تمام وقت	۴
5	part-time	پا(ر)ت-تایم	نیمه وقت	۵
6	available	اوِیل اِبْل	موجود	۶
7	hour	آوِ(ر)	ساعت	۷
8	Monday through Friday	ماندِی ثْرو فْرایدِی	دوشنبه الی جمعه	۸
9	evenings	ایو نینگز	شب ها	۹
10	previous	پْری و یِس	قبلی	۱۰
11	experience	اِکس پی رِینس	تجربه	۱۱
12	required	ری کوآیِد	مورد نیاز	۱۲
13	excellent	اِکسِلِنت	عالی	۱۳







کاریابی

Job Search	جاب سِ(ر)چ	**کاریابی**
A respond to an ad	ریس پاند تو اَن اَد	پاسخ دادن به یک آگهی
B request information	ری کواِست این فِ مِی شِن	درخواست کردن اطلاعات
C request an interview	ری کواِست اَن اینتِ ویو	درخواست کردن برای مصاحبه
D prepare a resume	پری پِ(ر) اِ رِزمِی	آماده کردن شرح سوابق کاری
E dress appropriately	دْرِس اِپرُپری‌اِتلی	پوشیدن لباس مناسب
F fill out an application form	فِل اَوت اَن اَپلِ کِی شِن فُ(ر)م	پر کردن فرم تقاضای کار



G go to an interview	گُو تو اَن اینتِ ویو	رفتن به یک مصاحبه
H talk about your skills and qualifications	تاک اِ بَوت یُ سْکِلز اَند کوآلی فی کِی شِنز	صحبت کردن درباره مهارت ها و لیاقت هایتان
I talk about your experience	تاک اِبَوت یُ اِکس‌پیرِینس	صحبت کردن درباره تجربیات تان
J ask about the salary	آسک اِبَوت ذ سَلِری	پرسش درباره حقوق
K ask about the benefits	آسک اِبَوت ذ بِنِ‌فِتس	پرسش درباره مزایا
L write a thank-you note	رایت اِ ثَنک-یو نُوت	نوشتن یادداشت تشکرآمیز
M get hired	گِت هایِد	استخدام شدن





21 Recreation & Entertainment

تفریح و سرگرمی

Places to Go

جاهای دیدنی



A: What do you want to do today?

-امروز می خواهی چه کار کنی؟ -وات دو یو وانت تو دو تِدِی؟

B: Let's go to the museum.

-بیا بریم موزه. -لِتس گُو تو ذِ میوزیِ‌اِم.



A: What did you do over the weekend?

-تعطیلات آخر هفته چه کار کردی؟ وات دید یو دو اُوِ ذِ ویکِند؟

B: I went to the mountains.

-من به کوه رفتم. -آی وِنت تو ذِ مَون‌تِنز.



A: What are you going to do on your day off?

-وات آ یو گوئینگ تو دو آن یُ دِی آف؟

- قصد داری روز تعطیلت را چه کار کنی؟

B: I'm going to go to a historic site.

-آیم گوئینگ تو گُو تو اِ هیستارِک سایت.
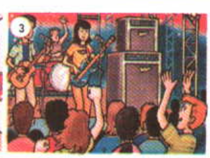
-قصد دارم به یک مکان تاریخی برم.

واژگان

1	museum	میوزیِ‌اِم	موزه	۱
2	art gallery	آ(ر)ت گَلِری	گالری هنری	۲
3	concert	کانسِ(ر)ت	کنسرت	۳
4	play	پِلِی	نمایش	۴









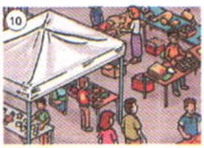
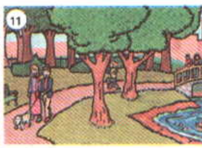
۲۱ جاهای دیدنی

5 amusement park اِمیوزمِنت پا(ر)ک ۵ پارک سرگرمی
6 historic site هیستارِک سایت ۶ مکان تاریخی
7 national park نَشنال پا(ر)ک ۷ پارک ملی
8 craft fair کْرَفت فِ(ر) ۸ نمایشگاه صنایع دستی

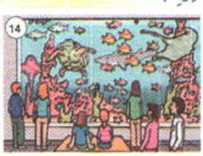





9 yard sale یا(ر)د سِیل ۹ حراج خانگی
10 swap meet/flea market سوآپ میت/ فْ لی ما(ر)کیت ۱۰ معامله پایاپای/ بازار اجناس دست دوم
11 park پا(ر)ک ۱۱ پارک
12 beach بیچ ۱۲ ساحل


13 mountains مَونتِنز ۱۳ کوهستان
14 aquarium اِکُوریِم ۱۴ آکواریوم
15 botanical gardens بِ تَ نِ کُل گا(ر)دِنْز ۱۵ باغ گیاه شناسی
16 planetarium پْ لَنی ترِیم ۱۶ آسمان نما



17 zoo زو ۱۷ باغ وحش
18 movies موویز ۱۸ سینما
19 carnival کا(ر)نِ وُل ۱۹ کارناوال
20 fair فِ(ر) ۲۰ نمایشگاه






21

Sightseeing بازدید از جاهای دیدنی

Finding the Sights	فایندینگ ذِ سایتس	پیدا کردن مکان های دیدنی
I want to go there.	آی وانت تو گُو ذِ.	من می خواهم به آنجا بروم.
Where's the cathedral?	وِز ذِ کِثیدرال؟	کلیسای جامع کجاست؟
Where's the main market?	وِز ذِ مِین ماکیت؟	بازار اصلی کجاست؟
Where's the art museum?	وِز ذی آ(ر)ت میوزیِ‌اِم؟	موزه هنر کجاست؟
At what time do they open?	اَت وات تایم دو ذِی اُوپن؟	در چه ساعتی اونجارو باز می کنند؟
At what time do they close?	اَت وات تایم دو ذِی کْلُوز؟	در چه ساعتی اونجارو می بندند؟
Is it open today?	اِز اِت اُوپن تِ دِی؟	آیا امروز اونجا باز است؟
How much is the admission?	هاو ماچ اِز ذی اِدمِشِن؟	ورودیه چقدر است؟
How much is it for children?	هاو ماچ اِز اِت فُ چِلدرِن؟	برای بچه ها چقدر است؟
What's this building?	واتس ذِس بِلدینگ؟	این چه ساختمانیه؟
Which is the oldest building in the city?	وِچ اِز ذی اُولدِست بِلدینگ این ذِ سِتی؟	قدیمی ترین ساختمان شهر کدومه؟
When was it built?	وِن واز اِت بِلت؟	اون کی ساخته شد؟
Who built it?	هو بِلت اِت؟	چه کسی اونو ساخت؟
What's the name of this mosque?	واتس ذِ نیم آو ذِس ماسک؟	اسم این مسجد چیست؟
Where's the exhibition/ fair?	وِز ذی اِکس بِشِن/ فِ(ر)؟	نمایشگاه کجاست؟
Where can I get a catalogue?	وِ کِن آی گِت اِ کَتِلاگ؟	کجا می توانم کاتالوگ تهیه کنم؟
Where can I get a map/guide book of the city?	وِ کِن آی گِت اِ مَپ/ گاید بُک آو ذِ سِتی؟	کجا می توانم نقشه/ راهنمای شهر را تهیه کنم؟
Is this the way to the zoo?	اِز ذِس ذِ وِی تو ذِ زو؟	آیا این مسیر باغ وحش است؟
Which bus goes to the castle?	وِچ باس گُوز تو ذِ کَسُل؟	کدام اتوبوس به کاخ می رود؟
How do I get to the park?	هاو دو آی گِت تو ذِ پا(ر)ک؟	چگونه می توانم به پارک برسم؟
Can we walk there?	کِن وی واک ذِ(ر)؟	آیا می توانیم پیاده به آنجا برویم؟

21 بازدید از جاهای دیدنی

In the Old Part of Town — این ذی اُولد پا(ر)ت آو تَون — در قسمت قدیمی شهر

Which are the historic sites?	وِچ آ ذِ هیستارِک سایتس؟	مکان های تاریخی کدام هستند؟
How many churches are there here?	هاو مِنی چِچیز آ ذِ هی ی؟	چند کلیسا در اینجا هست؟
Is that church old?	اِز ذَت چِچ اُولد؟	آیا آن کلیسا قدیمی است؟
Are there any monuments nearby?	آ ذِ اِنی مان یومِنتس نی یِ بای؟	آیا این نزدیکی ها بنای یاد بود هست؟
When was that built?	وِن واز ذَت بِلت؟	آن ساختمان کی ساخته شد؟
How old is that building?	هاو اُولد اِز ذَت بِلدینگ؟	آن ساختمان چقدر عمر دارد؟
Are there many statues here?	آ ذِ مِنی سْ تَچوز هی یِ؟	آیا در اینجا مجسمه های زیادی هست؟
Who built it?	هو بِلت اِت؟	چه کسی این را ساخت؟

The Business District — ذِ بِزنِس دِسترِکت — ناحیه تجاری

At what time do businesses open?	اَت وات تایم دو بِزنِ سیز اُوپِن؟	واحد های تجاری در چه ساعتی باز می شوند؟
Where are the department stores?	وِ آ ذِ دیپاتمِنت سْ تُ(ر)ز؟	فروشگاه های بزرگ کجا هستند؟
Are the businesses open on the weekends?	آ ذِ بِزنِسیز اُوپِن آن ذِ ویکِندز؟	آیا واحد های تجاری در تعطیلات آخر هفته باز هستند؟
Where is a souvenir shop?	وِ اِز اِ سووِنِ شاپ؟	مغازه اجناس سوغاتی کجاست؟
Which is the main bank?	وِچ اِز ذِ مِین بَنک؟	شعبه مرکزی بانک کدام است؟
Where is the money exchange?	وِ اِز ذِ مانی اِکس چِینج؟	تبدیل پول کجاست؟

The Country — ذِ کانتری — ییلاق

How can I get to the country?	هاو کِن آی گِت تو ذِ کانتری؟	من چگونه می توانم به ییلاق بروم؟
Is there a bus that goes to the country?	اِز ذِ اِ باس ذَت گُوز تو ذِ کانتری؟	آیا برای رفتن به ییلاق اتوبوس هست؟
Is there a train that goes to the country?	اِز ذِ اِ ترِین ذَت گُوز تو ذِ کانتری؟	آیا برای رفتن به ییلاق قطار هست؟
How long does it take?	هاو لانگ داز اِت تِیک؟	چه مدت طول می کشد؟
Are there any places to eat there?	آ ذِ اِنی پْ لِیسیز تو ایت ذِ؟	آیا جاهائی برای غذا خوردن در آنجا هست؟

21 بازدید از جاهای دیدنی

Should we take some food?	شُد وی تِیک سام فود؟	آیا باید با خودمان غذا ببریم؟
Are there restrooms?	آ دِ رِسترومز؟	اونجا دستشوئی هست؟
The view is breathtaking.	دِ ویو اِز بْرِث تِیکینگ.	منظره نفس گیر است.
The view is magnificent.	دِ ویو اِز مَگنِفِ سِنت.	منظره با شکوه است.
This place is beautiful.	دِس پْلِیس اِز بی‌یوتِ‌فُل.	این مکان زیباست.
What is a typical souvenir from here?	وات اِز اِ تِپکال سوونِ فرام هی یِ؟	سوغاتی مخصوصِ اینجا چیست؟
Do you tip the guide?	دو یو تِپ دِ گاید؟	آیا شما به راهنما انعام می دهید؟

واژگان

1	natural science museum	نَچرال ساینس میوزی‌اِم	موزه علوم طبیعی	۱
2	folk art museum	فُوک آ(ر)ت میوزی‌اِم	موزه هنر مردمی	۲
3	national theater	نَشنال ثی اِ تِ	تئاتر ملی	۳
4	business district	بِزنِس دِسترِکت	منطقه بازرگانی	۴
5	mountains	مَون تِنز	کوهستان	۵
6	plants	پْلَنتس	گیاهان	۶
7	flowers	فْلاوِز	گلها	۷
8	fields	فیلدز	مزارع	۸
9	hills	هیلز	تپه ها	۹
10	woods	وُدز	جنگل	۱۰
11	birds	بِدز	پرندگان	۱۱
12	wild animals	وایلد اَنِمالز	حیوانات وحشی	۱۲
13	farms	فا(ر)مز	مزارع	۱۳
14	houses	هَوزِز	خانه ها	۱۴
15	cottages	کاتیجِز	کلبه ها	۱۵
16	villages	وِلِجِز	روستاها	۱۶
17	barn	با(ر)ن	انبار	۱۷
18	bridge	بْرِج	پل	۱۸
19	castle	کَسُل	کاخ	۱۹
20	waterfall	واتِ فال	آبشار	۲۰
21	stream	سْ تْریم	نهر	۲۱
22	lake	لِیک	دریاچه	۲۲
23	beach	بیچ	ساحل	۲۳
24	pond	پاند	برکه	۲۴

On the Beach

در ساحل

English	Pronunciation	Persian
Which is the best beach?	وِچ اِز ذِ بِست بیچ؟	بهترین ساحل کدام است؟
Is it a public beach?	اِز اِت اِ پابلِک بیچ؟	آیا این یک ساحل عمومی است؟
Is there a lifeguard?	اِز ذِ اِ لایف گاد؟	اونجا نجات غریق هست؟
Is it dangerous for children?	اِز اِت دینجِرِس فُ چِلدرِن؟	آیا آن برای بچه ها خطرناک است؟
Are there dangerous currents?	آ ذِ دینجِرِس کارِنتس؟	آیا جریان های (آب) خطرناکند؟
When is high tide?	وِن اِز های تاید؟	مد چه موقعی است؟
When is low tide?	وِن اِز لُو تاید؟	جزر چه موقعی است؟
We need some beach chairs.	وی نید سام بیچ چِ(ر)ز.	ما تعدادی صندلی ساحلی لازم داریم.
We need some towels.	وی نید سام تاوِلز.	ما چندحوله لازم داریم.
Is there a quiet beach near here?	اِز ذِ اِ کوآیِت بیچ نی یِ هی یِ؟	آیا این نزدیکی یک ساحل خلوت هست؟
Is it far to walk?	اِز اِت فا تِ واک؟	برای پیاده رفتن دور است؟
Is there a bus to the beach?	اِز ذِ اِ باس تِ ذِ بیچ؟	برای ساحل اتوبوس هست؟
Is the beach sandy or rocky?	اِز ذِ بیچ سَندی اُ راکی؟	ساحل صخره ای است یا ماسه ای؟
Is it dangerous to swim here?	اِز اِت دینجِرِس تِ سویم هی یِ؟	آیا اینجا برای شنا کردن خطرناک است؟
Swimming prohibited.	سویمینگ پِرُهی بیتِد.	شنا کردن ممنوع است.
There's a strong current here.	ذِز اِ سْترانگ کارِنت هی یِ.	در اینجا جریان آب قوی است.
Are you a strong swimmer?	آ یو اِ سْترانگ سویمِ؟	آیا شما شناگر ماهری هستید؟
Is it deep?	اِز اِت دیپ؟	آیا این عمیق است؟
Is the water cold/warm?	اِز ذِ واتِ کُولد/ وا(ر)م؟	آیا آب سرد/ گرم است؟
Can we swim in the lake/river?	کَن وی سویم این ذِ لیک/ رِو(ر)؟	آیا ما می توانیم در دریاچه/ رودخانه شنا کنیم؟
Is there an indoor/outdoor swimming pool?	اِز ذِ اَن ایندُ(ر)/ اَوت دُ(ر) سویمینگ پول؟	آیا در اینجا استخر شنای سرپوشیده/ سر باز هست؟
Can I hire a rowing boat/motor boat?	کَن آی هایِ اِ رُوینگ بُوت/ مُوتِ بُوت؟	آیا من می توانم یک قایق پاروئی/ قایق موتوری کرایه کنم؟
What does it cost by the hour?	وات داز اِت کاست بای ذی آوِ؟	هزینه اش ساعتی چنده؟

21

Camping

چادر زدن

Can we camp here?	کَن وی کَمپ هی یِ؟	ما می تونیم اینجا چادر بزنیم؟
Is there a camping site near here?	اِز ذِ اِ کَمپینگ سایت نی یِ هی یِ؟	این نزدیکی اردوگاه هست؟
Is this an authorized camp site?	اِز ذِس آن آثِرایزد کَمپ سایت؟	این اردوگاه معتبر است؟
Is there a room for the trailer?	اِز ذِ اِ روم فُ ذِ تْریلِ؟	برای کاراوان جا هست؟
What does it cost for one night?	وات داز اِت کاست فُ وان نایت؟	هزینه‌اش شبی چنده؟
Is there drinking water?	اِ ذِ دْرِنکینگ واتِ؟	آب آشامیدنی داره؟
Is there electricity?	اِ ذِ ایلک ترِستی؟	برق داره؟
Are there showers?	آ ذِ شاوِز؟	دوش داره؟
Is there a grocery store?	اِ ذِ اِ گْروسِری سْ تُ(ر)؟	خواروبار فروشی هست؟
Is there a butane gas?	اِز ذِ اِ بیوتِین گَس؟	گاز پیک نیکی هست؟
How far is the next village?	هاو فا(ر) اِز ذِ نِکست وِلِج؟	تا دهکده بعدی چقدر راه است؟
Are sanitary arrangements provided?	آ سَنِتری اِرِینج مِنتس پرُوایدید؟	موارد بهداشتی تامین شده است؟
Can we hire a tent?	کَن وی هایِ اِ تِنت؟	ما می توانیم چادر کرایه کنیم؟
Can we park our caravan here?	کَن وی پا(ر)ک آوِ کَرِوَن هی یِ؟	ما می توانیم کاراوانمان را در اینجا پارک کنیم؟
May we light a fire?	مِی وی لایت اِ فایِ؟	می توانیم آتش روشن کنیم؟
Where can I get rid of rubbish?	وِ کَن آی گِت رِد آو رابِش؟	کجا می توانم از شر زباله خلاص شوم؟

واژگان

1	tent	تِنت	۱ چادر
2	sleeping bag	سْ لیپینگ بَگ	۲ کیسه خواب
3	lantern	لَنتِ(ر)ن	۳ فانوس
4	hatchet	هَچیت	۴ تبر
5	camping stove	کَمپینگ سْتُو	۵ اجاق اردوگاهی
6	Swiss army knife	سووِس آ(ر)می نایف	۶ چاقوی ارتشی سویسی
7	insect repellant	اینسِکت ری پِ لِنت	۷ حشره کش
8	matches	مَچیز	۸ کبریت
9	backpack	بَک پَک	۹ کوله پشتی
10	canteen	کَنتین	۱۰ قمقمه

Entertainment
سر گرمی

What's on at the theater/ cinema? در تئاتر/ سینما چه نمایشی می دهند؟
واتز آن اَت ذِ ثی اِت/ سینما؟

Is there a concert on this evening? امشب کنسرت هست؟
اِز ذِ اِ کانسِت آن ذِس ایونینگ؟

I want two seats for tonight/ tomorrow. من دو بلیط برای امشب/ فردا می خواهم.
آی وانت تو سیتس فُ تِنایت/ تِمارو.

I want to book seats for Thursday. من می خواهم برای پنج شنبه جا رزرو کنم.
آی وانت تو بُک سیتس فُ ثِزدِی.

What time does the performance start? اجراء در چه ساعتی شروع می شود؟
وات تایم داز ذِ پِ(ر)فُمِنس سْتا(ر)ت؟

What time does it end? وات تایم داز اِت اِند؟ اون در چه ساعتی تمام می شود؟

Movies
موویز
سینما

Let's go to the movies. لِتس گُو تو ذِ مو ویز. بیا بریم سینما.
What's playing? واتس پْلِ ئینگ؟ چی نشون می دن؟
Is it in English? اِز اِت این اِنگلِش؟ اون به زبان انگلیسیه؟
With subtitles? ویذ ساب تای تُلز؟ با زیر نویس است؟
Is it dubbed? اِز اِت دابد؟ دوبله شده؟
When does the movie start? فیلم کی شروع میشه؟
وِن داز ذِ مو وی سْ تا(ر)ت؟

How much are the movie tickets? بلیط های سینما چند ند؟
هاو ماچ آ ذِ مو وی تِکِتس؟

What theater is showing the new movie?
وات ثی اِت اِز شُوئینگ ذِ نو مو وی؟
چه سینمائی فیلم جدید نشون می ده؟

Theater, Concert, Opera, and Ballet
ثی اِت، کانسِت، آپرا، اَند بَلِی
تئاتر، کنسرت ، اُپرا، و باله

What's playing at the theater? در تئاتر چه نمایشی اجراء می شود؟
واتس پْلِ ئینگ اَت ذِ ثی اِ تِ؟

I would like to go to a play. من می خواهم به یک نمایش بروم.
آی وُد لایک تو گُو تو اِ پْلِی.

I would like to go to an opera. من می خواهم به یک اپرا بروم.
آی وُد لایک تو گُو تو اَن آپرا.

21

سرگرمی

I would like to go to a ballet. آی وُد لایک تو گُو تو اِ بَلِی.	من می خواهم به یک باله بروم.
I would like to go to a concert. آی وُد لایک تو گُو تو اِ کانسِت.	من می خواهم به یک کنسرت بروم.
What kind of play is it? وات کایند آو پْلِی اِز اِت؟	این چه نوع نمایشی است؟
Are the tickets for today? آ ذِ تِکِتس فُ تِدِی؟	آیا بلیط ها برای امروز هستند؟
How much are the opera tickets? هاو ماچ آ ذی آپرا تِکِتس؟	قیمت بلیط برای اپرا چند است؟
How much are the tickets for the play? هاو ماچ آ ذِ تِکِتس فُ ذِ پْلِی؟	قیمت بلیط برای نمایش چند است؟
How much are the tickets for the ballet? هاو ماچ آ ذِ تِکِتس فُ ذِ بَلِی؟	قیمت بلیط برای باله چند است؟
Do we need a reservation? دو وی نید اِ ریزِوِی شِن؟	آیا لازم است آن را رزرو کنیم؟
Please give me tickets. پْلیز گیو می تِکِتس.	لطفا به من بلیط بدهید.
I would like an orchestra seat. آی وُد لایک اَن آکِسْتْرِ سیت.	من یک صندلی برای صحن اصلی می خواهم.
I would like seats in the balcony. آی وُد لایک سیتس این ذِ بَلکِنی.	من برای بالکن جا می خواهم.
I would like a mezzanine seat. آی وُد لایک اِ مِزِنین سیت.	من یک جا در بالکن طبقه اول می خواهم.
I would like seats up front. آی وُد لایک سیتس آپ فرانت.	من برای مقابل جایگاه صندلی می خواهم.
I would like good seats. آی وُد لایک گُد سیتس.	من جای خوب می خواهم.
I would like inexpensive tickets. آی وُد لایک این اِکس پِنسِو تِکِتس.	من بلیط ارزان می خواهم.
I would like tickets for the matinee. آی وُد لایک تِکِتس فُ ذِ مَتِ نی.	من برای بعد از ظهر بلیط می خواهم.
I would like tickets for the evening. آی وُد لایک تِکِتس فُ ذی ایونینگ.	من برای شب بلیط می خواهم.
A program, please. اِ پْرُوگْرَم، پْلیز.	برنامه نمایش، لطفا.

Sports
ورزش

Are there any sporting events? — آیا هیچ مسابقه ورزشی هست؟
آ ذِ انی سْپُ تینگ ای وِنتس؟

Where is the stadium? — وِ اِز ذِ سْتِیدیِم؟ — استادیوم کجاست؟

How much are the tickets? — هاو ماچ آ ذِ تِکِتس؟ — بلیط ها چند هستند؟

Are there better seats? — آ ذِ بِتِ سیتس؟ — آیا جاهای بهتری هست؟

Are there any seats in the grandstand? — آیا در جایگاه صندلی هست؟
آ ذِ انی سیتس این ذِ گْرند سْتَند؟

How much are they? — هاو ماچ آ ذِی؟ — قیمت آنها چند است؟

Which are the cheapest seats? — ارزان ترین صندلی ها کدام هستند؟
وِچ آ ذِ چیپِست سیتس؟

Are the seats in the sun/shade? — آیا صندلی ها در آفتاب/ سایه هستند؟
آ ذِ سیتس این ذِ سان/ شِید؟

We want to go to the football match. — ما می خواهیم به مسابقه فوتبال برویم.
وی وانت تو گو تو ذِ فُت بال مَچ.

Who's playing? — هوز پْلِ ئینگ؟ — کی بازی می کنه؟

When does it start? — وِن داز اِت سْ تا(ر)ت؟ — چه موقع شروع میشه؟

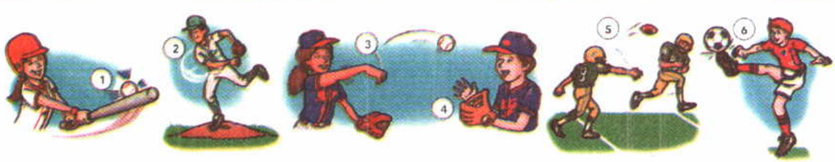
Who's winning? — هوز وینینگ؟ — کی می بَره؟

Where's the race course? — وِز ذِ رِیس کُ(ر)س؟ — مسیر مسابقه کجاست؟

Do you like swimming? — دو یو لایک سویمینگ؟ — آیا شما شنا را دوست دارید؟

واژگان

1	hit	هِت	زدن	۱
2	pitch	پِچ	پرتاب کردن	۲
3	throw	ثْ رُو	پرت کردن	۳
4	catch	کَچ	گرفتن	۴
5	pass	پَس	پاس دادن	۵
6	kick	کِک	با پا زدن	۶



ورزش

21

7 serve	سِ(ر)و	۷ زدن سرویس
8 bounce	بَونس	۸ جهاندن
9 dribble	دْرِبُل	۹ دریبل کردن
10 shoot	شوت	۱۰ شوت کردن
11 stretch	سْ تْرِچ	۱۱ انجام دادن حرکات کششی
12 bend	بِند	۱۲ خم شدن



13 walk	واک	۱۳ پیاده روی کردن
14 run	ران	۱۴ دویدن
15 hop	هاپ	۱۵ لی لی کردن
16 skip	سْکِپ	۱۶ جهیدن
17 jump	جامپ	۱۷ پریدن
18 reach	ریچ	۱۸ بالا بردن دست

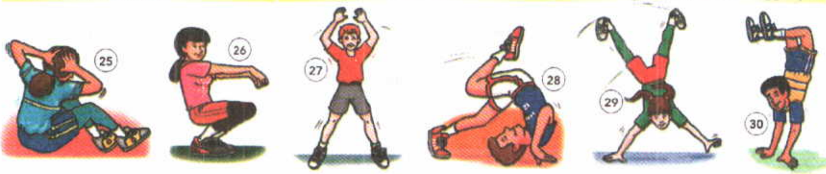


19 swing	سوینگ	۱۹ چرخیدن/ تاب خوردن
20 lift	لیفت	۲۰ بلند کردن
21 swim	سویم	۲۱ شنا کردن
22 dive	دایو	۲۲ شیرجه رفتن
23 shoot	شوت	۲۳ تیراندازی کردن
24 push-up	پُش-آپ	۲۴ شنا رفتن



ورزش

25 sit-up	سیت-آپ	۲۵ حرکت بشین و پاشو
26 deep knee bend	دیپ نی بِند	۲۶ روی زانو نشستن و بلند شدن
27 jumping jack	جامپینگ جَک	۲۷ پرش در جا
28 somersault	سامِ سالت	۲۸ پشتک زدن
29 cartwheel	کا(ر)ت ویل	۲۹ چرخ زنی کردن
30 handstand	هَند سْتَند	۳۰ روی دست ایستادن



مکالمات مرجع

مکالمات مرجع

مکالمات مرجع

مکالمات مرجع

مکالمات مرجع

مکالمات مرجع



۲۷۷

1

EVERYDAY ACTIVITIES (1)

کارهای روزمره (۱)

1 Greetings and Farewells — سلام و خداحافظی

Greetings — گریتینگز — سلام و علیک

A

Hi, Larry. How's it going?
های، لَری. هاوز اِت گوئینگ؟
سلام، لاری. چطوری؟

Hey, Alice! How're you doin?
هِی، اَلِس! ها یو دوئین؟
هِی، آلیس! چطوری؟

Hello, Bob. How are things with you?
هِلُو، باب. هاو آ ثینگز ویذ یو؟
سلام، باب. اوضاعت چطوره؟

Good morning, Mr. Kim. Long time no see.
گُد مُنینگ، میستِ کِم. لانگ تایم نُو سی.
صبح بخیر، آقای کیم، خیلی وقته ندیدمتون.

Good afternoon. How are you?
گُد اَفتِ نون. هاو آ یو؟
عصر بخیر. حال شما چطوره؟

Good evening.
گُد ایونینگ.
شب بخیر.

B

Fine, thanks. And how're you doin'?
فاین، ثَنکس. اَند هاو یو دوئین؟
خوبم، متشکرم. و تو چطوری؟

O.K. How about you? — اُوکِی. هاو اِبوت یو؟ — خوبم. تو چطوری؟
So-so. And you? — سُو-سُو. اَند یو؟ — بد نیستم. تو چطوری؟
Not bad. And how are you? — نات بَد. اَند ها آ یو؟ — بد نیستم. و توچطوری؟
I'm fine, thank you. — آیم فاین، ثَنک یو. — خوبم، متشکرم.
Very well, thank you. — وِری وِل، ثَنک یو. — خیلی خوبم، متشکرم.

Farewells	فِ(ر)وِلز	خداحافظی

A

Bye (Bye-bye).	بای (بای-بای).	خداحافظ.
See you later.	سی یو لِیتِ.	بعدا می بینمت.
See you again.	سی یو اَگِن.	دوباره می بینمت.
Take it easy.	تِیک اِت ایزی.	سخت نگیر.
Take care of yourself.	تِیک کِ(ر) آو یُسِلف.	مواظب خودت باش.
Goodbye.	گُدبای.	خداحافظ.
Good night.	گُد نایت.	شب بخیر.

B

Bye.	بای.	خداحافظ.
Hope so.	هُوپ سُ.	امیدوارم.
Sure thing.	شُ اِ(ر) ثینگ.	حتما.
You, too.	یو، تو.	تو، هم همینطور.
Goodbye.	گُدبای.	خداحافظ.

2 Welcoming — خوشامد گفتن

Welcome!	وِلکِم!	خوش آمدید!
Welcome home!	وِلکِم هُوم!	به خانه خوش آمدی!
Welcome back to class!	وِلکِم بَک تو کُلَس!	بازگشت تان را به کلاس خیر مقدم می گوئیم!
Welcome to Paris!	وِلکِم تو پَرِس!	به پاریس خوش آمدید!

Let me welcome you to our beautiful city!
لِت می وِلکِم یو تو آوِ بی یُ تِفُل سِتی!
اجازه بدهید ورودتان را به شهر زیبایمان خوشامد بگویم!

3 Introductions — معرفی

Self-Introductions	سِلف- اینتُرِداکشِنز	معرفی خود

A

Hi. My name is Eddie.	های. مای نِیم اِز اِدی.	سلام. اسم من اِدی است.
Hi. I'm Liant. What's your name?	های. آیم لایِنت. واتس یُ نِیم؟	سلام. من لاینت هستم. اسم شما چیه؟

Hello. My name is Paul, Paul Goodwin.
هِلُو. مای نِیم اِز پال، پال گُد وین.
.سلام. اسم من پُل است، پُل گُدوین

I'd like to introduce myself. I'm Bob Peterman.
آید لایک تو اینترِدوس مای سِلف. آیم باب پیتِمَن.
من مایلم خودم را معرفی کنم. من باب پیترمن هستم.

May I introduce myself? My name is Ralph Winston.
مِی آی اینترِدوس مای سِلف؟ مای نِیم اِز رالف وینستِن.
می تونم خودم را معرفی کنم؟ اسم من رالف وینستونه.

B

Nice to meet you.
نایس تو میت یو.
از دیدنتون خوشوقتم.

Pleased to meet you. My name is Amy Johnson.
پلیزد تو میت یو. مای نِیم اِز اِیمی جانسِن.
از دیدنتون خوشوقتم. اسم من اِیمی جانسونه.

I'm glad to meet you. I'm Connie Michael.
آیم گلَد تِ میت یو. آیم کانی مایکِل.
از ملاقات با شما خوشحالم. من کانی مایکل هستم.

How do you do.
هاو دو یو دو.
خوشوقتم.

4 Introducing People to Other People
معرفی افراد به اشخاص دیگر

A

Henry, this is Alison Turnbull.
هنری، ذِس اِز آلِسِن تِنبُل.
هنری، این آلیسون ترنبال است.

Marge, this is a good friend of mine, Bob Jones.
مارج، ایشون یکی از دوستان خوب من، باب جونز هستند.
ماج، ذِس اِز اِ گُد فرِند اِو ماین، باب جُنز.

Mary, I'd like you to meet Phil Sweet.
مِری، آید لایک یو تِ میت فِل سویت.
مری، من مایلم تو با فیل سوئیت آشنا بشی.

Lisa, I'd like to introduce you to Tom Martin.
لیسِ، آید لایک تو اینترِدوس یو تو تام ما(ر)تِن.
لیزا، من مایلم تام مارتین را به تو معرفی کنم.

Steve, may I introduce you to Ralph Butterman?
سْتیو، مِی آی اینترِدوس یو تو رالف باتِمِن؟
استیو، می تونم باب باترمن را به تو معرفی کنم؟

B

Glad to meet you.
گْلَد تِمیت یو.
از دیدنتون خوشوقتم.

I'm happy to meet you, Bob.	آیم هَپی تو میت یو ، باب.	از دیدنت خوشحالم، باب.
How do you do, Mr. Butterman?	هاو دو یو دو، میستِ باتِ مِن؟	چطورید، آقای باترمن؟

C

Nice to meet you, too.	نایس تِ میت یو، تو.	من هم از دیدنتون خوشوقتم.
It's my pleasure.	اِتس مای پْلِژِ.	خوشوقتم.
How do you do.	هاو دو یو دو.	خوشوقتم.

5 Getting Attention جلب توجه کردن

Hey!	هِی!	هی!
Excuse me...	اِکس کیوز می...	ببخشید...
Pardon me...	پا(ر)دِن می...	عذر میخوام...
Oh, Sir!	أو، سِ(ر)!	آقا!
Oh, Miss!	أو، میس!	خانم!

6 Regulating Other People's Speech تنظیم سخن دیگران

Asking for Repetition	**آسکینگ فُ رِپِتِ شِن**	**درخواست کردن برای تکرار**
Huh? What?	ها؟ وات؟	ها؟ چی؟
Say again.	سِی اِگِن.	دوباره بگو.
Excuse me?	اِکس کیوز می؟	ببخشید؟
Pardon me?	پا(ر)دِن می؟	عذر میخوام؟
I beg your pardon?	آی بِگ یُ پا(ر)دِن؟	معذرت میخوام؟
What did you say?	وات دید یو سِی؟	چی گفتید؟
What was that you said?	وات واز ذَت یو سِد؟	شما چی گفتین؟
Please repeat that.	پلیز ریپیت ذَت.	لطفا اونو تکرار کنید.
Could you say that again, please?	کُد یو سِی ذَت اِگِن، پلیز؟	میشه لطفا اونو دوباره بگین؟
Would you mind repeating that?	وُد یو مایند ریپیتینگ ذَت؟	میشه اونو تکرار کنید؟

Repeating	**ریپیتینگ**	**تکرار کردن**
I said, "I don't care."	آی سِد، "آی دُونت کِ(ر)."	من گفتم، "اهمیت نمی دم."
I asked, "Where was he hiding?"	آی آسکت، "وِ(ر) واز هی هایدینگ؟"	من پرسیدم، "او کجا پنهان شده بود؟"
I said that I didn't see them.	آی سِد ذَت آی دیدنت سی ذِم.	من گفتم که اونهارو ندیدم.

I asked if you were ill.
آی آسکت ایف یو وِ(ر) ایل.
من پرسیدم آیا شما مریض بودید.

I asked you where you're going.
آی آسکت یو وِ(ر) یُ(ر) گوئینگ.
من از شما پرسیدم کجا دارید می روید.

What I said was, "I'm tired of working there."
وات آی سِد واز، "آیم تاید آو وِ(ر)کینگ ذِ(ر)."
آنچه که من گفتم این بود، "من از کار کردن در آنجا خسته شده ام."

Speed **سْپید** **سرعت**

Please speak a little more slowly.
پلیز سْپیک ا لِتّل مُ(ر) سْلُولی.
لطفا کمی آهسته تر صحبت کنید.

Could you please speak slowly?
کُد یو پلیز سْپیک سْلُولی؟
میشه لطفا آهسته صحبت کنید؟

Volume **والیوم** **بلندی صدا**

Please speak a little louder.
پلیز سْپیک ا لِتّل لَودِ.
لطفا کمی بلندتر صحبت کنید.

Could you please speak a little louder?
کُد یو پلیز سْپیک ا لِتّل لَودِ؟
میشه لطفا کمی بلندتر صحبت کنید؟

I'm sorry, I can't hear you.
آیم ساری، آی کَنت هی یِ یو.
من متاسفم، من صداتونو نمی شنوم.

Speak up, will you?
سْپیک آپ، ویل یو؟
بلند صحبت کنید، میشه؟

7 Thanking/ Gratitude — تشکر کردن/ قدردانی

Thanking **ثَنکینگ** **تشکر کردن**

Thanks. ثَنکس. متشکرم.

Thank you. ثَنک یو. ممنون.

Thank you for calling. ثَنک یو فُ کالینگ. از تماستون متشکرم.

That was very kind of you. ذَت واز وری کایند آو یو. اون منتهای لطف شما بود.

It was very nice of you to help me.
اِت واز وِری نایس آو یو تو هِلپ می.
اون منتهای لطف شما بود که به من کمک کردید.

How can I thank you? هاو کِن آی ثَنک یو؟
چطور می تونم از تون تشکر کنم؟

I really appreciate what you've done for my family.
آی ری اِلی اِپری شی اِیت وات یوو دان فُ مای فَمیلی.
من واقعا از کاری که شما برای خانواده ام انجام داده اید قدردانی می کنم.

Responding to Thanks	ریسپاندینگ تو ثَنکس	پاسخ دادن به تشکر
You're welcome.	یُر وِلکِم.	خواهش می کنم.
It's O K.	اتس اُوکِی.	مسئله ای نیست.
Don't mention it.	دُونت مِنشِن اِت.	حرفشو نزنید.
No need to thank me.	نُو نید تو ثَنک می.	نیازی نیست از من تشکر کنید.
It was my pleasure.	اِت واز مای پلِژِ.	خوشحال شدم.

8 Requests and Offers — تقاضاها و تعارفات

Making Requests — مِیکینگ ریکواِستس — درخواست کردن

Talk to him, O K? — با اون صحبت کن، باشه؟
تاک تو هیم، اُوکِی؟

Can you help me move this table? — میشه کمک کنی این میز را حرکت بدیم؟
کَن یو هِلپ می موو ذِس تِیبُل؟

Could you please turn down the radio a little? — میشه لطفا کمی صدای رادیو را کم کنید؟
کُد یو پلیز تِ(ر)ن دَون ذِ رِیدیو اِ لِتِل؟

May I open the window? — میشه پنجره را باز کنم؟
مِی آی اُوپِن ذِ وِیندُو؟

May I please have a glass of water? — میشه لطفا یک لیوان آب بیاورید؟
مِی آی پلیز هَو اِ گلَس آو واتِ؟

Would you mind watching this for me a few minutes? — میشه لطفا چند دقیقه ای مواظب اون باشین؟
وُد یو مایند واچینگ ذِس فُ می اِ فیو مِنِتس؟

Asking for Requests — اَسکینگ فُ ریکواِستس؟ — تعارف کردن

Is there anything I can get you? — چیزی لازم هست که من براتون بیارم؟
اِز ذِ اِنی ثینگ آی کَن گِت یو؟

Do you want something? — چیزی میخواین؟
دو یو وانت سام ثینگ؟

Do you have any requests? — فرمایشی دارین؟
دو یو هَو اِنی ریکواِستس؟

Does anyone have any requests? — کسی درخواستی داره؟
داز اِنی وان هَو اِنی ریکواِستس؟

Are there any requests? — فرمایشی هست؟
آ ذِ اِنی ریکواِستس؟

Offering — آفرینگ — تعارف کردن

Here, have a seat. — بفرمائید، بنشینید.
هی یِ، هَوْ اِ سیت.
Here, take some sugar. — بفرمائید، کمی شکر بردارید.
هی یِ، تِیک سام شُگِ.
Please have a piece of candy. — لطفا یک قطعه آب نبات بردارید.
پلیز هَو اِ پیس آو کَندی.
Can I get you some coffee? — می تونم براتون قهوه بیارم؟
کَن آی گِت یو سام کافی؟
Would you like to use my pen? — میخواهید از خودکار من استفاده کنید؟
وُد یو لایک تو یوز مای پِن؟
Do you want me to help you? — آیا از من میخواهید، کمکتون کنم؟
دو یو وانت می تو هِلپ یو؟
Would you like me to e-mail this for you? — میخواهید اینو براتون ئی-میل کنم؟
وُد یو لایک می تو ئی-مِیل دِس فُ یو؟
Here, let me open that. — بفرمائید، بگذارید اونو باز کنم.
هی یِ، لِت می اُوپِن اِت.
I'll do that, if you want me to. — اگه از من بخواهید، اون کارو انجام می دم.
آیل دو ذَت، ایف یو وانت می تو.
How about another piece of pie? — یک تکه دیگه پای چطوره؟
هاو اِبوت اِناذِ پیس اِو پای؟

Accepting — اِکسِپتینگ — پذیرفتن

Yes.	یِس.	بله.
Thank you.	ثَنک یو.	متشکرم.
Please.	پلیز.	لطفا.
Would you mind?	وُد یو مایند؟	زحمت تون نمیشه؟
If it's no trouble for you.	ایف اِتس نُو ترابُل فُ یو.	اگه براتون زحمتی نیست.
That's very kind of you.	ذَتس وِری کایند آو یو.	این نهایت لطف شماست.

Declining — دیکلاینینگ — (مودبانه) رد کردن

No, thank you.	نُو، ثَنک یو.	نه، متشکرم.
That's not necessary.	ذَتس نات نِ سِ سِری.	ضرورت ندارد.
That's OK.	ذَتس اُوکِی.	لازم نیست.
Thanks, but it's OK.	ثَنکس، بات اِتس اُوکِی.	متشکرم، اما نیازی نیست.

9 Excuses عذر و بهانه

Asking to be Excused **آسکینگ تو بی اِکس کیوزد** **عذر خواستن**

Excuse me.	اِکس کیوز می.	منو ببخشید.
Pardon me.	پا(ر)دِن می.	معذرت می خواهم.
I beg your pardon.	آی بِگ یُ پا(ر)دِن.	عذرخواهی می کنم.
Please forgive me.	پلیز فِ(ر)گیو می.	لطفا منو ببخشید.

Excusing **اکس کیوزینگ** **بخشیدن**

That's O K.	ذَتس اُوکِی.	اشکالی نداره.
It's all right.	اِتس اُل رایت.	مسئله ای نیست.
It's nothing.	اِتس ناثینگ.	مشکلی نیست.
No problem.	نُو پرابلَم.	مسئله ای نیست.
Go ahead.	گُو اِهِد.	بی خیال.
O K. with me.	اُوکِی وِیذ می.	از نظر من مسئله ای نیست.
You're excused.	یُ(ر) اِکس کیوزد.	شما بخشوده شدید.
You may be excused.	یو مِی بی اِکس کیوزد.	شما ممکن است بخشوده شوید.

10 Apologizing/ Forgiving معذرت خواستن/ بخشیدن

Apologizing **اِپالِ جایزینگ** **عذر خواستن**

I'm sorry. — متاسفم.
آیم ساری.

I apologize. — معذرت می خوام.
آی اِپالِ جایز.

I'm sorry that I couldn't come on time. — ببخشید که نتونستم به موقع بیام.
آیم ساری ذَت آی کُدِنت کام آن تایم.

I apologize for saying that. — از اینکه اون حرفو زدم معذرت می خوام.
آی اِپالِ جایز فُ سِی اینگ ذَت.

I must apologize for my son's rudeness. — من برای گستاخی پسرم باید عذرخواهی کنم.
آی ماست اِپالِ جایز فُ مای سانز رودنِس.

Please forgive me for... . — لطفا به خاطر... منو ببخشید.
پلیز فِ(ر)گیو می فُ ... .

Forgiving **فِ(ر)گیوینگ** **بخشیدن**

It's O K.	اِتس اُوکِی.	اشکالی نداره.
Forget about it.	فِگِت اِبوت اِت.	فراموشش کن.

در اون مورد نگران نباش.
Don't worry about it.
دُونت واری اِبوت اِت.

مسئله ای نیست.
No problem.
نُو پرابلِم.

من می بخشمت.
I forgive you.
آی فِ(ر)گیو یو.

من پوزش خواهی شما را می پذیرم.
I accept your apologies.
آی اِکسِپت یُ اِپالِ جایز.

شما نباید معذرت بخواهید.
You don't have to apologize.
یو دُونت هَف تو اِپالِ جایز.

نیازی به معذرت خواهی نیست.
There's no need to apologize.
ذِ(ر)ز نُو نید تو اِپالِ جایز.

ردِ پوزش خواهی — Rejecting an Apology — ریجِکتینگ آن اِپالِجی

آیا تو واقعا متاسفی؟
Are you really sorry?
آر یو ری اِلی ساری؟

من باور نمی کنم تو متاسف باشی.
I don't believe you're sorry.
آی دُونت بیلیو یُ(ر) ساری.

من پوزش خواهی تو را نمی پذیرم.
I don't accept your apologies.
آی دُونت اِکسِپت یُ اِپالِ جایز.

11 Wishing Good Luck — آرزوی موفقیت کردن

موفق باشید.
Good luck.
گُد لاک.

با آرزوی بهترین توفیقات.
Best of luck.
بِست آو لاک.

برایتان آرزوی موفقیت دارم.
I wish you luck.
آی وِش یو لاک.

با آرزوی خوشبختی برای شما.
Good fortune be with you.
گُد فُ(ر)چِن بی ویذ یو.

آرزومندم همه چیز بر وفق مرادتان باشد.
I hope that everything goes O.K. for you.
آی هُوپ ذَت اِوری ثینگ گُوز اُوکِی فُ یو.

اطمینان دارم که همه چیز بر وفق مرادتان خواهد شد.
I'm sure that everything will work out just fine.
آیم شُ اِ(ر) ذَت اِوری ثینگ ویل وِ(ر)ک آوت جاست فاین.

انشاء الله در زندگی جدیدتان خوشبخت و موفق باشید.
May you be happy and successful in your new life.
مِی یو بی هَپی اَند سِک سِس فُل این یُ نو لایف.

2

Everyday Activities (2)

کارهای روزمره (۲)

1 Activity — فعالیت

What are you doing?	وات آ یو دوئینگ؟	داری چه کار می کنی؟
What's up?	واتس آپ؟	چه خبرا؟
What's going on here?	واتس گوئینگ آن هی یِ؟	اینجا داره چی می گذره؟
What's happening here?	واتس هَ پنینگ هی یِ؟	اینجا داره چه اتفاقی می افته؟
How's it going?	هاوز اِت گوئینگ؟	کار داره چطور پیش میره؟
Is everything OK?	اِز اِوری ثینگ اُو کِی؟	همه چی مرتبه؟
Where're ya headin'?	وِ(ر) یا هِدین؟	داری کجا می ری؟

2 Trouble/ Problems — مشکلات/ گرفتاری ها

What's the matter?	واتس ذِ مَتِ؟	چی شده؟
What's wrong?	واتس رانگ؟	مشکل چیه؟
What's happened to you?	واتس هَپند تو یو؟	چی به سرت آمده؟
Is this toilet out of order?	اِز ذِس تُویلت آوت اِو اُدِ؟	این توالت خرابه؟
What's wrong with the copy machine?	واتس رانگ ویذ ذِ کاپی مِشین؟	دستگاه کپی خرابه؟
What happened to this hair dryer?	وات هَپند تو ذِس هِ(ر) درای؟	چه بلائی سر این سشوار اومده؟
Is this toaster broken?	اِز ذِس تُوستِ بْرُوکِن؟	این توستر خرابه؟

3 Thoughts/ Feelings — افکار/ احساسات

What are you thinking about?	وات آ یو ثِنکینگ اِبوت؟	به چی داری فکر می کنی؟
What's on your mind?	واتس آن یُ مایند؟	تو مغزت چی میگذره؟
How's it going?	هاوز اِت گوئینگ؟	کار داره چطور پیش میره؟
How do you feel about it?	هاو دو یو فیل اِبوت اِت؟	در این مورد چه احساسی داری؟

Is something bothering you? چیزی اذیتت می کنه؟
اِز سام ثینگ باذرینگ یو؟
Are you worried about something? نگران چیزی هستی؟
آ یو وارید اِبوت سام ثینگ؟
You seem to be in good spirits. به نظر میرسه روحیه ات خوبه.
یو سیم تو بی این گُد سْ پِرتس.
You sound as if something wonderful just happened.
به نظر میرسه تازگی اتفاق جالبی برات افتاده. یو سَوند اَز ایف سام ثینگ واندِفُل جاست هَپند.

4 Health سلامتی

How are you?	هاو آ یو؟	حال شما چطوره؟
How're you doin'?	هاور یو دوئین؟	چطوری؟
You're looking healthy.	یُ لُکینگ هِلثی.	سرحال به نظر می رسی.
You look great.	یو لُک گُریت.	سر حال به نظر می رسی.
Are you all right?	آ یو اُل رایت؟	خوبی؟
You don't look so good.	یو دُونت لُک سُو گُد.	خیلی سرحال به نظر نمی رسی.
Are you in pain?	آ یو این پِین؟	درد داری؟
Where does it hurt?	وِ دِز اِت هِ(ر)ت؟	کجات درد می کنه؟

5 To Be Quiet ساکت بودن

Shhhh!	ش ش ش!	س س س!
Please be quiet.	پلیز بی کوآیِت.	لطفا ساکت باشید.
Quiet, please.	کوآیِت، پلیز.	ساکت، لطفا.
Please stop talking.	پلیز سْتاپ تاکینگ.	لطفا حرف نزنید.
Would you please not talk.	وُد یو پلیز نات تاک.	میشه لطفا حرف نزنید.
Shut up!	شات آپ!	خفه شو!
Hold your tongue!	هُولد یُ تانگ!	جلو زبونتو بگیر!

6 To Wait/ Not to Wait منتظر ماندن/ منتظر نماندن

Just a minute.	جاست اِ مِنِت.	فقط یک دقیقه.
Wait a minute.	وِیت اِ مِنِت.	یک دقیقه صبر کن.
Would you mind waiting a minute?	وُد یو مایند وِیتینگ اِ مِنِت؟	میشه یک دقیقه صبر کنید؟
Go on without me.	گُو آن ویذات می.	بدون من بروید.
No need to wait for me.	نُو نید تو وِیت فُ می.	نیازی نیست منتظر من بمانید.
Don't wait for me.	دُونت وِیت فُ می.	منتظر من نمانید.

7 To Postpone — به تعویق انداختن

How about some other time.	هاو اِبوت سام آذِ تایم.	چطوره یه موقع دیگه.
Maybe some other time.	مِی بی سام آذِ تایم.	شاید یه وقت دیگه.
How about we put that off to some other time.	هاو اِبوت وی پُت ذَت آف تو سام آذِ تایم.	چطوره انجام اون کار را به یک زمان دیگر موکول کنیم.
Not now!	نات نَو!	حالا نه!
Later, O.K.?	لِی تِ، اُو. کِی؟	بعدا، باشه؟

8 To Think about/ To Decide — فکر کردن درباره/ تصمیم گرفتن

Thinking About ...	**ثینکینگ اِبوت...**	**فکر کردن درباره...**
Think about it.	ثینک اِبوت اِت.	در این مورد فکر کن.
Think it over.	ثینک اِت اُوِ.	در موردش فکر کن.
Give it some thought.	گیو اِت سام ثات.	در این باره کمی فکر کن.
Consider it a while.	کِنسیدِ(ر) اِت اِ وایل.	مدتی در موردش فکر کن.
Deciding ...	**دی سایدینگ...**	**تصمیم گرفتن...**
Make up your mind.	مِیک آپ یُ مایند.	تصمیمت را بگیر.
Have you made up your mind?	هَو یو مِید آپ یُ مایند؟	تصمیمت را گرفته ای؟
So what do you say?	سُو وات دو یو سِی؟	بالاخره چی می گی؟
What's your decision?	واتس یُ دی سی ژِن؟	تصمیمت چیه؟

9 To Hurry/ Not to Hurry — عجله کردن/ عجله نکردن

Hurrying	**هارینگ**	**عجله کردن**
Hurry! Hurry up!	هاری! هاری آپ!	عجله کن!
Move it!	موو اِت!	بجنب!
Be quick.	بی کواِک.	زود باش.
Get a move on it!	گِت اِ موو آن اِت!	تکون بخور!
Not Hurrying	**نات هارینگ**	**عجله نکردن**
Slow down.	سْلُو دَون.	یواش.
Don't hurry.	دُونت هاری.	عجله نکن.
Don't rush.	دُونت راش.	شتاب نکن.
Take your time.	تِیک یُ تایم.	راحت باش.
No need to hurry.	نُو نید تو هاری.	لازم نیست عجله کنی.

10 To Be Calm — خونسرد بودن

Calm down.	کام دَون.	آرام بگیر.
Keep cool.	کیپ کُل.	خونسرد باش.
Don't be upset.	دُونت بی آپ سِت.	ناراحت نباش.
Don't worry.	دُونت واری.	نگران نباش.
Be patient.	بی پی شِنت.	صبور باش.
There's no need to worry.	ذِ(ر)ز نُو نید تو واری.	لازم نیست نگران باشی.

11 Not to Interrupt/ Not to Disturb — قطع نکردن سخن/ مزاحم نشدن

Don't Interrupt.	**دُونت اینتراپت.**	**صحبت را قطع نکنید.**
Hold on a minute.	هُولد آن اِ مِنِت.	یک دقیقه حرفم را قطع نکن.
Please don't interrupt.	پلیز دُونت اینتراپت.	لطفا میان حرفم نپر.
Don't interrupt me.	دُونت اینتراپت می.	حرفم را قطع نکن.
Stop interrupting me.	ستاپ اینتراپتینگ می.	حرفم را قطع نکن.
Don't disturb.	**دُونت دیستِ(ر)ب.**	**مزاحم نشوید.**
Don't disturb me.	دُونت دیستِ(ر)ب می.	مزاحم من نشو.
Stop bothering me.	ستاپ باذِرینگ می.	اذیتم نکن.
Get lost.	گِت لاست.	گمشو.
Leave me alone.	لیو می اِلُون.	ولم کن.

12 To Be Serious/ Not to Lie — جدی بودن/ دروغ نگفتن

Be serious.	**بی سی ریِس.**	**جدی باش.**
You're pulling my leg.	یِ(ر) پُلینگ مای لِگ.	داری سر به سرم می گذاری.
Are you kidding?	آ یو کِدینگ؟	شوخی می کنی؟
That's not funny.	ذَتس نات فانی.	خنده دار نیست.
Don't lie.	**دُونت لای.**	**دروغ نگو.**
Don't lie to me.	دُونت لای تو می.	به من دروغ نگو.
Nonsense!	نان سِنس!	بی معنی!
Please tell me the truth.	پلیز تِل می دِ تروث.	لطفا راستشو به من بگو.

2

کارهای روزمره (۲)

13 To Begin/ To Stop Doing Something
شروع کردن/ متوقف کردن انجام کاری

Get going!	گِت گوئینگ!	شروع کن!
Get started now!	گِت سْتاتید نَو!	حالا شروع کن!
Why don't we begin?	وای دُونت وی بیگین؟	چرا شروع نمی کنیم؟
Stop it!	سْتاپ اِت!	بس کن!
Cut it out!	کات اِت آوت!	تمومش کن!
Quit it!	کواِت اِت!	بس کن!
Will you please stop typing?	ویل یو پلیز سْتاپ تایپینگ؟	میشه لطفا تایپ کردن را تموم کنید؟
Could you not play your radio so loud?	کُد یو نات پلِی یَ ریدیُو سُو لَود؟	میشه صدای رادیوتونو اینقدر بلند نکنید؟

14 Unwillingness to Continue
عدم تمایل برای ادامه دادن

I give up.	آی گیو آپ.	من بریدم.
The hell with it.	ذِ هِل ویذ اِت.	به جهنم.
This is a waste of time.	ذِس اِز اِ وِیست آو تایم.	این کار وقت تلف کردنه.
It's hopeless.	اِتس هُوپ لِس.	این نا امید کننده است.
There's no more I can do.	ذِ(ر)ز نُو مُ(ر) آی کَن دو.	دیگه کاری از دستم بر نمی آد.
What's the use of it?	واتس ذِ یوس آو اِت؟	فایده اش چیه؟
I'm fed up with your excuses.	آیم فِد آپ ویذ یَ اِکس کیوزیز.	من از بهانه های تو خسته شدم.
I've had enough of this place.	آیو هَد ایناف آو ذِس پْلِیس.	من حالم از اینجا بهم می خوره.

15 To Show Excitement
نشان دادن هیجان

Wow!	وَوا!	آخ جون!
That's great!	ذَتس گْرِیت!	عالیه!
Fantastic!	فَن تَس تِک!	فوق العاده است!
Super!	سوپِ(ر)!	عالیه!
I'm glad to hear that.	آیم گْلَد تو هی یِ ذَت.	از اینکه اینو می شنوم خوشحالم.
That's a great idea.	ذَتس اِ گْرِیت آی دی.	این ایده خیلی خوبیه.
That sounds fantastic.	ذَت سَوندز فَن تَس تِک.	عالی به نظر می رسه.
How fantastic!	هاو فَن تَس تِک!	چه هیجان انگیز!

16 To Show Indifference/ Resignation
نشان دادن بی تفاوتی/ رنجش

So what?	سُو وات؟	که چی؟
I don't care.	آی دُونت کِ(ر).	من اهمیتی نمی دم.
What does it make?	وات داز اِت مِیک؟	که چی بشه؟
The hell with it.	ذِ هِل ویذ اِت.	به درک.
Who cares?	هو کِ(ر)ز؟	کی اهمیت می ده؟
Do what you want.	دو وات یو وانت.	هر کاری دلت می خواد بکن.
It's all the same to me.	اِتس آل ذِ سِیم تو می.	برام فرقی نمی کنه.
Why bother?	وای باذ؟	چرا به زحمت بیفتیم؟
What's the use?	واتس ذِ یوس؟	فایده اش چیه؟
It's not worth the effort.	اِتس نات وِ(ر)ث ذی اِفِ(ر)ت.	ارزش شو نداره.

17 To Show a Strong Negative Reaction
نشان دادن واکنش منفی قوی

You're crazy!	یُ(ر) کْرِیزی!	تو دیوانه ای!
You're nuts!	یُ(ر) ناتس!	زده به سرت!
Are you crazy?	آ یو کْرِیزی؟	دیوانه شدی؟
That's insane.	ذَتس این سِین.	اون دیوانگیه.
You're out of your mind!	یُ(ر) اَوت آو یُ مایند!	تو مخ نداری!
What's the matter with you?	واتس ذِ مَتِ ویذ یو؟	چه مرگته؟
Are you feeling O.K.?	آ یو فیلینگ اُوکِی؟	حالت خوبه؟
Have you been out in the sun too long?	هَو یو بین اَوت این ذِ سان تو لانگ؟	زیاد تو آفتاب موندی؟
Where are your brains?	وِ آ یُ بْرِینز؟	عقلت کجاست؟
You got rocks in your head!	یو گات راکس این یُ هِد!	تو کله ات گچه!

18 To Show a Limit of Knowledge
نشان دادن محدودیت معلومات

I don't know.	آی دُونت نُو.	من نمی دونم.
I don't think I know.	آی دُونت ثینک آی نُو.	فکر نمی کنم بدونم.
I'm sure I wouldn't know.	آیم شُ اِ(ر) آی وُدنت نُو.	من مطمئنا اطلاعی ندارم.
Beats me.	بیتس می.	من هیچی نمی دونم.
Who knows?	هو نُوز؟	کی می دونه؟
God only knows.	گاد اُونلی نُوز.	فقط خدا می دونه.
I have no idea.	آی هَو نُو آی‌دیِ.	من نمی دونم.
That's beyond me.	ذَتس بیاند می.	اطلاعی ندارم.
How am I supposed to know?	هاو اَم آی سِ پُوزد تو نُو؟	من از کجا باید بدونم؟
Why are you asking me that?	وای آ یو آسکینگ می ذَت؟	چرا اینو از من می پرسی؟

3

REQUESTS AND OFFERS

درخواست ها و پیشنهادات

1 Help/ Assistance — کمک/ یاری

Requesting Help/ Assistance — تقاضای کمک/ یاری
ری کواِستینگ هِلپ/ اِسِس تِنس

Help! — هِلپ! — کمک!

Help me! — هِلپ می! — کمکم کنید!

Could you give me a hand? — کُد یو گیو می اِ هَند؟ — میشه کمکم کنید؟

Would you mind helping me a minute? — میشه یک دقیقه کمکم کنید؟
وُد یو مایند هِلپینگ می اِ مِنِت؟

Could you open the door for me? — میشه در را برام باز کنید؟
کُد یو اُوپِن دِ دُ(ر) فُ می؟

Offering Help/ Assistance — پیشنهاد کمک/ یاری
آفرینگ هِلپ/ اِسِس تِنس

Can I help you? — کَن آی هِلپ یو؟ — میشه کمکتون کنم؟

Can I give you a hand? — کَن آی گیو یو اِ هَند؟ — می تونم کمکتون کنم؟

Let me help you with that. — لِت می هِلپ یو ویذ ذَت. — اجازه بدین در این زمینه کمکتون کنم.

Can I be of assistance? — کَن آی بی آو اِسِس تِنس؟ — می تونم کمکتون کنم؟

2 To Do Favors — لطف کردن

Asking for a favor — آسکینگ فُ اِ فِی وِ — درخواست لطف کردن

Do something for me, will you? — یک کاری برام بکن، میشه؟
دو سام ثینگ فُ می، ویل یو؟

Can you do me a favor? — کَن یو دو می اِ فِی وِ؟ — میشه یه لطفی به من بکنین؟

Do a favor for me, will you? — یک لطفی در حقم بکنین، میشه؟
دو اِ فِی وِ فُ می، ویل یو؟

May I ask you a favor? — میشه تقاضا کنم یک لطفی بکنین؟
مِی آی آسک یو اِ فِی وِ؟

Offering a favor — آفرینگ اِ فِی وِ — پیشنهاد لطف کردن

I'll do that for you. — آیل دو ذَت فُ یو. — من اون کار رو برات انجام می دم.

I'll take care of it for you. — آیل تِیک کِ(ر) آو اِت فُ یو. — من اون کار رو براتون انجام می دم

Is there anything I can do for you? — کاری هست که من براتون انجام بدم؟
اِز ذِ اِنی ثینگ آی کَن دو فُ یو؟

3 Permission اجازه

Asking for Permission **آسکینگ فُ پرمِ شِن** **اجازه خواستن**
Can I close the window? کَن آی کْلُوز دِ ویندُ؟ میشه پنجره را ببندم؟
Do you mind if I smoke? دو یو مایند ایف آی سْمُوک؟ ناراحت می شین اگر سیگار بکشم؟
May I have your permission to marry your daughter? مِی آی هَو یُ پرمِشِن تو مَری یُ داتِ؟ ممکنه برای ازدواج با دخترتون ازتون اجازه بگیرم؟

Giving Permission **گیوینگ پرمِشِن** **اجازه دادن**
Sure, go ahead. شُ(ر)، گُو اهِد. حتما، بفرمائید.
It's O.K. with me. اتس اُکِی ویذ می. از نظر من مسئله ای نیست.
No, I don't mind. نُو، آی دُونت مایند. نه، ناراحت نمی شم.
Why not? وای نات؟ چرا که نه؟
I won't stop you. آی وُنت سْتاپ یو. من جلو تو نو نمی گیرم.

Denying Permission **دی نائینگ پرمِشِن** **اجازه ندادن**
No, you may not. نُو، یو مِی نات. نه، شما اجازه ندارید.
Yes, I do mind. یِس،آی دو مایند. بله. ناراحت می شم.
I will not permit you to. آی ویل نات پرمِت یو تو. من به شما اجازه نمی دم.
I absolutely forbid you. آی اَبسِلوت لی فِ(ر)بِد یو. من اکیدا قدغن می کنم.

4 Promises قول

Asking for a Promise **آسکینگ فُ اِ پْرامِس** **قول گرفتن**
Make me a promise, will you? میک می اِ پْرامِس، ویل یو؟ به من قول بده، میشه؟
Is that a promise? اِز ذَت اِ پْرامِس؟ این یک قوله؟
Promise me to be on time. پْرامِس می تو بی آن تایم. به من قول بده وقت شناس باشی.

Offering a Promise **آفرینگ اِ پْرامِس** **قول دادن**
I promise I'll buy you one. آی پْرامِس آیل بای یو وان. من قول می دم یکی برات بخرم.
I promise you that I'll be on time. آی پرامِس یو ذَت آیل بی آن تایم. من بهت قول می دم که وقت شناس باشم.
I'll make you a promise I'll never see him again. آیل میک یو اِ پرامِس آیل نِ وِ سی هیم اِگِن. من به شما قول می دم که هرگز دوباره او را نبینم.

5 Congratulations تبریک

Congratulations! کِنگرَچولی شِنز! تبریک!

Congratulations on your new baby. کِنگرَچولی شِنز آن یُ نو بیبی. قدم نورسیده تان مبارک.

Let me congratulate you on your new job. لِت می کِنگرَچولیت یو آن یُ نو جاب.
اجازه بدهید شغل جدیدتان را تبریک بگویم.

Let me say congratulations on winning the first prize. لِت می سِی کِنگرَچولی شِنز آن وینینگ ذِ فِ(ر)ست پرایز.
اجازه بدهید برنده شدن جایزه اول را به شما تبریک بگویم.

I'd like to say congratulations. You did a great job. آید لایک تو سِی کِنگرَچولی شِنز. یو دید اِ گریت جاب.
من مایلم تبریک بگویم. شما کار مهمی انجام دادید.

6 Compliments تعریف و تمجید

Offering Compliments **آفرینگ کام‌پلی‌مِنتس** **تمجید کردن**

Your apartment is fantastic. یُ اِپاتمِنت اِز فَنتَستِک. آپارتمان شما فوق العاده است.

You have a good taste in clothes. یو هَو اِ گُد تِیست این کْلُوذز. شما سلیقه خوبی در لباس دارید.

What a beautiful garden! وات اِ بی یو تِ فُل گا(ر)دِن! چه باغ زیبائی!

How nice you look tonight! هاو نایس یو لُک تِ‌نایت! امشب چقدر زیبا شدی!

My compliments to you on this delicious meal. مای کام‌پلی‌مِنتس تو یو آن ذِس‌دِل‌شِس میل.
تحسین مرا در مورد این غذای خوشمزه بپذیرید.

May I compliment you on your choice of wife? مِی آی کام‌پلی‌مِنت یو آن یُ چُویس آو وایف؟
آیا اجازه دارم در مورد انتخاب همسر از شما تمجید کنم؟

Accepting a Compliment **اکسِپ تینگ اِ کام‌پلی‌مِنت** **پذیرفتن تمجید**

Thank you. ثَنک یو. متشکرم.

Oh, it was nothing. اُو، اِت واز ناثینگ. آه، اون کاری نداشت.

Do you think so? دو یو ثینک سُو؟ شما اینطوری فکر می کنید؟

Thank you for the compliment. ثَنک یو فُ ذِ کام‌پلی‌مِنت. از قدردانی تان متشکرم.

Rejecting a Compliment — **رد کردن تمجید**
ری جِک تینگ اِ کام‌پلی‌مِنت

I don't like flatterers. — من از آدم های چاپلوس خوشم نمی آید.
آی دُنت لایک فْلَتِرِرز

You're just flattering me. — شما فقط چاپلوسی مرا می کنید.
یُ(ر) جاست فْلَتِرینگ می.

7 Praise/ Credit — تحسین/ تکریم

Offering Praise — آفرینگ پْرِیز — **تحسین کردن**
Nice work, Alice. — نایس وِ(ر)ک، اَلِس. — کارت خوب بود، آلیس.
You did a great job, Manuel. — کارت عالی بود، مانوئل.
یو دید اِ گریت جاب، مانو الا.
I want to acknowledge Linda's contribution to this job.
آی وانت تو اکنالِج لیندِز کِنتری بیو شِن تو دِس جاب.
من مایلم از تشریک مساعی لیندا در این کار قدردانی کنم.

Requesting Praise/ Credit — **تقاضای قدردانی کردن**
ری کواِستینگ پریز/کرِدِت
Don't I get any credit? — دُنت آی گِت اِنی کرِدِت؟
به من هیچ امتیازی تعلق نمی گیره؟
Don't I deserve some credit for what I did?
دُنت آی دی زِ(ر)و سام کرِدِت فُ وات آی دید؟
آیا من برای آنچه که انجام دادم مستحق قدردانی نیستم؟
What about my contributions? — در مورد تشریک مساعی من چی؟
وات اِبوت مای کِنتری بیو شِنز؟

8 Encouraging/ Discouraging — تشویق کردن/ دلسرد کردن

Don't give up! — دُنت گیو آپ! — تسلیم نشو!
Don't get discouraged! — دُنت گِت دیسکارِجد! — دلسرد نشو!
Keep up the good work! — کیپ آپ دِ گُد وِ(ر)ک! — به کارت ادامه بده!
Keep on pushing! — کیپ آن پُشینگ! — برو جلو!
You're doin' great! — یُر دوئین گریت! — کارت عالیه!
Give up! — گیو آپ! — ولش کن!
Don't bother with it. — دُنت باذِ ویذ اِت. — به خودت زحمت نده.
Don't waste your time. — دُنت وِیست یُ تایم. — وقتت رو تلف نکن.
It's not worth the effort. — اِتس نات وِ(ر)ث ذی اِفِت. — اینکار ارزش تلاش نداره.

9 Sympathy — همدردی

Offering Sympathy	**آفرینگ سیم پثی**	**همدردی کردن**
That's too bad.	دَتس تو بَد.	خیلی بد شد.
That's a shame.	دَتس اِ شیم.	خیلی بد شد.
What a pity!	وات اِ پیتی!	چه حیف!
I'm sorry to hear that.	آیم ساری تو هی یِ دَت.	ازاینکه اینو می شنوم متاسفم.
I sympathize with you.	آی سیم پثایز ویذ یو.	با شما همدردی می کنم.
I know how you feel.	آی نو هاو یو فیل.	من احساس شما را می فهمم.

Accepting Sympathy	**اکسپ تینگ سیم پثی**	**پذیرش همدردی**
Thank you.	ثَنک یو.	متشکرم.
That's very kind of you.	دَتس وِری کایند آو یو.	این منتهای لطف شماست.
It is a pity, isn't it?	اِت اِز اِ پیتی، اِزنت اِت؟	حیف شد، مگه نه؟
Oh, well, such is life.	اُو، وِل، ساچ اِز لایف.	آه، خوب، زندگی همینه.

Rejecting Sympathy	**ری جِکتینگ سیم پثی**	**رد کردن همدردی**
Don't feel sorry for me.	دُونت فیل ساری فُ می.	برای من متاسف نباش.
Don't give me your sympathy.	دُونت گیو می یُ سیم پثی.	به من ترحم نکن.
Oh, leave me alone.	اُو، لیو می اِلُون.	آه، تنهام بگذار.
I don't need your sympathy.	آی دُونت نید یُ سیم پثی.	من نیازی به همدردی شما ندارم.

10 Condolences — تسلیت

Offering Condolences — **آفرینگ کِن دُولِن سیز** — **تسلیت گفتن**

I'm sorry to hear about your father. — از شنیدن این خبر درباره پدرتان متاسفم.
آیم ساری تو هی یِ اِبَوت یُ فاذِ.

Let me offer my condolences. — اجازه دهید تسلیتم را بیان کنم.
لِت می آفِ مای کِن دُولِن سیز.

Let me tell you how sorry I am to hear about your grandmother.
لِت می تِل یو هاو ساری آی اَم تو هی یِ اِبَوت یُ گرَندماذِ(ر).
بگذارید به شما بگویم چقدر از شنیدن این خبر در مورد مادربزرگتان متاسف شدم.

I know how you must feel. — من می دانم شما باید چه احساسی داشته باشید.
آی نُو هاو یو ماست فیل.

It must be pretty hard on you. — این باید برای شما خیلی سخت باشد.
اِت ماست بی پِرتی ها(ر)د آن یو.

4
Direct Reactions
واکنش های مستقیم

1 Agreeing/ Disagreeing/ Refusing
موافقت کردن/ مخالفت کردن/ امتناع کردن

Asking for Agreement — أسکینگ فُ اِگریمِنت — درخواست موافقت کردن

That's a nice looking boat, huh?
ذَتس اِ نایس لُکینگ بُوت، ها؟
قایق قشنگیه، ها؟

That's a fascinating painting, don't you think?
ذَتس اِفَسی نِی تینگ پین تینگ، دُنت یو ثینک؟
نقاشی قشنگیه، تو اینطور فکر نمی کنی؟

We'd better finish this today, don't you agree?
وید بِتِ فینیش ذِس تِدِی، دُنت یو اِگری؟
ما بهتره امروز این کار رو تموم کنیم، موافق نیستی؟

He's not to be trusted. Isn't that so?
هیز نات تو بی تراستید. اِزِنت ذَت سُو؟
نمیشه به اون اعتماد کرد، مگه نه؟

Don't you agree that this plan is too risky?
دُنت یو اِگری ذَت ذِس پلَن اِز تو رِسکی؟
فکر نمی کنی که این نقشه خیلی خطرناکه؟

Are you in agreement with us?
آ یو این اِگری مِنت ویذ آس؟
تو با ما موافقی؟

Do you agree to help us if we need help?
دو یو اِگری تو هِلپ آس ایف وی نید هِلپ؟
آیا موافقی در صورتی که ما نیاز به کمک داشته باشیم کمکمان کنَی؟

Agreeing	اگری ئینگ	موافقت کردن
I agree.	آی اِگری.	من موافقم.
I think so, too.	آی ثینک سُو، تو.	من هم اینطور فکر می کنم.
That's for sure.	ذَتس فُ شُ اِ(ر).	حتما همینطوره.
Certainly.	سِ تِنلی.	حتما.
O.K. with me.	أو. کِی. ویذ می.	من موافقم.
Fine with me.	فاین ویذ می.	من موافقم.
I agree to do so.	آی اِگری تو دو سُو.	من موافقم این کار را انجام دهم.

Disagreeing /Refusing
مخالفت کردن/ رد کردن
دیس اِگری ئینگ/ ریف یوزینگ

I don't agree.	آی دُنت اِگری.	من موافق نیستم.
I disagree.	آی دیس اِگری.	من مخالفم.
I don't think so.	آی دُنت ثینک سُو.	من اینطور فکر نمی کنم.
I'm not so sure.	آیم نات سُو شُ ا(ر).	من زیاد مطمئن نیستم.
I can't agree to that.	آی کَنت اِگری تو ذَت.	من نمی تونم با اون موافق باشم.
I can't go along with you on that.	آی کَنت گُو اِلانگ ویذ یو آن ذَت.	من نمی تونم در اون مورد با تو کنار بیام.
I refuse.	آی ریف یوز.	من قبول نمی کنم.
No way.	نُو وِی.	راهی نداره.
No deal.	نُو دیل.	مخالفم.

2 Supporting/ Opposing/ Objecting To
حمایت کردن/ مقابله کردن/ اعتراض کردن به

Asking about Support/Opposition/Objection
پرسیدن درباره حمایت/ مخالفت/ اعتراض
آسکینگ اِبوت سِپُ(ر)ت/ آپِزشِن/ اِبجِکشِن

Are you in favor of this proposal?
آ یو این فِی وِ آو ذِس پرِ پُزِل؟
آیا شما موافق این پیشنهاد هستید؟

Who supports this idea?
هو سِ پُ(ر)تس ذِس آی دیِ؟
چه کسی از این ایده حمایت می کند؟

Does anyone support Mr. Johnson's idea?
داز اِنی وان سِ پُ(ر)ت میستِ جانسِنز آیدیِ؟
آیا کسی از نظر آقای جانسون حمایت می کند؟

Is anyone in favor of taking a five-minute break?
از اِنی وان این فِی وِ آو تِیکینگ اِ فایو-مِنِت بْریک؟
آیا کسی با یک استراحت پنج دقیقه ای موافق است؟

Do you oppose this plan?
دو یو اِپُوز ذِس پلَن؟
آیا شما به این طرح اعتراض دارید؟

Do you have any objections to postponing the meeting?
دو یو هَو اِنی اِبجِکشِنز تو پُست پُنینگ ذِ میتینگ؟
آیا شما در رابطه با به تعویق انداختن جلسه اعتراضی دارید؟

Can I count on your support?
کَن آی کَونت آن یُ سِپُ(ر)ت؟
آیا من می توانم روی حمایت شما حساب کنم؟

Supporting **سِپ(ر)تینگ** **حمایت کردن**

I'll support Mr. Thomas. من از آقای توماس حمایت می کنم.
آیل سِپ(ر)ت میستِ تامِس.

I'm in favor of equal rights. من طرفدار تساوی حقوق هستم.
آیم این فِی وِ آو ایکوال رایتس.

I'm in total support of it. من به طور کامل از آن حمایت می کنم.
آیم این تُتَل سِپ(ر)ت آو اِت.

I'm for postponing it. من موافقِ به تعویق انداختن آن هستم.
آیم فُ پُست پُنینگ اِت.

I have no objection to changing the rule. من اعتراضی به تغییر قانون ندارم.
آی هَو نُو اِبجکشِن تو چِینجینگ ذِ رول.

You have my support. یو هَو مای سِپ(ر)ت. شما از حمایت من برخوردارید.

Opposing/Objecting to **مخالفت کردن/ اعتراض داشتن به**
اپُوزینگ/ اِبجِکتینگ تو

I oppose that. آی اِپُوز ذَت. من با آن مخالفم.

I'm in opposition to this plan. من مخالف این طرح هستم.
آیم این آپِزِشِن تو ذِس پلَن.

I object. آی اِبجِکت. من معترضم.

I have an objection. آی هَو اَن اِبجِکشِن. من اعتراض دارم.

I cannot support you. من نمی توانم از شما حمایت کنم.
آی کَن نات سِپ(ر)ت یو.

I shall oppose him. آی شَل اِپُوز هیم. من با او مخالفت خواهم کرد.

3 Announcing اعلام کردن

Attention, please. **اِتِنشِن، پلیز.** **توجه، لطفا.**

Please give me your attention. لطفا به من توجه کنید.
پلیز گیو می یُ اِتِنشِن.

Can I have your attention, please? میشه لطفا به من توجه کنید؟
کَن آی هَو یُ اِتِنشِن، پلیز؟

I have an announcement to make. من می خواهم یک اعلامیه را بخوانم.
آی هَو اَن اِنونس مِنت تو مِیک.

I'd like to make an announcement. من می خواهم یک اطلاعیه بخوانم.
آید لایک تو مِیک اَن اِنونس مِنت.

4 Ordering — دستور دادن

Give me that! — گیو می ذَت! — اونو به من بده!
Be quiet! — بی کوآیِت! — ساکت باش!
Don't sit there! — دُنت سِت ذِا! — اونجا نشین!
Do this right now, will you! — دو ذِس رایت نَو، ویل یو! — این کارو فورا انجام بده، میشه!
Stop it, I tell you! — سْتاپ اِت، آی تِل یو! — بس کن، من بهت می گم!
Will you hurry up? — ویل یو هاری آپ؟ — میشه عجله کنی؟
I order you to get out! — آی اُ(ر)دِ یو تو گِت اَوت! — من بهت دستور میدم بری بیرون!
Will you please stop talking! — ویل یو پلیز سْتاپ تاکینگ! — اگه ممکنه حرف نزنید!
Would you please stand up! — وُد یو پلیز سْتَند آپ! — اگه ممکنه لطفا بایستید!
Could you please give me that! — کُد یو پلیز گیو می ذَت! — اگه ممکنه لطفا اونو به من بدین!
Do you mind not smoking! — دو یو مایند نات سْمُوکینگ! — اگه ممکنه سیگار نکشید!
Would you mind waiting here! — وُد یو مایند وِیتینگ هی یِ! — اگه ممکنه اینجا منتظر بمونید!

5 Urging — اصرار کردن

Go on, open your present. — گُو آن، اُوپن یُ پْرِزِنت. — ادامه بده، هدیه ات را باز کن.
Go ahead, Bill, ask her! — گُو اِهِد، بِل، أسک هِ(ر)! — برو جلو، بیل، ازش بخواه!
Give it a try! — گیو اِت اِ تْرای! — اینو امتحانش کن!
Try it! — تْرای اِت! — اینو امتحان کن!
Try talking with him one more time. — تْرای تاکینگ ویذ هیم وان مُ(ر) تایم. — سعی کن یک بار دیگه با اون صحبت کنی.
Why don't you offer to help her? — وای دُنت یو آفِ تو هِلپ هِ(ر)؟ — چرا بهش پیشنهاد کمک نمی دی؟
Let me urge you to consider our new economy-sized models. — لِت می اِ(ر)ج یو تو کِنسِیدِ آوِ نو ایکانِمی-سایزد مادُلز. — اجازه بدهید از شما مصرا بخواهم که مدل های جدید اندازه اکونومی ما را ملاحظه بفرمائید.

6 Scolding/ Reprimanding سرزنش کردن/ مواخذه کردن

You should be ashamed of yourself. تو باید از خودت خجالت بکشی.
یو شُد بی اِشیمد آو یُ سِلف.

Aren't you ashamed of yourself? تو از خودت خجالت نمی کشی؟
آنت یو اِشیمد آو یُ سِلف؟

What a bad boy you are! تو چه پسر بدی هستی!
وات اِ بَد بُی یو آ!

What a terrible thing to say to him! تو چه حرف بدی به اون زدی!
وات اِ تِرِبُل ثینگ تو سِی تو هیم!

How rude of you! تو چقدر گستاخی!
هاو رود آو یو!

How would you feel if someone did that to you?
اگه یکی اون کار رو با تو می کرد چه حسی داشتی؟ هاو وُد یو فیل ایف سام وان دید ذَت تو یو؟

How would you like it if someone ignored you like that?
هاو وُد یو لایک اِت ایف سام وان ایگنُ(ر)د یو لایک ذَت؟
اگه یکی اونجوری بهت بی اعتنائی می کرد چقدر خوشت می اومد؟

7 Warning/ Cautioning/ Threatening
اخطار دادن/ هشدار دادن/ تهدید کردن

Watch out! واچ آوت! مواظب باش!
Look out! لُک آوت! مواظب باش!
Be careful! بی کِ(ر)فِل! مواظب باش!
Don't move! دُنت موو! تکون نخور!
Halt! Or I'll shoot! هالت! اُ(ر) آیل شوت! ایست! وگرنه شلیک می کنم!
Be careful with that gun! بی کِ(ر)فِل ویذ ذَت گان! مواظب اون تفنگ باش!
Don't you come any closer. دُنت یو کام اِنی کْلُوسِ. نزدیک تر نیا.
Stop that, or else I'll call the police.
بس کن، در غیر این صورت پلیس رو خبر می کنم. ستاپ ذَت، اُ(ر) اِلس آیل کال ذِ پُلیس.
I'm warning you. If you don't leave me alone, I'll scream.
آیم وا(ر)نینگ یو. ایف یو دُنت لیو می اِلُون، آیل سْکریم.
من به شما اخطار می کنم. اگر تنهام نگذارید. جیغ می کشم.
Let me caution you about dealing with the Myrster Company.
لِت می کاشِن یو اِبوت دیلینگ ویذ ذِ میرستِ کامپنی.
اجازه بدهید به شما در مورد معامله کردن با کمپانی میرستر هشدار بدهم.

8 Giving Examples & Asking for Examples
مثال زدن و مثال خواستن

Giving Examples | **گیوینگ ایگزَمپِلز** | **مثال زدن**

For example . . . | فُ ایگزَمپِل... | مثلاً...

For instance . . . | فُ اینستِنس... | برای مثال...

Here's an example . . . | هیِ ز اَن ایگزَمپِل... | اینجا مثالی هست که...

Let me give you an example of what I'm talking about.

لِت می گیو یو اَن ایگزَمپِل آو وات آیم تاکینگ اِبوت.

اجازه بدهید درباره آنچه که می خواهم بگویم مثالی بزنم.

Another example would be . . . | مثالی دیگر ... خواهد بود.

اِناذِ ایگزَمپِل وُد بی...

Asking for Examples | **آسکینگ فُ ایگزَمپِلز** | **مثال خواستن**

Like what? | لایک وات؟ | مثل چی؟

Can you give me an example? | میشه مثالی برایم بیاورید؟

کَن یو گیو می اَن ایگزَمپِل؟

I'd like an example of how to use this word.

آید لایک اَن ایگزَمپِل آو هاو تو یوز دِس وِ(ر)د.

من برای نحوه استفاده از این کلمه مثالی می خواهم.

9 Defining/ Clarifying — معنی کردن/ توضیح دادن

Asking for Definition/Clarification | **معنی خواستن/ توضیح خواستن**

آسکینگ فُ دِفِنِشِن/ کُلَرِفِکِیشِن

What does fatigued mean? | معنی fatigued چیست؟

وات داز فَتیگد مین؟

Can you define landlord? | شما می توانید landlord را معنی کنید؟

کَن یو دیفاین لَندلُ(ر)د؟

What do you mean by that? | منظورت از آن کار چیست؟

وات دو یو مین بای ذَت؟

Defining/Clarifying | **دیفاینینگ/ کُلَرِفائینگ** | **معنی کردن/ توضیح دادن**

Fatigued means tired. | fatigued به معنی خسته است.

فَتیگد مینز تایِ(ر)د.

That means I won't be able to come tomorrow.

ذَت مینز آی وُنت بی اِیبَل تو کام تِمارو.

مفهومش این است که من قادر نخواهم بود فردا بیایم.

10 Reporting other People's Speech/ Quoting
گزارش کردن گفته اشخاص دیگر/ نقل قول کردن

Asking about what people said آسکینگ اِبوت وات پی پُل سِد **پرسیدن درباره آنچه که اشخاص گفتند**

What did he say? وات دید هی سِی؟ اون چی گفت؟
What did you say to him? وات دید یو سِی تو هیم؟ تو به اون چی گفتی؟
What was that he asked? وات واز ذَت هی آسکت؟ چیزی را که او پرسید چه بود؟
Did he actually say that? دید هی آکچوالی سِی ذَت؟ اون واقعا اینو گفت؟
What should I tell dad? وات شُد آی تِل دَد؟ من باید به پدر چی بگم؟
What do you want me to ask her? وات دو یو وانت می تو آسک هِ(ر)؟ از من میخواهی از اون چی بپرسم؟

Indirect Reporting ایندیرِکت ریپُ(ر)تینگ **نقل قول غیر مستقیم**

He said that he was very tired. هی سِد ذَت هی واز وِری تایِ(ر)د. اون گفت که خیلی خسته بود.
I told him to stay in bed. آی تُلد هیم تو سْتِی این بِد. من به او گفتم در رختخواب بماند.
He asked me a lot of questions. هی آسکت می اِ لات آو کواسچِنز. او از من سوالات زیادی پرسید.
Yes, he actually said that. یِس، هی آکچوالی سِد ذَت. بله، او واقعا این را گفت.
You should tell him the truth. یو شُد تِل هیم ذِ تروث. تو باید حقیقت را به او بگوئی.
I want you to ask her about her parents. آی وانت یو تو آسک هِ(ر) اِبوت هِ(ر) پِرِنتس. من از تو میخواهم درباره والدینش از او سوال کنی.

11 Beginning a Sentence
شروع کردن یک جمله

For me... فُ می... از نظر من...
As I see it... اَز آی سی اِت... اینطور که من می بینم...
From my point of view... فرام مای پُینت آو ویو... از نقطه نظر من...
In my opinion... این مای آپینیِن... به عقیده من...
To my mind... تو مای مایند... از نظر من...
As far as I am concerned... اَز فا(ر) اَز آی اَم کِنسِند... تا جائیکه به من مربوط است...
As long as I know... اَز لانگ اَز آی نُو... تا جائیکه من میدانم...
In my view... این مای ویو... به نظر من...
As it is said... اَز اِت اِز سِد... همانطور که گفته می شود...

5
Asking About...
پرسیدن درباره...

1 Surprise/ Amazement — تعجب/ شگفتی

What a surprise!	وات اِ س(ر)پرایزا!	چه تعجب آورا!
This is a nice surprise!	دِس اِز اِ نایس س(ر)پرایزا!	این سورپرایز خوبیه!
I'm surprised at you.	آیم س(ر)پرایزد اَت یو.	من ازت تعجب می کنم.
Incredible!	این کرِدِ بُل!	باور نکردنیه!
That's unbelievable!	ذَتس آن بی لی وِ بُل!	اون باورنکردنیه!
Does that surprise you?	داز ذَت س(ر)پرایز یو؟	اون تو رو متعجب می کنه؟
What's so surprising?	واتس سُو س(ر)پرایزینگ؟	چه چیزی اینقدر تعجب آوره؟
You don't seem so surprised.	یو دُنت سیم سُو س(ر)پرایزد.	تو زیاد متعجب به نظر نمی رسی.
Isn't this incredible?	اِزنت دِس این کرِدِ بُل؟	این باور نکردنی نیست؟
Aren't you amazed?	آنت یو اِمیزد؟	تو شگفت زده نشدی؟

2 Likes/ Preferences/ Dislikes
دوست داشتن ها/ ترجیحات/ دوست نداشتن ها

Do you like ice cream?
دو یو لایک آیس کریم؟
بستنی دوست داری؟

What do you like to do in your free time?
وات دو یو لایک تو دو این یُ(ر) فری تایم؟
دوست داری در اوقات فراغتت چکار کنی؟

How do you like your new car?
هاو دو یو لایک یُ(ر) نیو کا(ر)؟
از ماشین جدیدت چقدر راضی هستی؟

Which do you like better, French or Italian bread?
وِچ دو یو لایک بِتِ(ر)، فرِنچ اُ(ر) ایتَلین بْرِد؟
کدام یکی را بیشتردوست داری، نان فرانسوی یا ایتالیائی؟

Would you prefer tea or coffee?
وُد یو پْری فِ(ر) تی اُ(ر) کافی؟
شما چای را ترجیح می دهید یا قهوه را؟

Would you rather I read the report?
وُد یو رَذِ(ر) آی رید ذِ ریپُ(ر)ت؟
آیا ترجیح می دهید من گزارش را برایتان بخوانم؟

Do you dislike that painting?
دو یو دیسلایک ذَت پین تینگ؟
آیا از آن نقاشی بدتان می آید؟

What do you hate about me?	وات دو یو هِیت اِبوت می؟	از چه ویژگی من بدت می آد؟
I like ...	آی لایک...	من از ... خوشم می آید.
I'd prefer ...	آید پُری فِ(ر)...	من ترجیح می دهم...
I'd rather go ...	آید رَذِ(ر) گُو...	من ترجیح می دهم به ... بروم.
I dislike ...	آی دیسلایک...	من از ... متنفرم.
I can't stand ...	آی کَنت سْتَند...	من... را تحمل نمی کنم.
I detest ...	آی دیتِست...	من از ... متنفرم.
He makes me sick.	هی مِیکس می سِک.	اون حال منو به هم می زنه.

3 Interest/ Enjoyment/ Disinterest
علاقه/ لذت/ بی علاقگی

How was your trip?	هاو واز یُ تْرِپ؟	سفرت چگونه بود؟
What did you think of him?	وات دید یو ثینک آو هیم؟	نظرت راجع به او چه بود؟
Was the book interesting?	واز ذِ بُک این تْرِستینگ؟	کتاب جالب بود؟
Are you interested in skiing?	آر یو این تْرِستید این سکینگ؟	آیا تو به اسکی علاقمندی؟
What kinds of interests do you have?	وات کایندز آو این تْرِستس دو یو هَو؟	چه علائقی داری؟
Are you having fun?	آر یو هَوینگ فان؟	بهت خوش میگذره؟
Is everything O.K.?	اِز اِوری ثینگ اُو. کِی.؟	همه چی روبراهه؟
Are you bored?	آر یو بُ(ر)د؟	حوصله ات سر رفته؟
Aren't you having fun?	آنت یو هَوینگ فان؟	بهت خوش نمیگذره؟
Don't be such a bore.	دُنت بی ساچ اِ بُ(ر).	زیاد بی حوصله نباش.
That sounds interesting.	ذَت ساوندز این تْرِستینگ.	اون جالبه.
I'm interested in music.	آیم این تْرِستید این میوزِک.	من به موسیقی علاقمندم.
My interests include chess and photography.	مای این تْرِستس این کلود چِس اَند فِتاگرِفی.	علائق من شامل شطرنج و عکاسی می شود.
This is a great party.	ذِس اِز اِ گْرِیت پا(ر)تی.	این مهمونی باحالیه.
I'm really enjoying myself.	آیم ری اِلی اینجُ ئینگ مایسِلف.	به من واقعا داره خوش میگذره.
I enjoyed our conversation.	آی اینجُید آوِ کانوِ سِیشِن.	من از مکالمه مان خوشم اومد.
I'm bored.	آیم بُ(ر)د.	حوصله ام سر رفته.
This party is boring.	ذِس پا(ر)تی اِز بُرینگ.	این مهمونی کسل کننده است.
Enjoy yourself.	اینجُی یُ(ر)سِلف.	لذت ببر.
Have fun.	هَو فان.	حال کن.

4 Satisfaction/ Dissatisfaction/ Complaint
رضایت/ عدم رضایت/ شکایت

Asking about Satisfaction — پرسش درباره رضایت
آسکینگ اِبوت سَتِس فَکشِن

How is your steak, Sir? — هاو اِز یُ سْتِیک، سِ(ر)؟ — استیک تان چطور است، آقا؟
How do you like your room? — هاو دو یو لایک یُ روم؟ — نظرشما درباره اطاق تان چیست؟
Is everything satisfactory? — اِز اِوری ثینگ سَتِس فَکتری؟ — آیا همه چیز رضایتبخش است؟
Are you satisfied with these photos? — آر یو سَتِس فاید ویذ ذیز فُوتُوز؟ — آیا شما از این عکس ها راضی هستید؟
Did you find our service satisfactory? — دید یو فایند آوِ سِروِس سَتِس فَکتری؟ — آیا سرویس ما رضایت شما را جلب کرد؟

Expressing Satisfaction — بیان رضایت
اِکس پرِسینگ سَتِس فَکشِن

It was satisfactory. — اِت واز سَتِس فَکتری. — اون رضایتبخش بود.
Everything is fine, thank you. — اِوری ثینگ اِز فاین، ثَنک یو. — همه چیز خوبه، متشکرم.
Everything was just perfect. — اِوری ثینگ واز جاست پِ(ر)فِکت. — همه چیز واقعا بی نقص بود.
It was O.K. — اِت واز اُو. کِی. — خوب بود.
Not bad. — نات بَد. — بد نبود.
Good enough. — گُد ایناف. — نسبتا خوب بود.

Asking about Dissatisfaction — پرسش درباره عدم رضایت
آسکینگ اِبوت دیس سَتِس فَکشِن

What's the matter? — واتس ذِ مَتِ؟ — موضوع چیه؟
Do you have a complaint? — دو یو هَو اِ کِم پلِینت؟ — شما شکایت دارید؟
Do you want to complain about something? — دو یو وانت تو کِم پلِین اِبوت سام ثینگ؟ — آیا می خواهید درباره چیزی شکایت کنید؟
What are you complaining about? — وات آر یو کِم پلِینینگ اِبوت؟ — در چه موردی شکایت دارید؟
Was something not to your satisfaction? — واز سام ثینگ نات تو یُ سَتِس فَکشِن؟ — آیا موردی برای عدم رضایت بود؟

Expressing Dissatisfaction
اِکسپرِسینگ دیس سَتِس فَکشِن

بیان نارضایتی

I'm a little dissatisfied with the service here.
آیم اِ لِتُل دیس سَتِس فاید ویذ ذِ س(ر)وِس هی یِ.
من تا حدی از سرویس اینجا ناراضی هستم.

I'm tired of working here.
آیم تاید آو وِ(ر)کینگ هی یِ.
من از کار کردن در اینجا خسته شدم.

I have a complaint.
آی هَو اِ کِم پلِینت.
من شکایت دارم.

Responding to Dissatisfaction/Complaints
ریسپاندینگ تو دیس سَتِس فَکشِن/ کِم پلِینتس

پاسخ دادن به نارضایتی/ شکایات

I'm sorry to hear that.
آیم ساری تو هی یِ ذَت.
از شنیدن آن متاسفم.

I'll look into it.
آیل لُک اینتو اِت.
من این مورد رو بررسی می کنم.

I'll see what I can do about it.
آیل سی وات آی کَن دو اِبوت اِت.
ببینم در این مورد چه کار می توانم بکنم.

What are you complaining about?
وات آر یو کِم پلِینینگ اِبوت؟
در چه موردی شکایت دارید؟

5 Wants/ Hopes/ Wishes
خواستن ها/ امیدها/ آرزوها

What do you want? وات دو یو وانت؟ چی میخواهی؟

Would you like to go too? وُد یو لایک تو گُو تو؟ تو هم می خواهی بروی؟

What do you want me to do? وات دو یو وانت می تو دو؟ از من می خواهی چه کار کنم؟

Whom do you wish to see? هوم دو یو وِش تو سی؟ میل داری چه کسی را ببینی؟

Do you hope to meet him? دو یو هُوپ تو میت هیم؟ آیا امیدواری او را ببینی؟

I would like to talk with you. آی وُد لایک تو تاک ویذ یو. من میل دارم با تو صحبت کنم.

I'd like to ride the bus. آید لایک تو راید ذِ باس. من میخواهم سوار اتوبوس شوم.

I want you to open this for me. آی وانت یو تو اُوپن ذِس فُ می. من ازت میخوام اینو برام باز کنی.

I wish to see her. آی وِش تو سی هِ(ر). من می خواهم او را ببینم.

I hope he comes on time. آی هُوپ هی کامز آن تایم. امیدوارم او سر وقت بیاید.

I wish that I could walk again. آی وِش ذَت آی کُد واک اِگِن. کاشکی من می توانستم دوباره راه بروم.

6 Care/ Concern/ Unconcern توجه/ نگرانی/ بی خیالی

Expressing Care/Concern بیان توجه/ نگرانی
اِکسپرِسینگ کِ(ر)/ کِنسِ(ر)ن

What's the matter? واتس ذ مَتِ؟ موضوع چیه؟
Are you all right? آر یو اُل رایت؟ سرحالی؟
Is everything O.K.? اِز اِوری ثینگ اُو.کِی.؟ همه چی مرتبه؟
Is something the matter? اِز سام ثینگ ذ مَتِ؟ مشکلی هست؟
I'm concerned about dad. آیم کِنسِند اِبوت دَد. من نگران پدر هستم.
I care about what you do. من نگران کارهایی که می کنی هستم.
آی کِ(ر) اِبوت وات یو دو.
I care that you're sick. آی کِ(ر) ذَت یُ(ر) سِک. من حواسم هست که تو مریضی.
Take care of yourself تِیک کِ(ر) آو یُ سِلف. مراقب خودت باش.

Asking for Care آسکینگ فُ کِ(ر) پرسش در مورد اهمیت دادن
What do you care? وات دو یو کِ(ر)؟ تو به چی اهمیت می دی؟
What does it matter to you? وات داز اِت مَتِ تو یو؟ این برای تو چه اهمیتی داره؟
Nobody cares about me anymore. دیگه هیچ کسی به من اهمیت نمی ده.
نُو بادی کِ(ر)ز اِبوت می اِنی مُ(ر).
Do you care if I live or die? آیا زنده بودن یا مردنم برات اهمیتی داره؟
دو یو کِ(ر) ایف آی لیو اُ(ر) دای؟

Telling Someone not to be Concerned به کسی بگوئیم نگران نباشد
تِلینگ سام وان نات تو بی کِنسِند

Don't worry about me. دُنت واری اِبوت می. نگران من نباش.
I can take care of myself. من می تونم از خودم مواظبت کنم.
آی کَن تِیک کِ(ر) آو مای سِلف.
It's none of your business. اِتس نان آو یُ بِزنِس. به تو ربطی نداره.
Keep your nose to yourself. کیپ یُ نُوز تو یُسِلف. سرت به کار خودت باشه.

Expressing Unconcern اِکسپرِسینگ آن کِنسِن بیان بی خیالی
Who cares? هو کِ(ر)ز؟ کی اهمیت می ده؟
I don't care. آی دُونت کِ(ر). من اهمیت نمی دم.
What does it matter? وات داز اِت مَتِ؟ چه ربطی داره؟
So what? سُو وات؟ که چی؟
The hell with it. ذِ هِل ویذ اِت. به جهنم.

7 Sorrow/ Regret تاسف/ ندامت

Asking about Sorrow/Regret پرسیدن درباره تاسف/ پشیمانی
آسکینگ اِبوت سارُو/ ریگرِت

Are you sorry? آیا تو متاسفی؟
آر یو ساری؟

Do you feel sorry for Mr Johnson? آیا برای آقای جانسون متاسفی؟
دو یو فیل ساری فُ میستِ جانسِن؟

Are you sorry that you came? از اینکه آمدی پشیمانی؟
آر یو ساری ذَت یو کِیم؟

Do you regret hitting her? آیا از اینکه او را زدی پشیمانی؟
دو یو ریگرِت هیتینگ هِ(ر)؟

Don't you regret what you said to her? آیا از آنچه که به او گفتی پشیمان نیستی؟
دُونت یو ریگرِت وات یو سِد تو هِ(ر)؟

Expressing Sorrow/Regret بیان تاسف/ پشیمانی
اِکسپرِسینگ سارُو/ ریگرِت

I'm sorry. من متاسفم.
آیم ساری.

Let me say how sorry I am to hear that the operation failed.
لِت می سِی هاو ساری آی اَم تو هی یِ ذَت ذی آپریشِن فِیلد.
اجازه بدهید بگویم ازاینکه شنیدم عمل جراحی موفقیت آمیز نبود چقدر متاسف شدم.

I want to express my sorrow at failing you on this test.
آی وانت تو اکسپرِس مای سارُو اَت فِیلینگ یو آن ذِس تِست.
من می خواهم تاسف خود را از عدم موفقیت شما در این آزمون بیان نمایم.

I feel sorry for you. من برای شما متاسفم.
آی فیل ساری فُ یو.

I feel bad that I can't help you more.
آی فیل بَد ذَت آی کَنت هِلپ یو مُ(ر). من متاسفم که بیشتر از این نمی توانم کمکتان کنم.

I regret to announce that tonight's show is cancelled.
آی ریگرِت تو اَنونس ذَت تِنایتس شُو اِز کَنسِلد.
من متاسفم از اینکه اعلام می کنم که شوِ امشب کنسل شده است.

8 Impatience/ Annoyance — کم صبری/ رنجش

Expressing Impatience/Annoyance — بیان بی قراری/ رنجش
اِکسپرِسینگ ایمپیشِنس/اِنو یِنس

I'm fed up with your demands. — من از خواسته های تو به تنگ اومدم.
آیم فِد آپ ویذ یُ دیمَندز.

You're driving me crazy. — یُ(ر) درایوینگ می کُریزی. — تو داری دیوونه ام می کنی.

You're bothering me. — یُ(ر) باذِرینگ می. — تو داری اذیتم می کنی.

You're annoying the hell out of me. — تو داری کفر منو در می آری.
یُ(ر) اِنُی ینگ ذِ هِل اَوت آو می.

Telling not to be Impatient — دعوت به صبوری
تِلینگ نات تو بی ایمپیشِنت

Calm down. — کام دَون. — آروم باش.

Take it easy. — تِیک اِت ایزی. — سخت نگیر.

Don't be in such a hurry. — دُنت بی این ساچ اِ هاری. — زیاد عجله نکن.

Don't get impatient. — دُنت گِت ایمپیشِنت. — کم صبر نباش.

Don't let it annoy you. — دُنت لِت اِت اِنُوی یو. — اجازه نده این موضوع اذیتت کنه.

9 Indignation/ Anger — خشم/ عصبانیت

Asking about Indignation/Anger — پرسش درباره خشم/ عصبانیت
اَسکینگ اِبوت ایندیگ نِیشِن/ اَنگِ(ر)

What's happened? — واتس هَپِند؟ — چه اتفاقی افتاده؟

Did I insult you? — دید آی اینسالت یو؟ — آیا من به شما توهین کردم؟

Are you angry about something? — شما از چیزی عصبانی هستید؟
آر یو اَنگری اِبوت سام ثینگ؟

Are you angry with me? — آر یو اَنگری ویذ می؟ — شما از من عصبانی هستید؟

What are you so angry about? — شما از چی اینقدر عصبانی هستید؟
وات آر یو سُو اَنگری اِبوت؟

Telling not to be Angry — دعوت به آرامش
تِلینگ نات تو بی اَنگری

Calm down. — کام دَون. — آروم باش.

Take it easy. — تِیک اِت ایزی. — سخت نگیر.

Maybe you're a little too sensitive. — شاید تو یک کم زیادی حساس هستی.
مِی بی یُ(ر) اِ لِتِل تو سِنسِ تیو.

Don't be so touchy. دُنت بی سُو تاچی. اینقدر نازک نارنجی نباش.
Don't be angry with me. دُنت بی اَنگری ویذ می. از من عصبانی نباش.

Expressing Indignation/Anger **بیان خشم/ عصبانیت**
اِکسپرِسینگ ایندیگ نِیشِن/ اَنگ(ر)

Who are you to say such a thing to me?
هو آر یو تو سِی ساچ اِ ثینگ تو می؟ تو کی هستی که چنین حرفی را به من بزنی؟

Aren't you the pot calling the kettle black?
آنت یو ذِ پات کالینگ ذِ کِتِل بلَک؟ تو همون دیگی نیستی که به دیگ میگه سیاهه؟

What do you mean I did a terrible job?
وات دو یو مین آی دید اِ تِرِبُل جاب؟ منظورت چیه که من کار خیلی بدی کردم؟

You're getting me angry.
یُ(ر) گِتینگ می اَنگری. تو داری منو عصبانی می کنی.

I'm starting to get angry.
آیم سْتا(ر)تینگ تو گِت اَنگری. من دارم جوش می آرم.

10 Disgust انزجار

Expressing Disgust **اِکسپرِسینگ دیسگاست** **بیان انزجار**

Yuck! آه!
یاک!

You're disgusting. تو تهوع آوری.
یُ(ر) دیسگاستینگ.

That disgusts me. اون حالمو به هم میزنه.
ذَت دیسگاستس می.

I'm really disgusted by your bad jokes.
آیم ری اِلی دیسگاستید بای یُ بَد جُوکس. من واقعا حالم از جوک های ناجور تو به هم می خوره.

I'm disgusted with my job. من حالم از شغلم به هم می خوره.
آیم دیسگاستید ویذ مای جاب.

Asking about Disgust **آسکینگ اِبوت دیسگاست** **پرسش درباره انزجار**

Wasn't what he did disgusting?
وازنت وات هی دید دیسگاستینگ؟ آیا کاری که او کرد مشمئز کننده نبود؟

You must be pretty disgusted with yourself.
یو ماست بی پُرتی دیسگاستید ویذ یُ(ر)سِلف. تو واقعا باید از خودت خجالت بکشی.

11 Belief/ Trust/ Disbelief/ Mistrust
اعتقاد/ اعتماد/ بی اعتقادی/ بی اعتمادی

Asking about Belief/ Trust — پرسیدن درباره اعتقاد/ اعتماد
آسکینگ اِبوت بِلیف/ تراست

Do you think he's honest? — آیا فکر می کنید او آدم درستی است؟
دو یو ثینک هیز آنیست؟

Do you believe she's guilty? — آیا شما معتقدید که او گناهکار است؟
دو یو بلیو شیز گِلتی؟

How can you believe that? — هاو کَن یو بلیو ذَت؟ — چطور می توانی این را باور کنی؟

Don't you believe in him? — دُنت یو بِلیو این هیم؟ — آیا به او اعتماد نداری؟

What do you believe in? — وات دو یو بِلیو این؟ — تو به چی اعتقاد داری؟

Stating Belief/Trust — سْتِی تینگ بِلیف/ تراست — بیان اعتقاد/ اعتماد

I believe that he's innocent. — من اعتقاد دارم که او بیگناه است.
آی بِلیو ذَت هیز این سِنت.

I'm convinced of his ability. — من به توانائی او اعتقاد دارم.
آیم کِنوینْسد آو هیز اِبِلتی.

I believe you. — آی بِلیو یو. — من تو را قبول دارم.

I trust you. — آی تراست یو. — من به تو اعتماد دارم.

I have complete faith in you. — من به تو ایمانِ کامل دارم.
آی هَو کِمپلیت فِیث این یو.

Asking for Trust — آسکینگ فُ تراست — درخواست اعتماد کردن

Believe me. — بِلیو می. — به من اعتماد داشته باش.

I swear to you that I'll love you to the end of the world.
آی سْوِر تو یو ذَت آیل لاو یو تو ذی اِند آو ذِ وِ(ر)لد.
من سوگند می خورم که تا پایان دنیا تو را دوست خواهم داشت.

Trust me. — تراست می. — به من اعتماد کن.

Don't you trust me? — دُنت یو تراست می؟ — تو به من اعتماد نداری؟

Have faith in me. — هَو فِیث این می. — به من ایمان داشته باش.

Stating Mistrust — سْتِی تینگ میستراست — بیان بی اعتمادی

You're kidding. — یُ(ر) کِدینگ. — شوخی می کنی.

That's unbelievable. — ذَتس آن بِلی وِبُل. — این باورنکردنیه.

That's incredible. — ذَتس این کرِدِبُل. — این باورنکردنیه.

I don't trust you. — آی دُنت تراست یو. — من به تو اعتماد ندارم.

12 Certainty/ Doubt — اطمینان/ شک

Asking about Certainty/Doubt — پرسیدن درباره یقین/ شک
آسکینگ اِبوت سِ تِنتی/ دَوت

Are you sure? — آر یو شُ اِ(ر)؟ — آیا مطمئنی؟
Are you certain? — آر یو سِ تِن؟ — آیا اطمینان داری؟
Is that for sure? — اِز ذَت فُ شُ اِ(ر)؟ — آیا این حتمیه؟
Are you unsure about doing it? — آیا در مورد انجام اون شک داری؟
آر یو آن شُ اِ(ر) اِبوت دوئینگ اِت؟
Do you doubt my love for you? — آیا در عشق من به خودت تردید داری؟
دو یو دَوت مای لاو فُ یو؟

Stating Certainty/ Doubt — بیان اطمینان/ شک
سَتِی تینگ سِ تِنتی/ دَوت

Completely. — کِم پلیتلی. — کاملا.
Absolutely. — اَبسِ لوتلی. — کاملا.
I'm sure. — آیم شُ اِ(ر). — من مطمئنم.
I'm certain about it. — آیم سِ تِن اِبوت اِت. — من در آن مورد یقین دارم.
I have no doubt that he's O.K. — من شکی ندارم که او آدم خوبی است.
آی هَو نُو دَوت ذَت هیز اُو. کِی.
I have some doubts about it. — من در آن مورد کمی شک دارم.
آی هَو سام دَوتس اِبوت اِت.
I doubt he'll come. — آی دَوت هیل کام. — من شک دارم که او بیاید.

13 Comment/ Opinion — نظر/ عقیده

Asking for Comments/Opinions — پرسیدن درباره نظریات/ عقاید
آسکینگ فُ کامِنتس/ آپینیِنز

How was the movie last night? — دیشب فیلم چطور بود؟
هاو واز ذِ مووی لَست نایت؟
Do you have any comments on this idea, Fred?
دو یو هَو اِنی کامِنتس آن ذِس آیدیِ، فْرِد؟
فرد، آیا هیچ نظری نسبت به این ایده داری؟

Do you think that she was fair to John?
آیا فکر می کنی که او نسبت به جان بی طرف بود؟
دو یو ثینک ذَت شی واز فِ(ر) تو جان؟
In your opinion, is he a nice man?
به نظر تو، آیا او مرد خوبی است؟
این یُ آپینیِن، اِز هی اِ نایس مَن؟
What's your opinion on this problem?
نظر تو درباره این مسئله چیست؟
واتس یُ آپینیِن آن ذِس پْرابْلِم؟
Could you give me your comments on the Mayor's decision?
آیا می توانی نظراتت را درباره تصمیم شهردار به من بگوئی؟
کُد یو گیو می یُ کامِنتس آن ذِ مِ یِز دی سی ژِن؟

Stating Comments/Opinions
بیان نظریات/ عقاید
س‌ْتِی تینگ کامِنتس/ آپینیِنز

It was a great lecture.
سخنرانی فوق العاده بود.
اِت واز اِ گْرِیت لِکچِ.
If you ask me, this test is a little too difficult.
اگه از من بپرسی، این امتحان یک کمی زیادی سخت است.
ایف یو آسک می، ذِس تِست اِز اِ لِتِّل تو دِفکالت.
If I were you, I'd quit.
اگه من جای تو بودم، استعفا می دادم.
ایف آی وِ یو، آید کواِت.

Reacting to Comments/Opinions
واکنش نشان دادن به نظریات/ عقاید
ری آکتینگ تو کامِنتس/ آپینیِنز

Thank you for your comments.
از شما بابت نظریاتتان تشکر می کنم.
ثَنک یو فُ یُ کامِنتس.
Your comments have been very helpful.
نظریاتتان بسیار مفید بوده اند.
یُ کامِنتس هَو بین وِری هِلپ فُل.
I really appreciate your comments.
من واقعا از نظریات شما متشکرم.
آی ری اِلی آپری شی اِیت یُ کامِنتس.

14 Advice/ Suggestion/ Recommendation
توصیه/ پیشنهاد/ سفارش

Asking for Advice
آسکینگ فُ اِدوایس
توصیه خواستن

Do you think I ought to ...?
دو یو ثینک آی آت تو...؟
آیا فکر می کنید من باید ...؟

What do you think I should buy?
وات دو یو ثینک آی شُد بای؟
فکر می کنید من باید چه چیزی بخرم؟

Should I ...?
شُد آی...؟
آیا من باید...؟

If you were me, what would you tell her?
ایف یو وِ می، وات وُد یو تِل هِ(ر)؟
اگر شما به جای من بودید، به او چه می گفتید؟

Do you have any advice for me?
دو یو هَو اِنی اِدوایس فُ می؟
آیا برای من توصیه ای دارید؟

Can you give me some advice about ...?
کَن یو گیو می سام اِدوایس اِبوت...؟
می توانید در مورد ... چند توصیه به من بدهید؟

Are you suggesting that ...?
آر یو سِجِستینگ ذَت...؟
آیا شما پیشنهاد می کنید که...؟

What do you recommend for a bad headache?
وات دو یو رِکِمِند فُ اِ بَد هِدایک؟
برای سر درد حاد چه پیشنهاد می کنید؟

Do you have any recommendations about ...?
دو یو هَو اِنی رِکِمِندیشِنز اِبوت..؟
شما در مورد ... توصیه ای دارید؟

Can you recommend a good hotel?
کِن یو رِکِمِند اِ گُد هُوتِل؟
آیا شما می توانید یک هتل خوب پیشنهاد کنید؟

Offering Advice
آفرینگ اِدوایس
پیشنهاد ارائه دادن

I think you'd better... .
آی ثینک یود بِتِ... .
من فکر می کنم شما بهتر است... .

If I were you, I'd ... .
ایف آی وِ یو، آید... .
اگر من به جای شما بودم، من... .

Why don't you try...?
وای دُنت یو ترای... ؟
چرا ... را امتحان نمی کنید؟

How about taking the bus instead of driving?
هاو اِبوت تِیکینگ ذِ باس اینستِد آو درای وینگ؟
چطوره بجای رانندگی کردن با اتوبوس بروید؟

I advise you to talk with your lawyer.
آی اِدوایز یو تو تاک ویذ یُ لا یِ.
من به شما توصیه می کنم با وکیل تان صحبت کنید.

My advice is to be careful. — سفارش من این است که مراقب باشی.
مای ادوایس اِز تو بی کِ(ر)فُل.

I suggest that we ... . — من پیشنهاد می کنم که ما... .
آی سِجِست ذَت وی... .

Let me suggest that we ... . — بگذارید پیشنهاد کنم که ما... .
لِت می سِجِست ذَت وی... .

I recommend that you cancel your appointment.
من توصیه می کنم که شما قرار ملاقات تان را کنسل کنید. — آی رِکِمند ذَت یو کَنسِل یُ اِپُینت مِنت.

My recommendation is that we ... . — توصیه من این است که ما ... .
مای رِکِمندِیشِن اِز ذَت وی... .

15 Purpose/ Reason/ Plan
قصد/علت/ برنامه

Asking about Purpose/ Reasons/ Plans
پرسیدن درباره قصد/ علت/ برنامه
اَسکینگ اَبوت پِ(ر)پِس/ ری زِنز/ پْلَنز

What do you intend to buy for us? — قصد داری برای ما چی بخری؟
وات دو یو اینتِند تو بای فُ آس؟

Why were you walking in the rain? — چرا داشتی در باران قدم می زدی؟
وای وِ یو واکینگ این ذِ رِین؟

For what reason are you selling your new car?
به چه علت داری ماشین جدیدت را می فروشی؟ — فُ وات ری‌زِن آر یو سِلینگ یُ نو کا(ر)؟

Do you plan to go home? — آیا قصد داری به خانه بروی؟
دو یو پْلَن تو گُو هُوم؟

Do you have any plans for this weekend?
آیا برای تعطیلی آخر این هفته برنامه ای داری؟ — دو یو هَو اِنی پلَنز فُ ذِس ویکِند؟

What are you planning to do tomorrow night?
برای فردا شب قصد داری چه کار کنی؟ — وات آر یو پلَنینگ تو دو تِمارُو نایت؟

Stating Purpose/ Reasons/Plans
بیان قصد/علت/ برنامه
سْ تِیتینگ پِ پِس/ ری زِنز/ پلَنز

I helped her because she can help me sometime in the future.
آی هِلپت هِ(ر) بیکاز شی کَن هِلپ می سام تایم این ذِ فیوچِ.
من به او کمک کردم زیرا او می تواند زمانی در آینده به من کمک کند.

I gave it to the bank in order to keep it safe.
من آن را به بانک سپردم برای اینکه امن بماند. — آی گِیو اِت تو ذِ بَنک این اُدِ تو کیپ اِت سِیف.

My purpose in inviting you here is to congratulate you.
مای پِ پِس این اینوایتینگ یو هی یِ اِز تو کِن گرَچولیت یو.
هدف من از دعوت شما به اینجا عرض تبریک است.

I took the medicine so that I could get some relief.
آی تُک ذِ مِدسِن سُو ذَت آی کُد گِت سام ریلیف.
من دارو را مصرف کردم به این منظور که کمی تسکین پیدا کنم.

I didn't mean to hit him so hard.
آی دیدنت مین تو هیت هیم سُو ها(ر)د.
من قصد نداشتم او را اینقدر محکم بزنم.

I intend to marry him, with or without your permission.
آی اینتِند تو مَری هیم، ویذ اُر ویذات یُ پِ(ر)مِشِن.
چه شما اجازه بدین چه ندین، من قصد دارم با او ازدواج کنم.

My intention was to stay home.
مای اینتِنشن واز تو سْتِی هُوم.
قصد من ماندن در خانه بود.

I'm thinking of resigning from my job.
آیم ثینکینگ آو ری زاینینگ فرام مای جاب.
من دارم درمورد استعفاء از کارم فکر می کنم.

The reason why I called you is to ask some questions.
ذِ ری زِن وای آی کالد یو اِز تو آسک سام کواسچِنز.
دلیل زنگ زدن به تو این است که ازت چند سوال بپرسم.

I'm planning to pay you next week.
آیم پلَنینگ تو پِی یو نِکست ویک.
من قصد دارم هفته آینده پولت را پرداخت کنم.

16 Decision/ Choice — تصمیم/ انتخاب

Asking about Decisions/ Choices — پرسیدن درباره تصمیم/ انتخاب
آسکینگ اِبوت دی سی ژنز/ چُیسیز

Have you reached a decision? — آیا تصمیم گرفته اید؟
هَو یو ریچت اِ دی سی ژِن؟

Have you made up your mind? — آیا تصمیمت را گرفته ای؟
هَو یو مِید آپ یُ مایند؟

What have you decided to do? — تصمیم گرفته ای چه کاری انجام دهی؟
وات هَو یو دی سایدید تو دو؟

What's your decision? — تصمیمت چیست؟
واتس یُ دی سیِ ژِن؟

Have you chosen a partner? — آیا شریکی انتخاب کرده ای؟
هَو یو چُوزن اِ پا(ر)تنِ(ر)؟

Which do you choose? — تو کدام را انتخاب می کنی؟
وِچ دو یو چوز؟

Have you changed your mind? — آیا تغییر عقیده داده ای؟
هَو یو چِینجد یُ مایند؟

Stating Decisions/ Choices — بیان تصمیم/ انتخاب
سْتِی تینگ دی سی ژِنز/ چُویسیز

I've decided to sell the car. — من تصمیم گرفته ام ماشین را بفروشم.
آیو دی سایدید تو سِل دِ کا(ر).

I've made up my mind. — من تصمیمم را گرفته ام.
آیو مِید آپ مای مایند.

My decision is to adopt Plan B. — تصمیم من انتخاب نقشهٔ B است.
مای دی سی ژِن اِز تو اِداپت پلَن بی.

I choose the small red box. — من جعبه کوچک قرمز را انتخاب می کنم.
آی چوز دِ سْمال رِد باکس.

I want the blue one. — من اون آبیه رو می خوام.
آی وانت دِ بلو وان.

I've decided on green. — من تصمیم گرفته ام سبز را بردارم.
آیو دی سایدید آن گرین.

I've changed my mind. — من تصمیمم را عوض کرده ام.
آیو چِینجد مای مایند.

17 Ability توانائی

Asking about Ability آسکینگ اِبوت اِبِلِتی پرسیدن درباره توانائی

Can you open this bottle? آیا می توانی این بطری را باز کنی؟
کَن یو اُوپن دِس باتِل؟

Are you able to read this? آیا قادر هستی این را بخوانی؟
آر یو اِیبِل تو رید دِس؟

Do you know how to fix a car? آیا می توانی ماشین تعمیر کنی؟
دو یو نُو هاو تو فِکس اِ کا(ر)؟

Do I have the ability to become a good painter?
دو آی هَو ذی اِبِلِتی تو بیکام اِ گُد پینتِ(ر)؟ آیا من توانائی این را دارم که نقاش خوبی شوم؟

Stating Ability سْ تِی تینگ اِبِلِتی بیان توانائی

I can run faster than him. من می توانم تند تر از او بدوم.
آی کَن ران فَستِ ذَن هیم.

I'm not able to swim. من قادر نیستم شنا کنم.
آیم نات اِیبِل تو سویم.

I don't know how to make pottery. من سفالگری بلد نیستم.
آی دُنت نُو هاو تو مِیک پاتری.

You have the ability to do whatever you want.
یو هَو ذی اِبِلِتی تو دو وات اِوِ یو وانت. شما توانائی دارید هر کاری را که می خواهید انجام دهید.

18 Efforts/ Attempts کوشش/ تلاش

Asking about Efforts/Attempts پرسیدن درباره کوشش/ تلاش
آسکینگ اِبوت اِفِتس/ اِتِمپتس

What are you trying to say? داری سعی می کنی چی بگی؟
وات آر یو ترائینگ تو سِی؟

Have you attempted to sell your car? آیا تلاش کرده ای ماشینت را بفروشی؟
هَو یو اِتِمپتِد تو سِل یُ کا(ر)؟

Did your attempts succeed or fail?
دید یُ اِتِمپتس سِکسید اُ فِیل؟ آیا تلاش های تو به موفقیت انجامید یا شکست؟

Are you really making an effort to get ... ?
آر یو ریلی مِیکینگ اَن اِفِت تو گِت ... ؟ آیا برای رسیدن به ... واقعا تلاش می کنی؟

Were your efforts fruitful?
وِ یُ اِفِتس فروت فُل؟ آیا کوشش هایت ثمربخش بودند؟

Stating Efforts/Attempts — بیان کوشش/ تلاش

سنتی تینگ اِفتس/ اِتمپتس

I tried to call him, but. . . — من سعی کردم به او تلفن بزنم، اما...
آی ترايد تو كال هيم، بات...

I'm trying to find his number. — من دارم سعی می کنم شماره اش را پیدا کنم.
آیم ترائینگ تو فایند هیز نامب.

That was a nice try. — کوشش خوبی بود.
ذَت واز اِ نایس ترای.

My attempts to see him failed. — تلاش هایم برای دیدن او ناموفق بود.
مای اِتمپتس تو سی هیم فِیلد.

I made an effort to fix it. — من کوشش کردم آن را درست کنم.
آی مِید اَن اِفت تو فِکس اِت.

Urging to Try/Attempt — تشویق کردن به سعی/ تلاش

اِ(ر)جینگ تو ترای/ اِتمپت

Try it. — اینو امتحان کن.
ترای اِت.

Try and be on time next time. — تلاش کن و دفعه دیگه به موقع بیا.
ترای اَند بی آن تایم نِکست تایم.

Why don't you try buying a new car?
وای دُنت یو ترای بای اینگ اِ نیو کار؟ — چرا سعی نمی کنی یک ماشین جدید بخری؟

How about trying to look for a new job?
هاو اِبوت تراییینگ تو لُک فَ اِ نیو جاب؟ — چطوره سعی کنی دنبال یک کار جدید بگردی؟

19 Possibility/ Probability — امکان/ احتمال

Asking about Possibility/ Probability — پرسیدن درباره امکان/ احتمال

آسکینگ اِبوت پاسیبِلِتی/ پرابِبلِتی

Is it possible to see Mount Fuji from here?
اِز اِت پاسِبِل تو سی ماونت فوجی فرام هی یِ؟ — آیا دیدن کوه فوجی از اینجا امکان پذیر است؟

Is there any possibility of selling everything today?
اِز ذِ اِنی پاسِبِلِتی آو سِلینگ اِوری ثینگ تِدِی؟ — آیا امروز فروش همه چیز امکان پذیر است؟

What possibility is there that they're still alive?
وات پاسِبِلِتی اِز ذِ ذَت ذِ(ر) سْتِل اِلایو؟ — چه امکانی وجود دارد که آنها هنوز زنده باشند؟

Is there any chance we'll win the big game next week?
اِز ذِ اِنی چَنس ویل وین ذِ بیگ گِیم نِکست ویک؟
آیا شانسی وجود دارد که ما هفته آینده بازی بزرگ را ببریم؟

What are the chances of discovering the treasure?
وات آ ذِ چَنسیز آو دیس کاوِرینگ ذِ تِرِژِ؟
چه شانسی برای کشف گنج وجود دارد؟

How likely is an earthquake in the next five years?
هاو لایکلی اِز آن اِ(ر)ث کوایک این ذِ نِکست فایو یِ(ر)ز؟
تا پنج سال آینده احتمال وقوع زمین لرزه چه اندازه است؟

What will probably happen to her?
وات ویل پرابِبلی هَپن تو هِ(ر)؟
احتمال دارد چه اتفاقی برایش رخ دهد؟

What's the probability that it's going to rain tomorrow?
واتس ذِ پرابِبِلِتی ذَت اِتس گوئینگ تو رِین تِمارُو؟
چقدر احتمال دارد که فردا باران ببارد؟

How probable is a war between the two countries?
هاو پرابِبَل اِز اِ وا(ر) بِت وین ذِ تو کانتریز؟
احتمال جنگ بین دو کشور چقدر است؟

Stating Possibility	سْتِی تینگ پاسِبِلِتی	بیان احتمال
Maybe.	مِی بی.	شاید.
Perhaps.	پِ(ر)هَپس.	شاید.
Could be.	کُد بی.	ممکنه.
It's possible.	اِتس پاسِبَل.	امکان داره.
He may visit us here.	هی مِی وِزِت آس هی یِ.	اون ممکنه مارو اینجا ببینه.
I might finish this today.	آی مایت فِنِش ذِس تِدِی.	احتمال دارد من این کار را امروز تمام کنم.

There's a good possibility that he'll get here on time.
ذِ(ر)ز اِ گُد پاسِبِلِتی ذَت هیل گِت هی یِ آن تایم.
احتمال خوبی وجود داره که اون سر وقت به اینجا برسه.

There's a fifty-fifty chance that I'll go.
ذِ(ر)ز اِ فِفتی-فِفتی چَنس ذَت آیل گُو.
احتمال ۵۰-۵۰ است که من بروم.

Chances are they'll give up.
چَنسیز آ ذِیل گیو آپ.
احتمالا اونا کار رو رها خواهند کرد.

He'll most likely go home.
هیل مُوست لایکلی گُو هُوم.
به احتمال زیاد او میره خونه.

They will probably buy the car.
ذِی ویل پرابِبلی بای ذِ کا(ر).
آنها احتمالا ماشین را خواهند خرید.

There's a 90 per cent probability of rain tomorrow morning.
ذِ(ر)ز اِ نایِنتی پِ(ر) سِنت پرابِبِلِتی آو رِین تِمارُو مُ نینگ.
به احتمال ۹۰ درصد فردا صبح باران خواهد بارید.

Stating Impossibility | **سِتِی تینگ ایم پاسِبِلِتی** | **بیان غیر ممکن**

Impossible! ایم پاسِبُل! غیر ممکنه!

Not a chance! نات اِ چَنس! شانسی وجود نداره!

No way! نُو وِی! راهی وجود نداره!

That's totally out of the question. اصلا امکان نداره.
ذَتس تُوتالی أوت آو ذِ کواسچِن.

It was impossible to see him. دیدن او غیر ممکن بود.
اِت واز ایمپاسِبُل تو سی هیم.

It's not possible that he's still there. امکان نداره که او هنوز اونجا باشه.
اِتس نات پاسِبُل ذَت هیز سْتِل ذِ.

There's no chance of winning. هیچ شانسی برای برنده شدن وجود نداره.
ذِ(ر)ز نُو چَنس آو وینینگ.

20 Need/ Necessity/ Obligation نیاز/ ضرورت/ اجبار

Asking about Need/ Obligation **پرسیدن درباره نیاز/ اجبار**
آسکینگ اِبوت نید/ آبلِگِی شِن

Do you need something? چیزی لازم داری؟
دو یو نید سام ثینگ؟

Are you in need of anything? شما چیزی لازم دارید؟
آر یو این نید آو آنی ثینگ؟

Is it necessary to finish now? آیا لازمه که حالا تعطیل کنیم؟
اِز اِت نِ سِ سِری تو فِنِش نَو؟

Should I feed the baby now? آیا من الان باید به نوزاد غذا بدهم؟
شُد آی فید ذِ بِیبی نَو؟

Do I have to wash the dishes? آیا من باید ظرف ها را بشویم؟
دو آی هَف تو واش ذِ دِشِز؟

Am I supposed to meet them? آیا من باید آنها را ملاقات کنم؟
اَم آی سِپُوزد تو میت ذِم؟

Must we meet her? آیا ما باید او را ملاقات کنیم؟
ماست وی میت هِ(ر)؟

Are we obliged to help them? آیا ما ملزم هستیم به آنها کمک کنیم؟
آر وی اِبلایجد تو هِلپ ذِم؟

Stating Need/ Obligation **بیان نیاز/ اجبار**
سْتِی تینگ نید/ آبلِگِیشن

We need to talk about this. لازم است ما در این مورد صحبت کنیم.
وی نید تو تاک اِبوت ذِس.

There is a need for patience. صبوری لازم است.
ذِ اِز اِ نید فُ پِیشِنس.

I should tell you his name.
آی شُد تِل یو هیز نِیم.
من باید نامش را به شما بگویم.

You ought to ask her.
یو آت تو آسک هِ(ر).
شما باید از او بپرسید.

You'd better do it today.
یود بِتِ دو اِت تِدِی.
تو بهتر است امروز این کار را انجام بدی.

I'm supposed to guide you.
آیم سَپُوزد تو گاید یو.
من قرار است شما را راهنمائی کنم.

Everyone must leave now.
اِوری وان ماست لیو نَو.
حالا همه باید بروند.

I have an obligation to them.
آی هَو اَن آبلِگِیشن تو ذِم.
من نسبت به آنها تعهد دارم.

Denying Need/ Necessity/ Obligation انکار کردن نیاز/ ضرورت/ اجبار
دی نائینگ نید/ نِ سِ سیتی/ آبلِگِی شِن

No need to worry about it.
نُو نید تو واری اِبوت اِت.
نگرانی در این زمینه بی مورده.

Don't bother with it.
دُنت باذ(ر) ویذ اِت.
خودت را به خاطر اون اذیت نکن.

We don't have to start this, this afternoon.
وی دُنت هَف تو سْتا(ر)ت ذِس، ذِس اَفتِ نون.
ما نباید امروز بعد از ظهر این کار را شروع کنیم.

You shouldn't sleep with your mouth open.
یو شُدنت سْلیپ ویذ یُ مَوث اُوپن.
شما نباید با دهان باز بخوابید.

You're not supposed to open that present now.
یُ(ر) نات سِپُوزد تو اُوپن ذَت پرِزِنت نَو.
شما قرار نیست حالا هدیه را باز کنید.

You ought not to use such bad language in school.
یو آت نات تو یوز ساچ بَد لَنگواِج این سْکول.
شما نباید در مدرسه حرف بد بزنید.

You're under no obligation to... .
یُ(ر) آندِ نُو آبلِگِی شِن تو... .
شما تعهدی ندارید که... .

There's no obligation to continue.
ذِ(ر)ز نُو آبلِگِی شِن تو کِن تینیو .
اجباری به ادامه دادن نیست.

21 Logical Necessity ضرورت منطقی

There must be a better way to do this.
ذِ ماست بی اِ بِتِ وِی تو دو ذِس.
باید راه بهتری برای انجام این کار وجود داشته باشد.

I must have made a mistake.
آی ماست هَو مِید اِ مِس تِیک.
من باید اشتباه کرده باشم.

This has to be the correct answer.
ذِس هَس تو بی ذِ کِرِکت اَنسِ.
این باید پاسخِ درست باشد.

Those figures can't be complete.
ذُوز فِگِز کَنت بی کامپلیت.
آن اعداد نمی توانند کامل باشند.

22 Prohibition ممنوعیت

Prohibiting پرُوهی بی تینگ **ممنوع کردن**

I forbid you to open that letter.
آی فِ(ر)بِد یو تو اُوپِن ذَت لِتِ.
من شما را از باز کردن آن نامه منع می کنم.

You are forbidden to open the box.
یو آ فِ(ر)بِدِن تو اُوپِن ذِ باکس.
باز کردن جعبه برای شما ممنوعیت دارد.

You may not smoke in this office.
یو مِی نات سْمُوک این ذِس آفِس.
شما اجازه ندارید در این دفتر کار سیگار بکشید.

You must not talk loudly in the library.
یو ماست نات تاک لَودلی این ذِ لایبرِری.
شما نباید در کتابخانه با صدای بلند صحبت کنید.

Smoking is prohibited in this part of the plane.
سْمُوکینگ اِز پروهی بی تِد این ذِس پا(ر)ت آو ذِ پْلین.
سیگار کشیدن در این قسمت هواپیما ممنوع است.

Asking about Prohibitions **پرسش درباره ممنوعیت**
آسکینگ اِبَوت پرُوهی بی شِنز

May I sit here?
مِی آی سیت هی یِ؟
اجازه دارم اینجا بشینم؟

Is smoking permitted?
اِز سْمُوکینگ پِ(ر)مِتِد؟
سیگارکشیدن مجازه؟

Am I permitted to park here?
اَم آی پِ(ر)مِتِد تو پا(ر)ک هی یِ؟
آیا اجازه دارم اینجا پارک کنم؟

Is smoking prohibited here?
اِز سْمُوکینگ پروهی بی تِد هی یِ؟
آیا سیگار کشیدن در اینجا ممنوع است؟

23 Hypothetical Situations موقعیت های فرضی

Future Hypothetical Situations موقعیت های فرضی آینده

فیوچِ های پُو ثِتیکال سی چو ایشِنز

If you like the car, will you buy it? اگر از این ماشین خوشت بیاید، آن را می خری؟

ایف یو لایک ذِ کا(ر)، ویل یو بای اِت؟

Suppose I can't go. Will you go instead of me?

فرض کن من نتوانم بروم. آیا تو به جای من می روی؟ سِپُوز آی کَنت گُو. ویل یو گُو اینستِد آو می؟

What will you do if you find him? اگر او را پیدا کنی چه کار خواهی کرد؟

وات ویل یو دو ایف یو فایند هیم؟

Given that you can't find the papers, what will you do?

گیون ذَت یو کَنت فایند ذِ پیپ(ر)ز، وات ویل یو دو؟

به فرض اینکه نتوانی کاغذها را پیدا کنی، چه کار خواهی کرد؟

Present Hypothetical Situations موقعیت های فرضی حال

پرزِنت های پُو ثِتیکال سی چو ایشِنز

If you loved me, you would buy this for me.

ایف یو لاود می، یو وُد بای ذِس فُ می. اگر مرا دوست داشتی، این را برایم می خریدی.

If I were to answer that question, would I get into trouble?

ایف آی وِ(ر) تو اَنسِ ذَت کواِسچِن، وُد آی گِت اینتو ترابِل؟

اگر قرار بود به آن سوال پاسخ دهم، آیا به دردسر می افتادم؟

Would you still love me even if I didn't have any money?

وُد یو سْتِل لاو می ایوِن ایف آی دیدنت هَو اِنی مانی؟

آیا حتی اگر هیچ پولی نداشتم، تو همچنان دوستم داشتی؟

Past Hypothetical Situations موقعیت های فرضی گذشته

پَست های پُو ثِتیکال سی چو ایشِنز

I would have talked with him if I had had the time.

آی وُد هَو تاکت ویذ هیم ایف آی هَد هَد ذِ تایم. اگر فرصت داشتم، با او صحبت می کردم.

If you had been me, what would you have done?

ایف یو هَد بین می، وات وُد یو هَو دان؟ اگر تو به جای من بودی، چه کار می کردی؟

Had the police arrived in time, they would have caught the thief.
هَد ذِ پُلیس اِرایود این تایم، ذِی وُد هَو کات ذِ ثیف.
اگر پلیس ها به موقع رسیده بودند، دزد را دستگیر می کَردند.

Would you have begun talking with me even if I was ugly?
وُد یو هَو بیگان تاکینگ ویذ می ایوِن ایف آی واز آگلی؟
آیا حتی اگر من زشت بودم با من صحبت می کردی؟

24 Conditions شرط ها

I'll go if you go.
آیل گُو ایف یو گُو.
اگر تو بری، من هم خواهم رفت.

I'll try to meet him tomorrow, if possible.
آیل ترای تو میت هیم تِمارُو، ایف پاسِبُل.
در صورت امکان، من سعی خواهم کرد فردا او را ملاقات کنم.

I'll only do it if you help me.
آیل أونلی دو اِت ایف یو هِلپ می.
اگر کمکم کنی، من حتما این کار را انجام خواهم داد.

He will not write the report unless you order him to.
هی ویل نات رایت ذِ ریپُ(ر)ت آنلِس یو اُ(ر)دِ هیم تو.
او گزارش را نخواهد نوشت مگر اینکه تو به او دستور بدهی.

I'll talk with him provided that he doesn't insult me again.
آیل تاک ویذ هیم پرُوایدید ذَت هی دازِنت اینسالت می اِگِن.
من با او صحبت خواهم کرد به شرطی که دوباره به من توهین نکند.

You can sell this if you promise to split the profit with me.
یو کَن سِل ذِس ایف یو پرامِس تو سْپلِت ذِ پرافِت ویذ می.
اگر قول بدهی سود حاصله را با من تقسیم کنی، می توانیَ این را بفروشی.

انتشارات جنگل از همین مؤلف منتشر کرده است

دوره ۶ جلدی قصه های تامی

مجموعه قصه های تامی شامل داستان های جذاب و خواندنی برای مطالعه شخصی و تحقیق زبان انگلیسی ویژه دانش آموزان سال های اول، دوم و سوم راهنمائی است.

